

نگاہ ایرانی بہ مطبوعات عربی



سید محمد صفی

هیأت نظارت بر مطبوعات به عنوان عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری
بربخشی از رسانه‌های کشور، یعنی مطبوعات از چندین سال پیش درصدد شناخت
صحیح از رسانه‌های خارجی با تأکید بر مطبوعات بوده است.

با توجه به تدوین قانون جامع رسانه‌ها و مشکلات قانونی و اجرایی موجود،
لزوم آشنایی اعضای هیأت با فرآیند تدوین قوانین مطبوعاتی و فعالیت‌های
اصحاب مطبوعات در کشورهای منطقه و زمینه‌سازی برقراری ارتباط مؤثر و مداوم
مدیران و روزنامه‌نگاران کشورمان با هم‌تایان خود در کشورهای اسلامی و
ضرورت ایجاد و ارتقای سطح روابط فرهنگی با توجه به تمایل بسیار زیادی که
از جانب روزنامه‌نگاران کشورهای اردن، لبنان و کویت ابراز شده بود و لزوم اتحاد
و هماهنگی رسانه‌های کشورهای اسلامی در مقابل جریان یک‌سویه اطلاعات
تدارک کشورهای پیشرفته، به پیشنهاد معاون امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی برنامه سفر هیأت نظارت به سه کشور مذکور
دیده شد. کتابی که در دست دارید گزارش این سفرهاست.



مرکز مطالعات
و
تحقیقات رسانه‌ها

قیمت: ۱۴۰۰ تومان

ISBN 946-6757-85-5



9 789646 757851

نگاه ایرانی به مطبوعات عربی

RAL

بیت
مخاوت
والف
السنه

سید محمد صفی

م

۱/۹۶۰



۱۳۷۸
مهر ماه

نگاه ایرانی به مطبوعات عربی

سید محمد صحفی

نگاه ایرانی به مطبوعات عربی

گزارش سفر اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات ایران به سه کشور اردن، لبنان، و کویت

مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

۱۳۸۴

صحفی، محمد، ۱۳۳۶ -

نگاه ایرانی به مطبوعات عربی: گزارش سفر اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات ایران به سه کشور اردن، لبنان و کویت / محمد صحفی. --- تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۳.
۲۱۶ ص: مصور.

ISBN: 964-8757-85-5

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیها.

۱. مطبوعات -- کشورهای عربی -- تحقیق. ۲. مطبوعات -- اردن -- تحقیق. ۳. مطبوعات -- لبنان -- تحقیق.
۳. مطبوعات -- کویت -- تحقیق. الف. ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. ب.
عنوان. ج. عنوان گزارش سفر اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات ایران به سه کشور اردن، لبنان و کویت.

۰۷۸/۱۷۵۹۱۲۷

PN ۵۳۵۹ / ص ۳

۱۱۳۰ - ۸۴

کتابخانه ملی ایران



مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

نگاه ایرانی به مطبوعات عربی

گزارش سفر اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات ایران به سه کشور اردن، لبنان و کویت

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: سازمان چاپ و انتشارات

ISBN 964-8757-85-5

شابک ۵-۸۵-۶۷۵۷-۹۶۴

تهران: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوم، شماره ۱۳

تلفن: ۸۷۳۳۳۰۶، ۸۷۳۰۲۱۳

دورنویس: ۸۷۳۰۳۷۷

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
۱۱	دیباچه.....

فصل اول. وضعیت اجتماعی - فرهنگی و موقعیت مطبوعات

۲۵	اردن.....
۴۷	لبنان.....
۶۹	کویت.....

فصل دوم. دیدارها و گفت‌وگوها

۸۵	دیوار اصحاب کهف.....
۱۱۵	سرزمین زیتون و روزنامه.....
۱۵۳	از افق خلیج فارس.....

فصل سوم. پیوست‌ها

۱۹۱	ره‌آورد سفر.....
۱۹۵	گفت‌وگو با روزنامه‌الانباء.....

فصل چهارم. تصاویر

۲۰۱	تصاویر دیدارها.....
۲۰۹	تصاویر برخی از روزنامه‌ها.....

پیش‌گفتار

جهان امروز، جهان ارتباطات است. اگر این گزاره را بپذیریم، آنگاه، نماد واقعی این جهان "رسانه" خواهد بود. رسانه‌ای که می‌تواند در مقیاس جهانی تأثیراتی اعجاب‌آور بر مخاطبان بگذارد، واقعیت را به گونه‌ای نشان دهد که خود می‌خواهد و مفاهیم را به سبکی جدید تعریف و بازتولید نماید. به نظر می‌رسد اهمیت "رسانه" در همین ویژگی بازتولید و گستره و عمق نفوذ و اثرگذاری آن باشد، والا اگر نقش "رسانه" تنها به انعکاس واقعیت‌ها محدود بود، حداقل در حوزه سیاست، دارای اهمیت امروز نبود.

البته تأکید بر این نکته نیز ضروری است که مخاطب در همین جهان مغلوب رسانه‌ها، منفعل و درمانده نیست بلکه سعی می‌کند از دریافت پیام‌های متعدد، واقعیت صحیح را تشخیص دهد. با این حال، باید اذعان کرد مخاطب، حتی همین پیام‌های متعدد و متفاوت را نیز از "رسانه" دریافت می‌دارد.

در حال اهمیت رسانه، به عنوان واقعیتهایی جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان امروز هیچ‌گونه تردیدی برجای نمی‌گذارد که مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی کشور به‌طور مداوم، جایگاه رسانه‌های کشور را در افکار عمومی و دستگاه‌های دولتی در سطح ملی و همچنین در قیاس با فراز و فرودهای رسانه‌های منطقه‌ای و حتی جهانی از منظر پیشرفت، تأثیرگذاری و جایگاه آن‌ها بر نهاد سیاست و افکار عمومی بررسی نمایند.

هیأت نظارت بر مطبوعات به عنوان عالی ترین نهاد تصمیم گیری و تأثیرگذاری بر بخشی از رسانه های کشور یعنی مطبوعات از چندین سال پیش در صدد شناخت صحیح از رسانه های خارجی با تأکید بر مطبوعات بوده است. باتوجه به تدوین قانون جامع رسانه ها و مشکلات قانونی و اجرایی موجود، لزوم آشنایی اعضای هیأت با فرآیند تدوین قوانین مطبوعاتی و فعالیت های اصحاب مطبوعات در کشورهای منطقه و زمینه سازی برقراری ارتباط مؤثر و مداوم مدیران و روزنامه نگاران کشورمان با هم تیان خود در کشورهای اسلامی و ضرورت ایجاد و ارتقای سطح روابط فرهنگی باتوجه به تمایل بسیار زیادی که از جانب روزنامه نگاران کشورهای اردن، لبنان و کویت، ابراز شده بود و لزوم اتحاد و هماهنگی رسانه های کشورهای اسلامی در مقابل جریان یک سوئیة اطلاعات کشورهای پیشرفته، هیأت نظارت بر مطبوعات، با پیشنهاد معاون امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر انجام سفرهای تحقیقی - پژوهشی، این برنامه به موقع اجرا گذاشته شد. پس از بحث و تبادل نظر در خصوص مقصد، مدت و چگونگی سفر، مقرر شد که هیأت نظارت طی دو سفر جداگانه به کشورهای عربی - اسلامی و کشورهای آسیای شرقی مجموعه اطلاعات خود را در زمینه های مورد نظر کامل نماید.

پیشنهاد اول، سفر به کشورهای عربی - اسلامی بود که به تصویب رسید و از میان کشورهای مذکور، کشورهای مصر، لبنان، اردن و کویت انتخاب شدند. اما سفارت مصر به دلایلی از صدور ویزا امتناع ورزید، بنابراین سفر به مصر میسر نگردید. دومین سفر هیأت نیز قرار شد که در یک فاصله زمانی مناسب، بازدید از چند کشور در حوزه شرق آسیا از جمله هند، چین، مالزی و اندونزی پیش بینی شود.

سفر اعضای هیأت به کشورهای اسلامی - عربی (اردن، لبنان و کویت) از

پیش‌گفتار ۹

بعد از ظهر روز جمعه مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۲ آغاز شد و پایان سفر نیز صبح روز سه‌شنبه ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ بوده است. سفر در مجموع ۱۱ روز طول کشید و اعضای هیأت، یک روز در سوریه، چهار روز در اردن، سه روز در لبنان و سه روز در کویت اقامت داشته‌اند.

دیباچه

مطبوعات در کشور ما سابقه‌ای ۱۷۰ ساله دارد. با این حال موضوع و کیفیت مطبوعات و آزادی قلم و بیان در ایران همچنان محل چالش و گفت‌وگوی جریان‌های سیاسی و دیدگاه‌های مختلف فرهنگی است. این گفت‌وگوها وقتی در دورن نظام جمهوری اسلامی جریان دارد ابعادی برجسته می‌یابد، به گونه‌ای که مقوله مطبوعات و نگرش به موضوع آزادی مطبوعات، قلم و بیان به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل مورد مناقشه و ارزش‌گذاری میان جریان‌ها، تشکل‌ها و نحله‌های مختلف فکری مطرح است.

هستی و حیات مطبوعات در کشور، همچنین از منظر چیرگی گفتمان حقوق بشری در خاورمیانه پس از پایان دوران جنگ سرد و فروپاشی امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی و فرو ریختن سنگرهای آن در شرق، غرب، خاورمیانه و نیز شکل‌گیری دورانی که از آن به انفجار اطلاعات یا انقلاب اطلاعات و ارتباطات نام برده می‌شود و هر روز ابعاد تکنولوژیک تازه‌تری می‌یابد قابل توجه و ارزیابی است.

در این روند باید تحولات سیاسی اخیر و تغییرات اجتماعی، فرهنگی در منطقه از جمله برچیده شدن بساط طالبان در افغانستان و حزب بعث در عراق و پیگیری مصرائه جهانی سازی و صدور اجباری مفاهیم دموکراسی و آزادی با

قراثت آمریکایی را اضافه کرد؛ دامنهٔ چنین اصلاحاتی اکنون دامن برخی نظام‌های سنتی و تحت نفوذ آمریکا را نیز گرفته است.

در این میان چرایی توسعه‌نیافتگی مطبوعات ما، مباحثه و مناقشهٔ دائمی بر سر میزان آزادی قلم، حدود و ثغور آن و تفسیرهای بعضاً متناقض از قانون اساسی و قانون مطبوعات، صاحب‌نظران داخلی و ناظران خارجی را به تأمل واداشته است؛ نخستین پرسش این است که نظام اسلامی با شعارهای مردم‌سالارانه مبتنی بر اندیشه‌های دینی خود و نیز شگفتی‌آفرینی‌های پی‌درپی که نگاه دنیا را به خود جلب کرده و نمونهٔ کشورهای اسلامی به‌ویژه منطقه بوده و دارای ریشه‌های عمیق فرهنگی نیز هست، چرا از مقولهٔ آزادی مطبوعات و قلم به‌عنوان یکی از نقاط قوت خود چنان که شایسته است پاسداری نمی‌کند و برای برطرف کردن ناهماهنگی‌های اجرایی، اصلاح موازن حقوقی، قانونی و در اصل پدید آوردن اجماع در میان نخبگان و رهبران فکری تلاش نمی‌کند؟ به‌گونه‌ای که نگاه به این موضوع و انتخاب شیوه‌ها همواره، به‌ویژه در دههٔ اخیر از منظر بهره‌برداری‌های حزبی، جناحی و یا کشمکش‌های سیاسی و فرهنگی بوده است.

علاوه بر این پرسش‌های حقوقی در خصوص کارآمدی نظام اخذ مجوز انتشار نشریه، صدور احکام توقیف مطبوعات قبل از تشکیل دادگاه و بدون در نظر گرفتن محدودهٔ زمانی برای توقیف، مجازات حبس برای مدیران مطبوعات و روزنامه‌نگاران به‌خاطر جرائم مطبوعاتی، به‌درازا کشیدن اخذ مجوز انتشار نشریه تا ۱۵ برابر زمان پیش‌بینی‌شده در قانون مطبوعات و یا فلسفهٔ اعمال محدودیت جغرافیایی برای توزیع برخی نشریات از جمله مسائلی است که در طول سالیان گذشته بدون پاسخ مانده و موجب ابهام در تلقی مفهوم آزادی و تضمین‌های لازم برای تداوم و توسعهٔ آن شده است.

اگرچه مفهوم آزادی همواره همزادی به‌نام "قانون" دارد که ممکن است نوعی محدودیت را القا کند؛ ولی "آزادی و برابری" چیزهایی نیستند که گفتمان

انقلاب اسلامی در مقابل دچار انفعال شده باشد. فراموش نکرده‌ایم که معجزه قرن با تکیه بر همین اصول و با به‌کارگیری صحیح رسانه‌ها و رهبری معنوی خود در بهمن ۵۷ در ایران رخ داد. در مرتبه حقوقی نیز مفهوم کثرت‌گرایی که ویژگی اصلی جامعه اطلاعاتی جدید است در مفاهیم پایه‌ای قانون اساسی ایران قابل مشاهده می‌باشد.

حوزه‌های گوناگون تمدن، تکثر را به صورت‌های گوناگون تحمل و تدبیر می‌کنند. مراکز قدرت در حوزه سیاست و در سطح بین‌المللی متعدد و بازیگران آن در سطح جهانی دارای تنوع هستند. در عرصه اقتصادی، تولید نامتمرکز شده و راه را بر تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان متعدد باز کرده است و کار بر پایه اشتراک در تولید صورت می‌گیرد؛ تشکیل بازارهای مشترک در اروپا و شرق از این نمونه‌اند. در فرهنگ هم، هنجارهای غیرغربی به سبب مفهوم رواج چندفرهنگی اهمیت بیش‌تری یافته است. از سوی دیگر جهانی‌شدن در ذات خود به گونه‌ای تجددخواهی را متزلزل ساخته است و به مردم امکان داده تا راه‌ها و شیوه‌های یافتن حقیقت را تجربه کنند و امکان به چالش کشیدن ساختار فکری مبتنی بر قرائت تجددمحور از واقعیت‌ها را پدید آورند.

حوزه تمدن ایران اسلامی نیز از این قلمرو خارج نیست و در هر سطحی پاسخ ویژه خود را دارد چرا که شیوه انقلاب اسلامی یافتن راه‌حل‌های اساسی برای پیچیده‌ترین مسائل مربوط به اداره جامعه در دنیای پرتحول کنونی آن هم براساس جهان‌بینی خاص خود و منطبق بر معیارهای هویتی خویش است. استفاده صحیح از وسایل مدرن ارتباط جمعی همچون رادیو و تلویزیون، موسیقی، سینما، تئاتر و سایر هنرها حتی تابوشکنی‌هایی مثل شطرنج و... پاسخ‌هایی است که پس از برعهده گرفتن مدیریت جامعه توسط مرجعیت دینی به نیازهای روزافزون شهروندان داده شد.

مطبوعات آزاد، آزادی قلم و بیان و به رسمیت شناختن شدن حق ابراز

عقیده، انتقاد، لغو سانسور و در نظر گرفتن شأن ویژه "رکن چهارم مردم سالاری" برای رسانه‌های مکتوب، به عنوان نیرو و ابزار کنترل و نظارت برای رفتار بازیگران اصلی قوای سه گانه از دیگر محصولات انقلاب به شمار می‌رود. محصولی که به عنوان پاسخی آشکار به نیازهای جامعه به شمار آمده و مرز بین جوامع آزاد و حکومت‌های برآمده از مردم با جوامع بسته و حکومت‌های سرکوبگر و اقتدارگرا به حساب می‌آید.

اگرچه موضوع گردش آزاد اطلاعات و اطلاع رسانی، بسط آزادی مطبوعات و سایر آزادی‌های مشروع مدنی در کشور ما مورد اشاره قانون اساسی قرار گرفته ولی در طول بیش از یک ربع قرن دستخوش تغییر و تحولاتی هم بوده است. برخی از فرازاها و فرودها ادوار خاصی را پدید آورده که مقاطعی از آن را نسبت به سایر مقاطع ممتاز و برجسته می‌نماید.

اگر سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی را که به "بهار آزادی" معروف است، معرّف آغاز دوره‌ای تجربی برای ظهور و بروز استعداد روزنامه نگاری از بند رسته تعریف کنیم، گزاف نیست که این سال‌ها را فرصتی تاریخی برای محک زدن ظرفیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای بهره‌برداری از آزادی به دست آمده از انقلاب اسلامی و تمرین دموکراسی بشناسیم. در این مناسبت که طی سال‌های (۵۷-۶۰) به منصف ظهور رسید، ویژگی‌هایی نظیر حذف نظام اخذ مجوز برای انتشار مطبوعات و کارکرد مطبوعات به عنوان ابزاری سیاسی و تشکیلاتی برای هویت بخشی انقلابی قابل احصاء است.

در این دوره لایحه قانونی مطبوعات مصوب شورای انقلاب (۲۰ مرداد ۵۸) حاکم بود و طی آن همه احزاب، گروه‌ها و حتی سازمان‌های چریکی که پیش از این به صورت زیرزمینی و با مشی مبارزه مسلحانه فعالیت می‌کردند به سوی استفاده از ابزار رسانه‌ای برای نشر افکار، عقاید و ایجاد پشتوانه‌ای مردمی برای خویش و متشکل کردن اقشار اجتماعی روی آوردند، همچنین مطبوعات متعلق

به بخش عمومی که از قبل فعالیت داشتند (روزنامه‌های کیهان و اطلاعات) با استفاده مطلوب از فضای به وجود آمده، تیراژ بالا و نفوذ بسیاری یافتند. در همین دوره بود که روزنامه‌خوانی رواج یافت و مرجع بودن روزنامه‌ها در انتقال اطلاعات و بی‌نیازی مخاطبین به اخبار واصله از شبکه‌های جهانی بیش از هر زمان دیگر حس می‌شد.

روزنامه‌نگاری در عصری که گذشت با ضعف‌ها و سستی‌هایی نیز همراه بود که دلیل این ناکارایی را می‌توان در فقدان نیروهای حرفه‌ای کافی برای مطبوعات و انحصار ادبیات، فرهنگ و هنر آن دوران توسط جریان چاپ لائیک خلاصه کرد.

روزنامه‌نگاری تجربی این دوره به دلیل رویارویی سیاسی، نظامی برخی گروه‌های فعال با حکومت و تأثیرپذیری برخی از آنان از شبکه‌های هدایت‌گر خارجی و نیز الزامات زمان جنگ و دفاع مقدس مردم و نیروهای مسلح در برابر تجاوز نیروهای نظامی دشمن سبب اعمال محدودیت‌هایی برای فعالیت مطبوعات گردید.

دوره دیگری که در پی انتخاب سید محمد خاتمی به عنوان رئیس‌جمهوری پدیدار گشت و در فرآیند توسعه کشور درخشندگی خاصی یافت، دورانی است که با تحولات اجتماعی و فرهنگی و افزایش ناگهانی درخواست مجوز انتشار روزنامه‌ها و نشریات جدید همراه بود و مهم‌ترین شاخص برای ارزیابی کمی و کیفی آن افزایش انفجاری عناوین و شمارگان مطبوعات، اشتیاق وسیع مردم به مطالعه روزنامه‌ها و نقش‌آفرینی ویژه مطبوعات به عنوان موتور محرکه تحولات اجتماعی و فرهنگی قابل توجه است. به علاوه فعال شدن تشکلهای مدنی و تأسیس انجمن‌های صنفی، حرفه‌ای و کسب اعتبار ویژه روزنامه‌نگاران به عنوان گروه مرجع از مصادیق اوج‌گیری روند توسعه سیاسی، اجتماعی شمرده می‌شود.

در دوره اخیر اگرچه مطبوعات به دلیل جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی و نیروهای مذهبی و با انگیزه دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی در بدنه خود و ارتقای کیفیت و استفاده حرفه‌ای از تکنیک‌های ژورنالیستی توانستند دامنه اثرگذاری و موج‌آفرینی خود را وسعت بخشند؛ ولی به دلیل سرعت غیرقابل قبول، افزایش مطالبات غیرقابل حصول، ساختارشکنی‌های غیرمعتول، موقعیتی شکل گرفت که از آن به سیطره سیاست‌زدگی مخرب بر مطبوعات و برعهده گرفتن کارکرد حزبی در فقدان احزاب تعبیر شد و عکس‌العمل‌های شدیدی، توقیف کوتاه‌مدت و بلندمدت شماری از مطبوعات را در پی داشت.

وضعیت مذکور شاید با بردباری و مسئولیت‌شناسی بیش‌تر از سوی نقش‌آفرینان این عرصه قبل از ورود به مرحله بحرانی کنترل و مدیریت می‌شد، ولی دوقطبی شدن افراطی‌گرایی‌های سیاسی و نادیده گرفتن آثار و تبعات درازمدت اقدام‌های فراقانونی نتایج طبیعی خود که همانا کاهش مقبولیت و احتمال آسیب‌هایی به جایگاه نظام فرهنگی را برجای گذاشت.

در دوره‌های مورد اشاره، از مصوبه شورای انقلاب (مصوب سال ۱۳۵۸) تا قانون مطبوعات، دستگاه‌ها و نهادهای مختلفی در روند توسعه مطبوعات کشور مؤثر بوده‌اند.

مجلس شورای اسلامی، دولت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، قوه قضاییه، هیأت نظارت بر مطبوعات و هیأت منصفه دادگاه مطبوعات و در موارد خاص بنا به ضرورت، مقام معظم رهبری راهبردهایی را عنوان کرده‌اند که از جمله می‌توان به مرقومه ایشان خطاب به مجلس شورای اسلامی (دوره ششم) و به هنگام بررسی طرح اصلاح قانون مطبوعات اشاره کرد.

هریک از نهادهای پیش‌گفته با نوع تشخیص خود و شناخت موقعیت کار مطبوعات و احساس وظیفه در امور مطبوعات دخالت داشته و اثرگذار بوده‌اند. گاهی این نقش‌بیش‌تر به هیأت نظارت سپرده شده و نگاه‌ها متوجه دیدگاه و

تصمیم‌گیری این هیأت بوده و همگان به این نهاد به‌عنوان تنها مرجع تصمیم‌گیری در باب مطبوعات می‌نگریسته‌اند؛ در زمانی دیگر قوه قضاییه از طریق فعال کردن دادگستری‌ها و تشکیل محاکم علنی برای رسیدگی به تخلفات مطبوعات جایگاهی ویژه و درخور توجه یافته است به‌گونه‌ای که تشخیص‌های مدعی‌العموم، نظریات هیأت منصفه و صدور احکام توقیف مطبوعات و یا حبس مدیران مسؤول و روزنامه‌نگاران بحث‌های بسیاری را دامن زده و موجب طرح دیدگاه‌های مختلف، چالش گروه‌ها و جریان‌های اجتماعی و حتی اعلام موضع نهادهای بین‌المللی راجع به این برخوردها شده است.

در بعضی مقاطع نیز ترکیب اعضای هیأت منصفه برای رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و فلسفه وجودی این هیأت به‌عنوان نهادی برای حل و فصل منازعه نقطه ثقل این مسأله شده و تمامی نگاه‌ها متوجه چگونگی ایفای نقش هیأت منصفه به‌عنوان "وجدان بیدار اجتماعی" فارغ از گرایش‌های سیاسی و فکری اعضای آن بوده است. جایگاه هیأت منصفه چنان دارای اهمیت بود که در ماه‌های پایانی مجلس ششم، قانون جدیدی برای تشکیل هیأت منصفه به‌روش انتخابی و آزاد به تصویب رسید.

در مقاطعی نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق موضع‌گیری‌های رسمی، صدور اطلاعیه‌ها و بسیج افکار عمومی برای صیانت از اصل آزادی بیان، حقوق مطبوعات و ایجاد فضای مطمئن برای گردش آزاد اطلاعات در کانون توجهات قرار گرفته و این وزارت به‌دلیل دفاع سرسختانه از اصول قانونی و حقوق شهروندان، از سوی سایر دستگاه‌ها اتهاماتی را پذیرا گشته و برخی مدیران به دلایل مختلف روانه دادگاه‌ها شده‌اند.

در میان تمامی نهادها و مؤلفه‌های اثرگذار بر حیات مطبوعات، رویکردهای توسعه‌ای و باز یا نگاه‌های تنگ‌نظرانه و سخت‌گیرانه توسط هیأت نظارت بر مطبوعات نقش به‌سزایی در بازشناسی نقش این هیأت داشته است. این نکته

را نمی‌توان نادیده گرفت که حضور فعال و نقش هیأت در هیچ دوره‌ای مستقل از جریان‌های فکری قابل ارزیابی نبوده بلکه نقش آن در دوره‌های مختلف با توجه به ترکیب اعضا و برآیند گرایش‌های غالب بر آن و نیز فضای سیاسی حاکم بر کشور و سطح و شدت مطالبات مراکز قدرت یا تشکلهای مدنی، رفتارهایی متفاوت و یا بعضاً متناقض بوده است.

در بررسی نقش "هیأت نظارت بر مطبوعات"، دوره‌های تاریخی آن و نیز رفتارشناسی آن دو رویکرد قابل توجه است:

الف. رویکرد گفتمانی

وجود عنوان نمایندگی درخصوص هریک از اعضای هیأت در دوره‌های گذشته کم‌تر به عنوان داشتن صندلی نمایندگی در هیأت نظارت از سوی ارگان‌ها و نهادهای مختلف حاکمیت و حضور نماینده هر دستگاه و نهادی به عنوان رابطی برای انتقال نقطه‌نظرات، دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های خاص آن نهاد تلقی شده است، بلکه اشخاص گردآمده در این هیأت براساس سوابق، استنتاجات منطقی خویش که متکی بر تجربیات شخصی بوده، یا اطلاعات درون‌گرومی و یا نسبت آن‌ها با جریان‌های فکری به اتخاذ تصمیم پرداخته‌اند. بنابراین هریک از اعضا به اندازه‌ای که با نظام فرهنگی کشور، ساختار اجرایی حکومت، تاریخ مطبوعات، مقوله حقوق بشر و آزادی بیان، قانون مطبوعات و مطالبات اقشار فرهنگی و روزنامه‌نگاران آشنا بوده و بدان ملتزم بوده‌اند و یا برای اداره جامعه و پاسخ گفتن به نیازهای فکری و فرهنگی احساس مسئولیت می‌کرده‌اند، ایفای نقش نموده و عملکرد هیأت را تحت تأثیر قرار داده‌اند. البته بدیهی است نمایندگان هریک از قوا و یا نهادها به اعتبار داشتن عنوان نمایندگی ناگزیر به انتقال دیدگاه‌ها، نقطه‌نظرات و خط‌مشی‌های تعیین‌شده بوده و یا وظیفه انتقال حساسیت‌ها و نقطه‌نظرات دستگاه مربوط به هیأت را بر دوش احساس می‌کرده‌اند؛ با وجود این چنین وضعیتی برای همه نمایندگی‌ها ثابت نبوده و

ترتیبات رسمی و استاندارد شده‌ای نداشته است. به‌طور مثال نمایندهٔ قوهٔ مقننه و یا نماینده مدیران مسؤول مطبوعات کشور که هر دو براساس برگزاری انتخابات برگزیده و معرفی می‌شوند؛ پس از انتخاب رابطهٔ منظم و تعامل دائمی با رأی‌دهندگان خود باید ناگزیر به ارائهٔ گزارش مستمر کار و یا مجبور به پاسخگویی در قبال عملکرد خود و هیأت باشند. چنین نمایندگانی طبعاً ابتدا توسط برگزیدگان خود موردپسند واقع می‌شوند و پس از کسب رأی و گرفتن عنوان عضویت در "هیأت" براساس سلايق، وابستگی‌های فکری، گرایش‌های سیاسی، فرهنگی و یا در جایگاه نمایندگی یکی از جریان‌های مارک‌دار فکری عمل کرده و تصمیم می‌گیرد.

در شناسایی روند جاری تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در "هیأت نظارت بر مطبوعات" می‌توان به غلبهٔ برخی نگرش‌ها به‌دلیل انجام محاسبات ویژه، ملاحظه‌کاری و محافظه‌کاری نیز اشاره کرد چنین رویکردهایی معمولاً در شکل‌گیری قطب‌بندی‌های فکری، فرهنگی و سیاسی قابل مشاهده است. این شیوه زمانی که یکی از اعضا امکان می‌یابد به‌دلیل داشتن نمایندگی از یکی از مراکز مؤثر قدرت، پیشینهٔ اجرایی و یا منطق خود تصمیمی را به کرسی نشانده و یا سایرین را خاموش ساخته و یا وادار به تمکین نماید قابل شناسایی است. همچنین می‌توان به میزان نظرات اجماعی و یا اختلافی، مقدار هماهنگی، همفکری‌ها و ناهماهنگی‌ها و یا قبول روش‌ها و شیوه‌های اجرایی کار در هیأت به‌عنوان مؤلفه‌های تبیین روند جاری نظر کرد.

در چنین شرایطی گونه‌های نظری مختلفی با تعریف عملیاتی در هیأت قابل شناسایی است:

گونه‌ای که دارای نگاه توسعه‌ای است، تکثر و تنوع را شرط لازم برای توسعهٔ همه‌جانبهٔ کشور می‌داند، از بالا رفتن تعداد عناوین و تیراژ روزنامه‌ها و نشریات نگران نیست و همهٔ نحله‌های فکری درون نظام را دارای حقوق برابر برای

فعالیت رسانه‌ای می‌شناسد، به حقوق مصّرح در قانون اساسی و قانون مطبوعات پایبند است و نظارت را نه به شیوهٔ مکتب‌خانه‌ای بلکه به‌عنوان امری ضروری و مبتنی بر سیستم خودکنترلی و نظارت خود صنف مؤثر می‌شناسد. چنین رویکردی را در دورهٔ نهم هیأت به‌طور ملموس‌تری می‌توان مشاهده کرد. گونه‌ای که توسعهٔ مطبوعات به شکل کنونی را غیرضروری می‌داند؛ الزام قانونی مصّرح در قانون مطبوعات مبنی بر رسیدگی به پروندهٔ متقاضیان در مدت قانونی سه ماه را جدی تلقی نکرده و در قبال آن احساس مسئولیت چندانی نمی‌کند، خواستار تقویت بخش نظارتی هیأت بوده و به‌طور غیررسمی خواستار جانشینی برخورد با مطبوعات توسط این هیأت به‌جای دادگستری‌ها است. نگاه تبعیض‌آمیز در اعطای امتیاز انتشار نشریه به برخی و عدم اعطای آن به برخی دیگر را امر طبیعی بلکه لازم به‌شمار می‌آورد و نیازی به پاسخگویی در مورد چرایی رواداشتن چنین تبعیضی نمی‌بیند.

گونهٔ دیگری نیز در رفتارشناسی هیأت قابل‌بازشناسی است و آن روا داشتن نرمش برای متقاضیان نشریات علمی، پژوهشی، دانشگاهی و خارج کردن آن از صف انتظار سه تا چهار ساله است. تمایل این گونهٔ فکری بر این است که عملکرد هیأت را می‌توان با افزایش تعداد عطای امتیاز به فصلنامه‌ها و نشریات تخصصی موجه کرد. نتیجهٔ عملی چنین سیاستی آن است که رسیدگی به پروندهٔ متقاضیان انتشار روزنامه، هفته‌نامه و یا ماهنامه به‌طور مستمر به تعویق می‌افتد.

ب. رویکرد آماری

علاوه بر رویکرد گفتمانی از منظر دیگری نیز می‌توان به مشاهدهٔ نقش و اهمیت کار هیأت و بازنگری نقش آن در روند توسعهٔ مطبوعات نگریست و آن نگاه آماری به عملکرد هیأت است. نگاه آماری نشان می‌دهد حضور اعضا در جلسات هیأت، ساعات و تعداد جلسات برگزار شده چه میزان است؟ وقت

هیأت در این جلسات چگونه و بر سر چه مسائلی سپری شده؟ خروجی جلسات هیأت از نظر عملیات واقعی مشتمل بر تعداد موافقت یا مخالفت با درخواست انتشار نشریات جدید، لغو مجوز نشریات، اخذ تصمیمات نظارتی اعم از تذکر، اخطار، توقیف و ارجاع به دادگاه چه میزان بوده است؟ دغدغه‌های هریک از اعضا در جلسات هیأت چه بوده است، نمودار آرای اخذشده در مورد پرونده‌های متقاضیان به‌طور مقایسه‌ای در دوره‌های مختلف چه سیری طی کرده و دلایل آن چیست؟

معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با درک اهمیت و نقش هیأت نظارت بر مطبوعات و جایگاه خاص آن در به‌کارگیری ظرفیت‌های قانون اساسی و قانون مطبوعات به‌منظور پیشبرد اهداف توسعه‌ای مطبوعات تدابیری را برای پذیرش نقش فعالانه و افزایش عملکرد هیأت مدنظر قرار داد. در این راه نخستین مانع بر سر راه توسعه همکاری هیأت، دور بودن آراء، اندیشه‌ها و برداشت‌های برخی از اعضای هیأت از یکدیگر و وجود راهکارهای متفرق برای انجام وظیفه هیأت بود که این امر طبعاً به سوابق مطالعاتی و تجربی افراد، میزان شناخت آن‌ها نسبت به تحولات فکری و فرهنگی جهان معاصر و جامعه کنونی ایران، شناخت نیازها و نحوه پاسخگویی به آن برمی‌گردد.

پس باید فرصتی فراهم می‌شد تا در ابتدا اعضا نسبت به یکدیگر شناخت بیش‌تری پیداکنند و در فضایی صمیمانه و برادرانه به بحث و گفت‌وگو پیرامون مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی و مطبوعاتی بپردازند و بدین‌ترتیب دیدگاه‌ها را به‌هم نزدیک سازند و دیگر این‌که در مواجهه و دیدار با حقوق‌دانان، اندیشمندان، روشنفکران، صاحب‌نظران و فعالان عرصه مطبوعات و نیز تشکلهای صنفی و مدنی روزنامه‌نگاری سایر کشورهای اسلامی قرار می‌گرفتند تا آخرین تجربیات کشورهای پیرامون مورد بررسی، سنجش و ارزیابی قرار گیرد و فرصتی فراهم شود تا تجربه‌ای که جمهوری اسلامی زیر عنوان قانون مطبوعات به اجرا گذاشته است، در معرض معرفی و نقد قرار گیرد.

برای تحقق این خواسته کشورهای اسلامی و عربی که دارای روزنامه‌های معروف و با نفوذی هستند و پیشینه مطبوعات این کشورها به لحاظ تأثیرگذاری در میان کشورهای عربی و جهان قابل توجه است (یعنی کشورهای لبنان، مصر و کویت) مورد بررسی قرار گرفت. ولی به‌زودی معلوم شد که مصر به‌دلیل پایین بودن سطح روابط سیاسی و وجود مشکلاتی نامعلوم آماده پذیرش نیست؛ بنابراین اردن جایگزین مصر شد و مقدمات سفر آغاز گردید و گزارش حاضر حاصل سفر هیأت اعزامی به کشورهای مورد نظر می‌باشد، از این‌رو این گزارش پژوهشی را نه می‌توان سفرنامه خواند و نه آن را یک گزارش اداری نامید. بلکه تدوین، تنظیم و مستندسازی رویدادی مهم در تاریخ مطبوعات ایران و سابقه هیأت نظارت بر مطبوعات به حساب می‌آید که امید است مورد استفاده اهل تحقیق و دانش‌پژوهان قرار گیرد.

فصل اول

وضعیت اجتماعی - فرهنگی و موقعیت مطبوعات

• اردن

• لبنان

• کویت

اردن

اوضاع اجتماعی - فرهنگی

جمعیت اردن که ۴۰ تا ۶۰ درصد آن را فلسطینیان تشکیل می‌دهند، به بیش از چهار میلیون نفر بالغ می‌گردد. این کشور از نظر جمعیت صدو هشتمین کشور جهان است و میزان رشد سالانه جمعیت بر پایه میزان سالانه مولید، ۴۹/۱ در هزار (در مجموع ۳/۲ درصد) است و از این نظر دهمین کشور جهان به حساب می‌آید. سطح فرهنگ عمومی و تحصیلات دانشگاهی در اردن چشمگیر است، به طوری که از چهار میلیون نفر جمعیت این کشور ۸۰ درصد آن با سواداند. گفته می‌شود این کشور از نظر میزان سواد و دانش، مقام اول را نسبت به درصد جمعیت در خاورمیانه داراست. به عبارت دیگر میزان بی سوادی در این کشور ۲۰ درصد است و همین درصد بالای دانش مردمی، موجب تأثیرپذیری فراوان از مطبوعات، روزنامه‌ها و رسانه‌های جمعی کشور است. در بُعد اجتماعی، با وجودی که ملت اردن در معرض رسانه‌های گروهی و تلویزیون کشورهای اسرائیل، سوریه و عراق قرار دارند، لیکن مفاسد اجتماعی در مقایسه با سوریه کم تر است و حجاب اسلامی در بین زنان مخصوصاً دختران دانشگاهی از ویژگی

مهم این جامعه محسوب می‌شود. شاید این مسأله ریشه در دو عامل شاخص و برجسته یعنی موضوع عشیره‌ای بودن جامعه اردن و دومی حضور سازمان اخوان المسلمین در جامعه این کشور داشته باشد. با تصویب میثاق ملی اردن در چند سال اخیر، روند دموکراسی در چارچوب نظام ملکی در حال شکل گرفتن است، این میثاق متضمن آزادی احزاب، مطبوعات و آزادی انتخابات بوده و تأکید بر اسلامی بودن کلیه قوانین دارد.^۱

کشور اردن به‌خاطر فقر منابع طبیعی و وضعیت نه‌چندان خوب اقتصادی و همچنین به‌دلیل موقعیت ژئوپولیتیکی و همجوار بودن با کشورهای رژیم صهیونیستی، عراق، سوریه و عربستان سعودی علاوه بر شرایط بی‌ثباتی سیاسی، در بُعد اجتماعی و اقتصادی نیز از یک حالت ناپدیدار و متزلزلی برخوردار است. از طرفی موضوع رشد بیکاری بین ۲۵ تا ۳۰ درصد در سال‌های اخیر و کاهش درآمد سرانه ملی و وابستگی شدید آن به غرب، زمینه را برای رشد اصول‌گرایی و تقویت مخالفین حکومت خاندان شاه‌حسین بیش از همیشه هموار ساخته است. دولت در واکنشی در سال‌های اخیر، به‌منظور جلوگیری از رشد اسلام‌خواهی و تحدید فعالیت‌های حرکت‌های اسلامی، اقدام به تصویب قانون جدیدی نمود که براساس آن ضمن منع شدن تعداد زیادی از وعاظ و سخنرانان از فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی، خطبه‌های نماز جمعه منحصر به امور عبادی گردیده و ائمه جمعه از پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی منع شده‌اند. مضافاً این‌که صلح شاه‌حسین با اسرائیلی‌ها مخالفت گروه‌های اسلامی و دانشجویان مسلمان را برانگیخت، همه و همه حکایت از معضلات پیچیده اجتماعی و سیاسی دارد که حکومت این کشور را با مشکلات عدیده داخلی و خارجی مواجه ساخته است.

۱. آرشیو اداره کل خاورمیانه عربی و شمال آفریقا.

گرایش‌های فرهنگی - اجتماعی نسل جوان

طبق بررسی‌های به عمل آمده، کشور اردن در میان کشورهای عربی از موقعیت برتر فرهنگی، آموزشی و ادبی - هنری برخوردار است و این به خاطر وجود سندیکاهای مختلف فکری و فرهنگی از یک سو و وجود رسانه‌های مختلف نظیر: مطبوعات و هفت کانال تلویزیون^۱ با برنامه‌های متنوع و نیز سازمان‌های فعال فرهنگی خارجی مستقر در اردن از سوی دیگر است. از این رو تمایزاتی را برای نسل جوان این کشور در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی در مقایسه با سایر همسایگان چون عراق، سوریه، مصر و لبنان می‌توان قائل شد. امروزه تعهدات مذهبی که در گذشته بیش تر به سالمندان و از کارافتادگان منحصر بود، در میان قشر جوان جلوه بیش تری دارد. این امر شاید به علت اعتقاد قشر جوان به توانایی اسلام برای تحقق آرمان‌های جوامع معاصر باشد. آرمان‌هایی نظیر آزادی استقلال، عدالت اجتماعی که در گذشته‌ای نه چندان دور به مدعیان چپ و راست منحصر بوده، هم‌اکنون به جوهر اصلی حرکت‌های اسلامی مبدل شده است. ایده‌های قومی، ملی، سوسیالیستی و کمونیستی در منطقه نتوانسته است به اهداف مطلوب نائل گردد. تجربه نشان داده است که چون اکثر این ایدئولوژی‌های وارداتی با الحاد پیوند داشته‌اند، در نهایت به نوع جدیدی از استعمار فکری و سیاسی منجر گردیده‌اند.^۲

وضعیت زنان در جامعه

با وجودی که نیمی از جمعیت اردن را زنان تشکیل می‌دهند، با این وصف فقط ۵ درصد از نیروی کار این کشور اختصاص به زنان دارد. افکار سنتی حاکم بر جامعه همچنان مخالف حضور زن در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی است.

۱. هفت کانال تلویزیونی که دو کانال آن مربوط به خود اردن و پنج تای آن اختصاص به کشورهای همسایه چون سوریه و اسرائیل دارد.

۲. "دولت و مذهب در اردن"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، طالع قمر، ص ۱۷۰.

مردم هنوز بر این اعتقادند که جایگاه زن در خانه و رسیدگی به امور خانه است و نباید از حدود وظایف خود که تربیت و نگهداری اطفال است، تجاوز نماید. در یک نظرسنجی که اخیراً توسط مرکز تحقیقات استراتژیک اردن از ۲۰۰۰ نفر به عمل آمد، نشان داد که فقط ۱۹ درصد از شرکت‌کنندگان با مشارکت زنان در همه‌پرسی‌ها و انتخابات در کنار مردان موافق بودند و ۷۸ درصد بر این اعتقادند که زن توان انجام امور متعلق به مردان را ندارد. با همه این قید و بندهای اجتماعی، زنان اردنی در سال‌های اخیر یعنی پس از تصمیم شاه‌حسین بر ایجاد اتحاد بین هویت سنتی و اسلام و آزادی‌های دموکراسی که در پی مواجهه با قیام فعالین اسلامی و نارضایتی عمومی ناشی از تزلزل اقتصادی و فساد دولت در کشور به وجود آمده بود^۱، توانستند با حدودی از محدودیت‌ها و انزوای اجتماعی خارج و با شرکت در انتخابات پارلمانی، یکی از کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص دهند و در ورود به مراکز و مجامع فرهنگی از سهم قابل توجهی برخوردار گردند که این تحول در تاریخ گذشته اردن بی‌سابقه است.

سطح علمی و فرهنگی جامعه

سطح فرهنگ عمومی و تحصیلات دانشگاهی در اردن از موقعیت خوبی برخوردار است. نرخ بی‌سوادی در این کشور ۲۰ درصد است، یعنی از جمعیت چهار میلیونی این کشور ۸۰ درصد آن باسوادند و در این رابطه اردن یکی از بالاترین درصدهای باسوادی جهان اسلام عرب را داراست که نشان‌دهنده میزان رشد و توسعه تعلیم و تربیت در کشور است. اردن از نظر نیروی متخصص و ماهر پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای طی سنوات گذشته داشته است. سرمایه‌گذاری در بخش آموزشی در برنامه پنج‌ساله رشد و توسعه عمرانی و اقتصادی برای سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ حدود ۸ درصد کل سرمایه‌گذاری

1. *Christian Science Monitor*, May 1993. Sana Atigeh

دولت را تشکیل می‌داد. بودجه آموزشی از ۱۴ میلیون دینار در سال ۱۹۷۵ به ۶۷/۶ میلیون دینار در سال ۱۹۸۵ و به ۱۱۳/۵ میلیون در سال ۱۹۹۰ بالغ شد. تعداد دانش‌آموزان کشور از ۶۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۵ به ۱/۱۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۱ رسید که با میانگین رشد سالانه، برابر ۴ درصد همراه بوده که بیش از رشد سالانه جمعیت اردن ۳/۲ درصد است. دلایل اساسی این رشد اولاً تمایل شدید اردنی‌ها به فراگیری علم و دانش و ثانیاً اجرای آموزش اجباری از سال ۱۹۴۶ تاکنون است. کیفیت آموزش نیز در این کشور تغییرات مثبتی داشته است. نسبت دانش‌آموز به معلم از ۴۰/۱ در سال ۱۹۷۰ به ۲۶/۱ در سال ۱۹۹۱ نائل شده و تعداد مدارس از ۱۸۲۰ در سال ۱۹۷۰ به ۳۶۵۹ در سال ۱۹۹۱ رسیده است. آموزش عالی نیز طی بیست سال اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. دانشگاه‌های متعددی در این کشور تأسیس شده که می‌توان به دانشگاه‌های اردنی، یرموک، موته، علوم و تکنولوژی و... اشاره کرد. مدارس عالی که اغلب دارای دوره‌های دوساله بعد از دبیرستان‌اند قادرند حدود ۵۰ درصد فارغ‌التحصیلان دبیرستان را به خود جذب نمایند. از سال ۱۹۹۰ دولت به بخش خصوصی اجازه فعالیت و سرمایه‌گذاری در تأسیس دانشگاه داده که این بخش در نوبه خود تأثیر به‌سزایی در توسعه و گسترش آموزش و بالا بردن سطح علمی کشور داشته است.^۱

نظام آموزشی

تحصیلات مدرسه‌ای برای کودکان ۶ تا ۱۴ سال رایگان و اجباری است. مراحل مختلف تحصیلی شامل یک دوره ابتدایی شش‌ساله و یک دوره شش‌ساله متوسطه (سیکل اول و سیکل دوم) است. تحصیلات ابتدایی و سیکل اول

۱. "وضعیت آموزش در اردن" سفارت جمهوری اسلامی ایران در اردن در سال ۷۰، آرشیو اداره کل خاورمیانه و شمال آفریقا.

متوسطه اجباری است. بعد از اتمام تحصیلات نه‌ساله اجباری مزبور، امکان ادامه تحصیل بیش از ۸۰ درصد دانش‌آموزان منوط به تعداد جاهای خالی است که در نواحی آموزشی مختلف در کلاس‌های اولین سال سیکل دوم متوسطه وجود دارد. سال تحصیلی در این کشور از سپتامبر تا ژوئن (مهر تا خرداد) است. زبان تدریس در مدارس کشور، زبان عربی است، ولی از کلاس پنجم ابتدایی به بعد، زبان انگلیسی نیز تدریس می‌شود. وزارت آموزش اردن سال ۱۹۸۰ سیاست تمرکززدایی در امر آموزش را به تصویب رساند. بر این اساس اردن به ۱۸ ناحیه آموزشی موسوم به اداره (که پنج مورد آن در ساحل غربی است) تقسیم شده که هر ناحیه توسط یک مدیر اداره می‌شود و این مدیران بسیاری از تصمیمات را بدون ارجاع به وزارت آموزش، مستقلاً اتخاذ می‌کنند؛ ولی متن و برنامه‌های درسی از طریق وزارت آموزش تعیین و به همه مدارس اعم از دولتی و ملی ابلاغ می‌گردد.^۱ وزارت آموزش اردن براساس ماده ۱۶ مصوبه سال ۱۹۶۴ مسئولیت توزیع رایگان کلیه کتاب‌های آموزشی برای دوره تحصیلی را عهده‌دار گردیده است. در سال ۱۹۸۹ یک برنامه ده‌ساله برای تدبیر نظام آموزشی اعلام گردید. در این برنامه پیش‌بینی شد که متون کلیه کتب درسی و سیستم آموزشی مورد تجدیدنظر قرار گیرد. بر این اساس ۴۰۰۰ معلم دوره ابتدایی و ۱۵ هزار تن برای دوره آموزش متوسطه و ۳۶۰ مدیر برای بنیادهای آموزشی و به‌علاوه تأسیس ۴۲۰ مدرسه پیش‌بینی شده است.^۲ از مدارس ساخته‌شده در این کشور ۷۰ درصد به دولت، ۲۲ درصد آن به یونسکو و UNRWA و ۱۰ درصد به بخش خصوصی تعلق داشته است و ۱۰ درصد ثبت‌نام‌ها نیز در مدارس خصوصی داخلی و خارجی انجام می‌شود. اکثر مدارس خصوصی خارجی توسط گروه‌های مذهبی و مدارس خصوصی داخلی، هم توسط گروه‌های مذهبی و هم

۱. مرتضی اسعدی، جهان اسلام، ص ۵۱.

2. Year Book, 1994. p.566.

توسط گروه‌های غیرمذهبی اداره می‌شوند. تمام فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌های عمومی، فنی و حرفه‌ای، برای ادامه تحصیل در مؤسسات آموزش عالی کشور و یا خارج از اردن یک آزمون همگانی را طی می‌نمایند.^۱

اعطای بورس به خارجی‌ان

قوانین پذیرش دانشجوی خارجی و همکاری‌های دانشگاهی با سایر کشورها از جمله قوانین ارزنده و خوب این کشور ارزیابی می‌گردد و ایجاد آن در راستای اهداف توسعه و روابط فرهنگی اردن با سایر کشورها قرار دارد. اردن در سال ۱۹۷۸ در ازای ۴۲۰۰۰ دانشجوی این کشور که در دانشگاه‌های خارج مشغول به تحصیل بودند، تصمیم گرفت ۴۴ بورس تحصیلی در اختیار ۶ کشور همسایه و حوزه خلیج فارس قرار دهد. امروزه این تعداد به مرز ۴۰ کشور که صدها دانشجو را روانه مراکز علمی، فرهنگی این کشور نموده‌اند، بالغ می‌گردد.

دانشگاه آل‌البیت که اخیراً تأسیس و آغار، به کار نمود، به مقیاس چشمگیری اعضای بورس تحصیلی برای دانشجویان خارجی خواهد داشت. به‌طوری‌که از مجموع کل دانشجویان که در این مرکز مشغول به تحصیل خواهند شد، ۳۰ درصد به اردنی‌ها و بقیه به دانشجویان کشورهای اسلامی اختصاص پیدا خواهد نمود.

مراکز فرهنگی

دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، تالارها، تئاترها و همچنین سینماها و ویدئوکلپ‌ها و مراکز مذهبی و سرانجام مراکز تفریحی و ورزشی، مراکز فرهنگی اردن را تشکیل می‌دهند. در میان این مراکز، دانشگاه اردن در عمان پایتخت این کشور و دانشگاه یرموک در اربد و سپس دانشگاه موته در شهر موته از مهم‌ترین مراکز فرهنگی

۱. دولت و مذهب در اردن، طالع قمر، ص ۱۶.

اردن به شمار می‌رود. اردن در چند دهه اخیر تحولات چشمگیری در جهت گسترش مراکز فرهنگی، علمی و نهادهای اجتماعی داشته که این تحولات در کشورهای اسلامی کم‌تر به چشم می‌خورد. در این راستا مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها از گستردگی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. در حال حاضر دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی موجود در اردن در مقایسه با جمعیت چهار میلیون و اندی این کشور بسیار بیش از نیاز این کشور است، تا جایی که از نظر شمار فارغ‌التحصیلان دانشگاه با تورم روبه‌رو است. از دیگر مراکز مهم فرهنگی در این کشور دانشگاه آل‌البیت است که در اساسنامه دانشگاه به نام دانشگاه بین‌الملل اسلامی خوانده شده است. این دانشگاه که ۷۰ درصد دانشجویان آن را خارجی‌ها تشکیل خواهند داد، با نظر شخص ملک حسین که علاقه‌مند بود اردن را به صورت یک کانون فرهنگی - سیاسی جهان عرب درآورد، تأسیس شده است.

آثار مهم فرهنگی و تاریخی

طبق نظر باستان‌شناسان، کشور اردن از قدیمی‌ترین مناطق مسکونی جهان بوده و شهر اریحا یا جریکو واقع در کنار بحر میت از قدیمی‌ترین شهرهای محصور جهان است. از آنجایی که این سرزمین در طول تاریخ، شاهد تسلط سلسله‌های قومی مختلفی چون کنعانی‌ها، مصری‌ها، بابلی‌ها، آشوری‌ها، کلدانی‌ها، ایرانیان، یونانی‌ها، روس‌ها و بالأخره اعراب مسلمان بوده است، لذا هریک از این ملل آثاری از تمدن خود را در این کشور برجای گذاردند که اهم تاریخی آن به شرح ذیل است:

۱. تئاتر رومی‌ها در عمان، در مغازه یکی از کوهپایه‌های شهر عمان واقع شده و گنجایش چهار هزار نفر تماشاچی را دارد.
۲. قلعه عمان، این قلعه نیز یادگار رومی‌هاست که در بالای یکی از تپه‌های معروف به تپه قلعه یا جبل حسین واقع شده و آثار یکی از معابد قدیم و

همچنین خرابه‌هایی از عمارتی که موسوم به قصر و از یادگارهای خلفای بنی‌امیه است در آن مشاهده می‌شود.

۳. شهر بیت‌المقدس، این شهر همیشه پایتخت فلسطین بوده و در سال ۱۹۴۸ نیمی از آن که معروف به شهر جدید است، تحت اشغال اسرائیل و نیمی دیگر که معروف به شهر قدیم است، به دست اردن افتاده و کلیه اماکن مقدسه و آثار تاریخی این شهر در قسمت قدیمی قرار دارد. (اسرائیل نیز این بخش از بیت‌المقدس را (بخش قدیم)، در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ به تصرف خود درآورد و به بخش جدید که در تصرف او بود، ملحق نمود). آثار قدیمی دیگر چون شهر صخره سرخ، جریکو، ویرانه‌های رومی در جرش، معماری روزگار جنگ‌های صلیبی در کرک، پناهگاه عقبه و وادی رم، دژها و کاخ‌ها را می‌توان نام برد.^۱

رسانه‌های گروهی

براساس قانون مطبوعات سال ۱۳۴۶/۱۹۶۷، تمام مطبوعات رسماً تحت کنترل و نظارت دولت می‌باشند. هیچ‌یک از مطبوعات کشور بدون مجوز دولت، حق چاپ و انتشار را ندارند. در این کشور ظاهراً سانسور مطبوعات غیرقانونی است. لکن دولت حق دارد تمام نشریاتی را که مطالبی علیه شریعت اسلام، آرمان‌های ملی و عفت عمومی درج نمایند و یا به هر طریق دیگری باعث اخلال در نظم عمومی شوند، توقیف نماید.^۲

۱. تاریخ جاری کشور اردن هاشمی، منصور قدر، ص ۶۱-۵۳.

۲. مرتضی اسعدی، جهان اسلام، ص ۵۴.

مهم‌ترین روزنامه‌های اردن و نشریات غیریومیه

الف. روزنامه‌ها

۵. روزنامه به زبان عربی و یک روزنامه به زبان انگلیسی در عمان منتشر می‌گردد که بدین قرار است:

۱. الاخبار تأسیس ۱۹۷۶، عربی، انتشار توسط مؤسسه مطبوعات عرب، ناشر راکن‌المجالی، تیراژ ۱۵۰۰۰، عمان.

۲. الدستور، تأسیس ۱۹۶۷، انتشار توسط شرکت طبع و نشر اردن، عربی، ناشر کامل الشریف، تیراژ ۹۰۰۰۰، عمان.

۳. الاسواق، عربی، عمان، تیراژ حدود ۵۰ هزار، ناشر مصطفی ابولبد.

۴. الرأی، تأسیس ۱۹۷۱، انتشار توسط مؤسسه مطبوعات اردن، عربی، مستقل، ناشر محمود الکاید، عمان، تیراژ ۹۰۰۰۰.

۵. جردن تایمز، تأسیس ۱۹۷۵، انتشار توسط مؤسسه مطبوعات اردن، عمان، ناشر جورج حواتمه، تیراژ ۱۵۰۰۰.

۶. الشعب، تأسیس ۱۹۸۳، عربی، امان، تیراژ ۳۰۰۰۰۰.

ب. نشریات غیریومیه

۱. اخبار الاسبوع، هفتگی، عمان، تأسیس ۱۹۵۹، عربی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، صاحب امتیاز عبدالحفیظ محمد، تیراژ ۱۰۰/۰۰۰.

۲. الاهالی، هفتگی، عربی.

۳. القدس الشریف، عربی.

۴. الاقتصاد الاردنی، عربی.

۵. الحدث، عربی، هفته‌نامه، تیراژ ۲۰۰۰۰ نسخه.

۶. اللواء، تأسیس ۱۹۷۲، هفته‌نامه، عربی، سردبیر حسن التل.

۷. مجلة ستاد ارتش، تأسیس ۱۹۵۵، عمان، ادبی و مسائل نظامی، چاپ و نشر توسط ارتش انگلیس.

۸. مجله عربی الميدان.
۹. شریعت، تأسیس ۱۹۵۹، نشریه دوهفتگی، موضوعات امور اسلامی، انتشار توسط دانشکده شریعت، تیراژ ۵۰۰۰.
۱۰. الافق، مجله هفتگی، عربی.
۱۱. شیحان، سردبیر ریاض الحروب.
۱۲. البلاد، مجله هفتگی نشر ۱۹۹۲.
۱۳. السبیل، مجله هفتگی، عربی.
۱۴. الفجر العربی، مجله هفتگی، عربی.
۱۵. الفجر الجدید، هفته نامه، عربی زبان.
۱۶. البعث، هفته نامه، عربی زبان.
۱۷. الفرصه، هفته نامه، عربی زبان.
۱۸. المجاهد، هفته نامه، عربی زبان.
۱۹. الرصیف، هفته نامه، عربی زبان.
۲۰. المسیره، هفته نامه، عربی زبان.
۲۱. صوت المرأة العربیه، هفتگی، عربی.
۲۲. الصحفی، هفتگی، عربی.
۲۳. جرید المجد، هفتگی، عربی.
۲۴. الدعوه، هفتگی، عربی.
۲۵. الوطن، هفتگی، عربی.
۲۶. المستقبل، هفتگی، عربی.
۲۷. جرید العهد، (ارگان حزب العهد)، هفتگی، عربی.
۲۸. العصر الجدید، هفتگی، عربی.
۲۹. مجله تعلیم روستایی، تأسیس ۱۰۵۸، عمان، نشریه مشترک دانش سرای کشاورزی خودروی، دانش سرای تربیت معلم بیت الخینا و دانش سرای تربیت معلم هواره.

۳۰. *The Jerusalem star* (ستاره اورشلیم) ۱۹۸۲، هفتگی، انگلیسی، سردبیر اسامه الشریف، تیراژ ۱۰۰۰۰^۱

لازم به توضیح است که از روزنامه‌های فوق‌الذکر تنها روزنامه اردن‌نایمز (*Jordan Times*) انگلیسی زبان و مستقل است. بقیه نشریات دولتی و یا به‌صورتی از حمایت‌های دولت برخوردارند.

خبرگزاری داخلی و خارجی

آژانس ملی خبرگزاری این کشور "آژانس خبرگزاری اردن" است که در سال ۱۹۶۵ تأسیس شده است. این آژانس دولتی و مرکز آن در عمان قرار دارد. برخی از خبرگزاری‌هایی که در عمان دفتر نمایندگی دارند به شرح ذیل است:

۱. فرانس پرس، فرانسه (AFP)

۲. ایتالیا (ANSA)

۳. آسوشیتدپرس، آمریکا (AP)

۴. دویچه پرس، آلمان (DPA)

۵. رویتر، انگلیس (UK)

۶. ایتارتاس، شوروی^۲

مؤسسات انتشاراتی

مهم‌ترین مؤسسه انتشاراتی توزیع‌کننده عمده کتاب‌های خارجی و داخلی در این کشور، "شرکت طبع و نشر اردن" در عمان است که در سال ۱۹۶۷ توسط المنار و فلسطین با سرمایه ۲۵۰۰۰۰ دینار اردن تأسیس شد و دولت ۲۵ درصد سهام آن را در اختیار دارد. سایر بنگاه‌های انتشاراتی در عمان عبارت‌اند از: دائرة الاحصاءات الامان، المطبع، الهاشمی، N.Kawan و George.

1. Year Book, 1994. p.563.

2. Ibid. p.563.

ضمناً این کشور عضو هیچ یک از کنوانسیون‌های حفظ و حمایت از حقوق مؤلفین و مصنفین نیست.^۱

رادیو و تلویزیون

رادیو و تلویزیون این کشور هر دو تحت کنترل و نظارت دولت قرار دارند. "ایستگاه سخن‌پراکنی اردن هاشمی" یا رادیوی این کشور که در سال ۱۹۵۹ تأسیس شده، از جمله ادارات تابعه وزارت ارتباطات به حساب می‌آید. اردن تا اواسط آوریل ۱۹۴۸ فرستنده رادیویی نداشت، ولی پس از پایان قیمومت انگلیس در فلسطین (۱۹۴۸/۵/۱۵)، قسمتی از رادیو فلسطین به مددکارمندان عرب این رادیو و ارتش اردن از بیت‌المقدس که صحنه جنگ بود به "رام‌الله" که تحت تصرف ارتش اردن بود منتقل گردید و در اختیار دولت مرکزی اردن و فرماندار کل نظامی در آن منطقه قرار گرفت. از تاریخ ۱۹۰۵/۴/۲۴ که دو قسمت رود اردن رسماً متحد شدند، این رادیو به نام رادیو کشور اردن هاشمی خوانده شد و از همان شهر رام‌الله با قدرت ۲۰ کیلووات روی موج متوسط به طول ۴۴۲ متر برنامه‌های خود را پخش کرد و رادیو عمان در سپتامبر ۱۹۵۶ که ملک حسین آن را افتتاح نمود، پخش برنامه‌های خود را روی موج متوسط به طول ۲۰۷ متر و موج کوتاه به طول ۴۹ متر آغاز نمود.^۲ رادیو اردن در حال حاضر برنامه‌های داخلی خود را از طریق دو فرستنده موج متوسط ۱۰۰ کیلوواتی و برنامه‌های خارجی برون‌مرزی را از طریق یک فرستنده موج کوتاه ۱۰۰ کیلوواتی پخش می‌کند. برنامه‌های خارجی رادیوی اردن شامل روزانه ۲۰ ساعت به زبان عربی برای جهان عرب و یک ساعت به همان زبان برای اروپا و هفت ساعت برنامه به زبان انگلیسی دارد. مدیرمسئول رادیو عمان، ناشو

۱. کتاب سبز اردن، ص ۱۰۹ و جهان اسلام، مرتضی اسعدی، ص ۵۵.

۲. کتاب سبز اردن، ۱۳۶۱.

مجال^۱ است. برنامه‌های داخلی رادیوی اردن در هفته بیش از دویست ساعت است. در سال ۱۹۹۰ طبق تخمینی که زده شده، در این کشور ۱/۰۲۰/۰۰۰ دستگاه گیرنده رادیو وجود داشته است.

تلویزیون اردن در سال ۱۹۶۸ تأسیس و از سال ۱۳۵۱/۱۹۷۲ شروع به فعالیت کرد. ملک حسن در آوریل ۱۹۷۴ فرستنده رنگی تلویزیون اردن را افتتاح نمود. تلویزیون اردن دارای دو برنامه به زبان‌های عربی و انگلیسی است که از دو کانال ۶ و ۳ به صورت رنگی پخش می‌شود. ایستگاه تلویزیونی دولتی در هفته ۹۰ ساعت برنامه به زبان عربی و انگلیسی پخش می‌کند و تبلیغات نیز دارد. تعداد ایستگاه‌های تلویزیون تنها در قسمت رود اردن ۳۲۵/۰۰۰ است.

تاریخچه قانون مطبوعات در کشور اردن

قانون مطبوعات عثمانی، تا سال ۱۹۵۳ در اردن به قوت خود باقی بود. در این سال پارلمان اردن قانون دیگری برای مطبوعات به تصویب رساند. صاحب امتیاز هر نشریه، برابر این قانون، باید دست‌کم دارای گواهینامه دبیرستان باشد. رئیس هیأت تحریریه نیز باید دارای گواهینامه تحصیلات دانشگاهی باشد. خبرگزاری‌هایی که بولتن‌های روزانه را منتشر می‌کنند نیز پیرو همین شرط بودند. دولت در این هنگام، امتیاز همه نشریه‌ها را لغو کرد، تا باز بر پایه قانون نوین، امتیاز بگیرند. نشریه‌های اردن هرچند در آغاز، همگی بر این قانون تاختند، ولی سرانجام بدان تن دادند.

در سال ۱۹۵۵ نیز قانون مطبوعات دیگری تصویب شد و شروط دیگری به شروط گذاشته افزود، و از آن میان، این‌که مدیر هیأت تحریریه نباید پیشه دیگری داشته باشد. در سال ۱۹۷۳، با برقراری حکومت نظامی در اردن، قانون مطبوعاتی هماهنگ با مقررات حکومت نظامی، بر مطبوعات تحمیل شد. از

سخت‌گیرانه‌ترین ماده‌های این قانون دو ماده بودند که به حکومت اجازه می‌دادند که به تصمیم شورای وزرا، هر نشریه را که مطلبی بنویسد که به امنیت ملی آسیب برساند، جریمه، تعطیل، یا لغو امتیاز کند و آشکار است که در سایه حکومت نظامی، و به دور از دستگاه قضایی مدنی، قوه مجریه همیشه پیروز است.

این قانون که در سال ۷۳ و در پی حکومت نظامی بر مطبوعات تحمیل شد، تا سال ۱۹۸۸ نیز عملاً بر مطبوعات فرمانروا بود. در سال ۱۹۸۸، در ۲۴ آگوست، کمیته امنیت اقتصادی تصمیم گرفت که شوراهای اداری انتخابی سه روزنامه اردنی، *الرؤی، الدستور و الشعب* را منحل و شوراهای تعیین شده از سوی حکومت را جانشین آن‌ها کند. این کار بر فعالیت مطبوعات اردن سخت اثر نهاد و از سوی دست‌اندرکاران مطبوعات، به عنوان اقدامی برای به بند کشیدن آن‌ها تلقی شد. ولی نخستین گام حکومت "مضربدران" در راه الغای حالت حکومت نظامی در زمینه مطبوعات برداشته شد. وی شوراهای حکومتی روزنامه‌ها را منحل کرد و شوراهای اداره‌کننده روزنامه‌ها، همچون شرکت‌های سهامی عام را بر سرکار آورد.

در آوریل ۱۹۸۹، با روی کار آمدن حکومت زیدبن شاکر، آزادی‌های مطبوعات بیش‌تر شد و مطبوعات بهتر می‌توانستند به کار خود ادامه دهند.

اقدام حکومت "مضربدران" در تعلیق احکام حکومت نظامی، برای لغو نهایی آن‌ها، برای بازگرداندن آزادی به مطبوعات، چندان بستنده نبود، ولی لغو تصمیم کمیته امنیت اقتصادی هر آینه توانست آن‌ها را... گامی به پیش ببرد. مضربدران پس از آن اعلام کرد که دیگر در سیاست مطبوعات دخالت نخواهد کرد و از آن هنگام بود که گردهمایی‌های هفتگی وزارت تبلیغات برای رهنمود دادن به رؤسای هیأت‌های تحریریه قطع شد.

ولی قانون حاکم بر مطبوعات اردن هنوز عملاً همان قانون مطبوعات است

که در شرایط حکومت نظامی سال ۷۳ به اجرا درآمد، قانونی که به حکومت اجازه می‌دهد نشریه را تعطیل کند یا امتیاز آن را لغو سازد.

این قانون برابر گفته *الحیاء*، روزنامه‌نگاران را موظف می‌داند که منابع اطلاعاتی خود را به دادگاه ارائه دهند. نشر اخبار درباره خانواده سلطنتی و نیروهای مسلح یا هرگونه اطلاعاتی که بتواند از اعتماد به اقتصاد ملی بکاهد را مگر مسئولین آن را روا بدانند ممنوع می‌کند و همچنین روزنامه‌نگاران را تنها به شرط پیوستن به سندیکای روزنامه‌نگاران مجاز به فعالیت می‌داند. ملک حسین در آوریل ۹۳ این قانون را توشیح کرد. این قانون به نشریات حق می‌دهد که منابع اطلاعات خود را (مگر در صورت تصمیم دادگاه بر اطلاع بر آنها) پنهان نگاه دارند و همچنین به شهروندان، احزاب سیاسی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی و سندیکاها اجازه بیان آرای خود و داشتن نشریه را می‌دهد، و دستگاه قضایی را مکلف به حل هر مسأله‌ای که مانع اجرای این قانون باشد، می‌کند.

به‌راستی هم قانون بسیار نارسا و دست و پاگیر بود، و تنها امتیازی که بر قانون پیشین که بر پایه مقررات حکومت نظامی زمان جنگ وضع شد، داشت، این بود که دیگر دادگاه مسؤول اجرای آن بود، وگرنه خود قانون چیز تازه چشمگیری ارائه نمی‌کرد.

یکی دیگر از موارد دست و پاگیر این قانون که نشان‌دهنده دموکراسی به‌شیوه اردنی است، وادار کردن همه روزنامه‌نگاران به پیوستن به سندیکای روزنامه‌نگاران است، بدین‌سان که عضویت در این سندیکا را شرط ادامه کار در این پیشه دانسته است.

سندیکای روزنامه‌نگاران نیز به سرعت دست به کار زمینه‌سازی اجرای این ماده قانون شد و به‌زودی شورای سندیکای روزنامه‌نگاران اقداماتی برای "جلوگیری از تعدی" به این پیشه را آغاز کرد. *الدستور* مورخ ۳۰ ژوئن ۹۳ می‌نویسد:

شورای سندیکای روزنامه‌نگاران، دیروز، به ریاست سلیمان القضا، به‌منظور پایان دادن به تجاوزاتی که از سوی اشخاص غیرعضو در سندیکا، به این حرفه می‌شود، تصمیماتی گرفت! شورا در تصمیمات خود تأکید کرد که به هیچ شخصی اجازهٔ خبرنگاری برای روزنامه‌ها داده نشود، مگر این‌که در این سندیکا نام‌نویسی کرده باشد.

در آخر این گزارش افزوده شده است:

گفته می‌شود که قانون مطبوعات و انتشارات، که امسال تصویب شد، در تعریف روزنامه‌نگار تأکید کرده است که: روزنامه‌نگار کسی است که شروط یادشده در مقررات سندیکای روزنامه‌نگاران... را داشته باشد. و به‌زودی روشن شد که این قانون از سطح فکر و فرهنگ معمول اردن نیز پایین‌تر است و کاری جز پدید آوردن موانع، راه‌بندها، و دردسرهای اضافی ندارد.

در الدستور مورخ ۹۳/۶/۲۹ آمده است:

برخی پس از صدور قانون مطبوعات جدید، که تعدد آرای منشور را مجاز دانسته است، بسیار خوشبین بودند، ولی آنچه در صحنهٔ ادبی باعث شگفتی شد این بود که معلوم شد خواستاران انتشار یک نشریهٔ ادبی نیز باید عضو سندیکای روزنامه‌نگاران باشند... قانون مطبوعات به‌طور ضمنی به مطبوعات تخصصی، به نویسندگان، ادیب یا اندیشمندان نیز، مگر در صورت پیوستن به سندیکای روزنامه‌نگاران، "ته" گفته است.

و بدین‌سان قانون جدید ضربه‌ای به ژرفای جنبش ادبی و فرهنگی وارد کرد. زیرا از نویسندگان و ادیب‌ها خواسته است در سندیکای روزنامه‌نگاران عضو باشند. اکنون می‌توان به‌راستی دانست که چرا نویسندگان و روزنامه‌نگاران اردنی، که تاکنون به اجرای عملی قانون مطبوعات حکومت نظامی بسته کرده بودند، به این قانون خرده می‌گیرند و روز‌صدور آن را روز سیاه مطبوعات می‌خوانند.

تاریخچه سندیکای روزنامه‌نگاران

سندیکای روزنامه‌نگاران اردنی در آغاز دهه پنجاه در "قدس" پایه‌گذاری شد، نخستین رئیس آن رجاء العیسی بود. این سندیکا به موجب قانون مطبوعات سال ۱۹۵۳ پایه‌گذاری، و سپس به دلیل مشکلات فنی، حرفه‌ای و سندیکایی، تعطیل شد.

روزنامه‌نگاران اردنی تا سال ۱۹۶۹ بی‌سندیکا ماندند. در این سال روزنامه‌نگاران خواستار پایه‌گذاری مجدد سندیکا، تنظیم یک قانون جدید برای آن و تعیین شروط عضویت در آن شدند، دولت در آن هنگام به همان قانون ۱۹۵۳ بازگشت و همه روزنامه‌نگاران را برای گزینش رئیس سندیکا فرا خواند. از آن هنگام سندیکای روزنامه‌نگاران فعال است و بنابر قانون، رئیس و شورای سندیکا سالی یک‌بار بازگزینه می‌شوند. این دوره بنابر قانونی که در سال ۱۹۸۳ تنظیم شد، به دو سال افزایش یافت. قانون جدید همچنین نکاتی درباره شروط عضویت و وظایف سندیکا دارد. افزون بر این که سندیکار را، به طور معنوی به وزارت تبلیغات وابسته می‌کند، زیرا پیش از آن، مطبوعات، به دلیل نبود وزارتی برای تبلیغات، به وزارت کشور وابسته بودند.

این سندیکا کسانی را که حرفه اصلی آن‌ها در زمینه امور روزنامه‌نگاری است، از جمله کارکنان مؤسسات مطبوعاتی، چه مطبوعاتی روزانه، چه هفتگی و چه ماهانه، و همچنین کارکنان خبرگزاری اردن را دربرمی‌گیرد.

این سندیکا به امور روزنامه‌نگاران، چه در زمینه مسائل مربوط به حرفه و چه درباره مسائل زیستی، رسیدگی می‌کند. در این زمینه شوراها ی پیایی سندیکایی در تلاش برای تهیه خانه و... برای کارکنان امور مطبوعات بوده‌اند. کارکنان مؤسسات مطبوعاتی مشمول بیمه‌های اجتماعی‌اند، اما کارکنانی که در مؤسسه‌های رسمی کار می‌کنند، تابع قانون بازنشستگی کارکنان دولت‌اند. با این همه، شورای کنونی سندیکا (سال ۱۹۸۶) در پی شمول نظام بازنشستگی به

روزنامه‌نگاران است، چنان که روزنامه‌نگار، پس از شصت سالگی یا پس از بیست سال کار به صندوق بازنشستگی واگذار شود. دیگر از وظایف شورای سندیکا تهیه کار برای همکاران مطبوعاتی است. چه بسا که شورا، به سود همکاران، در دعوای شخصی دخالت کند. برای نمونه هنگامی که یکی از همکاران بدون دلیل معنوی از کار برکنار شود شورا، به‌ویژه از آن‌رو که روابط نسبتاً خوبی با نهادهای مطبوعاتی دارد به سود او دست به کار می‌شود.

این سندیکا، همچنان که گفته شد به‌طور معنوی، به وزارت تبلیغات وابسته است. معنی معنوی هم در این جا کاملاً آشکار است. قانون جدید مطبوعات نیز، با توجه به همین وابستگی، روزنامه‌نگاران را به این سندیکا وابسته می‌کند، زیرا روزنامه‌نگاران را به پیوستن به سندیکا، چونان شرطی برای اشتغال به این حرفه وادار کرده است. این شرط، و نکات دیگری در این قانون، به نگرانی روزنامه‌نگاران انجامید، چندان که انگیزه بحث‌های فراوانی به هنگام بررسی قانون توسط مجلس گشت.

شیوه مالکیت مطبوعات

در سال ۱۹۸۶ تحولاتی در زمینه مالکیت روزنامه‌ها انجام گرفت. چنانکه مطبوعات آن راگونه‌ای ملی کردن، تلقی کردند. آقای محمود الکاید، رئیس وقت سندیکای روزنامه‌نگاران و رئیس هیأت تحریریه روزنامه الرئی، در مصاحبه‌ای با المجله، مورخ ۲۳/۲۹/آوریل / ۸۶، در این باره می‌گوید:

این اقدام، ملی کردن به معنی معروف واژه نیست، که گونه‌ای گسترش زمینه مالکیت یا تبدیل روزنامه‌ها از شرکت‌های سهامی خاص به شرکت‌های سهامی عام است. بدین سان که درصدی از سهام به پذیرهنویسی همگانی اختصاص می‌یابد و مالکان اصلی نیز درصدی از

سهام را برای خود نگاه می‌دارند و شرکت‌های سهامی عام دیگر نیز می‌توانند بخشی از این سهام را بخرند. این کار سبب می‌شود که نشریات از سوی همگان، و نه چون گذشته از سوی دو یا سه نفر اداره شوند. گفته می‌شود که زمینه مالکیت گسترده‌تر، از زمینه تنگ بهتر است. این البته خواست دولت بود. اما چگونگی تقسیم سهام چنین است:

۳۵ درصد سهام برای مالکین گذشته.

۲۵ درصد پذیره‌نویسی همگانی.

۱۵ درصد برای یکی از صندوق‌های دولتی.

۲۰ درصد برای شرکت‌ها و مؤسسات عام.

۵ درصد برای کارکنان هر نشریه

این قانون در موارد روزنامه‌های *الرأی* و *الدستور* اجرا شده است و روزنامه *الشعب* شرکتی است سهامی که صندوق‌های دولتی شصت درصد سهام آن را در دست دارند.

این روند در سال ۱۹۸۸ گسسته شد، زیرا در آن هنگام بنا به تصمیم کمیته امنیت اقتصادی، شوراهای برگزیده دارای روزنامه‌های سه‌گانه کشور، *الرأی*، *الدستور* و *الشعب*، منحل شدند و کمیته‌های انتصابی دولتی جای آن‌ها را گرفتند. ولی سپس به زودی حکومت مضربدران، این شوراهای اداری حکومتی را منحل و شوراهای انتخابی را باز جایگزین آن‌ها کرد و نشریات یادشده باز به صورت شرکت‌های سهامی عام، چون پیش از آگوست ۱۹۸۸، درآمدند.

قانون مطبوعات جدید گویا همه این نسبت‌ها را به هم زده است و سهم مالکیت حکومت در مطبوعات بومی را ۳۰ درصد تعیین کرده است و این درصد، به گفته دکتر نبیل الشریف نسبت به درصد فعلی معقول به نظر می‌رسد. وی درباره این مسأله به‌طور کلی، می‌گوید:

مالکیت بخش حکومتی بر نسبت بزرگی از سهام مطبوعات بومی با شیوه دموکراتیکی که پیش گرفته‌ایم، هماهنگ نیست زیرا این مالکیت

در هنگام حکومت نظامی توجیهی برای کنار نهادن رؤسای هیأت‌های تحریریه و مدیر عامل‌ها و شوراهای انتخاباتی مطبوعات شدند. قانون مطبوعات از نسبت‌های مالکیت سهام نامی نمی‌برد و تنها ما به نسبت ۳۰ درصد مربوط به حکومت دسترسی داشته‌ایم.

وی در همین سخنرانی، دربارهٔ نسبت آگهی در روزنامه‌های اردن می‌گوید: علت فراوانی آگهی‌ها در مطبوعات اردن، این است که مطبوعات اردنی در تأمین مالی خود به آگهی متکی هستند، درحالی‌که بیش‌تر مطبوعات در کشورهای عربی از حکومت یا افرادی جز حکومت کمک‌هایی دریافت می‌کنند و این نشان‌گر انگیزهٔ پاکیزگی مطبوعات اردن است. مطبوعات اردنی کار خود را به‌دور از هرگونه فشاری انجام می‌دهند.

و باز، حازم‌الخالدی، در ستونی در *الدستور* مورخ ۹۳/۷/۵ می‌نویسد: مطبوعات اردن اختلاف ویژه و شگفتی با مطبوعات دیگر کشورهای عربی دارند، زیرا می‌توان آن‌ها را مطبوعات “آگهی‌گرا” نامید و همچنین می‌توان آن‌ها را مطبوعات “خدماتی” نامید، و نیز می‌توان گفت که خواسته‌های خوانندگان با آنچه روزنامه‌ها پیش می‌کشند، ناسازگار است.

و آقای محمود الکاید، در مصاحبه‌ای با *المجله*، مورخ ۲۳/ ۲۹/ آوریل /۸۶، می‌گوید:

مطبوعات اردن از نظر مادی، به معنی واقعی کلمه مستقل‌اند، و صددرصد بر خوانندگان و آگهی‌ها متکی‌اند.

به‌راستی هم، در یک ارزیابی آماری از یک شمارهٔ روزنامهٔ *الدستور*، حدود ۱۸/۵ صفحه از ۳۲ صفحهٔ آن آگهی بود. و این نسبت، برای هزینه‌های نشریه‌ای که کم‌تر خبرنگار اعزامی به خارج دارد، بسنده می‌نماید. از سوی دیگر، براساس یک برآورد کلی می‌توان گفت که حکومت اردن نیز فقیرتر از آن است که بتواند

۴۶ نگاه ایرانی به مطبوعات عربی

هزینه‌های مطبوعات را نیز تحمل کند، زیرا حکومت، بر پایه نقل قول‌های گذشته، همواره در پی به دست گرفتن نسبت بالاتری از سهام مطبوعات بوده است و در این زمینه همواره میان مالکین و گردانندگان مطبوعات از یک سو، و حکومت، از سوی دیگر، کشاکش بوده و این نکته می‌رساند که مطبوعات در اردن سودآورند.

لبنان

ساخت اجتماعی لبنان

ساخت اجتماعی لبنان را با در نظر گرفتن این ملاحظه که اخیراً به صحنه آمدن نیروهای اسلامی و به وجود آمدن جاذبه‌های جدیدی که فراتر از جاذبه‌های سنتی گذشته بوده و این ساخت را دچار تغییر و تحول نموده‌اند، آغاز می‌کنیم. این کشور هنوز جنبه‌های جامعه فرقه‌ای، طایفه‌ای و فئودالی سنتی درهم شکسته خود را حفظ کرده است و به لحاظ سیاسی، لبنان به مثابه یک گروه خانواده گسترده می‌باشد که هر کدام در جست‌وجوی منافع و مصالح مورد علاقه خود هستند. نشانه‌های ارباب و رعیتی با وجود آن‌که از نظر تاریخی، سیستم فئودالیسم (نظام الاقطاع) در لبنان در اوایل قرن ۱۹ به پایان رسید هنوز هم به صور گوناگون مشهود است. (فئودالیسم به شکل اروپایی کلاسیک وجود ندارد بلکه آنچه وجود دارد خانواده‌های ملاکی هستند که به خاطر موقعیت اجتماعی سنتی خودشان، هنوز هم نقش ملاحظه‌ای در فرآیند سیاسی لبنان اعمال می‌کنند.

با وجود این عقیده عمومی که جامعه لبنان یک جامعه غربی است (که به طور نسبی هم هست)، جامعه مذکور در واقع یک جامعه سنت گراست. خانواده نه تنها در روستاها بلکه واقع در شهرها نیز قوی ترین واحد اولیه می باشد. خانواده نفوذ کلام و قدرت بسیار دارد و از اعضای خود حمایت می کند و وفاداری می خواهد. خانواده برای اعضای مختلف خود، نقش ها و موقعیت های کاملاً مشخص در نظر گرفته و واحد اجتماعی مهمی را در زندگی فرد تشکیل می دهد و نیز موقعیت آن در جامعه سهم زیادی در پرستیژ اعضای آن دارد. از طرف دیگر خانواده های ملاک که لزوماً هم مالکان بزرگی نبوده اند از احترام فوق العاده ای در میان جامعه خود برخوردار بوده و به میزان قابل ملاحظه ای بر ساکنان نواحی خود، کنترل سیاسی و اجتماعی داشته اند.

مع ذلک به خاطر رشد سریع جوامع شهری در این کشور، به نظر می رسد نفوذ این خانواده فئودال سنتی روبه زوال بوده و این نفوذ را تدریجاً تازه واردین مانند خانواده بازرگانان که در حال صعود از نردبان ترقی اجتماعی هستند، به دست آورده اند. با توسعه صنعت و سایر خدمات اقتصادی (چون تورسم و بانکداری) زمین موقعیت سنتی خود را به عنوان منبع اصلی قدرت و حیثیت اجتماعی از دست می دهد. زمین داران هرچند هنوز در نواحی روستایی حضور دارند دیگر به هیچ وجه انحصار قدرت را که زمانی در اختیار داشتند در دست ندارند. یک طبقه جدید از صاحبان صنایع، بانکداران و پیشه وران به سرعت در حال دگرگون کردن ساخت اقتصادی و اجتماعی کشوراند.

به رغم شهری شدن سریع، حدود نیمی از جمعیت لبنان هنوز در نواحی روستایی یا نیمه روستایی شهری زندگی می کنند. نزدیک بودن روستاها و بیابان ها به مراکز شهری همراه با اصلاح سریع و مداوم وسایل حمل و نقل، تحرک جمعیت را افزایش داده و انتقال به شهرها را تشویق نموده است. این روند نه تنها نواحی روستایی را در معرض تأثیرات مدرن سازی قرار داده بلکه مطلب

مهم‌تر آن‌که ارزش‌های سنتی زندگی روستایی را به داخل مراکز شهری کشانده است.

با این همه خانواده‌های فئودال و ملاکین به هیچ وجه تنها گروه‌های اجتماعی و سنتی نیستند که مردم لبنان بدان تعلق دارند بلکه گروه‌های متنفذ دیگری نیز در صحنه لبنان وجود دارند که قبلاً نیز در فصول گذشته به آن‌ها اشاره شده و اکنون نیز به طور مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود. "جامعه مذهبی" یکی از این گروه‌های متنفذ است. جامعه مذهبی نیز یک گروه اولیه است که افراد طبیعتاً متعلق به آن هستند. به این دلیل است که فرد در اجتماع یاد می‌گیرد که ابتدا در جست‌وجوی منافع و رفاه خانواده و جامعه مذهبی خود باشد. یعنی دو نهادی که عملاً از مجرای آن، تمام فعالیت‌های او جریان می‌یابد. بنابراین توجه به ملاحظات اعتقادی فرقه‌ای در لبنان یک واقعیت اجتماعی و جوهر سیستم سیاسی است. مفهوم مذکور در قانون اساسی لبنان هم گنجانده شده است. به موجب یکی از مواد قانون اساسی مقرر گردیده که به خاطر حفظ مناسبات دوستانه و رعایت عدالت، پست‌های دولتی می‌باید به طور متناسب میان جوامع مختلف مذهبی توزیع گردد. اهمیت ملاحظات اعتقادی و فرقه‌ای در قانون انتخاباتی به رسمیت شناخته شده و طی آن تصریح گردیده که کرسی‌های پارلمان می‌بایستی به تناسب جمعیت هر فرقه، تقسیم گردد.

تمام کوشش‌هایی که تاکنون برای محو ملاحظات فرقه‌ای از قانون اساسی یا حتی کاستن از نفوذ آن بر سیستم اداری به عمل آمده، به رغم آن‌که مساعی مذکور از طرف رهبران برجسته صورت گرفته، با شکست روبه‌رو شده است. دلیل عمده این عدم موفقیت فقدان یک توافق عمومی برای وحدت ملی و نیز نبودن یک همبستگی میان لبنانی‌هاست، اساساً لبنان از همان ابتدای موجودیت، یک جمهوری متزلزل بوده است، و علت عمده آن این بوده که هویت محلی و طایفه‌ای بر هویت ملی غلبه داشته است.

اگرچه برخی میثاق ملی سال ۱۹۴۳ را به عنوان گام نخست در جهت ایجاد یک حکومت غیرمذهبی در لبنان می دانند، ولی در نظر پاره‌ای از منتقدان میثاق ملی، این میثاق را نمی توان پایه‌ای مستحکم برای وحدت ملی تلقی نمود، زیرا به جای آنکه با به رسمیت شناختن فرقه‌ها، لبنانی‌ها را به وحدت تشویق کند تقسیم مردم به گروه‌های مختلف را ترغیب می‌کند.

فرهنگ و آداب و رسوم

بدون تردید کشور لبنان از نیمه اول دهه پنجاه تا شروع جنگ‌های داخلی، پایتخت و بازار بی‌رقیب محصولات فرهنگی در سطح کشورهای عربی بوده و اینک نیز پس از خاموش شدن شعله‌های جنگ و استقرار نهادهای قانونی، در صدد به دست آوردن جایگاه پیشین خویش است.

بیروت با کسب رونق فرهنگی در سال‌های اخیر در مقایسه با سال‌های قبل در واقع دچار جهش و حرکت تصاعدی کیفی در زمینه فعالیت‌های فرهنگی شده است. به عنوان مثال می توان به احیای مجدد باشگاه‌ها و انجمن‌های فرهنگی، ادبی و از سرگیری کنفرانس‌ها و شب‌های شعر و برگزاری نمایشگاه‌های نقاشی، کتاب و شروع تئاترها اشاره کرد. لبنان با داشتن بیش از ۵۰۰۰ مؤسسه و انجمن ادبی، فرهنگی و اجتماعی در صدر کشورهای عربی قرار داشته و همین امر باعث شکوفایی فرهنگ در این کشور شده است.

طبق آمار موجود حدود ۲۸ مؤسسه تحقیقاتی و آرشیوی در لبنان وجود دارد که هدف آن‌ها جذب نیروهای مستعد و کارآمد سیاسی و فرهنگی این کشور و تحقیقات عملی در زمینه‌های مختلف است. برخی از این مراکز و مؤسسات عبارت‌اند از: مرکز مطالعات و آرشیو وابسته به وزارت امور خارجه، شورای ملی مطالعات علمی، مرکز مطالعات جهان نوین عرب، مرکز توسعه، انستیتوی مطالعات فلسطین، مرکز مطالعات وحدت عربی، انستیتوی رشد عربی.

لبنان ۵۱

باتوجه به وجود فرقه‌های متعدد مذهبی در لبنان، هر فرقه دارای آداب و رسوم و سنن خود بوده و در مجموع در این رابطه تنوع و دگرگونی وسیعی در سطح لبنان به چشم می‌خورد. در شهرهای بزرگ از قبیل بیروت و خصوصاً در میان مارونی‌های مسیحی زندگی به سبک غربی رواج کامل دارد. درحالی‌که در شهرهای کوچک‌تر و روستاها مخصوصاً در نواحی که شیعیان سکونت دارند، آداب و رسوم مذهبی رعایت می‌شود.

طوایف مختلف در لبنان اگرچه از آداب و رسوم فرهنگی متفاوتی برخوردار هستند ولی تجربه سال‌ها زندگی در کنار هم، به آن‌ها آموخته که برای زندگی مسالمت‌آمیز در کنار هم، درعین‌حال که آداب و رسوم خود پایبنداند باید به آداب و رسوم دیگران هم احترام بگذارند. نسل جوان لبنان نیز بسته به این‌که متعلق به کدام طایفه باشد، به دنبال دلبستگی‌ها و علایق خاص طایفه‌ای خود می‌باشد. اوقات فراغت براساس وابستگی فرقه‌ای متفاوت است. مثلاً در جوامع شهری و در نزد جوانان مسیحی تفریحات به سبک غربی رواج دارد و در جوامع مسلمان و به خصوص شیعه تفریحات به سبک اسلامی موردتوجه قرار می‌گیرد. باتوجه به کثرت وسایل ارتباط جمعی در لبنان این وسایل قسمت عمده‌ای از اوقات فراغت مردم را پر می‌کنند.

نظام آموزشی

بحران شانزده ساله لبنان رکود قابل توجهی در فعالیت‌های آموزشی این کشور ایجاد نمود. علل این رکود جنگ داخلی و مهاجرت‌های اجباری شهروندان به شهرهای دیگر و گرانی سرسام‌آور شهریه مدارس و هزینه تحصیلات بوده است. نظام آموزشی در این کشور از دیرباز ملی بوده و دولت نیز مدرسی را در شهرهای لبنان اداره می‌کند ولی عمدتاً این افراد و مؤسسات حقیقی و حقوقی هستند که مدارس را ساخته و اداره می‌نمایند. آموزش در لبنان جنبه‌های

طایفه‌ای و مذهبی داشته و دولت دخالت زیادی در تأسیس و ساختن مدارس ندارد.

لبنان از دیرباز مورد توجه مبلغین مسیحی و کشورهای اروپایی بوده و این مبلغین و اروپایی‌ها با هدف آموزش و پرورش افراد نمونه، برای به دست گرفتن پست‌های کلیدی در لبنان و کشورهای منطقه، مراکز آموزش متعددی را بنیان گذاشته‌اند. تعدادی از این دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی که توسط مبلغین مسیحی در لبنان ساخته شده‌اند عبارت از: دانشگاه قدیس یوسف، دانشگاه عین‌طوره و دانشکدهٔ سوری انجیلی که بعدها تبدیل به دانشگاه آمریکایی بیروت شد.

با سرازیر شدن گروه‌های مبلغین مسیحی تحت نام‌های گوناگون، مدارس و مؤسسات آموزشی در بیروت و سایر شهرهای لبنان تأسیس گردید که به دلیل تضاد عقیدتی میان مذاهب متعدد نیز رقابت بر سر به دست گرفتن زمان امور فرهنگی میان گروه‌ها افزایش یافت.

اهل سنت نیز در سال ۱۸۷۸ مدرسه‌ای را تحت عنوان ”المقاصد الخیریه الاسلامیه“ تأسیس نمودند که هدف این مدرسه آموزش دادن به پیروان خود بود. علاوه بر مسیحیان و مسلمانان، یهودیان و سازمان‌های صهیونیسم بین‌الملل نیز بیکار نبوده و با استفاده از این موقعیت جهت گسترش نفوذ خود، مدارس متعددی را در بیروت ساختند.

تعلیم و تعلم در لبنان اجباری نیست؛ ولی آموزش رایگان توسط دولت ارائه می‌شود. میزان باسوادی در لبنان بیش از ۸۰ درصد است، تحصیلات ابتدایی در پنج سالگی شروع و پنج سال ادامه دارد. مدت تحصیلات متوسطه نیز هفت سال است که شامل دوران اول متوسطه به مدت چهار سال و دورهٔ دوم متوسطه به مدت سه سال است. در سال ۱۹۸۸ یعنی در آخرین سال‌های جنگ داخلی در لبنان تقریباً ۹۴ درصد کودکانی که از نظر سنی باید به مدرسه بروند برای آموزش‌های ابتدایی ثبت‌نام کردند.

لبنان ۵۳

نظام آموزشی لبنان به دو بخش دولتی و خصوصی تفکیک شده است. پس از خاتمه جنگ‌های داخلی در لبنان، دولت این کشور برای پایه‌ریزی نظام آموزشی و توسعه آن به سراسر کشور برنامه‌ریزی‌های درازمدتی را آغاز نمود که تمام روستاهای کشور را برای آموزش تحت پوشش قرار می‌داد.

تعداد مدارس پیش از مرحله دانشگاه حدود ۳۰۰۰ مدرسه برآورد شده که از این میان ۵۸ درصد دولتی و ۴۲ درصد به صورت خصوصی اداره می‌شوند. لبنان دارای ۱۳۰ آموزشگاه فنی و حرفه‌ای است که ۱۳ درصد دولتی و بقیه خصوصی‌اند. اغلب آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای در شهر بیروت مستقر هستند.

لبنان دارای ۱۵ مرکز دانشگاهی و مؤسسه عالی است که تعداد دانشجویان این مراکز حدود ۸۵ هزار نفر است که تعدادی از این دانشجویان غیرلبنانی و عمدتاً از کشورهای عربی و غیره آمده‌اند و به صورت بورس در این دانشگاه‌ها مشغول تحصیل هستند. مهم‌ترین دانشگاه‌های لبنان:

دانشگاه لبنان، دانشگاه قدیس یوسف، دانشگاه روح القدس، دانشگاه عربی بیروت، دانشگاه آمریکایی بیروت، دانشگاه جامعیه بیروت، انستیتو عالی حکمت و آموزش عالی، دانشگاه لوفان (بعیدا) و انستیتو فلسفه قدیس پولش، است.

تعدادی از این مراکز علمی نظیر دانشگاه بیروت دولتی و پاره‌ای هم خصوصی بوده و توسط گروه‌های مذهبی اداره می‌شوند. در سال‌های اخیر با گسترش جمعیت شیعیان و نیاز روزافزون آن‌ها به کسب معارف در محیطی اسلامی و سازنده، مطالعاتی برای تأسیس شعبه‌ای از دانشگاه تهران در رشته‌های موردنیاز لبنان نظیر طب، مهندسی، کشاورزی و همچنین تأسیس شعبه‌ای از دانشگاه آزاد اسلامی در لبنان صورت گرفته است.

دانشگاه آمریکایی بیروت به صورت یک دانشگاه بین‌المللی در لبنان درآمده و بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و اقتصادی لبنان و جهان عرب و کشورهای

دیگر از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه هستند. در حال حاضر ۵۰۰ استاد و ۵۰۰۰ دانشجو در این دانشگاه به تدریس و تحصیل اشتغال دارند و از بدو تأسیس تاکنون این دانشگاه ۲۶۰۰۰ فارغ‌التحصیل داشته است. این دانشگاه در حدود ۵۷ تابعیت مختلف را در خود جای داده که ۸۵ درصد آن‌ها عرب بوده‌اند. در این دانشگاه به زبان انگلیسی تدریس می‌شود.

وضعیت زنان در جامعه

جنگ ۱۶ ساله داخلی لبنان اثرات آشکاری از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه لبنان به خصوص زنان برجای گذاشت. زن مسلمان لبنانی به عنوان یکی از عناصر این جامعه به شدت تحت تأثیر جنگ و اثرات ناشی از آن قرار گرفت و شاهد یک رشته تحولات بنیادین بود که این تحولات دارای بعضی جنبه‌های مثبت نیز بود، چرا که قشر عظیمی از جامعه زنان را به دامن مذهب برگرداند و موجب شد که این قشر نسبت به دین و مذهب به عنوان تنها راه نجات از مشکلات و نابه‌سامانی‌ها ایمان پیدا کنند. این تحولات بنیادین ناشی از جنگ دارای اثرات منفی نیز بود که اگر از اثرات مثبت فراتر نمی‌رفت از آن کم‌تر هم نبود و آن ایجاد دگرگونی در روابط زنانشویی، افزایش آمار طلاق، انحراف جوانان، ازدیاد جنایت‌های ناشی از کمبودهای روانی و اخلاقی، بحران آشکار در روابط اولیا و فرزندان و نیز افزایش تعداد مجردان جامعه بود.

برطبق پژوهش انجام شده به وسیله نمایندگی سازمان ملل در بیروت در سال ۱۹۹۰ تعداد زنان لبنانی ۱,۵۲۵,۰۰۰ نفر بوده که نسبت به کل جمعیت آن روز ۵۱/۴ درصد را تشکیل می‌داده است. درصد ازدواج در لبنان بنابر تنوع آداب و رسوم اجتماعی و اعتقادات مذهبی مردم متغیر است لذا دیده می‌شود که میزان ازدواج در جوامع نسبتاً بسته بالا می‌رود و در جوامع باز غرب زده کاهش می‌یابد. در مورد نقش زنان در سیاست باید گفت که در مجموع چندان نقش سیاسی قابل توجهی به زن داده نشده و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی آن‌ها در

چارچوب برخی انجمن‌های زنان محدود بوده که این انجمن‌ها هم مختص زنان طبقات مرفه است. البته قابل ذکر است که اخیراً سیاست این کشور در جهت باز کردن میدان برای فعالیت زنان و بوده است. در قوه مجریه و هیأت دولت تاکنون زنی به وزارت نرسیده است. در قوه قانون‌گذاری در انتخابات اخیر مجلس سه زن وارد مجلس شده‌اند. در دستگاه دیپلماسی و قضایی تا به حال هیچ زنی به عنوان سفیر در دستگاه‌های دیپلماسی تعیین نشده و فعالیت آن‌ها در دستگاه قضایی نیز فقط در چارچوب کارمندی و اداری بوده است. در زمینه حقوق اقتصادی، قوانین لبنان، حق زن را در زمینه اشتغال ملحوظ داشته و ایده رعایت تساوی در دستمزد را تأکید می‌کند. درصد اشتغال زنان لبنانی نیز در مجموع افزایش داشته و از ۱۶/۵ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۲۱/۷ درصد در سال ۱۹۸۷ و ۲۵ درصد در سال ۱۹۹۰ رسیده است. در زمینه ارث نیز هر قشر از خانم‌های لبنانی تابع قوانین مذهبی خاص خودشان هستند. همچنین برطبق قوانین لبنان به زنان شاغلی که خانه‌دار هم هستند امتیازات مادی خاصی تحت عنوان امتیازات خانوادگی اعطا می‌شود. تعداد انجمن‌های زنان که در لبنان فعال هستند، تقریباً به ۱۵۰ انجمن می‌رسد. ظاهراً این انجمن‌ها همگی به قصد دسترسی به اهداف اجتماعی و دفاع از حقوق زنان فعالیت می‌کنند. وضعیت فعلی آموزش و پرورش زنان لبنان، از زمان قبل از شروع جنگ داخلی تاکنون پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرده اما به‌رغم این مسأله هنوز نسبت به سطح آموزش مردان پایین‌تر است.

رسانه‌های گروهی

۱. مطبوعات

لبنان را به‌حق باید کشور مطبوعات و مرکز انتشارات و تبلیغات خاورمیانه عربی و شمال آفریقا دانست و این مرکزیت و مقامی که لبنان در زمینه مطبوعات در دنیای عرب به‌دست آورده ناشی از عوامل متعددی است که به اختصار به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. بالا بودن سطح آموزش و فرهنگ در لبنان موجب شده که تعداد زیادی نویسندۀ برجسته و روزنامه‌نگار حرفه‌ای و ورزیدۀ لبنانی، بهترین جراید و مجلات را معمولاً با کیفیتی بالا تهیه و عرضه نمایند.
۲. وجود خواننده یا خریداران فراوان مطبوعات لبنان در کشورهای عربی دیگر که به دلایل مختلف دسترسی به مطبوعات آزاد ندارند.
۳. وجود چاپخانه‌های مجهز و وسایل چاپ و عکاسی و گراورسازی مدرن در لبنان.
۴. وجود شرکت‌های توزیع مطبوعات که مهارت فوق‌العاده‌ای در امر توزیع در سراسر کشورهای عربی دارند.

بنا به دلایل فوق‌الذکر صدها روزنامه، مجله و نشریۀ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، حرفه‌ای، اختصاصی و غیره در لبنان چاپ می‌شود. جراید لبنان را باید در حقیقت میدان نشر عقاید، مرام‌ها، نظریات و تئوری‌های مختلف دانست و بدین‌جهت قابل‌قیاس با مطبوعات هیچ‌کشوری در کشورهای عربی نیست. از سوی دیگر وابستگی‌های سیاسی و مالی این مطبوعات به کشورهای خارجی عرب و غیرعرب سرزمین لبنان را به میدان تاخت‌وتاز و رقابت بین ممالک مختلف با عقاید گوناگون مبدل ساخته است. جراید لبنان از نظر حرفه‌ای و ابزار فنی و چاپ در حد عالی‌ترین و مدرن‌ترین مؤسسات انتشاراتی دنیا هستند و اغلب مشاهده شده که خبرگزاری‌های جهان خبرهای مندرج در مطبوعات لبنانی را به‌علت اهمیت آن عیناً به دنیا مخابره کرده‌اند.

تاریخچه مطبوعات لبنان و روزنامه‌نگاران لبنانی

در لبنان مطبوعات را به‌علت تأثیر شگرف و مهمی که در افکار عمومی دارند می‌توان پس از قوۀ مقننه، مجریه و قضاییه، رکن چهارم تشکیلات مملکتی محسوب داشت. این مطبوعات سهم به‌سزایی در تاریخ لبنان داشته و در

لبنان ۵۷

مبارزات استقلال طلبانه این منطقه که بیش از یک صد سال طول کشید، روزنامه نگاران لبنانی نقش برجسته ای ایفا کرده اند و آن گونه که در وقایع تاریخی لبنان ذکر شده از چهل شخصیت بارز لبنانی و عربی که در دوره تسلط عثمانی ها بر این کشور به دستور جمال سفاح به دار آویخته شدند، ۱۵ نفرشان از مدیران جراید لبنان بوده اند.

تاریخ مطبوعات لبنان نشان می دهد که روزنامه نگاران لبنانی طلایه داران ایجاد و تأسیس حرفه روزنامه نگاری در منطقه خاورمیانه عربی بوده اند و در مصر و سوریه اقدام به انتشار جراید مهم نموده و مؤسسين و سردبیران مطبوعات معروف مصر اکثراً از لبنانی های مهاجر بوده اند. وضع مطبوعات در لبنان با هیچ یک از کشورهای عربی قابل مقایسه نیست و شاید بتوان گفت که از این نظر در دنیا کم نظیر است. در قانون مطبوعات لبنان، آزادی نشر کاملاً رعایت شده و جراید و مجلات این کشور در انتشار مقالات و مطالب از آزادی فراوانی بهره منداند. امروزه در لبنان چند صد روزنامه و مجله سیاسی و غیرسیاسی چاپ و منتشر می شود. به علت تقاضاهای صدور امتیاز جراید سیاسی که به طور سرسام آوری روبه افزایش بود دولت لبنان در تاریخ ۱۳/۴/۱۹۵۳ طی یک لایحه قانونی به کلی اعطای امتیاز جدید برای انتشار روزنامه یا مجله سیاسی را منع نمود. بدین سبب مطبوعات سیاسی لبنان از روز انتشار دائماً دستخوش تغییرات در مالکیت، مدیریت، سردبیری و غیره هستند و خرید و فروش امتیاز جراید سیاسی همیشه در این کشور جریان دارد. آخرین آمار به دست آمده از مطبوعات لبنان به این شرح است:

روزنامه و مجلات یومیه، هفتگی، ماهیانه و... سیاسی به زبان های عربی، فرانسه، انگلیسی و ارمنی حدود ۹۹ عنوان هستند که بیش ترین آن ها به زبان عربی است. مجلات و نشریات غیرسیاسی جمعاً به تعداد ۴۴۵ عنوان است. باتوجه به تحولات عمده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این کشور لازم

است به نکته مهمی اشاره شود و آن این که فعالیت مطبوعات در لبنان برطبق قانون اساسی آزاد است. از این رو هر تحول سیاسی یا اجتماعی که در این کشور به وجود می آید هیچ گونه تأثیری بر وضعیت رسانه های این کشور نخواهد داشت، زیرا طبق قانون مطبوعات در این کشور، فعالیت های رسانه های گروهی و نشر کتاب و بیان کاملاً آزاد است و سانسور وجود ندارد و به علت گستردگی و کثرت نشریات در لبنان، فقط اسامی تعدادی از نشریات لبنانی (اعم از روزانه، هفتگی و ماهانه) که دارای اهمیت بیش تری هستند، به شرح زیر اشاره می گردد. نشریاتی لبنانی که در درجه اول اهمیت قرار دارند:

- روزنامه النهار (روزنامه سیاسی) مستقل
- روزنامه السفير (روزانه، سیاسی، فرهنگی) مستقل
- مجلة الحوادث (هفتگی، سیاسی، مصور) مستقل
- مجلة النهار العربی و الدولی (هفتگی، سیاسی، مصور) مستقل
- مجلة الصیاد (هفتگی، سیاسی، هنری، مصور) مستقل
- مجلة الوطن العربی (هفتگی، خبری، مصور) مستقل
- مجلة الاسبوع العربی (هفتگی، سیاسی، اجتماعی) مستقل
- مجلة الشراع (هفتگی، سیاسی، اجتماعی) مستقل

نشریات لبنانی که در درجه دوم اهمیت قرار دارند:

- روزنامه الانوار (روزانه، سیاسی، اجتماعی) مستقل
- روزنامه الشعب (روزانه، سیاسی، اجتماعی)
- روزنامه العمل (روزانه، سیاسی، اجتماعی) (ارگان حزب کتایب لبنان)
- روزنامه اللواء (روزانه، سیاسی، اجتماعی) مستقل
- روزنامه النداء (روزانه، سیاسی، هنری) ارگان حزب کمونیست لبنان
- روزنامه البیراق (روزانه، سیاسی، اجتماعی)
- روزنامه الشرق (روزانه، سیاسی، اجتماعی)

- صوت الاصرار (روزانه، سیاسی، اجتماعی) ارگان حزب لیبرال ناسیونال به رهبری کمیل شمعون
- الحقیقه (روزانه، سیاسی، اجتماعی)
- المحرر (روزانه، سیاسی، اجتماعی)
- مجلة امل (هفتگی، اجتماعی) ارگان جنبش امل، به رهبری نبیه‌بری، رئیس پارلمان لبنان
- نور الاسلام (هفتگی، اسلامی، سیاسی، اجتماعی) طرفدار مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق
- مجلة العروة الوثقی (هفتگی، سیاسی، اجتماعی، اسلامی) وابسته به تجمع علمای مسلمین لبنان
- مجلة البناء (هفتگی، سیاسی، اجتماعی)
- مجلة الافکار (هفتگی، سیاسی، اجتماعی)
- مجلة الحسنة (هفتگی، ویژه زنان)
- مجلة المسيرة (هفتگی، سیاسی، خبری، اجتماعی)
- مجلة المرابطون (هفتگی، سیاسی، اجتماعی) وابسته به جبهه مرابطون، به رهبری ابراهیم قلیلات
- نشریه الثوری (هفتگی، سیاسی، اجتماعی) ارگان حزب سوسیالیست عرب (مایویست)
- نشریه التوحید (هفتگی، سیاسی، اسلامی) ارگان جنبش التوحید اسلامی، به رهبری شیخ سعید شعبان

مجلات ماهانه لبنانی

- مجلة الاداری (اقتصادی، مالی، اداری)
- مجلة استراتیجیا (نظامی)
- مجلة الاقتصاد و المال (اقتصادی، مالی)
- مجلة الباحث (سیاسی، فکری)

- مجله‌البيان (اقتصادی، اجتماعی، علمی، ادبی)
- مجله‌الجيش (نظامی)
- مجله‌دراسات عربيه (اقتصادی، اجتماعی)
- مجله‌المناير (سیاسی، اجتماعی)
- مجله‌الناقد (اجتماعی، سیاسی)
- الرساله الاسلاميه (اسلامی)
- مجله‌المنطق (سیاسی، اسلامی) طرفدار حزب الله

فصلنامه‌ها

- مجله‌العرفان (اسلامی، اجتماعی)
- الطريق (سیاسی، اجتماعی) ارگان حزب کمونیست لبنان
- الفصول اللبنانيه (سیاسی، فکری) طرفدار کلیسای عوکر
- الفكر الاستراتيجي العربي (تاریخی، فلسفی، اقتصادی، سیاسی)
- مجله‌الفکر العربي (فرهنگی، اجتماعی، تاریخی)
- مجله‌الفهرست (نشریه تخصصی درباره اسناد و فهرست مجلات و نشریات لبنانی)
- مجله‌العربی (ادبی، هنری، تاریخی)
- مجله‌الثقافه الاسلاميه (فرهنگی، اسلامی) از طرف رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دمشق و بیروت هر دو ماه یکبار منتشر می‌شود.
- در لبنان نشریاتی به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی منتشر می‌شوند که نام بردن یکایک آن‌ها در این جا میسر نیست.

نشریات فلسطینی منتشره در لبنان

- نشریه خبرگزاری فلسطینی "وفا" (روزانه، خبری، سیاسی)

• مجله فلسطین الثورة: ارگان سازمان آزادی بخش فلسطین (فتح) به

رهبری یاسر عرفات

• مجله فلسطین: انگلیسی زبان از دفتر مطبوعاتی ساف

• مجله فلسطین: المحتله: وابسته به سازمان فتح به رهبری یاسر عرفات

• مجله الثورة: وابسته به جبهه خلق برای آزادی فلسطین به رهبری

نایف حواتمه

• مجله الحریه: وابسته به جناح فلسطینی سازمان کمونیستی عمل

• مجله الجماهیر: وابسته به سازمان الصاعقه، طرفدار سوریه

• مجله الهدف: ارگان جبهه دموکراتیک آزادی بخش فلسطین، به رهبری

نایف حواتمه

• مجله الی الامام: وابسته به جبهه خلق، فرماندهی عمومی به رهبری

احمد جبرائیل

• مجله الثایر العربی: وابسته به جبهه آزادی بخش عربی، به رهبری

عبدالکریم احمد، طرفدار عراق

• مجله هفتگی در اسات فلسطینیه (ماهنامه تحقیقی ایدئولوژیک)

وابسته به سازمان آزادی بخش فلسطین، به رهبری یاسر عرفات

کشور لبنان در زمینه حرفه خبرنگاری و مطبوعات در میان کشورهای عربی و حتی جهان معروف است. در این کشور دو دانشکده تخصصی در این رشته که از سطح بالایی برخوردار است وجود دارد یکی، دانشکده تبلیغات (اعلام) و دیگری دانشکده روزنامه نگاری (مطبوعات) و خبرگزاری که به دانشجویان مدرک لیسانس و دکترا در رشته های مطبوعات و حرفه خبرنگاری می دهد از این رو بیروت، به کانونی و پایگاهی برای تجمع خبرنگاران و روزنامه نگاران درآمده است. به همین خاطر میزان استفاده از گزارش های خبرنگاران اعزامی به دیگر نقاط جهان در نشریات این کشور برای هر خواننده مشهود است. به طور

کلی مطبوعات لبنان به انتشار مسائل خبری و سیاسی داخلی و خارجی بسیار اهمیت می‌دهند به طوری که تقریباً هر روز از این کشور خبر داغ و دست اول به سراسر جهان مخابره می‌گردد.

علاوه بر آن، نشریات لبنان مسائل خبری، سیاسی، فرهنگی، ادبی و حتی مذهبی را در سطح ممتاز منعکس می‌سازند.

منابع و وضعیت مالی نشریات و رسانه‌های گروهی لبنان همان طوری که پیش از این ذکر شد، بیش تر نشریات و رسانه‌های این کشور مستقل یا وابسته به احزاب و گروه‌های سیاسی‌اند. ولی آنچه قابل توجه است این که پس از شروع جنگ داخلی در این کشور هیچ نشریه‌ای غیروابسته به حزب و گروه چه داخلی و چه خارجی در لبنان نمی‌توان یافت. این مطلب به این معناست که نشریات لبنانی به همان اندازه که آزادند، وابسته‌اند، مطمئناً هزینه‌های اغلب این نشریات و رسانه‌های دیگر حتی مراکز تحقیقاتی از کمک‌های داخلی یا خارجی تأمین می‌شود و این امر در مورد لبنان مصداق واضحی دارد.

خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و گزارشگران رسانه‌ها در لبنان همان طوری که پیش از این گفته شد، مطبوعات در لبنان به طور قطع به احزاب و گروه‌های سیاسی وابسته است و هر نشریه نیز به نحوی وابسته به یکی از این احزاب است. از این رو طبیعی است که مخبرین و روزنامه‌نگاران به خط مشی این احزاب و گروه‌ها وابسته‌اند، و این احزاب و گروه‌ها بالقوه در خط مشی و اهداف عامل خارجی‌ای هستند، و این مسأله یکی از عناصر اساسی در شناخت مطبوعات لبنان به شمار می‌رود.

به طور کلی می‌توان نشریات لبنان را از لحاظ وابستگی سیاسی به جناح‌ها و گروه‌های زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. نویسندگان و روزنامه‌نگاران لبنانی که در نشریات لبنانی وابسته به عربستان سعودی مشغول فعالیت هستند مانند نشریات النهار، النهار العربی و الدولی، الحوادث و الصیاد و غیره.
۲. نویسندگان و روزنامه‌نگاران لبنانی که در نشریات لبنانی وابسته به کشور لیبی مشغول فعالیت هستند مانند نشریات الموقف العربی، الشرق، اکفاح العربی، نشریه العرب و گاهی روزنامه السفیر.
۳. نشریات و نویسندگان و روزنامه‌نگاران لبنانی وابسته به سوریه مانند الفرسان، الشراع، الکفاح العربی، البناء و الشرق و غیره.
۴. نشریات وابسته به مسیحیان مارونی مانند العمل، الاحرار، النهار العربی و الدولی و الانوار.
۵. نشریات وابسته به گروه‌های گوناگون فلسطینی که بالطبع این گروه‌ها به یکی از رژیم‌های عربی نیز وابسته‌اند مانند نشریات فلسطین الشوره، الی‌الامام، الموقف، مجله‌الهداف، الجماهير و غیره.
۶. نشریات اسلامی و روزنامه‌نگاران و نویسندگانی که در این نشریات فعالیت می‌کنند و برخی از آن‌ها از جمهوری اسلامی ایران طرف‌داری می‌کنند. مانند نشریه العهد، العرفان، نورالاسلام و الفکرالاسلامی. این قبیل نشریات از اهمیت چندانی برخوردار نیستند.

برجسته‌ترین خبرنگاران لبنانی که شهرت جهانی دارند

۱. غسان توینی (مسیحی مارونی) صاحب امتیاز روزنامه النهار، فرزند جبران توینی، روزنامه‌نگار معروف لبنان.
۲. طلال سلمان (مسلمان سنی) سردبیر روزنامه السفیر.
۳. میشل نوفل (مسلمان شیعه) نویسنده معتبر.
۴. حسن صبرا (مسلمان شیعه) سردبیر مجله الشراع.
۵. غسان مکحل (مسلمان شیعه) مفسر سیاسی ورزیده در امور بین‌المللی، در روزنامه السفیر مشغول فعالیت است.

۶. ملحم کرم (مسیحی) سردبیر مجله لبنانی *الحوادث* چاپ لندن.
۷. نشات تغلبی، مفسر زبده در مسائل سیاسی و کارشناس رژیم اشغال‌گر صهیونیستی و جنوب آفریقا، در مجله *الحوادث* مشغول فعالیت است.

۲. رادیو و تلویزیون

لبنان حدود ۴۴ شبکه تلویزیونی روی موج‌های UHF و VHF و ۱۲۵ فرستنده رادیویی دارد. تنها در شهر بیروت ۱۸ شبکه تلویزیونی به رقابت فشرده مشغولند. از این تعداد برخی چون تلویزیون لبنان (وابسته به دولت) و المؤسسة اللبنانية (L.B.C) وابسته به نیروهای فالانژ و تلویزیون المشرق (وابسته به زاهر الخطیب). علاوه بر لبنان کشورهای مجاور چون قبرس، لیبی، مصر و سوریه را نیز تحت پوشش قرار داده‌اند و برخی دیگر فقط به پوشش دادن بیروت و نواحی آن اکتفا کرده‌اند و برخی دیگر به مناطقی خاص در لبنان اختصاص یافته‌اند.

تلویزیون‌های فعال در منطقه جنوب لبنان عبارت از: الیسار، لبنان العربی، المستقبل، الشرق الاوسط، السنابل و حرمون و در منطقه شمال عبارت‌اند از: الضیحاء، اهرن، السلام و الشمال و در بیروت المستقبل وابسته به رفیق حریری نخست وزیر، LBC وابسته به فالانژها، NTV، LBC، المشرق، المنار وابسته به حزب الله لبنان، تلویزیون لبنان (کانال ۱ و ۲)، کانال ۳۳ فرانسه که توسط LBC تقویت می‌شود، و MBC لندن. تلویزیون‌های منطقه بقاع عبارت‌اند از: النور، المستقبل، الهرمل، الوثام، البقاع، السلام، T.V.13, T.V. 2002، بعلبک، سکای، لبنان المحبه، العاصی، بعلبک CND و BTC. علاوه بر این شبکه‌های تلویزیونی، شبکه کابلی که اخیراً در بیروت افتتاح شده و همچنین آنتن‌های ماهواره‌ای که مستقیماً شبکه‌های خارجی را می‌گیرند در این کشور وجود دارد. در لبنان حدود ۱۲۵ فرستنده رادیویی وجود دارد که بر روی یک طول موج است که از نظر تکنیکی نمی‌تواند بیش از ۳۶ رادیو را بگیرند، برنامه اجرا می‌کنند و دولت‌هایی

لبنان ۶۵

که تاکنون در لبنان بر سر کار آمده‌اند نتوانسته‌اند برای این رادیوها قانونی وضع بکنند. حدود ۶۷ فرستنده رادیویی در بیروت و جبل لبنان، ۱۹ فرستنده در جنوب، ۱۲ فرستنده در شمال و ۱۲ فرستنده نیز در دره بقاع مشغول به کار هستند.

۳. مؤسسات انتشاراتی

مؤسسات انتشاراتی در لبنان از حیث وسعت، تنوع و پیشرفته بودن از مؤسسات انتشاراتی مهم دنیا به شمار می‌روند. به نحوی که سالیانه انبوه مجلات و کتاب‌های مختلف در این کشور چاپ، صحافی و عرضه می‌شود. کشور لبنان در این زمینه از کشورهای منحصربه‌فرد در خاورمیانه است. تعداد ۲۰۰ بنگاه انتشاراتی در این کشور وجود دارد. همچنین تعداد ۴۰۰ چاپخانه نیز وجود دارد که یک‌صد و بیست عدد آن در سطح استانداردهای بین‌المللی، یک‌صد و پنجاه عدد در سطح متوسط و بقیه فقط با یک ماشین چاپ به کار چاپ می‌پردازند. از مهم‌ترین مؤسسات انتشاراتی در لبنان می‌توان به دارالادب، مؤسسه عربی تحقیق و چاپ، دارالعلم، چاپ شرق، دارالکشف، مرکز اسناد بین‌المللی کتب خطی عرب، دارالمکشف، دارالمشرق و دارالسفیر اشاره نمود.

۴. خبرگزاری‌های خارجی و داخلی

خبرگزاری داخلی در لبنان به نام ”خبرگزاری ملی لبنان“ نامیده می‌شود. همچنین چندین دفتر خبرگزاری خارجی هم در لبنان مشغول فعالیت هستند که از آن جمله می‌توان به خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، خبرگزاری آسوشیتدپرس، خبرگزاری فرانسوی AFP، خبرگزاری ایتالیایی ANSA، خبرگزاری آلمانی ADN، خبرگزاری روسی ITAR-TASS، خبرگزاری ژاپنی Kyodo Tsushin، خبرگزاری مصری MENA، و خبرگزاری آمریکایی UPI اشاره نمود.

۵. میزان کنترل دولت بر رسانه‌های گروهی

اصولاً رسانه‌های گروهی در لبنان از آزادی زیادی برخوردارند، به‌خصوص که تا چند سال پیش دولت باثبات و مقتدر در لبنان حاکم نبود و رسانه‌ها از این فضا به نهایت استفاده کردند. در شرایط حاضر نیز اگرچه دولت نسبتاً باثباتی در لبنان حاکم شده و سعی بر آن دارد که کنترل خود را بر روی رسانه‌های گروهی بیش از پیش گسترش دهد، ولی به‌علت شرایط خاص طائفه‌ای در لبنان و تعداد زیاد احزاب و گروه‌های فشار داخلی و خارجی و همچنین افکار عمومی به توفیق چندانی نائل نیامده است.

رسانه‌های گروهی در لبنان به‌خاطر وابستگی به طوائف و احزاب گوناگون و حتی وابستگی به کشورهای خارجی در طی سال‌ها تنها به منافع خود و گروه خود فکر می‌کرده و دغدغه چندانی در مورد با منافع ملی خود نداشته‌اند. به همین جهت در اواخر سال ۱۹۹۲ عده‌ای از مسئولین رسانه‌های سمعی و بصری یک میثاق اخلاق تبلیغاتی تهیه و امضا کردند و براساس این دستور مقرر گردید که تا روزی که قانون تبلیغات تهیه و تصویب شود برای کلیه وسائل سمعی و بصری لازم‌الاجرا باشد. اهم مطالب مورد اشاره در این میثاق به شرح زیر بود:

- وسائل سمعی و بصری وظیفه دارند جهت استحکام هرچه بیش‌تر روحیه آشتی ملی که در قانون اساسی نیز بدان اشاره شده، تلاش نمایند.
- وسائل سمعی و بصری باید درخواست آقای میشل سماحه وزیر تبلیغات (وقت) را اجابت و وی را در سازماندهی وسائل ارتباط جمعی و تهیه قانون جدید تبلیغات همراهی نمایند.
- این وسائل باید در مورد با هماهنگی کارهای تبلیغاتی، قوانین و عرف جامعه و نیز رعایت موازین اخلاقی در عرصه تبلیغات متعهد باشند.
- این وسائل باید به موضوع میهن و هم‌میهنان و نیز ضرورت حفظ ارزش‌های انسانی جهت تضمین حفظ صفات ملی و اخلاقی شهروندان پایبند باشند.

لبنان ۶۷

در ۱۹۹۴ در پی ثبات نسبی دولت، مجلس لبنان لایحه تهیه شده توسط وزارت تبلیغات درخصوص قانون تبلیغات در لبنان را تصویب کرده که به آن اشاره می شود.

- رسانه های گروهی صوتی و تصویری باید از شرایط و صلاحیت و امکانات فنی و تکنیکی و انسانی و تجهیزات لازمه برخوردار باشند.
- رسانه های گروهی باید به حقوق و آزادی دیگران و همچنین به جنبه تعدد (طائفه ای) کشور احترام بگذارند و در پخش اخبار بی طرف باشند.
- هیچ نهاد رادیو و یا تلویزیونی نباید از منابع مالی دیگر به جز درآمد خود تغذیه شود.
- امواج رادیویی و کانال های تلویزیونی حق انحصاری دولت به شمار می آید که به هیچ عنوان فروخته نشده و از آن ها چشم پوشی نخواهد شد.
- بنگاه یا نهاد رادیو و تلویزیون به صورت یک شرکت لبنانی تأسیس می شود و چنین شرکتی حق مالکیت بیش از یک بنگاه رادیویی و یا تلویزیونی را ندارد.
- سهام داران بنگاه های رادیو و تلویزیون باید واجد شرایط خاصی باشند که در این قانون به آن اشاره شده است.
- هر شبکه رادیویی و یا تلویزیونی بنابر خواست وزارت تبلیغات و بدون این که حق الزحمه ای دریافت کند باید هفته ای یک ساعت برنامه هایی در جهت ارشاد ملی و یا برنامه های پرورشی، بهداشتی، فرهنگی و جهانگردی پخش کند.
- حق انحصاری شرکت تلویزیون لبنان نسبت به کانال های تلویزیونی لغو می شود و به این شرکت اجازه داده می شود تا بر تمام امواج VHF (هر موجی که بخواهد) و نیز بر امواج UHF برنامه پخش کند.

کویت

وضعیت عمومی

کشور کویت در شمال غربی خلیج فارس واقع شده است. این کشور، از شمال و غرب با عراق و از جنوب و غرب با عربستان هم‌مرز است. خاک کویت شامل سرزمین اصلی و بخشی از منطقه بی‌طرف جنوبی و نیز ده جزیره است. مساحت کشور کویت ۱۷/۸۱۸ کیلومتر مربع است.

جمعیت کویت تا اواخر سال ۲۰۰۱ به صورت غیررسمی برابر ۲/۲۷۴/۹۸۰ نفر اعلام شده است که از این تعداد ۶۲ درصد کویتی و ۳۸ درصد غیرکویت‌اند. از بین غیرکویت‌ها، ۲۵ درصد اتباع کشورهای عربی، ۳۵ درصد اتباع کشورهای غیرعربی و از بین اتباع کشورهای غیرعربی، ۱۴ درصد ایرانی اعلام شده است.

دین رسمی اکثر مردم، اسلام است. جمعیت مسلمانان در حدود ۹۵ درصد و مسیحیان ۴/۵ درصد و دیگر مذاهب ۰/۵ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهد. در میان مسلمان ۶۵ درصد اهل سنت بوده که بیش‌تر آن‌ها مالکی مذهب و

بخشی نیز شافعی، حنبلی و حنفی می‌باشند. ۳۰ درصد بقیه مسلمانان شیعه هستند. شیعیان عمدتاً ایرانی، بحرینی و عراقی هستند.

در سال ۱۷۵۶ میلادی شیخ صباح (صبح اول) امارات کویت را بنا می‌نهد. حمله ایرانی‌ها در سال ۱۷۷۶ میلادی به بصره و مهاجرت آن‌ها به کویت باعث ترقی کویت می‌شود. کویت از سال ۱۸۶۶ به بعد تحت سیطره کامل عثمانی قرار می‌گیرد و در سال ۱۸۸۶ کودتای مبارک‌الکبیر به وقوع می‌پیوندد و کویت به سوی انگلستان گرایش پیدا می‌کند و در سال ۱۸۹۹ تحت‌الحمایه انگلستان می‌گردد. سال ۱۹۵۰ میلادی حکومت عبدالله‌السالم شروع می‌شود و در سال ۱۹۶۱ تحت‌الحمایگی کویت، خاتمه می‌یابد و در سال ۱۹۶۲ قانون اساسی کویت به تصویب می‌رسد. در سال ۱۹۶۳ مجلس الامه (شورای ملی) کویت تشکیل می‌شود و در همین سال کویت به عنوان یکصد و یازدهمین کشور به عضویت سازمان ملل درمی‌آید. نظام حکومتی کویت بین حکومت مشروطه (با داشتن مجلس شورا و تفکیک قوا) و حکومت مطلقه پادشاهی (با قرار گرفتن امیر در رأس حکومت از طریق امارت موروثی) است. امیر فعلی کویت شیخ جابر الاحمد الصباح از تاریخ ۱۹۷۷ حکومت را تاکنون در دست دارد. ولیعهد شیخ سعد عبدالله السالم الصباح پسر دایی امیر و فرزند شیخ عبدالله سوم است. وی در اوایل سال ۱۹۷۸ به ولیعهدی رسیده است و نخست‌وزیر شیخ صباح الاحمد الصباح است.

مجلس الامه (شورای ملی) کویت با تعداد ۵۰ نماینده تنها مجلس در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است که اعضای آن با انتخابات به آن راه پیدا می‌کنند. در دوره اخیر مجلس ۷ عضو سلفی و ۵ عضو شیعه وارد مجلس شده‌اند.

وضعیت فرهنگی کویت

دانشگاه کویت در سال ۱۹۶۶ تأسیس گردیده است. در حال حاضر دانشکده‌های

کویت ۷۱

حقوق و شریعت اسلامی، بازرگانی، اقتصاد، علوم سیاسی، ادبیات، بهیاری، فنی و لغات، پزشکی و پیراپزشکی را شامل می‌شود.

دانشگاه کویت دارای ۷۰۰ استاد، دانشیار و مربی می‌باشد که از اتباع کویت، مصر، اردن، عراق، سوری و برخی کشورهای غربی می‌باشند. این دانشگاه بیش از ۱۰ هزار دانشجو دارد که ۷۵ درصد آن‌ها کویتی می‌باشند و در این دانشگاه علاوه بر آموزشگاه سالفورد زبان فارسی تدریس می‌شود.

کویت در مهرماه سال ۱۳۷۷ همزمان با هفتمین اجلاس وزرای فرهنگ و تبلیغات شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان پایتخت فرهنگی کشورهای عربی در سال ۲۰۰۱ انتخاب گردید و در طول سال مذکور شاهد فعالیت‌های گوناگون فرهنگی بود.

برگزاری سالانه نمایشگاه بین‌المللی کتاب و اجرای موفق جشنواره‌های فرهنگی منطقه‌ای در داخل کشور از جمله گام‌های عملی در راه تحقق عنوان مزبور است.

از سوی دیگر با توجه به این‌که کویت فاقد تمدن و میراث فرهنگی ریشه‌داری است لذا دولت سعی می‌کند با برگزاری مکرر این‌گونه جشنواره‌ها و فراهم نمودن زمینه مشارکت مردم در آن‌ها طی یک برنامه منظم چندساله میان‌مدت، این خلأ فرهنگی را پر نماید.

همچنین با توجه به حضور و نظارت فعال گروه‌های متعصب اسلامی چه در داخل مجلس الامه و چه در خارج از آن، وزارت علوم در اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی خود به‌منظور جلوگیری از بروز هرگونه بحران مجدد، مجبور است نظر و فشار این گروه‌ها را به‌عنوان یکی از ملاحظات و عوامل اصلی مدنظر داشته باشد.

وزارت فرهنگ براساس فرمان امیر کویت منحل و شورای ملی فرهنگ و ادب و هنر که مشابه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است تأسیس گردیده که برخی از فعالیت‌ها و برنامه‌های آن به شرح زیر است:

۱. تأسیس خانه موسیقی و هنرهای مردمی؛
۲. راه‌اندازی خانه هنرهای تجسمی؛
۳. طرح انتقال تجربه و آداب و رسوم و سنن قدیمی از نسل گذشته به نسل حاضر؛
۴. طرح "کتابی برای هر دانش‌آموز" جهت ایجاد علاقه و افزایش سطح مطالعه دینی دانش‌آموزان؛
۵. تأسیس خانه فرهنگ کودک به منظور افزایش خدمات فرهنگی به کودکان
۶. اجرای طرح ترمیم آثار هنری خطی در راستای احیای میراث فرهنگی عربی و اسلامی.

وضعیت روابط فرهنگی دوجانبه

کویت به لحاظ همسایگی، دین مشترک، برخورداری از جمعیت ۳۵ درصدی شیعه، مرتبط بودن با کشورمان از طریق آب‌های خلیج فارس، حضور دیرینه حدود ۷۰ هزار ایرانی در این کشور، دارا بودن روابط تاریخی و خویشاوندی به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی، وجود آزادی‌های نسبی سیاسی و فرهنگی و مطبوعات نسبتاً آزاد در داخل کشور و برخورداری از مجلس نسبتاً قوی و انتخاباتی، از نظر فرهنگی برای جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت ویژه‌ای است.

در حال حاضر روابط فیمابین، مرحله عادی‌سازی و توسعه را پشت سر گذاشته و زمینه‌های تعمیق روابط و به‌خصوص فرهنگی در حال فراهم شدن است. تاکنون سه موافقتنامه فرهنگی، علمی، آموزشی، حمل و نقل، و دریایی و بازرگانی و همچنین یادداشت تفاهم جهت ارتقای سطح روابط در زمینه‌های مختلف به امضا رسیده است. ضمناً در سال ۱۳۷۸ رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تأسیس گردید و پس از سه سال فعالیت بی‌وقفه، رایزنی فرهنگی

کویت ۷۳

موفق به اخذ مجوز جهت تأسیس مرکز فرهنگی در خارج از سفارت شد که به این ترتیب کویت پس از قطر دومین کشور عربی حوزه خلیج فارس است که ایران در آن، مرکز فرهنگی تأسیس می نماید.

قابل ذکر است در زمینه همکاری های خبری و رسانه ای یادداشت تفاهمی بین خبرگزاری های دو کشور امضا شده که براساس آن، خبرگزاری کویت در کشورمان به طور رسمی فعالیت می نماید. کویت جهت اعطای تسهیلات به منظور راه اندازی نمایندگی خبرگزاری کشورمان اعلام آمادگی نموده ولی باتوجه به این که این امر از سوی مسئولین دست اندرکار کشورمان مقرون به صرفه دانسته نشده، در این زمینه اقدامی صورت نپذیرفته است. شایان ذکر است موافقتنامه علمی و آموزشی بین دو کشور در سال ۱۳۷۳، امضا شده است و طرفین در زمینه هایی ارزشیابی مدارک تحصیلی، مبادله دانشجو و استاد، ایجاد مؤسسه آموزشی و تأسیس کرسی زبان و ادبیات فارسی، مشارکت در اردوهای آموزشی و مبادله تجربیات در زمینه های علمی، همکاری می نمایند.

در کویت، یک شورای ملی فرهنگ در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد که وابسته به هیأت وزیران است. این شورا، در سال ۱۹۹۱ طبق فرمان امیر کویت به وزارت اطلاع رسانی ملحق شد.

- وظایف و اهداف شورای ملی فرهنگ، ادب و هنر کویت، عبارت است از:
۱. بررسی واقعیت های فرهنگی کشور و جمع آوری عملکرد تلاش های سازمان های مختلف در زمینه فرهنگی و هنری؛
 ۲. انجام تحقیقات گسترده درباره اقدامات به عمل آمده فرهنگی در پیشبرد ادب و هنر در کشور؛
 ۳. تدوین و ترجمه و چاپ کتب، دایرة المعارف، فهرست کتب و اسناد فرهنگی برجسته داخلی و جهانی؛
 ۴. اهتمام به مبادلات فرهنگی و شرکت در نمایشگاه ها، اجلاس ها و سمینارهای فرهنگی و هنری؛

۵. تأسیس جوایز ویژه برای بهترین تولید و آفرینش‌های فرهنگی، هنری و ادبیات در سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی.

وضعیت زنان

زن کویتی قبل از کشف نفت و آغاز صدور آن در دهه پنجاه براساس تک حرفه‌ای بودن جامعه که عمدتاً به فعالیت غواصی اشتغال داشتند، یک زندگی سنتی را سپری می‌کرد، به‌طوری‌که درآمد حاصله جواب‌گوی هزینه خانواده نبود و مردان غواص برای صید مروارید گاهی ماه‌ها و برخی اوقات در حدود یک‌سال در سفر دریایی به‌سر می‌بردند. در چنین وضعیتی زن کویتی جهت جبران نبود مرد و اداره خانواده اقدام به دآمداری، فروش لبنیات، و یا خیاطی می‌نمود و در کنار این امور، اطفال و فرزندان خود را تربیت می‌کرد.

باتوجه به نوع شغل و سفرهای طولانی مردان به دریا و خطرات ناشی از آن، زن پیوسته در حال ترس و اضطراب به‌سر می‌برد. در چنین اوضاع و احوالی زن حتی در درون خانه خود از حداقل آزادی بی‌بهره بود. دکتر هاشم شرابی یکی از پژوهشگران مسائل اجتماعی خلیج فارس می‌گوید:

در چنین شرایطی ظلم و فساد در جامعه شامل سه قشر در جامعه کویت بود. فقرا، کودکان و بانوان و یکی از فجایع آن بود که زن در جامعه فرزند دختری را به‌دنیا می‌آورد.

اکتشاف و صادرات نفت، اثرات زیادی را بر جامعه کویت به‌جا گذاشت و انقلاب آموزشی را به ارمغان آورد. ظهور مدارس دخترانه و گسترش آن منجر به جهش و پیشرفت بانوان گردید. در سایه چنین نهضتی، زنان برای تغییر وضعیت خود باید مبارزه می‌کردند، لذا آموزش و پرورش این فرصت را برای زن به‌وجود آورد تا وی بعضی از عوامل عقب‌ماندگی‌های اجتماعی را از سر راه خود بردارد، البته نباید عامل اقتصادی در این مرحله را در پیشرفت زنان فراموش کرد.

کویت ۷۵

با پیدایش چنین شرایطی موقعیت زن در کویت دگرگون شده و روبه بهبود گذاشت، به طوری که شکاف فرهنگی بین زن و مرد به حداقل ممکن کاهش یافت و جامعه با قیام جدیدی که شعار "کار بانوان" را با خود داشت، به مبارزه برخاست.

زن کویتی برای کسب اعتبار همچنان به مبارزه خود ادامه داد. گرچه در ابتدا مشارکت زنان در امور ناچیز بود، اما با ارسال هیأت‌های آموزشی دختران به خارج از کشور منجر به حرکت گسترده بانوان و بخش‌های عمومی زنان شد و به دنبال آن دو انجمن زنان یکی به نام "انجمن فرهنگی و اجتماعی زنان" و دیگری به نام "انجمن نهضت خانواده‌های کویتی" در سال ۱۹۶۳ تأسیس یافت. پس از استقلال کویت و انتشار علم با بالاترین کیفیت در بین عموم افراد جامعه و مقایسه آن با گذشته نزدیک، گسترش آگاهی را به همراه داشت. از این دوران، یعنی مرحله تأسیس انجمن‌های حرفه‌ای و اتحادیه‌ها مانند اتحادیه معلمان و انجمن روزنامه‌نگاران و اتحادیه عمومی کارگران کویت، بانوان کویتی نیز جهت تغییر وضعیت، به عضویت این اتحادیه‌ها درآمدند. با آغاز سال ۱۹۸۱، انجمن زنانه جدیدی به فهرست انجمن‌های بانوان کشور اضافه شد. در دسامبر همان سال نیز انجمن خوشه‌های صلح (جمعية بیادر السلام) اعلام موجودیت کرد. پس از آن انجمن حمایت اسلامی "جمعية الرعاية الإسلامية" در فوریه ۱۹۸۲ آغاز به کار کرد و بعد از آزادی کویت در آگوست سال ۱۹۹۱، این انجمن به "جمعية الكويتية التطوعية النسائية لخدمة المجتمع" مشهور شد.

با اشغال کویت توسط رژیم عراق در تاریخ ۲ آگوست ۱۹۹۰ توان اقتصادی جامعه کویت نابود شد و این ضربه تنها به اقتصاد کشور منحصر نگردید بلکه باعث فروپاشی روحیه انسان کویتی به ویژه زنان این کشور که مورد تعرض و تجاوز قرار گرفت، نیز شد.

زنان کویتی نقش مؤثری در گروه‌های مقاومت علیه تجاوزگران ایفا نمودند و در خارج از کشور با حضور در محافل بین‌المللی از طریق فعالیت‌های تبلیغاتی و

کمیته‌های کمک‌رسانی به مردم در تبعید از آنان حمایت می‌کردند. در اولین آزادسازی کشور از تجاوزگران، زن کویتی در عملیات بازسازی و بازگشت زندگی به شهرهای کویت مشارکت نمود و در مداوای بیماران و مجروحین در بیمارستان‌ها نیز سهم به‌سزایی داشت.

اینک زنان کویتی در استیفای حقوق سیاسی خود مبنی بر نامزدی خود در مجلس شورای ملی و دادن رأی به داوطلبان موردنظر خود تلاش زیادی می‌کنند که با تلاش‌های آنان، امیر کشور کویت طی فرمانی این حق مشروع را به آنان اعطا نمود که تا چند سال آینده لازم‌الاجرا خواهد شد.

وسایل ارتباط جمعی

الف. مطبوعات

از حدود سال ۱۹۴۳ میلادی به بعد کشور کویت با مطبوعات آشنایی پیدا کرده که روزبه‌روز دامنه این آشنایی وسیع‌تر گشته است. "شیخ عبدالعزیز رشید" نخستین روزنامه‌نگار کویتی بوده که به پدر مطبوعات کویت شهرت دارد. وی فعالیت خود را با انتشار مجله‌ای به نام *الکویت* که در مصر به چاپ می‌رسید آغاز نمود.

مطبوعات کویت از نظر محتوا، تنوع و تیراژ نسبت به سایر کشورهای منطقه برتری دارد و به‌صورت روزنامه، هفته‌نامه و ماهنامه به دو زبان عربی و انگلیسی و گاهی با ضمیمه اردو و فرانسه منتشر می‌شود.

بیش‌تر مطبوعات به‌نوعی وابسته به جناح‌های مختلف حاکم در این کشور می‌باشند که در نهایت سیاست دولت را مدنظر دارند. مطبوعات فعلی و موجود در آن‌جا براساس قدرت مالی صاحبان و سهامداران عمده آن منتشر می‌شود، به عبارت دیگر، مبنای صدور روزنامه‌های کنونی توانمندی مالی است نه تیراژ و گرایش‌های سیاسی، اغلب سردبیران روزنامه این کشور در مؤسسات و شرکت‌ها سهام دارند.

هم‌اکنون در کویت هفت روزنامه و بیش از ۱۱۰ مجله هفتگی، ۱۸۰ مجله نیم‌هفتگی، ۱۰۵ مجله ماهانه، ۳ مجله دوماهه، ۲۳ مجله فصلنامه و یک مجله سالانه چاپ و منتشر می‌گردد که مهم‌ترین آن به شرح ذیل است:

۱. روزنامه‌های مهم

۱. الرأی العام

این روزنامه به زبان عربی و در ۱۶ صفحه به چاپ می‌رسد "الرأی العام" تا حدودی زیادی منعکس‌کننده نظرات دولت است و در افکار عمومی نسبتاً تأثیر دارد. در سال ۱۹۹۴ میلادی به‌خاطر اختلاف نظر صاحبان سهام آن در مورد پاره‌ای از مسائل حقوقی، صنفی، مالی و فنی این روزنامه دستخوش مشکلاتی شد و در نتیجه، انتشار آن موقتاً تعطیل شد. اما پس از چندی در دو نسخه مستقل و با همان نام منتشر شد. سردبیر کنونی این نشریه "جاسم مرزوق بودی" است.

۲. السیاسة

انتشار این روزنامه از تاریخ ۱۹۶۵/۶/۳ به زبان عربی آغاز شده که تیراژ آن ۷۰ هزار نسخه در روز بوده و دارای دفاتر نمایندگی دائمی در عمان، اردن، ریاض و قاهره است و نسخه‌های آن نیز، به اغلب کشورهای عربی ارسال می‌شود. مدیر این روزنامه احمد جاراالله و سردبیر آن احمد عبدالعزیز الجاراالله است.

۳. الانباء

این روزنامه با تیراژ ۳۰ هزار نسخه در روز به زبان عربی چاپ و منتشر می‌شود که تا حدودی منعکس‌کننده نظرات مقامات رسمی کشور بوده و نفوذ دولت در آن زیاد است. این روزنامه نسبتاً در افکار عمومی تأثیر دارد و رئیس هیأت مدیره و سردبیر آن بیبی خالد المرزوق است.

۴. القبس

این روزنامه با تیراژی حدود ۷۰ هزار نسخه از سوی مؤسسه مطبوعاتی القبس، به زبان عربی منتشر می‌شود. علاوه بر کشورهای عربی، در برخی از کشورهای اروپایی نیز توزیع می‌شود. این روزنامه از جراید خبرساز کویت بوده و به‌خاطر تماس با مدیران ادارات و ارگان‌های دولتی اخبار محلی را نیز منتشر می‌کند و از نفوذ خوبی در افکار عمومی برخوردار است. مدیر این روزنامه «عبدالعزیز صقر» و سردبیر آن ولید عبداللطیف النصف است.

۵. کویت تایمز

این نشریه با تیراژی حدود ۷ هزار نسخه در روز، به زبان انگلیسی منتشر می‌شود که مورد استفاده اکثر خارجیان مقیم کویت قرار می‌گیرد. اخبار این روزنامه معمولاً رسمی است که مدیر و سردبیر آن «یوسف علیان» است.

۶. عرب تایمز

با ۶ هزار نسخه در روز دومین روزنامه انگلیسی‌زبان کویت است. این نشریه سابقاً به‌صورت هفتگی چاپ می‌شد که «احمد جارالله» مدیریت آن را به‌عهده دارد.

۷. الوطن

با تیراژ ۶۵ تا ۷۵ هزار نسخه در روز، به زبان عربی منتشر می‌شود، این روزنامه به‌صورت شرکت سهامی اداره می‌شود که تحلیل‌گران مختلف، استادان دانشگاه، برخی از نمایندگان مجلس و کارمندان عالی‌رتبه دولت، به مناسبت‌های گوناگون، در این روزنامه مقاله می‌نویسند. این نشریه نسبت به دیگر روزنامه‌ها از استقلال نسبی برخوردار است و مورد توجه افکار عمومی به‌ویژه دانشجویان و روشنفکران قرار دارد و سردبیر کنونی این نشریه «محمد عبدالقادر الجاسم» است.

کویت ۷۹

دیگر نشریات کویت عبارت‌اند از: الطلیعه، اضاءة الكويت، الكويت، رساله النهضة، صوت الخليج، المجتمع، الوعي الاسلامي، مراه الامه و البيان.

۲. ماهنامه‌های مهم کویت

۱. العربی

ماهنامه‌ای است فرهنگی، تاریخی، علمی و اجتماعی که سردبیر آن "دکتر سلیمان العسکری" است و از سوی وزارت تبلیغات کویت منتشر می‌شود. این ماهنامه از اعتبار ویژه‌ای در جهان عرب برخوردار است.

۳. مجله دراسات الخليج

از سوی شورای انتشارات علمی دانشگاه کویت منتشر و به سردبیری خانم دکتر "میمونه الصباح" اداره می‌شود و بیش‌تر به درج مقاله‌های علمی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد.

مؤسسات انتشاراتی

مؤسسات چاپ و نشر در کویت اغلب توسط صاحبان جراید اداره می‌شود، هرچند که مؤسسات دولتی یا خصوصی نیز در این رابطه فعالیت می‌کنند. از میان مؤسسات انتشارات می‌توان به "مؤسسة الرأي العام"، "مؤسسة انتشاراتی السياسة"، "مؤسسة مطبوعاتی کویت"، "الوطن"، "القبس دارالخليج"، "النشر" و "مطبعة الكويت" اشاره نمود. ارگان‌های دولتی کویت نیز، اکثراً دارای امکانات طبع و نشر هستند و نشریات و بولتن‌های خود را در آن به چاپ می‌رسانند.

مطبوعات کودکان

سال ۱۹۲۸ میلادی آغاز شکوفایی فکری در کویت محسوب می‌شود. در این

سال بود که اولین نشریه به نام *الکویت* منتشر شد و *مجله الکاظمه* اهداف آن را، با پیگیری و انتشار مستمر به نتایج مطلوب نزدیک ساخت. *مجله سعد* یکی از قدیمی ترین مجلات کودکان در کویت بود که در آغاز دهه هفتاد میلادی توسط مؤسسه ای به نام "مؤسسه الرأي العام للصافة" چاپ و منتشر می گردید. این مجله در ۴۸ صفحه به چاپ می رسید که بیش تر به داستان های ترجمه شده خارجی و سرگرمی کودکان، اهتمام می ورزید.

ویژه نامه *العربی الصغير* از نشریات مخصوص کودکان بود که به همراه ماهنامه معروف *العربی* در هشت صفحه به طور رایگان منتشر می شد و داستان های تاریخی، موضوعات علمی و آشنایی با آثار و ابینه تاریخی را مورد توجه قرار می داد. این ویژه نامه بعدها به صورت مجله مستقلی منتشر شد و تا زمان حمله عراق به کویت به فعالیت خود ادامه داد. *مجله ماما* یاسمین که فقط پنج شماره آن منتشر شد دقیقاً همان موضوعات *مجله سعد* را ادامه داد که سردبیر آن آقای "محمد دقرانیا" بود.

مجله براعم الایمان تنها مجله دینی مخصوص کودکان بود که در سال ۱۹۷۵ میلادی منتشر و طی آن داستان های قرآنی و احادیث نبوی (ص) را مورد مطالعه قرار می داد. این مجله با نظارت وزارت اوقاف منتشر می شد. *مجله سدره* اشاره به آیه قرآن کریم *سدره المنتهی* دارد که درختی در بهشت است. این مجله در سال ۱۹۹۴ میلادی اولین شماره خود را در چهل و هشت صفحه رنگی و تحت اشراف خانم دکتر "کافیه رمضان" منتشر می شد ولی در حال حاضر هر دو هفته یکبار چاپ و توزیع می شود.

ب. رادیو و تلویزیون

در سال ۱۹۵۱ میلادی اولین فرستنده رادیویی دولتی کویت، به قدرت یک کیلووات و روی موج متوسط، آغاز به کار کرد، که روزانه به مدت دو ساعت به پخش برنامه می پرداخت. از سال ۱۹۶۰ میلادی دو فرستنده به قدرت پنج

کویت ۸۱

کیلووات روی موج متوسط و کوتاه شروع به کار کردند و چندی بعد هریک از فرستنده‌ها به ۱۰ کیلووات رسید که ساعات پخش برنامه روزانه به شش ساعت، افزایش یافت.

قبل از اشغال این کشور از سوی رژیم عراق، برنامه‌های این کشور با چهار فرستنده به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسه و فارسی پخش می‌شد که پس از آزادسازی کویت، پخش برنامه‌های فارسی رادیوی آن، قطع شد. رادیو کویت به‌طور ۲۴ ساعته علاوه بر زبان عربی برنامه‌هایی نیز به زبان‌های انگلیسی و فرانسه پخش می‌کند. پیش از نوامبر ۱۹۶۱ میلادی یکی از بازرگانان کویت صاحب امتیاز تلویزیون این کشور بود، ولی از آن زمان به بعد تلویزیون در اختیار دولت قرار گرفت و برنامه‌های آن به‌طور محسوسی گسترش یافت. ساعات پخش برنامه‌های تلویزیونی کویت تا نوامبر ۱۹۶۳ میلادی در هفته به ۲۸ ساعت می‌رسید، در اکتبر ۱۹۶۷ میلادی به ۵۳ ساعت در هفته افزایش یافت و اکنون نیز به هفتاد ساعت در هفته رسیده است. تلویزیون کویت با استفاده از ماهواره‌ای که بر فراز اقیانوس هند قرار داد بسیاری از برنامه‌های جهانی را از جمله سفرهای فضایی و مسابقات ورزشی بین‌المللی را مستقیماً پخش می‌کند. در کویت فرستنده رادیویی یا تلویزیونی خصوصی وجود ندارد و این رسانه گروهی در کنترل کامل دولت است که سیاست‌های حکومت در کلیه برنامه‌های آن اعمال شده و اخبار رسمی و مورد تأیید مقامات کویتی نیز از این طریق پخش می‌شود. تلویزیون کویت در حال حاضر با چهار کانال فعال می‌باشد که کانال اول آن به زبان عربی، کانال دوم به زبان انگلیسی، کانال سوم ویژه پخش گزارش‌های ورزشی است و کانال چهارم مختص به نمایش سریال‌ها و فیلم به زبان‌های عربی و انگلیسی است. شاغلین رادیو و تلویزیون برخلاف شاغلین مطبوعات تقریباً صد درصد کویتی هستند، ولی درصد کارمندان مطبوعات نسبت به کویتی‌ها و غیرکویت‌ها تقریباً مساوی است که اشراف بر امور و اعمال نظر با کویتی‌ها است.

ج. خبرگزاری‌ها

کویت دارای یک سازمان خبری به نام "سازمان خبرگزاری کویت" بوده که نام اختصاری آن "کونا" می‌باشد. این خبرگزاری در سال ۱۹۷۶ میلادی تأسیس گردیده و تا قبل از اشغال کویت دارای ۲۵ نمایندگی در سراسر جهان بود، که این رقم در حال حاضر کاهش یافته است. "کونا" از بودجه قابل توجهی بهره‌مند است.

د. تشکلهای صنفی

انجمن روزنامه‌نگاران کویتی یا جمعية الصحافیین الكويتية در سال ۱۹۶۴ تأسیس شد و ۱۴۰۰ عضو دارد. اصول و اهداف این انجمن عبارت‌اند از: تحکیم روابط دوستی و برادری میان اعضای انجمن و دیگر روزنامه‌نگاران در کویت و جهان عرب، تقویت مطبوعات به عنوان صدای راستین کویت و جهان عرب، دفاع از منافع اعضا و فراهم آوردن زمینه انجام وظیفه مطبوعاتی طبق منافع عام. هیأت مدیره انجمن دارای ۷ عضو و سال مالی آن از ژانویه آغاز و ۳۱ دسامبر به پایان می‌رسد و اعضا هر دو بار در یک سال جلسه عمومی تشکیل می‌دهد.

فصل دوم

دیدارها و گفت‌وگوها

• دیار اصحاب کهف

• سرزمین زیتون و روزنامه

• از افق خلیج فارس

اردن

دیار اصحاب کھف

برنامه اصلی سفر هیأت نظارت بر مطبوعات به کشورهای عربی منطقه، با ورود به عمان پایتخت اردن در روز شنبه ۱۳ دی ماه ۸۲ آغاز شد. اعضای هیأت که با پرواز مستقیم تهران - دمشق عصر روز جمعه ۱۲ دی ماه به این شهر وارد شده بودند، پس از زیارت اماکن مقدسه در دمشق، از طریق مرز زمینی وارد اردن شد و مورد استقبال آقای ایرانی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در اردن قرار گرفتند. برنامه دیدارها و ملاقات‌های هیأت که پیش‌تر توسط سفارت و رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اردن، هماهنگ شده بود و با توجه به وقت محدود هیأت، سعی شده بود تا از تنوع مناسبی برخوردار باشد، به صورت زیر تنظیم شده بود:

۱. دیدار و گفت‌وگو با سرکار خانم اسمی خضر وزیر مشاور و سخنگوی دولت

اردن

۲. دیدار و گفت‌وگو با آقای فیصل شبول رئیس خبرگزاری اردن (پترا)

۳. دیدار و گفت‌وگو با آقای طارق مؤمنی رئیس اتحادیه روزنامه‌نگاران اردن

۴. دیدار با اعضای شورای عالی اطلاع‌رسانی اردن
۵. ملاقات و گفت‌وگو با سردبیر روزنامه الدستور
۶. ملاقات و گفت‌وگو با رئیس مؤسسه فرهنگی عبدالحمید شومان

دیدار با وزیر مشاور و سخنگوی دولت اردن

اولین ملاقات هیأت ایرانی در سفر به اردن در تاریخ ۱۴/۱۰/۸۲، ساعت ۸:۳۰ با خانم اسمی خضر وزیر مشاور و سخنگوی دولت این کشور انجام شد. در این ملاقات پس از تشریفات معموله خانم اسمی خضر از سوی خود و دولت اردن بار دیگر وقوع زلزله مخرب در شهر بم را که موجب به‌بار آوردن خسارات جانی و مالی بسیار و ضایعات سنگین بر مردم گردید، تسلیت گفته و برای بازماندگان و ملت ایران صبر و توفیق جبران آن‌ها و تجدید بنای شهر بم را نمود. وی تأکید کرد که به فرمان ملک‌عبدالله پادشاه اردن، دولت این کشور موظف است که حداکثر اقدامات لازم را برای مشارکت در کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان حادثه مزبور به کار گیرد.

خانم خضر به روابط دوستانه بین دو کشور اشاره نمود و افزود که دیدارهای مقامات دو کشور در توسعه این روابط بیش از پیش مؤثر بوده و موجب تعمیق و استمرار این روابط خواهد گردید و برای آگاهی بیش‌تر از رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره مفید خواهد بود. وی در ادامه سخنان خود خطاب به هیأت گفت که بین ایران و اردن نکات و موارد مشترک تاریخی، دینی، اجتماعی و تمدنی وسیع وجود دارد و مانند روابط ورزشی ایجاب می‌کند که گام‌های جدیدی برداشته شود. وی متذکر شد دیدار هیأت ایرانی از اردن، فرصتی به‌دست داده است تا از تمامی زمینه‌های زندگی مردم و جریان امور و همچنین دست‌اندرکاران اطلاع‌رسانی در این کشور آشنایی بیش‌تری حاصل نمایند. وی در پایان اظهار داشت: «شما دست‌اندرکاران مطبوعاتی هستید و من آمادگی دارم به شما اطلاعاتی که نیاز دارید را ارائه دهم.»

سپس آقای صفحی از پذیرایی به عمل آمده و ابراز تسلیت به مناسبت فاجعه زلزله در شهر بم بسیار تشکر و قدردانی نمود و تشکر دولت و ملت ایران را به مناسبت اقداماتی که دولت اردن معمول داشته است اعلام کرد. ایشان سپس اظهار داشت: «کمک‌هایی که شما برای ترمیم آسیب‌های وارده به مردم زلزله‌زده بم ارسال و تخصیص داده‌اید از علائق دولت و ملت اردن حکایت دارد و چنانکه از تلویزیون مشاهده کردم فعالیت بیمارستان صحرایی اردن یک اقدام انسان‌دوستانه بوده و مؤثر واقع شده است.»

آقای صفحی سپس اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی ایران را به شرح زیر معرفی نمود:

جناب آقایان دکتر مهرپور نماینده دانشگاهیان و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای نماینده قوه قضاییه، حجت‌الاسلام صادقی نماینده حوزه علمیه قم، سهرخیز نماینده مطبوعات، مزروعی نماینده مجلس شورای اسلامی، حجت‌الاسلام قمی نماینده شورای عالی انقلاب فرهنگی، و آقایان خامه‌یار و خطیبی‌نژاد از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

آقای صفحی در ادامه صحبت‌های خود هدف اول سفر به اردن را آشنایی با فعالیت رسانه‌ای در اردن و بررسی روابط و مسائل مطبوعاتی و راه‌های تقویت مناسبات دو کشور در زمینه اطلاع‌رسانی، تبلیغاتی و مطبوعاتی عنوان نموده و افزودند:

همان‌گونه که اشاره کردید پایه‌ها و نکات مشترک در روابط دو کشور وجود دارد ولی متأسفانه طی دو دهه از این امکانات فرهنگی و تاریخی بهره‌برداری نشده است. خوشبختانه بر اثر سفر ملک‌عبدالله به ایران اقداماتی انجام شده و گام‌هایی برداشته شده است، ما نیازمند شناسایی بیش‌تر توانمندی‌های دو کشور هستیم و باتوجه به تبادلاتی که صورت می‌گیرد مترصد هستیم که این روابط را در زمینه همکاری‌های رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی توسعه دهیم. تهران علاقه‌مند به

توسعه این روابط با عمان است و لذا در این فرصت از سرکار دعوت می‌نمایم که در فرصت مناسب به جمهوری اسلامی ایران سفر نمایید. ایشان در ادامه گفتند: لازم می‌دانم اشاره کوتاهی به وضع مطبوعات در ایران کنم و از شما متقابلاً چنین درخواستی نموده و توضیحات شما را بشنویم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مطبوعات در ایران با تحول بزرگی مواجه شدند، به گونه‌ای که شاهد ۱۲۰۰ عنوان مجله و روزنامه در ایران هستیم و تمام شعب، افشار و گرایش‌هایی که در ایران وجود دارد می‌توانند از این مجموعه مطبوعات بهره‌جویند و دولت ما طی سال‌های اخیر گام‌های مؤثری را برای توسعه آزادی مطبوعات برداشته است. بدین دلیل روزنامه‌نگاران ایرانی احساس می‌کنند که بایستی با دنیای خارج ارتباط داشته و تعاملات خود را با سازمان‌های غیردولتی مربوط توسعه دهند.

در ایران تشکلهای مختلف غیردولتی و اجرایی برای تحت نظر داشتن و پوشش فعالیت‌های مطبوعاتی وجود دارد، نمونه بارز این نهادها انجمن صنفی روزنامه‌نگاران است که آقای مزروعی در حال حاضر ریاست آن را برعهده دارند، به هر حال امیدواریم که این گفت‌وگوها و توضیحاتی که ارائه خواهند داد منجر به آشنایی هرچه بیش‌تر برای توسعه فعالیت‌های مشترک گردد.

پس از توضیحات آقای صحفی، دوباره خانم اسمی خضر و چند تن از اعضای هیأت ایران متقابلاً به گفت‌وگو پرداختند که دیدگاه‌های مطرح شده در این ملاقات در زیر آمده است.

خانم اسمی خضر: بسیار متشکرم از توضیحاتی که ارائه کردید و معرف گسترش و توسعه امکانات مطبوعاتی و رسانه‌ای در جمهوری اسلامی ایران بوده است. همان‌گونه که می‌دانید بهره‌برداری از روش‌های جدید امکان بیش‌تری را برای استفاده از مطبوعات به دست می‌دهد. در اردن شورای عالی اطلاع‌رسانی تشکیل شده است که از ادغام وزارت اعلام با مرکز اطلاع‌رسانی

ایجاد گردیده است. انقلاب اطلاعات و ارتباطات نوین ایجاب می‌کند که تعاملات نوین و جدیدی بین ما برقرار شود.

یک اصل برای این اقدامات در اردن، یعنی بررسی مجدد نظام اطلاع‌رسانی برای ارائه آزادی و کارایی بیش‌تر به آن‌ها وجود دارد و رقابت بین آن‌ها را پدید می‌آورد و موجب پیشرفت می‌شود لیکن حدود و موانعی طبق قوانین وجود دارد که مراکز مشخصی بدین منظور تعیین شده است مانند خبرگزاری اردن "پترا"، رادیو و تلویزیون اردن و نهاد شورای عالی مطبوعات که در چهارچوب قانون اساسی اردن است و امثالهم. قرار است بازنگاری و بازسازی امر مطبوعات در مدت بسیار کمی تدوین گردد و در این صورت قادر خواهیم شد نتیجه را به سفارت جمهوری اسلامی ایران در عمان ارائه دهیم.

روزنامه‌ها از نظر تعداد قابل توجه نیستند و با تعداد سکنه متناسب نیستند و مجوز برای صدور درخواست می‌شود. گذشته از مطبوعات، مجوز برای تأسیس کانال‌های رادیویی و تلویزیونی نیز صورت گرفته است. از دعوت جنابعالی برای سفر به ایران تشکر می‌نمایم و امیدوارم در فرصت مناسبی صورت پذیرد تا امکان آشنایی با موقعیت زنان و پیشرفت فعالیت‌های آنان را به صورت شخصی حاصل کنم. در اردن موقعیت زنان بسیار ویژه است که توجه خاص ملک عبدالله را به دنبال دارد و در نشریات مختلفی چنین توجهات و فعالیت‌ها منعکس می‌گردد. امیدواریم که توسعه بیش‌تری را شاهد باشیم.

مؤسسات دیگری در خصوص فعالیت‌های اطلاع‌رسانی در اردن وجود دارد که به اشکال مختلف مطبوعاتی و تبلیغی مانند سندیکای مطبوعات، انجمن اعلم، هیأت سلطنتی فیلم و غیره فعالیت دارند که این نهادها برای فعال ساختن آن‌ها است. اطلاع یافته‌ام که شما از شورای عالی اطلاع‌رسانی

و رسانه‌های اردنی بازدید خواهید داشت و تبعاً اطلاعات کلی دیگری نیز حاصل خواهید کرد.

بار دیگر بر تعلقات دولت و ملت اردن به دولت و ملت ایران تأکید می‌کنم، خصوصاً در پی تأکیدی که ملک‌عبدالله و مسؤولین اردنی طی دیدارهایشان از ایران عنوان کرده‌اند ما علاقه‌مند به تقویت هرچه بیش‌تر روابط دو کشور هستیم به‌ویژه در زمینه‌های اطلاع‌رسانی و امور زنان و تبادل تجربیات و این‌که جبران مافات شود.

آقای صحفی: از بیانات شما متشکرم، خوشبختانه علائق مشترک فراوانی که برخی از آن‌ها را اشاره کردید مانند حقوق زنان و غیره وجود دارد. ممکن است بفرمایید تغییراتی که به آن اشاره کردید در چه زمینه‌هایی محتمل است؟

خانم خضر: در زمینه آزادی و سوق دادن آن‌ها به بخش خصوصی. در گذشته نظارت بر مطبوعات در اردن قبل از صدور آن‌ها اعمال می‌گردیده است لیکن اکنون نظارت براساس حکم دادگاه است و نه حکم دولت و بدین ترتیب برای رقابت بین مطبوعات نیز زمینه فراهم می‌گردد. صدور مجوز برای مطبوعات براساس حدود قانونی و قوانین اساسی ذی‌ربط است که البته در آن، زمینه‌های دولتی، بخش خصوصی و ملی نیز رعایت گردیده است.

آقای سحرخیز: به‌نوبه خودم از پذیرش و پذیرایی شما تشکر می‌نمایم. سؤال محوری من این است که جایگاه نهادهای صنفی و حمایتی در شورای اطلاع‌رسانی و هیأت منصفه چگونه است و متقاضیان مربوطه آیا در نوبت برای اخذ مجوز مطبوعاتی قرار می‌گیرند یا خیر؟

خانم خضر: پاسخ سؤال اول این است که به‌صورت شورایی انجام می‌شود چنانکه با سندیکای روزنامه‌نگاران اردنی برای دریافت پیشنهادات‌شان

دیدارها و ملاقات‌هایی داشته‌ایم. درخصوص سؤال دوم شما بایستی اشاره کنم که سندیکا نسبت به بررسی آن اقدام می‌کند و در نهایت شورای عالی اطلاع‌رسانی به صورت کلی نقش نظارت عام یعنی دولتی را بر حسن اجرای قانون خواهد داشت و تصمیم‌گیری باتوجه به حفظ احترام به آزادی‌های مطبوعاتی انجام خواهد گرفت.

سندیکای روزنامه‌نگاران نیز به مسائل ملی و به منشور اخلاق مطبوعاتی مصوب خودشان، پایبند هستند و براساس آن بر حسن رفتار روزنامه‌نگاران نظارت می‌کند، و طبق این موازین و قوانین مربوطه به تعیین مجازات‌ها و یا زندان نظر می‌دهد و شکایات علیه مطبوعات را بررسی و قضاوت می‌نماید. ما در نظر داریم هیأت بدوی به آن‌ها رسیدگی کند و حبس را لغو نماید.

در رابطه با مجوزها، باتوجه به محدودیت‌ها و امکانات فنی و غیره تصمیم و اولویت‌ها تعیین می‌شود و نسبت به شرایط توافقات اجرایی نیز نظر داده خواهد شد. در مورد با هیأت منصفه، این فکر مطرح شده است و شورای عالی اطلاع‌رسانی نسبت به آن در حال بررسی است و ممکن است این شورا نوعی داوری داشته باشد و قبل از ارجاع پرونده‌ها نظر بدهد. آقای مزروعی: آیا در قبال تخلف، روزنامه‌نگار و یا مدیر روزنامه مسؤول است و محاکمه علنی است یا غیرعلنی؟

خانم خضر: از نظر جزایی نویسنده مسؤول مخاطب قانون است و از نظر حقوقی مدیر روزنامه، طرف خواهد بود. به نظر من موضوع علنی است و دادگاه نیز علنی دایر می‌شود که البته با شرایط دیگر حکومتی ممکن است غیرعلنی برگزار گردد.

آقای دکتر مهرپور: من نیز تشکر می‌کنم وقت سپری شده است و امید است بهره‌ بیش‌تری ببریم. از توجهی که نسبت به زنان داشته‌اید و در ایران نیز توسعه

بسیاری در این زمینه شده است. مراکز مزبور و تعداد ورودی‌های دانشگاه‌ها بیش‌تر شده و رشته حقوق زنان در برخی از دانشگاه‌ها تأسیس گردیده و هم‌اکنون به تدریس اشتغال دارند. سؤال اینجانب این است که آیا شورای عالی اطلاع‌رسانی و شورای فرهنگی که اشراف بر مطبوعات دارند به کدامین تشکیلات حکومت وابسته‌اند و آزادی مطبوعات چگونه تعریف شده است؟

خانم خضر: شوراهایی که اشاره کردید مستقل عمل می‌کنند و براساس قانون است که با تصمیم ملک و مسئولیت نخست‌وزیر تشکیل شده است، و در خصوص محدودیت‌های روزنامه‌نگاری نظر می‌دهد. ماده ۱۵ نص قانونی به‌صورت آزادی بیان و قلم تا اندازه‌ای که حقوق اجتماعی و فردی افراد رعایت گردد. قانون در شورا در حال بررسی است که شاید به‌صورت شورای ملی باشد که در آن بایستی نظم عمومی، اخلاق عامه و عدم خدشه‌دار ساختن آزادی‌های عمومی مراعات گردد. ولی یک چارچوب کلی برای مطبوعات وجود دارد که مذهب و قانون شورا هستند. قانون در جهت تکثرگرایی و آزادی اطلاع‌رسانی است.

آقای دکتر مهرپور: آیا در سنوات اخیر موردی را داشته‌اید که دادگاه حکم توقیف روزنامه را به دلیل تخلف داده باشد؟

خانم خضر: در پنج سال گذشته بلی ولی اخیراً خیر، به دادگاه ارجاع شده ولی توقیف نشده است.

حجت‌الاسلام قمی: اگر مطبوعات حدود شرعی و به‌ویژه ضروریات دینی را مخدوش کنند چه واکنشی بر آن‌ها مترتب می‌شود و آیا منجر به بستن روزنامه می‌شود؟

خانم خضر: طبق قانون اساسی که در این خصوص است، آن‌ها از مخدوش نمودن اساس دینی پرهیز داده شده‌اند و ممنوع است و براساس قانون با

آن‌ها رفتار و برخورد خواهد شد و بستگی دارد به تصمیمات و مسؤولیت‌ها و شرایط و حدود قانونی و همچنین تصمیم دادگاه، در اردن تاکنون وجود نداشته است، زیرا خودشان پایبند بوده‌اند.

آقای صفی: از بیانات و توضیحات شما تشکر می‌نمایم، گفت‌وگوی بسیار مفیدی بود و امیدوارم شما را ملاقات نمایم.

ملاقات مزبور با تعارفات و تشریفات معمول در ساعت ۱۰:۳۰ پایان پذیرفت.

ملاقات با رئیس خبرگزاری اردن "پترا"

هیأت در مورخ ۸۲/۱۰/۱۴ همچنین طبق برنامه تنظیم شده در محل خبرگزاری اردن "پترا" با آقای فیصل شبول رئیس این خبرگزاری دیدار و به مدت ۱:۳۰ ساعت ملاقات نمودند. اهم مطالب مطروحه در این ملاقات پس از تعارفات و تشریفات معمول به شرح زیر است:

آقای صفی: از دیدار شما خوشحالم و از توجهات کشور شما و پترا به مصیبت وارده به بم در اثر زلزله تشکر می‌شود و سپاسگزاری خود را به دولت و ملت اردن ابلاغ می‌کنم (ایشان سپس هشت نفر اعضای هیأت را به آقای شبول معرفی کرد).

آقای شبول: از دیدار با شما و همچنین جناب سفیر که اولین دیدار ما است و جدیداً به اردن تشریف آورده‌اند بسیار خوشحال و خرسند هستم و خوش آمد گفته و امیدوارم که موفق باشید. به نام خود و همکارانم در پترا واقعه جانگداز زلزله در شهر بم را تسلیت می‌گویم، سعی شد که با اقدامات محدود و در حد توانمان در مصیبت شریک شویم تا آلام مربوطه قدری کاهش یابد. در اردن اقامه نماز غائب در روز جمعه برای آرامش ارواح درگذشتگان حادثه مزبور اقامه شد و با اجازه شما برای احترام به آنان فاتحه می‌خوانیم (سوره مبارکه حمد قرائت گردید).

قبل از پرداختن به کیفیت و چگونگی پترا آقای عمرو مدیر پترا را معرفی می‌کنم. بایستی بگویم که با کلیه وسایل الکترونیکی ارتباطات با تمام جهات و طرف‌های بین‌المللی مرتبط هستیم و با تعداد بسیاری از شبکه‌های فضایی و ماهواره‌ای عربی و غیرعربی ارتباط داریم. از طرف دیگر درخصوص روابط با جمهوری اسلامی ایران، اردن طبق سیاست خارجی خود و اولویت‌های ترسیم‌شده (در ماه حدود دو میلیون بیننده سایت اینترنتی داریم) البته صدای کوچکی در جهان عرب و اسلام است مخصوصاً در زمانی که ما مورد اتهام واقع می‌شویم و افتخار می‌کنیم که به آن‌ها پاسخ دهیم.

در آینده نزدیک از ایران دیدار خواهم داشت و همکارانم که در حضور شما هستند. مدیر خبرگزاری، مدیر خبر و مدیر تحریریه در گسترش این روابط، فعالیت مستمرشان را ادامه خواهند داد. ضمناً آگاه شده‌ایم که بعد از این ملاقات در مکان دیگری برنامه دارید و خوشحال خواهم شد که در خارج از اداره میزبان شما باشم.

آقای صفی: متشکریم، انشاءالله در تهران شما و همکارانتان را نیز ملاقات خواهیم کرد. واقعیت این است که تکنولوژی ارتباطات و اطلاع‌رسانی مقتضیاتی را برای کشورهای اسلامی پدید آورده است که ایجاب می‌نماید به اقدامات و فعالیت‌های خودمان توسعه بخشیم و تعامل فرهنگی با ابزارها و فناوری‌های جدید داشته باشیم. در چنین شرایطی باتوجه به سوابق فرهنگی دو کشور کارهای بسیاری بایستی انجام گیرد که تاکنون صورت پذیرفته است. پیش از این با خانم اسمی خضر ملاقات داشتم و بحث شد که بایستی گام‌های بزرگ‌تری را برای توسعه روابط فیما بین دو کشور برداشت. به‌ویژه باتوجه به دیدار ملک‌عبدالله از تهران این عزم ایجاد شده و ان‌شاءالله بیش‌تر خواهد شد.

این علاقه از سوی مدیران مسئول ایرانی و جایگاه حقوقی این هیأت و نهادهای مدنی ذی‌ربط ایرانی وجود دارد که ما بتوانیم همکاری‌های بیش‌تری را برای بسط تبادلات اطلاع‌رسانی داشته باشیم، خوشبختانه روابط خوبی بین ایرنا و پترا وجود دارد و با پروتکل اطلاع‌رسانی و فرهنگی که در آینده امضا خواهد شد امید است که گویای توسعه روابط باشد.

آقای شیول: با تشکر بسیار از شما، اولاً پترا حدود دو ماه است که با قانون اطلاع‌رسانی مواجه شده است، قبلاً وزیر اطلاع‌رسانی وجود داشت ولی اکنون این وزارت حذف شده است و قانونی در آینده نزدیک به مجلس ارائه خواهد گردید که طی آن کامل شدن استقلال مالی پترا که از چهار سال قبل برقرار شده است کاملاً در بخش اداری و مالی تأمین خواهد شد. در شرایط قبلی و اکنون حتی تمامی وسائل اعلامی (روزنامه‌ها) در اردن خصوصی بوده غیر از پترا و رادیو تلویزیون.

اخیراً تلویزیون از کانال‌های محلی و ماهواره‌ای برخوردار شده و به‌علاوه امتیازات بسیاری برای مراکز مزبور یعنی خبرگزاری‌های بخش خصوصی و تلویزیون‌های محلی که در آینده خواهیم داشت در نظر گرفته شده است و خارجی‌ها نیز می‌توانند مانند اردنی‌ها سرمایه‌گذاری نمایند. یک منطقه آزاد خبرگزاری که از مالیات معاف است ایجاد گردیده است. اکنون ایستگاه‌های اف. ام خارجی داریم که ایستگاه‌های اردن را با اجازه دولت زیر پوشش قرار می‌دهد.

در حال حاضر ما ۴۹ خبرگزاری و دو برنامه به دو زبان عربی و انگلیسی داریم و اقمار مصنوعی نیز آن‌ها را به تعداد بسیاری از مشترکین و بهره‌وران مرتبط می‌نمایند و بیش از ۷۰ درصد محتوای روزانه (حدود ۸۰ خبر عربی و ۵۰ خبر انگلیسی) در اینترنت درج می‌شود.

آقای صفی: از نکات و مطالبی که ارائه نمودید بسیار متشکرم، اعضای هیأت سؤالاتی را مطرح می‌نمایند.

آقای سحرخیز: متشکرم از فرصتی که فراهم شده است. اینجانب سابقه بیست ساله در خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) داشته‌ام، سؤال من در مورد استقلال مالی پترا است در صورتی که ۴۹ خبرگزاری که شناخته شده‌اند علی‌القاعده بایستی تأمین شوند و دیگر این که چند دفتر در داخل و خارج از اردن دارید، دو میلیون بیننده اینترنتی شما در چه مدتی ارزیابی شده است و همچنین منابع مالی خبرگزاری‌های جدید را دولت تأمین می‌کند یا به گونه دیگر؟

آقای شبول: از وزارت اطلاعات رسانی مستقل شده‌ایم ولی دولت صد درصد بودجه ما را تأمین می‌کند. براساس قانون جدید روزنامه‌ها از ما ناراحت می‌شوند چون هزینه خواهیم گرفت. در اردن ۱۹ دفتر و در خارج دفتر و یا مقر ثابت نداریم بلکه به صورت موقت می‌باشند، مانند تهران که به مدت سه سال اعزام شده بود و در کشورهای عربی و اروپایی نیز داریم و به طور کلی در خارج ۲۲ نماینده داریم، ما به دنبال نماینده مسلط به زبان عربی هستیم و برای دفترمان در تهران می‌خواهیم بودجه بیش‌تری را در آینده اختصاص دهیم. مدت ارزیابی بینندگان اینترنتی ما یک ماه بوده است.

ابتدا اشاره می‌شود که در جهان دولتی وجود ندارد که مالک تمام خبرگزاری‌ها باشد، ما در اردن نسبت به کشورهای هم‌جوار به قدر توان خود تملک داریم و حمایت می‌کنیم ولی استقلال و حمایت کامل را نمی‌توان انتظار داشت. در مورد خبرگزاری‌های خصوصی به صورت‌های مختلف اتفاق و یا سرمایه‌گذاری و سوددهی حمایت می‌شود. ما نمی‌خواهیم تفکرات سیاسی و اقتصادی خود را به خارج صادر کنیم بلکه خبردهی به صورت معقول و معمول مطرح است و در نظر داریم که درآمد مالی نیز داشته باشیم و فقط برای ارسال پیام خود به خارج منظور می‌شود و حتی الامکان سعی می‌شود برای این کار هزینه نپردازیم. درخصوص خبرگزاری‌های جدید نیز بدین منوال خواهد بود.

آقای مزروعی: آیا در حال حاضر خبرگزاری خصوصی در اردن وجود دارد، آیا از نظر تشکیلات اداری استقلال دارند یا تحت پوشش شورای عالی اطلاع‌رسانی قرار می‌گیرند؟ چگونه رئیس خبرگزاری منصوب می‌گردد، آیا در حال حاضر از نظر اداری تابع حکومت هستید و این‌که آیا از سندیکاها هم در پترا حضور دارند؟

آقای شبول: در حال حاضر خبرگزاری خصوصی در اردن وجود ندارد، لیکن براساس قانون در نظر خواهد بود که بتوانند تأسیس کنند. قبلاً نیز مانعی نبوده ولی گرایش به بخش خصوصی اندک بوده است. خبرگزاری اردن بدون رسوخ در دیگر رسانه‌ها در اردن قادر نمی‌گردید که خبرها و گزارش‌ها را به اعراب و حتی اردن ارسال دارد. رئیس خبرگزاری اردن با پیشنهاد نخست‌وزیر و تأیید ملک تعیین می‌شود و پرسنل و مسئولین آن از کادر دولتی و استخدامی کل کشور هستند. براساس تجربه من در تلویزیون و رادیو در مورد استخدام که البته در تلویزیون سیستم جدا از کل کشور برقرار بوده و نیز با تجربه‌ای که در سیستم جدید داریم امید است در پترا نیز قابل اجرا باشد، ولی لازم است بگویم که پرسنل مربوطه ۱۲۰ درصد از کل حقوق خود را به عنوان امتیاز حرفه‌ای خواهد گرفت و در این صورت حقوق وی بیش‌تر از حقوق یک مهندس و پزشک خواهد شد.

مدت پنج سال است که در پترا هستم و بنابراین امکان دارد که موافقتنامه‌هایی را بدون اطلاع نخست‌وزیر تغییر داده و حتی منعقد نمایم. پترا توان آن را دارد که نیازهای بخش خصوصی را رهبری کرده و پاسخگو باشد مانند پخش خبر تغییر نخست‌وزیر که شخصاً انتشار دادم بدون این‌که نخست‌وزیر از آن اطلاع داشته باشد و ۱۵ دقیقه بعد نخست‌وزیر با من تماس گرفت و جوابای قضیه شد.

هفته قبل با تعداد چهل تن از اشخاص سیاسی و اجتماعی درخصوص تغییراتی که بایستی بشود در چهار قسمت مصاحبه و پخش شد و متوجه

شدیم که انتقادات بسیاری شده است چنانکه روزنامه‌ها حرف‌های ما را سانسور کرده‌اند. در پترا اکنون ۱۳۵ عضو وجود دارد که با خبرنگاران متشکل از ۶۰۰ نفر خواهند بود و تعدادی از بنیانگذاران پترا از اتحادیه روزنامه‌نگاران بوده‌اند.

حجت‌الاسلام صادقی: همان‌گونه که می‌دانید در دنیا خبرسازی و خبرگزاری‌های عمده در دست صهیونیست‌ها و یهود است، تا چه اندازه‌ای پترا سعی کرده است که مستقل باشد و خود را عرضه کند و تا چه اندازه‌ای تلاش برای تأسیس خبرگزاری جهان اسلام با پوشش کل کشورهای اسلامی شده است؟
آقای شبول: این محرز است که صهیونیست‌ها بر اطلاع‌رسانی جهانی سلطه دارند، مشکل جهان اسلام که مشکل اصلی ما است از ده‌ها سال قبل وجود دارد و آن، این است که یکدیگر را مخاطب قرار می‌دهیم. من معتقدم که لغات فارسی و عربی از یک اصل هستند و در یک اقلیم واحد قرار دارند. واقعیت تلخ، آن است که در جهان، سرمایه‌گذاری روی اطلاع‌رسانی بعد از تسلیحات صورت می‌پذیرد. حجم سرمایه‌گذاری‌های اطلاع‌رسانی بیش‌تر در اختیار غرب است و کم‌تر توسط شرق صورت گرفته است و همان‌گونه که اشاره کردید ما به‌صورت انفرادی سعی داریم که به‌طور توافقی مستقل شویم ولی در اجماع و به‌طور جمعی چنین اقدامی وجود ندارد و واقعیت تلخ اشاره شده آن است که خبرگزاری اسلامی در محل خود و یا بهتر گفته شود در نطفه خفه شد. من نیازمند به دانستن زبان دیگری هستم تا آن‌هایی که در اطلاع‌رسانی پیروز هستند و جهان غرب که کره زمین را اداره می‌کند بهتر بشناسم و اکنون فرصتی دست داده است تا از طریق اینترنت این کار را انجام دهیم. مثلاً این‌که درخصوص سلاح‌های هسته‌ای و چرا آمریکا رفتارش با کره و لیبی غیر از دیگران بوده و با ایران متفاوت است و هیچ‌وقت از سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل ذکری به میان نمی‌آورد.

نکته دیگر آن است که خبرگزاری رسمی اردن (پترا) یک منبع اصلی درخصوص اخبار فلسطین برای دیگران است که از ساحل غربی و غزه واصل دریافت می‌شود و سریعاً منتشر می‌شود و سپس از غرب به‌صورت کلی برای جهان عرب و اسلام پخش می‌گردد و با مارک تروریسم ارائه می‌دهند و این کار را لیبرالیسم می‌دانند.

در ادامه ملاقات مزبور آقایان دکتر مهرپور و سحرخیز در پاسخ به سؤال آقای عمرو مدیر پترا و برخی از مسئولین دیگر پترا نسبت به جایگاه قانونی، وظایف تشکیلاتی، اجرایی و اهداف سفر هیأت ایرانی توضیحاتی را ارائه کردند.

آقای صفی: از توضیحات بسیار خوبی که مطرح کردید متشکریم و لازم است این تبادل نظرات استمرار یابد امید است که در فرصتی که به تهران خواهید آمد این امکان پدید آید.

ملاقات با رئیس شورای عالی اطلاع‌رسانی اردن

در روز دوم اقامت در اردن طبق برنامه تنظیم‌شده هیأت ایرانی ابتدا در محل شورای عالی اطلاع‌رسانی اردن با آقای دکتر عزالدین دیدار و ملاقات نمودند. اهم مطالب مطروحه در این ملاقات به شرح زیر است:

ابتدا آقای عزالدین ورود هیأت شورای عالی نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی ایران به اردن را خوش‌آمد گفت و وقوع زلزله مصیبت‌بار در شهر بزم را تسلیت گفته و تأسف شدید دولت و مردم اردن را از این حادثه و تلفات سهمگین آن ابراز داشت.

آقای صفی: از ابراز همدردی شما تشکر می‌کنم و از طرف خود و دولت جمهوری اسلامی ایران از جناب ملک و دولت و ملت اردن سپاسگزاریم. کمک‌هایی که در این حادثه صورت گرفته موجبات التیام دردها بود و نماز

غائب که برگزار شد بسیار مؤثر و موجب قوت قلب برای مردم ایران بوده است.

بایستی ابتدا اشاره کنم که در روابط خارجی ایران و اردن گام‌های بلندی برداشته شده است و امیدواریم که این اقدامات استمرار و توسعه یابد. موقعیت مطبوعات و رسانه‌ها در ایران وضعیت متحولی دارد و ما علاقه‌مندیم که روزنامه‌های ایرانی بتوانند با دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی ارتباط فعال و نزدیک‌تری داشته باشند. این ارتباط می‌تواند هم با نهادها و ارگان‌های حکومتی و سیاست‌گذار و هم در ارتباط با نهادهای مدنی و سندیکاها و هم فعالان آزاد در زمینه‌های مطبوعاتی باشد. خوشحال می‌شویم که در ابتدای جلسه جنابعالی شرحی از موقعیت، تشکیلات و وظایف شورای اطلاع‌رسانی را برای هیأت ارائه فرمایید.

اعضای هیأت سپس توسط ایشان معرفی شدند. لازم به توضیح است که آقایان دکتر مهرپور، سحرخیز و خامه‌یار که به ملاقات با مسؤولین روزنامه‌الدستور رفته بودند در این دیدار حضور نداشتند.

آقای عزالدین: مجدداً خوش آمد می‌گویم، آقای دکتر نجیب السرایره مدیر عمومی شورای عالی اطلاع‌رسانی اردن می‌باشند که حضور دارند. ابتدا از رشد روابط دوستانه دو کشور در سنوات اخیر ابراز خرسندی می‌نمایم که بالتبع روابط تبلیغاتی و مطبوعاتی و رسانه‌ای را نیز شامل می‌شود. این امر، قطعاً منجر به همگرایی بیش‌تر فرهنگی و تفکر دو ملت و دو دولت خواهد شد. من چند بار با هیأت‌های ایرانی در زمینه اطلاع‌رسانی ملاقات کرده‌ام. البته توسعه روابط تجاری و اقتصادی نیز مفید است به‌ویژه این‌که به روابط فعال‌تر و همگرایی بیش‌تر فرهنگی کمک و یاری می‌رساند. لیکن اصل و مهم، روابط فرهنگی و فکری است. دو سال است که درخصوص تأسیس شورای عالی اطلاع‌رسانی بحث و تبادل نظر و کوشش شده است و در

پی‌فرمان ملک‌عبدالله برای تأسیس شورای عالی اطلاع‌رسانی از ابتدا کارهایی شد ولی تشکیلات و محل مشخصی نداشت و خوشبختانه در حال حاضر این مهم برآورده شده است که شامل چهار بخش اساسی به قرار زیر است:

۱. در ابتدا یعنی در سال اول، شورای عالی مطبوعات که سپس به این اسم، نامیده شد قوانین مربوطه را ارائه کرد. این شورا دارای صلاحیت و اعتبار قانونی است و اهمیت‌های ویژه خود را دارد که بر مطبوعات و تبلیغات نافذ است و بدین صورت امور ذی‌ربط از این شورا صادر می‌شود. امکاناتی طبق قانون داده شده که آموزش‌های حرفه‌ای، تخصصی و مطبوعاتی ارائه گردد. به‌طور خلاصه اختیارات شورا، دارای جنبه‌های قانونی و فاقد جنبه‌های اجرایی است.

۲. در نظر داریم که مرکز آموزش اطلاع‌رسانی را در مدت حداقل شش ماه دایر نماییم که در آینده امکان پذیرش دانشجویان را از کشورها و تبادلات مواد مطبوعاتی من جمله با ایران وجود داشته باشد که خود امر مهمی به‌شمار می‌آید.

۳. مشکلات بین روزنامه‌نگاران و دولت را از طریق اتحادیه یا محاکم حل و رسیدگی می‌نماید که در حال حاضر در مرحله ابتدایی است. هم‌اکنون این مشکلات بین اتحادیه و محاکم رد و بدل می‌شود و لازم است که این مشکل با رعایت عدالت حل شود و این شورا در این زمینه مسئول است.

۴. ارزیابی آزادی مراکز و مؤسسات مطبوعاتی و حکومتی که نظر نهایی را نسبت به آنچه از رسانه‌ها منتشر و منعکس می‌شود خواهد داد. با توجه به این‌که روزنامه‌ها تمثیل نظرات مردم است لذا ایجاب می‌کند که از فشارهای گوناگون بر آن‌ها جلوگیری و کاسته شود. در این رابطه نظارت بر قوانین و

اجرای برخی تدابیر بین محکمه و اتحادیه‌ها لازم خواهد بود و طبق نظر ملک چنین وظیفه‌ای را شورای عالی اطلاع‌رسانی عهده‌دار شده است که بسیار مهم است و گزارش در خصوص آزادی در کشور را نیز به ملک ارائه می‌دهد.

در گذشته رادیو و تلویزیون و "پترا" زیر نظر وزیر اطلاع‌رسانی بود که اینک با وزیر مشاور و سخنگوی دولت است و بایستی تغییر و تحول به وضع جدید و حال داشته باشد. برای سیطره بر این مراکز که اکنون وجود ندارد بایستی قوانین ذی‌ربط را وضع کنیم و سیاست‌های اداری و مالی آن‌را تنظیم و تصویب نموده و به اجرا گذاریم و مشخص می‌شود که کدام امور در سیطره وظایف ما است و چه اقداماتی نیست. درخصوص خبر و اطلاع‌رسانی حرف آخر را این شورا خواهد زد و آنچه را در جامعه می‌تواند مطرح شود، مورد بررسی قرار خواهد داد. در این راستا، قوانین و مقررات اسلام و اخلاق قطعاً مراعات می‌شود.

شورا تابع حکومت است ولی در بخش اداری و مالی و انتشارات مستقل است و این امکان را پدید می‌آورد که اطلاعات را بدون قیود دولتی و حکومتی به مؤسسات انتقال داده و اطلاع‌رسانی نماید. رادیو و تلویزیون و خبرگزاری در دست دولت خواهد بود لیکن براساس قانون و مستقل عمل می‌کنند این قانون، اردنی‌ها را متعلق به امت اسلام و عرب می‌داند تا مراکز مربوطه مانند خبرگزاری قابل رقابت باشند. براساس آنچه در وظایف شورا گنجانیده شده است مرکز اطلاع‌رسانی بایستی تأسیس شود که بیانیه‌ها و مواضع مختص دولت را منعکس نماید و وزیر مشاور و سخنگوی دولت در رأس آن قرار دارد.

از اهداف حکومت است که رادیو و تلویزیون و خبرگزاری غیردولتی شوند، لیکن درخصوص روزنامه‌ها طبق قوانین جدید تعدیلاتی شده است تا از آزادی بیش‌تری برخوردار شوند و قانون ۱۹۹۳ را تغییر دهند. یک مدیر

و چهار نفر از طرف مؤسسات مردمی نیز به صورت یک هیأت ناظر بر این قوانین تعیین خواهد شد. این تعاملات نه به صورت دولتی بلکه با چتر دولت ولی به صورت مستقل به اجرا در خواهد آمد و بر اجرای قانون مطبوعات نظارت خواهد کرد.

تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای به صورت مستقل و جدا از قوانین مزبور در نظر گرفته شده‌اند و مقررات و قوانین ویژه دیگری برای آن‌ها مورد نظر است که بیش‌تر بایستی به مسائل اخلاقی و اسلامی توجه داشته باشند. در آینده ایستگاه‌های خصوصی ماهواره‌ای وجود خواهد داشت.

آقای صفحی: از توضیحات جامع و دقیقی که عنوان کردید تشکر می‌کنم و یک سؤال را مطرح می‌نمایم و سپس اعضای هیأت سؤالات خودشان را طرح می‌کنند. با توجه به عمر کوتاه شورا، خوشبختانه پیشنهادات اساسی و گسترده‌ای را برای تحول در اطلاع‌رسانی اردن مورد نظر قرار داده است. سؤال این است که اگر شورا قدرت اجرایی ندارد لیکن مرجعی برای حل اختلاف در مسائل بین اصحاب مطبوعات و اطلاع‌رسانی شناخته شده است، آیا این یک شأن قانونی و امری الزامی و یا پذیرفته شده از سوی جامعه و یک امر اختیاری است؟

آقای عزالدین: حکومت این را در قانون گنجانیده است مشروط به این‌که توسط مطبوعات دعوی ظلم و قبول رسیدگی شود و امکان دارد که در تعامل بین روزنامه و محکمه و تردد آن‌ها به محکمه مانع شود. این مهم است که اقدام قانونی شورا به نفع روزنامه‌ها است، این یک کمک معنوی و مهم است، بیش‌تر کشورها نیز به دنبال چنین نقشی بین روزنامه‌نگاران و مسئولین رسمی هستند و این تجربه جدید است. هفته قبل جلسه‌ای درخصوص این موضوع داشتیم، شورا نمی‌تواند خسارت بدهد و یا بگیرد ولی از نظر معنوی توانایی دارد که در احقاق حق طرف ستم‌دیده بسیار مؤثر باشد.

دیدار با رئیس اتحادیه روزنامه‌نگاران اردنی

دیدار از اتحادیه روزنامه‌نگاران اردنی و ملاقات با آقای طارق مؤمنی رئیس اتحادیه مزبور از دیگر برنامه‌های روز دوم حضور هیأت ایرانی در اردن بود. شرح این دیدار در قالب گفت‌وگوهای ابراز شده طرفین، در زیر آمده است:

آقای مؤمنی: به اتحادیه روزنامه‌نگاران اردنی خیلی خوش آمدید.

آقای صفی: از حضور در اتحادیه روزنامه‌نگاران اردنی خوشوقتم و امید است که در راه نیل به آزادی مطبوعات موفق باشید.

شورای نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی ایران برای آشنایی با مراکز رسانه‌ای و مقررات و برنامه‌ها و مشاهده توسعه بنگاه‌های رسانه‌ای در اردن حضور دارد و علاقه‌مند است که اطلاع بیش‌تری از برنامه‌های اصلاحات از سوی دولت داشته باشد.

آقای مؤمنی: از حضور و دیدار با هیأت محترم خوشوقتم. محل ما موقتی است و مقر اصلی آن خانه روزنامه‌نگاران اردنی است که به‌زودی در آن مستقر خواهیم شد. از حادثه زلزله در شهر بم متأسف شدیم و ضمن تسلیت به شما و ملت بزرگ ایران آرزو داریم که دیگر چنین حوادث و وقایع تأسفبار روی ندهد. ما به کشور و مقام رهبری معظم جمهوری اسلامی ایران علاقه مخصوصی داریم.

اتحادیه ما از سال ۱۹۵۳ تأسیس شده است و نقش فعالی را در مسائل روزنامه‌نگاران و تعامل آن‌ها با دولت و مردم ایفا کرده است و شعار آن "آزادی و مسئولیت" است. اتحادیه ۶۰۰ عضو دارد که نمایندگان روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و فصل‌نامه‌های اردنی هستند و از قدیمی‌ترین سندیکا‌های اردنی به‌شمار می‌آید. وظیفه ما حمایت از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران در مقابل کلیه عوامل خارجی و قیودی است که از دیدگاه‌های قانونی بر آن‌ها مترتب شده است.

دیدارها و گفت‌وگوها ۱۰۵

در کابینه‌های گذشته چنین قیودی بر مطبوعات تحمیل می‌گردید اما به تدریج سعی شد که کلیه قیدوبندها از میان برداشته شود. بحث ما روی ماده ۱۵۰ قانون مجازات‌ها برای خبرنگاران و نویسندگان است که آن‌ها را در زمره تروریسم قرار می‌داد و موفق به حذف آن شدیم. براساس دیدگاه ملک این آزادی‌ها تثبیت شده و تغییرات ماهوی در این زمینه ایجاد گردیده است. ما درخواست‌های خود را از حکومت از طریق پارلمان اعمال می‌کنیم و برای حذف منع تعقیب و مجازات نویسندگان و خبرنگاران درخواست ارائه داده‌ایم. بنا به آنچه که گزارش و نگارش کرده‌اند در نظر است از این طریق به آزادی مطبوعات نیل نماییم و انتظار داریم این درخواست‌ها در قوانین جدید گنجانیده شود و نظارت قبل از صدور نشریه حذف گردد.

ان شاء الله با این اقدامات اردن در زمینه آزادی مطبوعات به عنوان یک نمونه در منطقه برای استقلال و آزادی مطبوعات به شمار آید. اگر سازمان نظارت بر مطبوعات و انتشارات براساس قوانین جدید تأسیس شود نگرانی‌های ما که طی پیشنهاداتی به دولت ارائه شده است رفع می‌شود.

درخصوص آموزش روزنامه‌نگاران غیر از تکنولوژی و زبان انگلیسی برنامه‌هایی را نیز در دست اجرا داریم که برای افزایش کارایی، آگاهی و تخصص آنان است و برای این منظور دوره‌هایی را پیش‌بینی نموده‌ایم. این امکانات را در مقر جدید ملحوظ می‌نماییم و برای ۳۵۰ روزنامه‌نگار و نشریه اردنی که فاقد خانه هستند، مسکن در نظر گرفته شده و درخصوص معیشت آنان نیز تلاش‌هایی انجام شده است «توضیحات مبسوطی درخصوص تاریخچه و مکان جدید اتحادیه توسط آقای طارق مؤمنی ارائه گردید که می‌تواند به معنی جلب نظر هیأت برای مساعدت مالی و روابط بعدی باشد».

آقایان فخری حمدی و جمیل سعه از هیأت مدیره اتحادیه روزنامه‌نگاران اردنی که در جلسه حضور داشتند معرفی شدند. و ایشان نیز ضمن خوشامد

گفتن افزودند که آمادگی دارند اطلاعات بیش تر و مورد نظر هیأت را ارائه دهند. آقای صحفی: از توضیحات و مراتب تسلیت به مناسبت وقوع زلزله مرگبار در بم و تعلقات عاطفی شما به جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری تشکر می نمایم، کوشش هایی که دولت اردن و به ویژه شخص ملک عبدالله معمول داشته اند و مشخصاً برگزاری نماز غائب در مساجد سراسر اردن، خود نشانگر علائق دو کشور و روح برادری بین دو ملت به شمار می رود و نوعی التیام برای دردها و مصائب آسیب دیدگان و ملت ایران به شمار می آید که عمیقاً قدردانی می شود.

آقای مزروعی: (پس از تشکر از ملاقات و ارائه توضیحاتی راجع به نقش و جایگاه مطبوعات و انجمن روزنامه نگاران ایران، سؤال کرد:) چه تعداد روزنامه نگار دارید؟ آیا اول بایستی عضو شده و بعد فعالیت نمایند؟ چه شرایط احتمالی برای روزنامه نگاران و مدیران مطبوعات وجود دارد؟ آیا قانون و متن مدون شده ای برای ارائه به ما وجود دارد؟ یک اتحادیه وجود دارد یا بیش تر؟ بین روزنامه نگاران دولتی و خصوصی فرق گذاشته می شود و چرا؟ درآمد متوسط روزنامه نگاران چه مقدار و معیار اختلاف درآمد آن ها چیست؟ قوانین دیگر مطبوعاتی برای تنظیمات داخلی وجود دارد؟ منبع مخارج اتحادیه و حق عضویت و کمک های دولت چیست؟ تعداد اعضای هیأت مدیره چند نفر است؟ میزان استقلال اتحادیه، حمایت در مواقع دشوار از روزنامه نگاران چگونه است؟ و آیا نشریه داخلی دارید؟

آقای مؤمنی: روزنامه نگار باید عضو اتحادیه باشد تا به طور رسمی مجاز به فعالیت باشد. ۶۰۰ نفر در مؤسسه های روزنامه نگاری اردنی شاغل هستند. برای تأسیس روزنامه نیز شرایط علمی و مدارک تحصیلی منظور شده و سپس آموزش می بینند. بعد مؤسسه او را به اتحادیه معرفی می کند و زیر نظر اتحادیه آموزش ادامه می یابد. کسی که شاغل در مطبوعات است بایستی تمام وقت و فقط به روزنامه نگاری اشتغال داشته باشد. یک اتحادیه

دیدارها و گفت‌وگوها ۱۰۷

روزنامه‌نگاران در اردن وجود دارد که ما هستیم و بین روزنامه‌نگاران از نظر دولتی و خصوصی فرقی وجود ندارد، البته بیش‌تر علاقه‌مند هستند که به بخش خصوصی منتقل شوند زیرا شرایط حق بیمه و امثالهم در بخش خصوصی مطلوب‌تر است. درآمد روزنامه‌نگاران بستگی به رتبه آن‌ها دارد لیکن در مقام مقایسه، دیگر مشاغل مناسب‌تر است مثلاً در پترا ۱۳۰ دینار در ماه بیش‌تر می‌گیرند و ما انتظار بهبود این وضع را داریم.

قوانینی به‌عنوان مجموعه آموزش‌ها و مقررات مالی و اداری داریم یعنی آئین‌نامه داخلی و مهم‌تر از این‌ها یک منشور اخلاقی وطنی نیز وجود دارد. حق عضویت به میزان ۱۰ دینار (۱۵ دلار) در سال و یک درصد از هزینه آگهی‌های مندرجه در روزنامه‌ها به اتحادیه داده می‌شود. با چنین بودجه‌ای تأمین می‌شویم و حتی زیاد هم می‌آید و سعی بر آن است که سرمایه‌گذاری برای اتحادیه بنماییم. سالانه ۲۰۰۰۰ دینار، مانند دیگر اتحادیه‌ها از دولت می‌گیریم. سرمایه‌گذاری‌های اشاره شده روی زمین‌ها و ساختمان‌سازی و بازار پول صورت می‌گیرد که این اقدامات در آینده بیش‌تر مشخص می‌شود و تحت بررسی است تا اداره اتحادیه در خطر قرار نگیرد. هیأت‌مدیره اتحادیه دارای ده عضو به‌علاوه رئیس است که برای مدت سه سال توسط مجمع عمومی و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند. ما استقلال کامل داریم و طبق قوانین دفاع از روزنامه‌نگاران وظیفه مستقل و بدون هرگونه دخالت انجام شده است و دست‌آوردهایی نیز برای هموطنان خود داشته‌ایم. در فعالیت‌های سیاسی هم شرکت کرده‌ایم و برای اقامه مواضع خود راهپیمایی و اعتصاب نموده‌ایم. رئیس شورای اتحادیه بایستی از بخش خصوصی باشد مثلاً از پترا نبایستی باشد.

در صورت فرضی که کسی از جامعه مطبوعاتی ما به زندان و یا مشکلات این‌چنینی گرفتار شود خودم و یا نماینده من مأمور تحقیق شده و

در جلسه دادگاه و بازجویی در مقابل دادستان کل حضور می‌یابیم. قبل از لغو ماده ۱۵۰، حدود ۱۵ مورد حضور این‌چنینی داشته‌ام و در مورد روزنامه‌نگاران در دادگاه امنیت کشور نیز حضور یافته‌ام و اگر روزنامه‌نگار وکیل بخواهد امکان‌پذیر است. ما نشریه داخلی نداریم و از طریق اینترنت اطلاع‌رسانی می‌کنیم. البته این باتوجه به کمبود امکانات محل است و در آینده امیدواریم بتوانیم نشریه داخلی خود را انتشار دهیم.

آقای فخری حمدی: امتیازاتی برای روزنامه‌نگاران معمول می‌گردد مانند اقامت در هتل، بلیت سفر، بیمه و کمک‌های انسان‌دوستانه در مواقع ضروری و در صورت فوت، امتیازات به خانواده حقوقی متوفی داده می‌شود. اتحادیه ما عضو فعال در اتحادیه روزنامه‌نگاران عرب است و برای ما افتخار است که بیش‌ترین دموکراسی را در جهان عرب نسبت به مطبوعات داریم. همچنین عضو سازمان بین‌المللی روزنامه‌نگاران در پراگ هستیم. اگر اعضای اتحادیه ما به میزان ۲۰ دینار حق عضویت سالانه بدهند بعد از بازنشستگی چند هزار دینار دریافت خواهند کرد که این مورد اختیاری است.

آقای سحرخیز: با تشکر چند سؤال را مطرح می‌کنم: آیا مالکین و مدیران و سردبیران روزنامه‌ها هم حق عضویت در اتحادیه را دارد؟ چه تظاهراتی داشته‌اید آیا در رابطه با بسته شدن روزنامه و یا زندانی شدن روزنامه‌نگاران بوده است؟ آیا عضو CPG هستید؟

آقای فخری حمدی: اعضای اتحادیه بایستی روزنامه‌نگار باشند بنابراین سردبیران می‌توانند عضو شوند. تظاهرات بیش‌تر در رابطه با جنگ عراق، فلسطین، اقدامات نیروهای نظامی اسرائیلی، زمانی که مرحوم طارق ایوب، عضو اتحادیه که در بغداد شهید شد، و برای لغو ماده ۱۵۰ درخصوص قانون مجازات مطبوعاتی و امثالهم بوده است. تاکنون مورد بسته شدن روزنامه را نداشته‌ایم لیکن درخصوص اصلاحیه سال ۱۹۹۸ که آزادی مطبوعات را

دیدارها و گفت‌وگوها ۱۰۹

محدود کرده بود و پس از مسدود شدن باب مذاکره، تظاهرات صورت پذیرفت و منجر به لغو آن گردید. عضو CPG است.

آقای خامه‌یار: سقف آزادی از جنبه‌های مختلف مانند اخلاقی و دینی چطور است و مرجع تعیین‌کننده چگونه و چه کسی است؟

آقای فخری حمدی: خط قرمز وجود دارد که در خصوص دین، خدا و پیامبر اکرم (ص) است و حکومت مرجع تعیین‌کننده خطوط قرمز مطبوعاتی است و حتی دین مسیحی نیز خط قرمز است و نبایستی به ادیان و مقدسات ملی توهین شود و دستورات ملک در این رابطه گویا است.

آقای صحفی: از فرصتی که اختصاص دادید و نیز از پذیرایی شما متشکریم. آقای مزروعی از انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران از شما دعوت نموده‌اند که به جمهوری اسلامی ایران سفر نمایید و امیدواریم دیدارهای ارباب مطبوعاتی بین دو کشور افزایش یابد.

این ملاقات پس از بازدید از آرشیو تاریخ اتحادیه و با تعارفات و تشریفات معمول پایان پذیرفت.

دیدار از مؤسسه شومان

اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی ایران طبق برنامه از پیش تنظیم‌شده همچنین در ۸۲/۱۰/۱۵ در محل مؤسسه فرهنگی - علمی عبدالحمید شومان واقع در محدوده مرکز شهر عمان حضور یافته و با آقای ثابت الطاهر رئیس جدید مؤسسه مزبور به مدت یک ساعت ملاقات کردند. اهم مطالب مطروحه در این دیدار به شرح زیر بوده است:

آقای الطاهر: ورود شما به اردن و مؤسسه عبدالحمید شومان را خوش‌آمد می‌گویم و تسلیت عمیق خود و مؤسسه را به مناسبت واقعه دل‌خراش زلزله در شهر تاریخی بم تسلیت عرض می‌نمایم.

آقای صحفی: از دیدار مزبور و همدردی شما به مناسبت زلزله ویرانگر در بم تشکر می‌کنم. هیأت عالی نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته است که برای آشنایی بیش‌تر با کشور شما و مراکز و وسائل اطلاع‌رسانی به اردن سفر داشته باشد. یکی از مراکزی که قبل از این مورد نظر ما بود دیدار از مؤسسه شما است. اعضای هیأت به‌جز دو نفر از آن‌ها با اعلام عذرخواهی در این‌جا حضور نیافته‌اند عبارت‌اند از آقایان: محسنی اژه‌ای از قوه قضائیه، حجت‌الاسلام صادقی از حوزه علمیه قم، دکتر مهرپور از وزارت علوم تحقیقات و فناوری، مزروعی از مجلس شورای اسلامی.

آقای الطاهر: از آشنایی با شما و هیأت محترم خوشحالم، روابط ما با جمهوری اسلامی ایران بسیار حسنه است. مؤسسه شومان در سال ۱۹۷۰ تأسیس شد و در شعبات علمی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و توسعه و تحکیم علائق فی‌مابین کشورهای عربی و اسلامی فعالیت داشته است و در تعاملات و مناسبات فرهنگی، تمدنی و علمی مؤسسه به‌صورت یک باشگاه فرهنگی و اصلی ظهور نموده است. این مؤسسه اجلاس‌ها و همایش‌های مختلف و بسیاری در زمینه‌های علمی، اقتصادی، فلسفی، فرهنگی، ادبی و سیاسی و بیش‌تر درخصوص منطقه خاورمیانه برگزار کرده و در چنین مناسبت‌هایی در خارج از اردن نیز شرکت فعال داشته است.

مؤسسه به‌طور مستمر، اقدام به برگزاری گردهم‌آیی هفتگی در روزهای دوشنبه بعدازظهرها می‌نماید و شرکت‌کنندگان در این دیدارهای هفتگی از اردن و کشورهای همجوار و شخصیت‌های ادبی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در سطوح عالی‌اند که از آن‌ها دعوت به‌عمل می‌آید و سعی شده که مدعویین عمدتاً از نخبگان باشند. در کنار موضوعات منطقه‌ای، موضوعات داخلی در همه زمینه‌های فکری، اقتصادی و سیاسی نیز مطرح و

موردنظر قرار می‌گیرد. در بخش فرهنگی، تحرکات اجتماعی و موضوعات روز نیز جایگاه مشخصی دارد. مثلاً در ماه قبل مسائل و موضوعات روز فرهنگی - آموزشی مطرح شد و آقای طوقان وزیر آموزش و پرورش اردن شرکت داشت و اینک موضوعات جاری مربوط به فلسطین در دستور اقدامات مؤسسه قرار دارد و از شعرا و ادباء و صاحب‌نظران اردنی و فلسطینی دعوت شده است.

شب گذشته با وزیر آموزش و پرورش اردن جلسه داشتم تا تبادل افکار درخصوص آموزش در اردن برای ماه مارس آینده صورت گیرد. در رشته‌های دیگر که مورد بحث قرار می‌گیرد و یا مورد تحقیق واقع می‌شود، انتشارات آن‌ها نیز ارائه و در دسترس قرار می‌گیرد. از موضوعاتی که برای آینده درنظر گرفته شده است "عالم عربی و ایران" نیز درج و در دستور کار قرار داده شده است و بسیار متشکر خواهم شد که نام، عنوان و نشانی خود و شخصیت‌های ذی‌ربط را به ما ارائه دهید تا با شما و آن‌ها در تماس بوده و به‌موقع و با اطلاع قبلی بهره‌برداری نماییم.

آقای صفی: از توضیحاتی که ارائه نمودید متشکرم. مشخصات اعضای که در هیأت حضور دارند را به شما می‌دهم و فهرستی از دیگر شخصیت‌های ذی‌ربط را بعداً ارائه خواهم کرد.

آقای الطاهر: ما یک بانک اطلاعات داریم که در آن درج می‌گردد و مورد بهره‌برداری و دعوت برای ارائه سخنرانی و شرکت در مناسبت‌ها واقع می‌شود. علاوه بر فعالیت‌های این مؤسسه، مسابقاتی برای دانشمندان عرب متناوباً گذاشته می‌شود که در رشته‌های مهندسی و پزشکی بوده و به منتخبین توسط کمیته ویژه، جوایزی اعطا می‌گردد. جایزه دیگری نیز در علوم ریاضی و فیزیک برای مدارس اردنی درنظر گرفته شده که جنبه‌های مالی و نقدی دارد.

آقای صادقی: این مسابقات را به چه شکلی برگزار می‌نمایید و منابع مطالعاتی و تحقیقاتی شما چه گونه است؟

آقای الطاهر: از طریق وزیر آموزش و پرورش به مدارس اعلام کرده و اساتید مدارس، مقالات خود را ارائه می‌دهند و کمیته انتخاب می‌کند. درخصوص قدس نیز جایزه‌ای در سال یک‌بار داده می‌شود که شخص عبدالحمید شومان اعطا می‌نماید و مبلغ آن ۲۵ هزار دینار اردنی است. حمایت مالی از دانشگاه‌ها، نویسندگان، فرهنگیان و محققین توسط مؤسسه ما صورت می‌پذیرد.

یک کتابخانه عمومی داریم که بزرگ‌ترین کتابخانه اردن است و حق اشتراک آن تقریباً مجانی است و فقط ۱۰ دینار به عنوان تضمین اخذ می‌گردد. این کتابخانه در حال حاضر در اردن دارای هفت شعبه و در فلسطین پنج شعبه می‌باشد که در نظر است توسعه بیش‌تری داده شود. مجموعاً در کتابخانه مؤسسه در عمان ۱۲۰/۰۰۰ جلد کتاب وجود دارد و سالانه حدود ۷۰ تا ۸۰ کتاب با موضوع جدید توسط مؤسسه ما تهیه و چاپ می‌شود. آقای صادقی: آیا نسخ قدیمه و خطی را نیز شامل می‌گردد و آیا چاپخانه دارید؟ آقای الطاهر: بلی نسخ خطی قابل ملاحظه‌ای در کتابخانه نگه‌داری و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. مؤسسه چاپخانه مستقل ندارند.

آقای صحفی: مجدداً از توضیحاتی که دادید متشکریم، ما هم شنیده بودیم که شومان مؤسسه‌ای معتبر است و از این جهت خوشحال هستیم که با فعالیت‌های متنوع این مؤسسه و بخش‌های اجرایی آن آشنا شدیم. موضوعات مختلفی برای بحث و گفت‌وگو وجود دارد، لیکن این موارد از نظر تخصصی به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و برخی دانشگاه‌ها مرتبط می‌شود که این اطلاعات را در اختیار آن‌ها قرار خواهیم داد.

آقای الطاهر: ما از هرگونه همکاری و گفت‌وگو استقبال می‌کنیم و در صورتی که

دیدارها و گفت‌وگوها ۱۱۳

تمایل دارید به صورت اجمالی از کتابخانه و بخش‌های مؤسسه بازدید به عمل آورید.

آقای صحفی: به رغم کمبود فرصت بازدید خواهیم کرد.

هیأت ایرانی با همراهی رئیس و برخی از مسئولین دیگر مؤسسه از بخش‌های مختلف مانند کتابخانه، سالن اجتماعات و قسمت‌های تحقیقاتی مؤسسه مزبور بازدید نموده و با تعارفات و تشریفات معمول، موسسه شومان در عمان را ترک کردند.

هیأت نظارت بر مطبوعات سومین روز اقامت خود در اردن را به بازدید از برخی آثار تاریخی این کشور اختصاص داد. اعضای هیأت ایرانی در روز سه‌شنبه ۱۶ دی‌ماه سال ۱۳۸۲ به دیدن غار اصحاب کهف، برخی مراکز دینی و فرهنگی و بحرالمیت رفتند و تصویر عینی‌تری از این مکان‌های معروف تاریخی پیدا کردند.

سفر اعضای هیأت به اردن بعد از ظهر روز سه‌شنبه به پایان رسید و هیأت ساعت ۱۸ از طریق پرواز هوایی عمان - بیروت، اردن را به قصد آغاز مرحله دوم سفر خود یعنی بازدید از لبنان آغاز کرد.

لبنان

سرزمین زیتون و روزنامه

دیدار از لبنان، مرحله دوم سفر هیأت نظارت بر مطبوعات ایران، از سه شنبه ۱۶ دی ماه سال ۸۲ و با فرود هواپیما در فرودگاه بیروت آغاز شد. اعضای هیأت در ساعت ۲۰ آن روز، با استقبال آقای ادیسی، سفیر و آقای هاشمی، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لبنان، وارد بیروت شدند. برنامه ملاقات‌ها و دیدارهای هیأت در لبنان به صورت زیر هماهنگ شده بود:

۱. ملاقات با آیت الله شیخ عبدالامیر قبلان، رئیس مجلس اعلای

شیعیان لبنان

۲. ملاقات و گفت‌وگو با آقای غازی العریضی وزیر فرهنگ لبنان

۳. ملاقات با رئیس و اعضای سندیکای روزنامه‌نگاران لبنان

۴. میزگرد با دست‌اندرکاران مطبوعات لبنان

۵. ملاقات با آیت الله سیدحسین فضل الله

۶. ملاقات و گفت‌وگو با رئیس و اعضای سندیکای نویسندگان لبنان

۷. دیدار از روزنامه النهار

۸. دیدار از روزنامه‌السفیر

۹. ملاقات و گفت‌وگو با آقای میشل سماحه، وزیر اطلاع‌رسانی لبنان

دیدار با شیخ قبلان، رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان کوتاه بود و بیش‌تر جنبه رسمی داشت و گفت‌وگوی مفصلی نیز در این دیدار انجام نشد. آقای صفی پس از معرفی اعضای هیأت به شیخ قبلان، انگیزه‌ها و اهداف سفر را برای ایشان توضیح داد و از تعلقات مشترک دینی، سیاسی و فرهنگی بین دو کشور سخن گفت. شیخ قبلان نیز متقابلاً بر دوستی عمیق دو ملت ایران و لبنان تأکید کرد و حمایت‌های معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی از لبنان را در مقابل تهاجم صهیونیست‌ها و بیرون راندن ارتش متجاوز صهیونیستی از جنوب این کشور، بسیار مهم و مؤثر ارزیابی کرد.

رئیس مجلس شیعیان لبنان، سفر هیأت ایرانی را گامی در جهت گسترش هرچه بیش‌تر همکاری‌ها بین دو کشور دوست و برادر دانسته و ابراز امیدواری کرد که در مدت اقامت اعضای هیأت در لبنان برنامه‌های پیش‌بینی شده به‌نحو مطلوبی انجام شود.

دیدار با محمد بعلبکی رئیس سندیکای مطبوعات روزنامه‌نگاران لبنان

پس از دیدار رسمی با شیخ عبدالامیر قبلان، رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، هیأت به ملاقات با آقای محمد بعلبکی رئیس سندیکای روزنامه‌نگاران لبنان رفت.

در این دیدار آقای بعلبکی، ابتدا خاطره‌ای از دوران زندانی بودن خود در لبنان همراه با تیمور بختیار را تعریف کرد و سپس ادامه داد: ما قانون تبلیغات و اطلاع‌رسانی داریم که شامل رادیو و تلویزیون است و این قانون ارتباطی به روزنامه‌ها و مجلات ندارد. مثل جمعی که شما در ایران به نام هیأت‌نظارت بر مطبوعات دارید ما در لبنان نداریم. امیدواریم اساسنامه و مرامنامه خودتان را به

ما بدهید تا از تجربه شما استفاده کنیم. ما به آزادی مطبوعات و تأثیرش بر حیات ملی ایمان داریم. ما رابطه ایران با مردم لبنان را ارج می‌گذاریم و کمک به مقاومت در مقابل اسرائیل را، فراموش نمی‌کنیم. مقاومتی که منجر به پیروزی شد، پیروزی‌ای که در تاریخ عرب سابقه نداشته است. تسلیت یکایک مردم لبنانی را به علت زلزله بم به شما عرض می‌کنم. دیدار آقای خاتمی از لبنان واقعاً دیداری تاریخی بود. از تأثیرات و اهمیت این سفر، همین بس که به شما بگویم یکی از محورهای سخنرانی آقای خاتمی که در لبنان برگزار شد جزء سؤالات کنکور سال بعد دانشگاه بود. ما چه لبنانی باشیم چه ایرانی باشیم می‌دانیم قضیه طغیان‌گری و یک‌جانبه‌گرایی غرب علیه کشورهای اسلامی حقیقتی غیرقابل انکار است. بنابراین باید از طریق فعالیت اطلاع‌رسانی و روزنامه‌نگاری خواسته به حق کشورهای اسلامی را به سرانجام برسانیم.

آقای صفحی نیز در ابتدا مطبوعات ایران و علاقه‌مندی اصحاب مطبوعات ایران به ارتباط بیش‌تر با فعالان مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی کشورهای اسلامی و به‌خصوص لبنانی توضیحاتی کوتاه ارائه داد. وی در ادامه گفت: جهان اسلام مورد هجوم غرب و صهیونیست‌ها قرار گرفته و رسانه‌های اسلامی قاعداً باید تلاش بیش‌تری جهت انسجام و مقابله با این تهاجمات داشته باشند. یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران توسعه مطبوعات و بسط آزادی‌های مدنی بوده است و بر این اساس ما فکر می‌کنیم که همکاری با کشورهایی که زمینه‌های مشترک دینی و فرهنگی با آن‌ها داریم باید توسعه پیدا کند. درعین حال ما با چالش‌هایی در منطقه روبه‌رو هستیم و کوشش می‌کنیم با همکاری‌های منطقه‌ای این مسائل را برطرف نماییم. خیلی خوشحالم که در لبنان مجله‌ای در خصوص رابطه ایران و عرب منتشر می‌شود. این مجله را که مرکز مطالعات ادبیات فارسی در دانشگاه لبنان و البته با کمک رایزنی فرهنگی ایران در لبنان منتشر می‌کند، قطعاً برای مبادله اطلاعات، تجربه‌ها و آگاهی‌ها مؤثر است.

در ادامه این دیدار، سایر اعضای هیأت نیز به تناسب وارد گفت‌وگو با آقای بعلبکی شدند:

آقای مزروعی: من بیش‌تر علاقه‌مند هستم از تجربیات شما استفاده کنم. فقط توضیح کوتاهی در خصوص انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران می‌دهم. این انجمن در سال ۱۹۹۷ تشکیل شد. انجمن شامل تمامی افرادی می‌شود که شغل اصلی آن‌ها روزنامه‌نگاری است و کارمند رسمی دولت محسوب نمی‌شوند.

عضویت در این انجمن آزاد است و فعالیت انجمن صرفاً صنفی است و کار سیاسی به مفهوم خاص آن انجام نمی‌دهد. البته اگر برای یکی از اعضا مشکلات خاص حقوقی و یا سیاسی پیدا شود، موضوع را همه‌جانبه پیگیری می‌کند. در ایران روزنامه‌نگاران احترام خاصی نزد افکار عمومی دارند و عده‌ای از آن‌ها به نمایندگی مجلس برگزیده شده‌اند. آقای بعلبکی، بفرمایید اتحادیه روزنامه‌نگاران در کشور شما از کی تشکیل شده است؟

آقای بعلبکی: در لبنان در سال ۱۹۱۱ میلادی اتحادیه روزنامه‌نگاران تشکیل شد. در سال ۱۹۲۴ این اتحادیه دو بخش شد یکی برای اصحاب مطبوعات و دیگری صرفاً برای خبرنگاران و این اتحادیه از آزادی آن‌ها و فعالیت آن‌ها دفاع می‌کند، البته در کنار آن توجه خاصی نیز به خدمات اقتصادی (بیمه و...) اصحاب مطبوعات داریم. این آخرین متن قانون مطبوعات است، در این قانون قبل از محاکمه علنی مطبوعات، نمی‌توانند نشریات را تعطیل و روزنامه‌نگاران را زندانی کنند و دادگاه باید علنی باشد. در قدیم این‌طور بود که با یک دستور می‌توانستند روزنامه را تعطیل کنند و دادستان می‌توانست نشریات را تعطیل و روزنامه‌نگاران را قبل از محاکمه زندان کند. ولی در قانون جدید نمی‌توانند این کار را کنند. این قانون مربوط به سال ۱۹۹۴ است.

در لبنان نیز تعدادی از روزنامه‌نگاران به پست‌های بالای دولتی رسیده‌اند. از جمله رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر کنونی ما که از فعالان مطبوعاتی بودند. در لبنان هر رئیس‌جمهور جدیدی که می‌آید یک قانونی صادر می‌کند و عفو عمومی می‌دهد. این جزء حقوق رئیس‌جمهوری است. آقای مهرپور: به نظر می‌رسد نحوه محاکمه روزنامه‌نگاران در لبنان، تقریباً شبیه ایران است ولی آیا در دوره بازجویی، بازپرس می‌تواند قرار تأمین که حیثاً به بازداشت روزنامه‌نگار شود، صادر نماید؟

آقای بعلبکی: دادستان بعد از قانون سال ۹۴ نمی‌تواند این کار را بکند. آقای مهرپور: حکم دادگاه ممکن است منجر به زندانی شدن روزنامه‌نگار شود؟ آقای بعلبکی: بسیار نادر است. مگر در خصوص توهین و تعرض به ریاست جمهوری خودمان و یا مسؤولان کشورهای دیگر و همچنین تحقیر ارزش‌های دینی و تشویق دشمنان.

آقای مهرپور: در زمان تحقیق، متهم می‌تواند وکیل داشته باشد؟ آقای بعلبکی: بله شاید اتحادیه برای روزنامه‌نگار زندانی وکیل تعیین کند. آقای مهرپور: پس از محاکمه، تعطیلی مطبوعات وجود دارد؟ آقای بعلبکی: نه، نمی‌توانند حکم به تعطیلی دائمی نمایند. مدت مجاز برای تعطیلی مطبوعات، حداکثر یک هفته و حداکثر یک ماه است. آقای سحرخیز: مدیران مسؤول ایران نیز تعاونی مطبوعات دارند و از میان ۱۳۰۰ نشریه موجود در کشور حدود ۵۰۰ نفر در این تعاونی حضور دارند. انجمن دفاع از آزادی مطبوعات نیز در ایران فعال است که از حقوق قانونی روزنامه‌نگاران دفاع می‌کند. آیا در سیستم اعطای مجوز موجود در لبنان همه می‌توانند مجوز بگیرند؟

آقای بعلبکی: قانون فرق می‌گذارد بین روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه و سیاسی و غیرسیاسی. در این جا همه می‌توانند روزنامه غیرسیاسی بگیرند و حداکثر

ده روز زمان صدور مجوز طول می‌کشد. اگر خود متقاضی کار مطبوعاتی کرده باشد می‌تواند مدیرمسئول باشد والا باید فردی را که کار روزنامه‌نگاری کرده به‌عنوان مدیرمسئول معرفی نماید.

مجوز روزنامه سیاسی فقط هم‌زمان با استقلال لبنان داده شده است و پس از آن قانون اجازه افزایش این نوع نشریات را نداده است و حدود ۶۰۰ نشریه سیاسی در لبنان بود. ما از خود دولت خواستیم به این موضوع سامان بدهد و تعدیل کنند، چون روزنامه‌های جدی بیش‌تر از ۲۰ عنوان نبود یا منتشر نمی‌شدند و یا از آن‌ها استفاده‌های غیرقانونی می‌کردند. در سال ۱۹۵۹ تعداد نشریات سیاسی در لبنان به ۲۵ نشریه رسید. در حال حاضر هم اگر کسی بخواهد روزنامه سیاسی منتشر کند باید یکی از این روزنامه‌ها را بخرد. صاحب امتیاز روزنامه می‌تواند یک فرد لبنانی باشد با یک شرکت لبنانی باشد، چراکه مالکیت روزنامه نباید غیرلبنانی باشد.

دیدار با آقای غازی عریضی وزیر فرهنگ لبنان

در ابتدای این دیدار، وزیر فرهنگ لبنان تسلیت مردم و دولت لبنان را به‌خاطر زلزله بم اظهار داشته و با اعلام خیرمقدم به اعضای هیأت اظهار امیدواری کرد ایران و لبنان در کار یکدیگر بتوانند علیه دشمنان مشترک خودشان عمل نمایند. آقای صحفی: پس از معرفی اعضای هیأت بر لزوم ارتباط بیش‌تر اهل فرهنگ دو کشور با یکدیگر، باتوجه به وضعیت منطقه‌ای و جهانی و به‌خصوص جریان اطلاع‌رسانی غالب در جهان تأکید کرد و اظهار امیدواری نمود در دیدارهایی که دارند نمای کلی از فعالیت مطبوعاتی در لبنان را درک نمایند و وی در ادامه اظهار داشت: «جنابعالی وقتی که وزیر اطلاع‌رسانی لبنان بودید خیلی از کمک‌های شما استفاده کردیم و امیدواریم در این سمت جدید نیز از کمک‌های شما برخوردار باشیم. ما پروتکلی برای برگزاری هفته‌های فرهنگی بین کشورها داریم. جناب آقای سفیر نیز کاملاً تأکید می‌کردند که ما

می‌توانیم به سرعت این هفته فرهنگی را با حضور فعالان عرصه فرهنگ لبنان آغاز نماییم.»

غازی عریضی: باتوجه به حضور مشاور وزیر ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران در لبنان، کلیات این موضوع بحث شد و امیدواریم با ایجاد هماهنگی‌های لازم، برنامه هفته فرهنگی لبنان در تهران برگزار شود. در ادامه این دیدار برخی از اعضای هیأت ایرانی، پرسش‌هایی را مطرح کردند و وزیر فرهنگ لبنان به آن‌ها پاسخ داد:

آقای سحرخیز: ما متوجه شدیم که در ۷، ۸ سال گذشته حبس روزنامه‌نگار و تعطیلی روزنامه در لبنان حذف شده، آیا این مسأله باعث تحکیم حاکمیت شده و یا این‌که باعث ایجاد مشکلات شده است؟

وزیر فرهنگ لبنان: نه هیچ مشکلی ایجاد نشده است. قانون مطبوعات با قانون رادیو و تلویزیون متفاوت است و این قانونی که بود مربوط به رادیو و تلویزیون بود. در این قانون شرایط زیر مطرح بوده است:

۱. مالکین این تلویزیون‌ها همچنین درصد سهام آن‌ها باید مشخص باشد.

۲. اختیارات شورای عالی رسانه‌ای و وزارت اعلام چقدر باشد.

۳. ساعات پخش تلویزیون چقدر باشد.

آقای سحرخیز: به ظاهر سقفی برای ایجاد روزنامه‌های سیاسی در نظر گرفته شده است. شاخص‌ها و علل آن چه بوده است؟

وزیر فرهنگ لبنان: سقف مطبوعات سیاسی محدود است. اگر کسی بخواهد روزنامه سیاسی بگیرد باید امتیاز آن را بخرد چرا که امتیاز دارایی است و جنبه مالی دارد. در حال حاضر، امتیاز روزنامه در لبنان تا یک میلیون دلار است. البته این محدودیت از سوی خود روزنامه‌نگاران مطرح است چرا که می‌خواهند وضعیت مالی خود را حفظ کنند در صورتی که ما به عنوان دولت معتقد هستیم این محدودیت باید شکسته شود. آن‌ها می‌خواهند این قضیه

باشد تا ارزش مالی روزنامه خودشان حفظ شود ولی می‌بینیم که این تبدیل به یک بازی سیاسی شده است. آقای مزروعی: از نظر شما در کشورهای اسلامی چه جور مواجهه‌ای می‌تواند هویت مردم و فرهنگ اسلامی را در این جهان که رسانه‌های غربی مسلط هستند، حفظ نماید؟

وزیر فرهنگ لبنان: ما در جهان با مفهومی با نام آمریکاسازی روبه‌رو هستیم و نه جهانی‌سازی. اگر قرار بود جهانی‌سازی شود ما نیز باید به‌عنوان اعضای این جهان مشارکت می‌کردیم ولی آمریکایی‌ها هنگامی که از جهانی‌سازی دم می‌زنند هیچ نقشی به دیگران نمی‌دهند و فقط کارگر و تابع می‌خواهند. همان‌طور که شما می‌دانید آمریکایی‌ها در تعدادی از جلسات شرکت نمی‌کنند و فقط در سال گذشته در کنفرانسی که در فرانسه برگزار شد هیأت بزرگی از سوی آمریکا آمده بود. من در این کنفرانس سخنرانی شدیدالحنی کردم که واقعاً همه را لرزاند. متأسفانه در این کنفرانس فقط من از کشورهای عربی بودم. قرار بود همه کشورهای جهان موافقت‌نامه‌ای بنویسند که آمریکا با تنظیم این موافقت‌نامه مخالفت کرد. در نهایت قرار شد مدیرکل یونسکو در کنفرانس آتی پیش‌نویس این موافقت‌نامه را تنظیم نماید. آن چیزی که ما در لبنان و شما در ایران درباره گفت‌وگوی تمدن‌ها مطرح می‌کنیم مطلب بسیار مهمی است.

آمریکا اگر موفق بشود حرکت خودش را در فرهنگ و اطلاع‌رسانی در جهان تثبیت بکند، این حرکت علیه کشورهای همچون ما است. وقتی که آمریکایی‌ها می‌خواستند در زمینه فرهنگی و کشاورزی قراردادی با فرانسوی‌ها امضا کنند، فرانسوی‌ها مخالفت کردند چرا که می‌دانستند از طریق سلطه اقتصادی حتماً هویت فرانسوی‌ها در زمینه‌های کشاورزی و فرهنگی ضرر خواهد کرد. بنابراین ما باید در حوزه فرهنگی و هنری و

دیدارها و گفت‌وگوها ۱۲۳

سینمایی فعالیت‌های بیش‌تری بکنیم و این مشکل جهانی‌سازی و به نوعی تجارت جهانی نه فقط برای ما، بلکه برای کشورهای دیگری همچون فرانسه و کانادا نیز پیش آمده است. به‌نظر می‌رسد آمریکا به دنبال منافع خودش است و نه بسط آزادی‌ها و مسائل دیگر.

آقای قمی: برای مقابله با یکسان‌سازی و همچنین حفظ هویت ملی و مذهبی خودمان چه تدابیری برای حرکت‌های توسعه‌طلبانه آمریکا به‌نظر شما مؤثر است؟

وزیر فرهنگ لبنان: در این زمینه می‌توانیم از ابزار تکنولوژی جدید استفاده نماییم. متأسفانه آن‌ها استفاده می‌کنند ولی ما استفاده نمی‌کنیم و ما معتقد هستیم که باید این کار بشود و ما تجربه موفق‌تری در این کار داریم. ما در نبرد بسیار بزرگی با اسرائیل بودیم که پیروز شدیم. بسیاری از این کشورها می‌گویند لبنان زبان‌گویای مطالبات و مقاصد ما است و من فکر می‌کنم به این دلیل است که حق با ما است و سخن ما دارای موازین منطقی است. معتقد نیستیم آمریکا می‌تواند در عرصه اطلاع‌رسانی حرف آخر را بزند. ما می‌توانیم از تکنولوژی خوب استفاده کنیم و تأثیرگذار باشیم. مانند ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های الجزیره و العربیه.

آقای صادقی: آیا نباید در شرایط کنونی موضوع هویت اسلامی را بیش‌تر مطرح کنیم و از طرح بیش از حد ناسیونالیسم عربی خودداری نماییم. چرا که می‌تواند خود باعث افتراق بین مسلمین جهان شود؟

وزیر فرهنگ لبنان: بله. تنها کسی که در خط و موضع ناسیونالیسم عربی باقی‌مانده قذافی است. ایشان در حال حاضر سمبل ناسیونالیسم عربی است!

نشست در رایزنی فرهنگی ایران در بیروت

این نشست که با عنوان چارچوب‌های قانونی مطبوعات در ایران و لبنان به صورت میزگردی رودررو و بین چند تن از اعضای هیأت ایرانی و جمعی از مسئولان و دست‌اندرکاران مطبوعات لبنان در شبی از شب‌های بارانی بیروت برگزار شد که در نوع خود جذاب و قابل توجه بود. از لبنان، آقایان ملحم کرم، رئیس سندیکای نویسندگان لبنان، دکتر عفیف شمس‌الدین، عضو شورای عالی قضایی لبنان، دکتر عبداللطیف الزین، رئیس کمیسیون اطلاع‌رسانی پارلمان لبنان، دکتر سمیر عالی، رئیس دادگاه مطبوعات لبنان، دکتر ناصر قندیل، عضو کمیسیون اطلاع‌رسانی پارلمان لبنان، دکتر عبدالکریم الخلیل، نایب رئیس سندیکای مطبوعات لبنان، و دکتر حسن عزالدین، رئیس کمیته اطلاع‌رسانی حزب‌الله در این میزگرد حضور داشتند. از ایران نیز آقایان صفی، محسنی ازهای، قمی، صادقی، مهرپور، مزروعی و سحرخیز در میزگرد شرکت کردند.

در این نشست، ابتدا آقای سیدمحمدحسین هاشمی، رایزن فرهنگی ایران، ضمن خوش‌آمدگویی و تشکر از میهمانان به خاطر پذیرش شرکت در این میزگرد به معرفی اعضای هیأت ایرانی و میهمانان لبنانی پرداخت. سپس آقای صفی، ضمن برشمردن اهداف سفر هیأت نظارت بر مطبوعات ایران به کشور لبنان اظهار داشت: پس از گذشت یک شب و روز از اقامت در بیروت، این حس کاملاً به من منتقل شده که فضای فرهنگی و سیاسی بیروت و سوریه و اردن کاملاً متفاوت است. این تفاوت حتی با ایران کاملاً محسوس است. آزادی و امکان گفتن و نوشتن در روزنامه‌ها و تریبون‌ها یکی از شاخص‌های مهم فضای فرهنگی شهر بیروت است. به قطعیت می‌توان گفت لبنان از این منظر، یک کشور جهان‌سومی نیست. این، نکته و ویژگی بسیار مثبتی است و عوامل تحقق چنین شرایطی باید بررسی شود.

پس از آن، افراد به طرح سؤالات و نظرات خود پرداختند که مشروح این گفت‌وگوها در زیر ارائه شده است:

قاضی عقیف شمس‌الدین: مالکیت روزنامه‌ها در ایران چگونه است؟

آقای صحفی: بعضی از روزنامه‌ها دولتی هستند و بعضی غیردولتی هستند.

آقای مزروعی: البته ما در ایران دو روزنامه دولتی بیش‌تر نداریم. عمده

روزنامه‌ها غیردولتی‌اند که برخی وابسته به بخش عمومی و بیش‌تر متعلق

به اشخاص حقیقی و حقوقی بخش خصوصی هستند. ممکن است درباره

قانون مطبوعات یا رسانه‌ها در لبنان توضیحاتی ارائه فرمائید؟

قاضی عقیف شمس‌الدین: یکی از تفاوت‌های مطبوعات لبنان با ایران این است که

مدیران مطبوعات باید مقیم و یا تابعیت لبنان باشند و همچنین سوءسابقه

نداشته باشند. همچنین داشتن سابقه روزنامه‌نگاری الزامی است.

قانون مطبوعات لبنان نه تنها به نشریه و روزنامه در لبنان توجه دارد بلکه

کتاب و سایر رسانه‌ها را نیز دربرمی‌گیرد و شامل می‌شود. همچنین قانون

مطبوعات به رسانه‌های گروهی و تلویزیون... رسیدگی می‌کند. قانون

مطبوعات لبنان حاکم کلی بر تمامی رسانه‌ها است ولی هر کدام از این‌ها

یک قانون خاص خود نیز دارند.

قانون مطبوعات اولاً اختیار دارد به شرکت یا فردی مجوز روزنامه بدهد

و هم رسیدگی به تخلف روزنامه‌نگار بکند. تخلفاتی از قبیل (دروغ و اتهام

درباره کسی، حرف‌های سوئی که به کارمندان و رؤسای لبنان و یا رؤسای

کشورهای خارجی نسبت داده شود یا این‌که روزنامه‌نگار لبنانی علیه شخص

سیاسی بنویسد که وی این نوشته را توهین به خود بداند) در دادگاه ویژه

مطبوعات رسیدگی می‌شود.

ناصر قندیل (نماینده مردم بیروت در مجلس): با تشکر از حضور هیأت ایرانی، ما

به عنوان ناظر خارجی وقتی می‌خواهیم که درباره مطبوعات ایرانی نظر

بدهیم، با توجه به این‌که تلویزیون و رادیوی غیردولتی در ایران وجود ندارد

و همچنین بیش‌ترین روزنامه‌های تأثیرگذار نشریات دولتی هستند، به

نظرمان می‌رسد که تجربه ایران همانند تجربه نشریات در مصر باشد. البته

در لبنان هم همانند ایران شورای مطبوعات وجود دارد، مالکیت رادیو و تلویزیون در اختیار دولت است و مطبوعات دولتی تأثیرات به‌سزایی بر جامعه می‌گذارد.

نقاط قوت و ضعفی در مطبوعات لبنان وجود دارد. نقطه قوت مهم لبنان، آزادی بیان آن است و نقطه ضعف بزرگ آن محدودیت تعداد روزنامه‌های سیاسی است که براساس قانون نباید بیش‌تر از ۲۵ روزنامه سیاسی وجود داشته باشد. این وضع، باعث ایجاد مشکلات زیادی شده است. بنابراین فقط ثروتمندان می‌توانند روزنامه داشته باشند. همچنین نقطه ضعف دیگر، ضعف تشکیلاتی و همچنین قدرت داشتن سلیقه‌های موجود در این تشکیلات (سندیکای روزنامه‌نگاری) است. یعنی شاید یکی با کار کم‌تر عضو سندیکا بشود و دیگری با سابقه کار بیش‌تر در این سندیکا عضو نشود. امید ما این است که در ورود روزنامه‌های سیاسی به عرصه مطبوعات لبنان بیش‌تر باز شود و همچنین قانونی که امیدواریم پیاده شود اجازه به هر فردی بدهد که خود به خود وارد سندیکا بشود و روند بسیار خوبی برای ارتباط مطبوعات با یکدیگر و رادیو و تلویزیون ایجاد کند.

سمیر عالیہ: قانون اولیه مطبوعات لبنان به زمان سلطنت عثمانی‌ها، یعنی سال ۱۸۸۵ میلادی و هنگامی که لبنان مستقل شد، مربوط می‌شود. قانون فعلی نیز مربوط به سال ۱۹۶۸ است که در آن اصلاحات زیادی شده است. اصول دادگاه‌های مطبوعات، طبق مفاد قانون دادگاه‌های کیفری است. مطبوعات لبنان کنترل و نظارت قبل از چاپ ندارند. مجازات اعلام شده در قانون نیز بیش‌تر جرائم نقدی است و البته در مواردی حبس نیز دیده شده است.

عبداللطیف الزین: فقط می‌خواهم متذکر بشوم ما در لبنان نیاز داریم که یک قانون واحدی داشته باشیم چرا که تعداد قوانین موجود بسیار است و این به‌رحال برای مردم و فعالان عرصه رسانه مشکلاتی ایجاد می‌کند. قانون

واحد برای لبنان بسیار مهم است چرا که آزادی بیان در این کشور مورد احترام است و تعدد قوانین نباید محدودیتی در این زمینه ایجاد کند. ما امیدوار هستیم با چنین دیدارهایی که بین هیأت ایرانی و فعالان مطبوعاتی برگزار می‌شود نیازهای جامعه مطبوعاتی ما نیز بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد.

عبدالکریم الخلیل: دو نکته می‌خواهم بگویم اول این که قانون مطبوعات که فعلاً با این شیوه اجرا می‌شود حاصل دوره پس از جنگ است و بعد از جنگ هم اجرایی شده است. اولین دستورالعمل، بعد از شروع جنگ ۱۹۹۷ جلوی آزادی مطبوعات را گرفت. اما قانون فعلی مطبوعات که آزادی را هم تضمین می‌کند پس از تلاش‌های بسیاری از اعضای سندیکا و احزاب به وجود آمده است. این آزادی‌هایی که وجود دارد و مسئولیت تمام آن را می‌پذیریم، نتیجه همکاری‌هایی است که بین اقشار مطبوعاتی وجود دارد و حاصل کنترل مطبوعات توسط خودشان است.

به خاطر این که روزنامه‌نگاران لبنانی خودشان بر خودشان کنترل می‌کنند این مسأله باعث شده است دولت دیگر خود وارد عمل نشود.

نکته دوم این که فضای آزادانه‌ای که در لبنان وجود دارد مانع نقایص موجود نیست. یکی از نقاط ضعف موجود در لبنان همین محدودیت انتشار نشریات سیاسی است و به نظر بنده مهم‌ترین مانع این موضوع، وضع صاحب امتیاز روزنامه برای خرید روزنامه است که باید با هزینه‌های بسیار روزنامه را منتشر نماید. ما نمی‌توانیم نقایص موجود در قانون مطبوعات را نادیده بگیریم.

یکی از اعضای هیأت لبنانی که در ضمن استاد زبان فارسی در دانشگاه لبنانی نیز است: مدیرمسئول به تمامی تخلفات مندرج در روزنامه باید پاسخگو باشد در صورتی که به نظر بنده باید این نکات متوجه سردبیر نشریه

بشود و نه مدیرمسئول نشریه، این موضوع برمی گردد به تجربه حدود ۵۰ ساله من در مطبوعات. مثلاً من سه سال سردبیر یک نشریه بودم در این مدت حتی یک بار هم مدیرمسئول آن نشریه را زیارت نکردم!

شیخ حسن عزالدین: به نظر بنده تجربه مطبوعات لبنان نسبت به مطبوعات در جهان عرب و جهان اسلام تجربه خوبی است. مهم ترین نکته، اجرا شدن قانون در مقام عمل است. اگر قانون خوبی هم داشته باشیم به نظر می رسد باید دید در کشورها چگونه عمل می شود. بسیار مهم است که چهره مطبوعات در ایران برای ما روشن بشود.

آقای مزروعی: روزنامه های دولتی در ایران تأثیرگذار نیستند. ما در حال دوره گذار هستیم. در پی به وجود آوردن مردم سالاری هستیم. در این نظام جدید، تنوع افکار و احزاب پذیرفته شده است. اما این نکته را داریم با آزمون و خطا می پیماییم و طبیعتاً تبادل نظر بین کشورهای اسلامی باعث غنی شدن نظرها می شود. ما خوشحالیم همه افکار سیاسی می توانند در نشریات افکار خودشان را بیان کنند. تحولات ایران تأثیرگذار بر کشورهای دیگری نیز شده است. ما فکر می کنیم تجربه ای که داریم می پیماییم می تواند افق جدیدی برای کشور خودمان و دیگر کشورها ایجاد نماید.

دکتر مهرپور: در خصوص قانون مطبوعات و شرایط لغو امتیاز نشریه توضیحاتی ارائه دادند.

آقای محسنی اژه ای: به نظر من درخصوص مطبوعات ایران با توجه به مدتی که بنده در این خصوص فعالیت داشته ام دو پیشنهاد دارم. اول این که در خصوص اعطای مجوز محدودیت های زیادی نداشته باشیم و راحت تر و سریع تر مجوز انتشار نشریه را صادر نماییم و دوم تدبیری اندیشه شود که خود دست اندرکاران مطبوعات، تخلفات مطبوعات را بررسی و ارزیابی نمایند. همان طوری که در هر قشری افرادی که ناآگاه به آن موضوع هستند اگر وارد به آن موضوع بشوند می تواند موضوع را مخدوش کنند، به نظر می رسد

روزنامه‌نگاران نیز باید با فراگیری آموزش‌های لازم، خود عهده‌دار نظارت بر حوزه فعالیت همکاران‌شان باشند و در صورت لزوم، بایستی مورد به محکمه بیاید و در دادگاه به تخلفات رسیدگی شود.

آقای سحرخیز: این سؤال مطرح است که چه شده است که در جریان اصلاحات در ایران، مطبوعات به عنوان یکی از خبرسازترین حوزه‌ها معروف شده‌اند؟ البته طی دهه اخیر مطبوعات ایران، نقش مهم و مؤثری در اطلاع‌رسانی و رشد آگاهی‌های عمومی داشته‌اند. همان‌طور که آقای مزروعی هم گفتند ما در زمینه مطبوعات در ایران مشکلاتی داریم ولی در ایران در مرحله‌ای هستیم که فعالیت سیاسی در آن‌جا بسیار صورت می‌گیرد. روزنامه‌نگاران ایران می‌دانند که بهای آزادی را باید بپردازند.

باور من بر این است که خود نفس قانون زیاد مهم نیست بلکه اعتماد و تمایل به اجرای قانون مهم است. تجربه ما به خوبی این موضوع را نشان می‌دهد. همان‌طور که دکتر مهرپور گفتند قانون مطبوعات مربوط در ایران سال ۱۳۶۴ به تصویب مجلس رسیده است، اما همین قانون ثابت را دو گروه اصلاح‌طلب‌ها و محافظه‌کاران دو نوع اجرا کرده‌اند. به دلیل آن‌که خاتمی و اصلاح‌طلب‌ها به آزادی اعتقاد داشته‌اند، می‌بینیم که تعداد نشریات در این دوره سه و یا حتی چهار برابر می‌شود و تیراژ هم افزایش می‌یابد و مردم به مطبوعات اعتماد پیدا می‌کنند. ولی جریانی که مخالف این تفکر است و می‌بینند که می‌توان با همان قانون قبلی، آزادی مطبوعات تأمین شود مجبور به تغییر قانون در سال ۱۳۷۹ برای محدودسازی مطبوعات می‌شود، روزنامه‌نگاران را زندانی و مطبوعات را تعطیل می‌کنند. البته در ایران، اکثریت جامعه و مسئولان موافق بسط آزادی‌های مطبوعات هستند، به همین دلیل ما الان در وضعیتی هستیم که قابل مقایسه با قبل نیست اما دو سؤال کوتاه دارم:

۱. آیا در لبنان قاضی این اجازه را دارد که علاوه بر آن یک شماره

نشریه‌ای که تخلف در آن شماره وجود داشته، شماره‌های دیگر نشریه را هم تعطیل بکند و یا اساساً توقیف نماید؟

۲. آیا مدعی‌العموم، شاکی خصوصی و عمومی این امکان را دارد که فارغ از آن تخلف انجام شده برود پرونده قبل متخلف را بررسی و تمامی موارد گذشته‌اش را در همین پرونده مطرح نماید؟

آقای قمی: صدور مجوز نشریات سیاسی در لبنان با محدودیت روبه‌رو است و دوستان لبنانی ما توصیه کردند که ما در ایران این کار را نکنیم و بگذاریم همه نشریه سیاسی داشته باشند. اما در مبانی قانون اساسی ما آمده است مواردی مانند توحید، معاد و نبوت و اصل حفظ حریت و کرامت انسانی نباید مورد تعرض و تهاجم افکار قرار گیرد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل آزادی بیان، محترم شمرده شده و ما به عنوان هیأت نظارت بر مطبوعات که اختیار صدور مجوز نشریات براساس قانون به آن سپرده شده با بهره‌گیری از رهنمودهای رهبری و رئیس‌جمهوری عمل کردیم. در حال حاضر ما ۱۳۰۰ نشریه داریم که از این تعداد، ۶۸ مورد، روزنامه است. و در شش سال گذشته در ایران ۵۰۰ مجوز جدید صادر شده است که از این تعداد ۴۸ مورد مجوز روزنامه بوده است. در ایران رادیو و تلویزیون براساس قانون اساسی، دولتی است و این مشکل در قانون اساسی هست که باید برطرف بشود، اما تأسیس خبرگزاری و نشریات الکترونیک می‌تواند خصوصی باشد. ما در ایران حدود ۲۰۰۰ نشریه دانشجویی داریم که منتشر می‌شوند و انتشارشان در دانشگاه است. ما الان حدود دویلمیون دانشجو در ایران داریم. من هم از دوستان لبنانی سؤال دارم: محدود کردن نشریات سیاسی در لبنان اگر الان درست نباشد حتماً آن زمان علتی داشته است. آیا مسأله منفعت اقتصادی دارندگان روزنامه مطرح بوده است یا مسأله دامن زدن این روزنامه‌ها به مسائل قومی، دینی بوده یا احتمال نفوذ دشمنان باعث این محدود شده است؟

دهقانی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان: من هم اگر دوستان اجازه بدهند، چند سؤال را مطرح می‌کنم:

۱. علی‌رغم سلطهٔ سرمایه در نشریات لبنانی ولی نشریات در لبنان تأثیرگذار

هستند. بفرمایید چطور این موضوع اتفاق افتاده است؟

۲. آیا برای رسیدگی به جرائم مطبوعاتی، استنادی به غیر از قانون مطبوعات

وجود دارد و ویژگی دادگاه رسیدگی به جرم مطبوعاتی چیست؟

۳. آیا در طول این مدت، روزنامه یا نشریه‌ای بسته شده است و آیا

روزنامه‌نگار به حبس افتاده‌اند، چه جامعه مخالف و یا موافق این حبس

بوده باشد؟

سمیر عالیہ رئیس دادگاه مطبوعات: طبق مفاد قانون مطبوعات لبنان، در دو مورد

می‌توان از انتشار نشریه جلوگیری کرد:

۱. توهین به اشخاص حقیقی

۲. به آشوب کشیدن جامعه

در قانون گفته شده است مصادرهٔ شماره‌ها و نه یک شماره. ولی منظور

ما از توقیف روزنامه همان شمارهٔ تخلف است و نه شماره‌های دیگر. در این

رابطه که مهلت برای پاسخگویی می‌دهند یک مهلت برای دادستانی است

حدود سه سال، مهلت دیگر برای شخص است که منافعش به خطر افتاده

است. برای لبنانی سه ماه و برای خارجی‌ان شش ماه، اما ویژگی دادگاه

مطبوعات این است که دربارهٔ مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود نظر

می‌دهد. اصول محاکمات در این دادگاه‌ها با دیگر دادگاه‌ها هیچ تفاوتی ندارد.

جرائم مطبوعات یک تخلف است. رسیدگی به جرائم معمولی در سه

مرحله است. مرحله‌ای بدوی، نهایی و تجدیدنظر در دادگاه مطبوعات فقط

دو مرحلهٔ نهایی و تجدیدنظر وجود دارد. ما در دادگاه مطبوعات هیچ

توجهی نداریم که افکار عمومی چه می‌گوید به همین دلیل ما نظر قانونی

خودمان را بیان می‌کنیم.

دیدار با آیت الله سیدحسین فضل الله

آیت الله سیدحسین فضل الله از شخصیت های مهم و مؤثر فکری و سیاسی لبنان است و نفوذ گسترده ای در میان شیعیان لبنان دارد. دیدار با وی که مدافع تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران در لبنان محسوب می شود، در برنامه سفر به لبنان نیز گنجانده شده بود. در این دیدار، پس از معرفی اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات ایران توسط آقای هاشمی، رایزن جمهوری اسلامی ایران در لبنان، ابتدا علامه سیدحسین فضل الله شروع به سخن کرد:

سیدحسین فضل الله: مطبوعات نقش بسیار مهمی ایفا می کنند. مطبوعات نماینده ملت و همچنین دولت محسوب می شوند. مطبوعات می توانند ملت را از خودش، از دولت و از رویدادهای خارج از کشور باخبر کنند. لذا ما معتقدیم آزادی مطبوعات امر بسیار مهمی است و مردم باید همه چیز را بدانند جز موارد و اسرار نظامی. در این صورت است که ملت می تواند در همه زمینه ها به دولت کمک کند.

یکی از مشکلات مهم مردم ما در جهان عرب و اسلام همین عدم اطلاع و آگاهی از امور است. قبل از تشکیل دولت اسرائیل، دولت های عربی به گونه ای عمل می کردند که ما هیچ چیزی از آن دولت نمی دانستیم در صورتی که در همان اسرائیل از مدت ها پیش حتی در دانشگاه های شان موضوعات کشورهای اسلامی تدریس می شد. در اسرائیل امکان انتخاب موضوع های متفاوت برای تحصیل فراهم بود ولی در کشورهای اسلامی این گونه نبود.

ما به روزنامه های ایران و فعالیت روزنامه نگاران ایرانی ارج می نهیم. من شخصاً به شدت به آزادی مطبوعات معتقد هستم و این آزادی به هیچ وجه جنبه منفی ندارد و به ضرر دین نیست. آزادی اجازه می دهد که نظریات متفاوت در جامعه مطرح شود و در مجموع، آزادی مطبوعات و آزادی بیان، به نفع دین تمام می شود.

مطلب مهمی که پیش‌تر هم مطرح کرده‌ام بحث تبلیغات سوئی است که علیه جمهوری اسلامی وجود دارد، مسائلی همچون آزادی در ایران، قوه قضاییه در ایران و... متأسفانه در ایران رسانه‌های خوبی ندارید، یعنی رسانه‌هایی که به زبان خارجی منتشر شود و به لحاظ محتوایی و فنی از کیفیت خوبی برخوردار باشند. متأسفانه در این زمینه کشورهایی نظیر عربستان سعودی، به مراتب از ایران بهتر عمل می‌کنند.

در جهان امروز برای پیشبرد خواسته‌ها رسانه‌ها ۷۵ درصد برد دارد و ۲۵ درصد تحقق خواسته‌ها، برعهده سلاح‌های نظامی است. آمریکایی‌ها بالأخره در عراق با کمک همین رسانه‌ها موفق شدند که قضایا را به نفع خودشان تمام کنند.

این هیأت‌نظارت که حاوی و متشکل از نیروهای مختلف است باید بیش‌تر کار کنند زیرا ما امروز بیش‌تر نیاز به موشک تبلیغاتی داریم. آقای صحفی: از فرمایشات ارزشمند حضرت‌عالی تشکر می‌کنیم. از این‌که کشور ما رسانه‌های منطقه‌ای و جهانی مؤثر ندارد بسیار متأسف هستیم و امیدواریم در آینده‌ای نزدیک بتوانیم در این خصوص تحولی ایجاد کرده خلأ موجود را پر کنیم. تصدیق می‌کنیم که این کار، ۲۵ سال دیر دارد انجام می‌شود. سیدحسین فضل‌الله: من از مدت‌ها پیش در سفارت جمهوری اسلامی پیشنهاد دادم در مواردی که سؤال وجود دارد، افرادی را برای پاسخگویی تعیین کنید، مثلاً درباره مسائل مربوط به افغانستان و عراق احساس می‌شود که تناقض و دوگانگی وجود دارد. کافی نیست که وزیر خارجه و یا خاتمی مطالبی را بیان کنند، باید کسانی که کارشناس هستند این موارد را به‌صورت دقیق بیان نمایند و در رسانه‌ها انعکاس دهند.

متأسفانه تاکنون این موارد بی‌پاسخ مانده است. من فکر می‌کنم از طریق همین شبکه‌های سحر و العالم هم بشود اقدام کرد. می‌توان با چند نفر از مطلعان در خارج برای پاسخگویی به این مسائل وارد گفت‌وگو شد و به آنان

برای انجام این کار، مأموریت داد. یا مسأله قضا در ایران که سؤالات بسیاری را به وجود آورده است و به هر حال باید کسانی باشند که در این زمینه‌ها پاسخگو باشند.

مشکل بزرگی که مبتلا به ایران است این است که بعد از انقلاب ایران به عنوان جمهوری اسلامی مطرح است، لذا تمامی مسلمان‌ها چشمشان به ایران است و همه مسائل ایران را با حساسیت زیاد دنبال می‌کنند. بنابراین باید مسئولان با دقت عمل کنند. مسأله بعدی این است که ایران به بلوغ سیاسی رسیده است که من به این موضوع اعتراف می‌کنم، لذا ما معتقدیم پیش از گذشته باید در خصوص موارد منطقه‌ای و جهانی حساس باشیم و بیش‌تر در طرح مسائل دقت نماییم.

آقای صحفی: حقیقت این است که ما در قدیم مطبوعات حرفه‌ای و یا روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و تخصصی کم‌تر داشتیم و تعداد کمی مطبوعات سیاسی وجود داشت که زیر نظر دولت بود و تحت کنترل بودند. در واقع در تاریخ مطبوعات ایران نه از ۱۷۰ سال پیش بلکه بعد از انقلاب اسلامی که آزادی را به ارمغان آورده شروع شده است. البته در این دوران، مقاطع کوتاه‌مدتی داشتیم که آزادی مطبوعات توسط نهضت‌های اجتماعی تأمین می‌شد، اما خصوصاً در دوره اخیر است که ما مواجه با یک روند افزایش تعداد نشریات روبه‌رو هستیم، بنابراین به نظر می‌رسد که به لحاظ قانونی و اجرایی اشکال نداریم. آنچه که موجب شده روزنامه‌های ما بیش‌تر به درون توجه نمایند تا به مسائل بیرونی به دلیل نبود تفسیر روشن و شفاف از آزادی در مطبوعات است.

مطبوعات در ایران به عنوان رکن چهارم مطرح است و به همین دلیل هم باید به مطبوعات بیش‌تر توجه نماییم. مسئولان جمهوری اسلامی و اعضای هیأت نظارت چنین عزمی را دارند که مطبوعات توسعه بیش‌تری پیدا کنند و از آزادی مطبوعات پاسداری بشود. خوشبختانه نهادهای مدنی

که به دولت در خصوص نهادینه کردن آزادی کمک می‌کنند در ایران به وجود آمده است که نمونه آن انجمن صنفی مطبوعات و انجمن دفاع از آزادی مطبوعات است. ما کوشش می‌کنیم با ایجاد فضایی برای تعامل بین روزنامه‌نگاران ایرانی با خارجی و به خصوص در جهان اسلام سطح روزنامه‌نگاری در ایران را ارتقا دهیم.

آقای سحرخیز: در صحبت‌های شما تأکید به آگاهی مردم و آزادی مطبوعات مطرح بود اما یک پارادوکس به وجود می‌آید. اگر آزادی‌های کثیری داده شود شاید مواردی خلاف دین به وجود آید، مثلاً در چند نشریه خلاف دین نوشته شود همان موضوعی که شما در خصوص کتاب ضاله گفتید. چطور می‌توان پارادوکس را برطرف کرد؟

سیدحسین فضل‌الله: آزادی البته به معنای هرج و مرج نیست ولی اگر گویندگان کلمات و نوشته‌هایی را که ضد دین است، بگیریم و زندانی کنیم و توقیف کنیم هیچ نفعی به اسلام نمی‌رسد که هیچ، حتی علیه اسلام است چرا که این فکر با سرعت بسیار زیاد در جهان منتشر خواهد شد.

آقای قمی: همان‌طور که شما فرمودید در مسائل فرهنگی وقتی اشکالی مطرح می‌شود باید برخورد فرهنگی بکنیم و نه برخورد فیزیکی. الان ما در ایران در دانشگاه‌ها مشکلات بسیاری داریم ولی معنای این سخن این نیست که جریان مذهبی در دانشگاه‌ها وجود ندارد. مراسم مذهبی مثل برگزاری شب‌های قدر و... وجود دارد. مشکل جدی ما این است که شبهات دینی با سرعت بسیار زیادی در بین جوانان پخش می‌شود. ما دوتا نقطه ضعف داریم یکی به لحاظ کمبود تکنولوژی و دیگر نبود اشخاص متفکر برای پاسخگویی به این مسائل و شبهات. ما در زمانی مطهری و طباطبایی داشتیم ولی الان چنین اشخاصی را نداریم. ما از شما می‌خواهیم هر زمانی که به ایران می‌آید توجهی هم به دانشگاه‌های ایران داشته باشید تا ما بتوانیم از شما در این مراکز علمی بیش‌تر استفاده نماییم.

دیدار و گفت‌وگو با سندیکای نویسندگان مطبوعات لبنان

در این دیدار، ابتدا ملحم کرم رئیس سندیکای نویسندگان مطبوعات لبنان در خصوص تاریخ ایران و ایرانیان، و همچنین نقش فرهنگ و تمدن ایران در کشورهای دیگر، سخن گفت. به اعتقاد وی، فرهنگ ایران، عمیق و متنوع است و لبنان بهره زیادی از فرهنگ ایران برده است. تاریخ ورود چاپ به ایران به ایام قدیم می‌رسد و نشان می‌دهد ایران پایه‌پای تحولات در غرب کوشیده است خود را نو سازی کند. تاریخ ایجاد دانشگاه پلی تکنیک نیز نشان‌دهنده آغاز ورود ایران به جهان مدرن است. نقش ایران در منطقه همیشه مثبت بوده و است و این‌که سیاست‌های خودش را درباره لبنان ثابت نگاه داشته است از اصول‌گرایی نظام حکومت ایران حکایت می‌کند.

سپس آقای صحفی به نمایندگی از هیأت ایرانی ضمن تشکر از ابراز محبت آقای ملحم کرم نسبت به فرهنگ و تاریخ ایران افزود: ایران و لبنان هر دو کشورهای باستانی هستند و تاریخ و فرهنگ مشترکی نیز دارند. ایران دارای سابقه طولانی مطبوعاتی است و بیش از ۱۷۰ سال از فعالیت روزنامه‌نگاری در ایران می‌گذرد. فعالیت مطبوعاتی در ایران، دارای تاریخی پرفراز و نشیب است و تلخ و شیرین‌های بسیاری را پشت سر گذارده است. آقای صحفی آنگاه به طرح یک سؤال پرداخت و پرسید: تفاوت سندیکای نویسندگان و روزنامه‌نگاران چیست و چرا یک سندیکای متحد را تشکیل نمی‌دهید؟

ملحم کرم در پاسخ گفت: ابتدا یک اتحادیه و سندیکا وجود داشت که همگی را شامل می‌شد. بعد از مدتی متوجه شدیم تعداد صاحبان نشریات کم بود و حدوداً چهل نفر بودند و تعداد نویسندگان بیش‌تر بود و در حدود ۴۰۰ نفر. این موضوع باعث می‌شد که به مدیران و صاحبان نشریات ظلم شود. به همین دلیل تبدیل به دو سندیکا شد. در حال حاضر، سندیکای مدیران مطبوعات بین چهل تا شصت عضو دارد و ۱۰۰۰ الی ۱۱۰۰ نفر، عضو این سندیکای نویسندگان

مطبوعات هستند. وی در ادامه افزود: در لبنان کلاً ۱۱۰ نشریه سیاسی روزنامه، هفته‌نامه و ماهنامه داریم. بالای ۱۰۰۰ عنوان نیز نشریات غیرسیاسی وجود دارد. البته این دو سندیکا با توجه به مفاد قانونی با یکدیگر ارتباط دارند.

سپس، یکی از اعضای سندیکای روزنامه‌نگاران لبنان در خصوص نهادهای صنفی مطبوعات در ایران سؤال کرد، که مزروعی، در پاسخ به این سؤال توضیحی مختصر درباره انجمن صنفی مطبوعات و شرکت تعاونی مطبوعات ارائه داد. وی گفت: حدود ۵۰۰۰ روزنامه‌نگار فعال در ایران داریم که در مطبوعات سراسری و محلی مشغول فعالیت‌اند. ولی حدود ۲۵۰۰ نفر از آن‌ها عضو این انجمن صنفی هستند. در شرکت تعاونی نیز حدود ۵۰۰ صاحب امتیاز و مدیرمسئول عضو هستند که فعالیت آن‌ها فقط جنبه اقتصادی دارد و در مواردی به تهیه و تأمین کاغذ و یا برخی اقلام مورد نیاز مطبوعات می‌پردازند.

دیدار از روزنامه‌النهار

سرمدیر روزنامه‌النهار، آقای جبران تویینی دیدار هیأت‌ایرانی از روزنامه‌النهار را خوشامدگفت و ضمن عرض تسلیت به مناسبت زلزله بم، اظهار داشت: من فکر می‌کنم در این فاجعه یک نقطه مثبتی وجود داشته است. می‌توان گفت بروز این فاجعه به بازگشایی روابط بین کشورهای متخاصم منجر شود. من علاقه‌مند هستم بیش‌تر صحبت‌های دوستان را بشنوم. اما این نکته را باید بگویم که وقتی انقلاب ایران به وجود آمد ما بسیار خشنود شدیم. ولی وقتی که نظام به عنوان جمهوری اسلامی مشخص شد ما نگران شدیم که شاید این تفکر بخواهد به جامعه لبنان نیز سرایت کند و مشکلاتی را به وجود آورد، چرا که جامعه لبنانی به هیچ وجه حکومت دینی نداشته است.

کسی که در لبنان است و درباره ایران می‌خواهد فکر کند تصور اولش این است که ایران یعنی حزب‌الله لبنان، در صورتی که ایران بسیار بزرگ‌تر از این

حزب است. این دیدگاه، باعث می‌شود تا تصویر نادرستی از واقعیت ایران در ذهن لبنان‌ها ایجاد شود. چرا که نمی‌توانند واقعیت ایران را به درستی درک کنند. بسیار علاقه‌مند هستیم که نظرات شما را در این باره بشنوم.

آقای صحفی: از حسن‌نیت شما تشکر می‌کنم. من هم متقابلاً سقوط هواپیمای مصری را که در آن (تعدادی از لبنانی‌ها نیز جان خود را از دست دادند) تسلیت می‌گوییم. روزنامه‌النهار برای همه ایرانیان علاقه‌مند نامی آشنا است. سابقه‌النهار نشان می‌دهد که روزنامه‌ای مستقل است و دارای مواضع شجاعانه، صریح و شفاف است. جایگاه این روزنامه در جهان عرب برای ما قابل احترام است. هدف از سفر هیأت، آشنایی با چهره‌ها و نخبگان عرصه مطبوعات کشورهای اسلامی و منطقه می‌باشد. در مورد تصویری که از جمهوری اسلامی ایران در اذهان شهروندان لبنانی وجود دارد باید خاطر نشان کنم که در ایران، ارزش‌ها و اصول تغییر نیافته است آن چیزی که مشاهده می‌شود فقط براساس شرایط جدید، راهکارهای جدید اتخاذ شده است. در خصوص سیاست‌های ایران و نگرانی لبنانی‌ها باید به نکاتی اشاره کنم.

وقتی آمریکایی‌ها به عراق حمله کردند موضع ایران سیاست بی‌طرفی بود و در خصوص رویکردهای تجزیه‌طلبانه در عراق ما نظر منفی خود را اعلام کردیم و گفتیم که ما خواهان عراقی یکپارچه و متحد و آزاد هستیم. وقتی در خصوص جنگ مداخله‌گرانه در کشوری یا سیاسی اعلام بی‌طرفی کرده باشیم معنی آن این نیست که هیچ نظر دیگری درباره آن نداریم. در مورد لبنان نیز باید متذکر شوم که می‌دانیم لبنان، کشوری متشکل از اقوام و طوایف مختلف است، در ایران نیز چنین است. بنابراین کشوری که خودش دارای تنوع قومی و مذهبی است می‌داند که شرایط کشور لبنان چگونه است. اما وقتی از جریان حزب‌الله دفاع می‌کند معنی آن، این است که دفاع درمقابل تجاوز رژیم صهیونیستی را مشروع و ضروری می‌داند.

دیدارها و گفت‌وگوها ۱۳۹

آقای سحرخیز: اجازه دهید من به موضوعی که انگیزه و هدف ما از سفر به کشور شما و دیدار از روزنامه *النهار* است، بپردازم. تیراژ، تعداد کارکنان و دفاتر این روزنامه در کشورهای مختلف چگونه است و آیا در ایران هم دفتر و خبرنگار دارید؟

جبران توینی: روزنامه *النهار* در سال ۱۹۳۳ تأسیس شد و به صورت مستمر ۷۰ سال در حال کار و فعالیت است. روزنامه *النهار* روزنامه‌ای مستقل است، توسط بخش خصوصی اداره می‌شود و به دولت و احزاب مرتبط نیست. این روزنامه همیشه مخالف دولت بود ولی ارگان روزنامه مخالفان و اپوزیسیون نبوده است. کسانی که در این روزنامه هستند همه افرادی صاحب‌نظر و مستقل هستند و شاید این افراد با من نیز مخالف باشند.

اصل محوری ما "نقش لبنان در جهان عرب" است. ولی در این روزنامه نظرات مختلف مطرح می‌شود. این روزنامه توسط شرکت اداره می‌شود ولی سیاست روزنامه توسط تحریریه و سردبیر روزنامه تعیین می‌شود. خطی که ما دنبال می‌کنیم خط جبران توینی پدربزرگ سردبیر است. کارکنان *النهار* ۴۰۰ نفر هستند که ۲۰۰ نفر از این‌ها در تحریریه فعالیت می‌کنند.

مجموعه‌ای از مؤسسات و شرکت‌ها به عنوان زیرمجموعه روزنامه وجود دارد. شرکت چاپ، شرکت توزیع، شرکت آگهی، شرکت چاپ کتاب در این روزنامه وجود دارد. درآمدهای روزنامه از طریق تک‌فروشی و آگهی به صورت پنجاه پنجاه است. ارزش مالی روزنامه ۲۰۰۰ لیر است که در واقع دو برابر قیمت روزنامه‌ها است. *النهار* قبل از بقیه مطبوعات عرب یک سایت اینترنتی تأسیس کرد که الان نیز فعال است. سایت اینترنتی روزنامه، نقش بسیار مهمی برای ارتباط با لبنانی‌های مقیم و لبنانی‌های خارج ایفا کرده است. فعلاً وب‌سایت فرانسوی خودمان را به دلیل ضعف مالی تعطیل کرده‌ایم.

از مدت‌ها پیش، خودمان را برای انتقال مکان روزنامه به محل جدید در

مرکز بیروت که دارای امکانات بسیاری است آماده کرده‌ایم. حدود چهل سال از قدمت این مکان فعلی می‌گذرد. *النهار* توجه خاصی به دانشجویان دارد و دانشجویان نیز همچنین به روزنامه *النهار* توجه خاصی دارند. بعضی از روزنامه‌نگاران فعلی روزنامه‌های لبنانی، فارغ‌التحصیل این روزنامه هستند. *النهار* عضو اتحادیه بین‌المللی روزنامه‌نگاران جهان عرب است. آقای توینی مشاور رئیس اتحادیه مزبور است. این اتحادیه در سال ۱۹۹۸ قرار بود سفری به ایران کند که متأسفانه این امر واقع نشد. این اتحادیه همچنان علاقه‌مند است همکاری خوبی با مطبوعات ایران داشته باشد.

در مورد قانون مطبوعات لبنان باید عرض کنم که قانون قابل قبولی است. این قانون با قانون رسانه‌های دیداری متفاوت است. در واقع سعی و کوشش فراوانی صورت گرفته تا آزادی بیان حفظ شود و از توقیف و تعقیب مخالفان مطبوعاتی جلوگیری کند. مشکل فعلی ما با قانون نیست بلکه مشکل تفاوت در تفسیر از این قانون است. *النهار* زمان جنگ داخلی نقش بسیار مهمی برای وحدت ایجاد کرده بود و ما بهای سنگینی در خصوص آزادی مطبوعات داده‌ایم. بعضی از روزنامه‌نگاران ما را کشتند چرا که آزادی همچون خون در رگ‌های لبنانی‌ها وجود دارد. در دو مقطع زمانی *النهار* تعطیل شد: ۱. زمانی که سربازان سوری وارد لبنان شدند، دو هفته روزنامه تعطیل شد؛ ۲. زمان ورود اسرائیل که دو روز، روزنامه تعطیل شد.

اما قانونی که مربوط به رسانه‌های دیداری و شنیداری است قانونی خوبی نیست چرا که این رسانه‌ها مربوط به رؤسای احزاب و مسئولان دولت هستند و منافع آن‌ها را تأمین می‌کند. دولت ما الان موضع خوبی نسبت به مخالفان ندارد. MTV را تعطیل کرده‌اند. Newtv نیز دارای مشکل است.

ما، در روزنامه *النهار* به تمام معنا آزاد هستیم. درعین حال معتقد هستیم

معنای آزادی، هرج و مرج نیست. قبل از جنگ، ۷۰ هزار نسخه داشتیم که ۸۰ درصد در داخل و ۲۰ درصد در خارج توزیع می‌شد. در حال حاضر ۴۵ هزار نسخه چاپ می‌کنیم ۹۰ درصد در داخل و ۱۰ درصد در خارج توزیع می‌شود. الان مردم بیش‌تر به نشریات تخصصی توجه دارند و لذا می‌بینیم در سطح جهان تیراژ روزنامه‌ها پایین آمده است و تیراژ نشریات تخصصی افزایش یافته است. این روزنامه نیز به همین دلیل تیراژش کم شده است.

در *النهار* ویژه‌نامه‌های خاصی نیز داریم که برای اماکن خاص و اشخاص خاص است. بعضی از این‌ها همراه روزنامه‌ها است و بعضی نیز جداگانه منتشر می‌شود. انتشار ویژه‌نامه‌ها احتیاج به امتیاز گرفتن دارد.

یکی از عوامل پایین آمدن تیراژ روزنامه‌ها به‌وجود آمدن تلویزیون‌های ماهواره‌ای است ولی اینترنت از طریقی با نسل جدید ارتباط برقرار کرده است. اینترنت از این‌که نسل جدید از خواندن و نوشتن جدا بشود، بنابراین می‌توان گفت عوامل متعددی در کاهش تیراژ وجود دارد.

من، اولین روزنامه‌نگار عرب بودم که در سال ۱۹۷۸ با امام خمینی مصاحبه کردم. من در آن زمان به‌عنوان خبرنگار روزنامه به مدت یک ماه در پاریس و در نوفل‌لوشاتو بودم. خبرهای ایران همیشه در صفحه اول مسائل سیاسی وجود دارد و خلاصه‌ای نیز از مطالب روزنامه‌های ایرانی را چاپ می‌کنیم. بسیار مایلیم که یک خبرنگار دائم در ایران داشته باشیم.

آقای مزورعی: حقوق روزنامه‌نگاران نسبت به دیگر مشاغل چقدر است؟

پاسخ: حقوق مطبوعاتی در *النهار* بهتر از دیگر روزنامه‌ها است اما سایر کارمندان از وضعیت عمومی خوبی برخوردار هستند. اما در بخش آگهی‌ها حقوق‌شان بیش‌تر است. ۴۰۰ دلار حداقل درآمد افراد در روزنامه و ۸۰۰۰ دلار، بالاترین درآمد است. متوسط درآمد در *النهار* حدود ۲۰۰۰ دلار است.

دیدار با وزیر اطلاع‌رسانی لبنان

در ابتدای جلسه، آقای میشل سماحه، وزیر اطلاع‌رسانی لبنان ضمن خوشامدگویی به هیأت و تمجید از سفر آقای خاتمی به لبنان و تأثیر این سفر در لبنان و حتی در سطح منطقه از پیشنهاد نظریه‌گفت‌وگوی تمدن‌ها تقدیر کرد. ایشان همچنین نشاط سیاسی و گفت‌وگوی بین‌گروه‌های سیاسی در ایران را به‌عنوان یک نکته مثبت ارزیابی کرد و اظهار داشت: ما هرگز نمی‌توانیم نظر کسانی را که می‌گویند در ایران فقط دو گروه غرب‌زدگان و بنیادگرایان وجود دارد بپذیریم. ما با این نظر موافق نیستیم و معتقدیم کسانی که این تحلیل را دارند از ایران شناخت درستی ندارند. از تمام تلاش‌های صادقانه سفیر جمهوری اسلامی در لبنان و همچنین تمامی اعضای سفارتخانه ایران در لبنان تشکر می‌کنم و آماده پاسخگویی به تمامی سؤالات شما هیأت محترم ایرانی هستم.

سپس آقای صحفی از سخنان گرم و صمیمانه وزیر اطلاع‌رسانی لبنان و توضیح روابط تاریخی و فرهنگی دو کشور تشکر کرد و ضمن معرفی اعضای هیأت ایرانی به وزیر اطلاع‌رسانی لبنان، به شرح وظایف این هیأت در حوزه مطبوعات پرداخت و درباره وضعیت مطبوعات، گستره و سابقه آزادی بیان در ایران توضیحاتی ارائه کرد. سپس برخی از اعضای هیأت به طرح سؤالات خود از آقای میشل سماحه، وزیر اطلاع‌رسانی لبنان پرداختند.

آقای مزروعی: با تشکر از وقتی که به ما دادید. در صحبت‌های جناب وزیر مطلبی بود که من می‌خواهم درباره آن صحبت کنم. فرمودند مباحثی که در ایران مطرح است این است که در ایران بین غرب‌زدگان و بنیادگرایان درگیری وجود دارد و چون من جزء اصلاح‌طلبان هستم، لازم دیدم توضیحی بدهم. ما تقسیم دیگری در ایران داریم و به دو گروه اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران قائل هستیم و هریک از این گروه‌ها در چارچوب قانون در حال فعالیت هستند. طبعاً دیگران می‌توانند حرف‌های خودشان را بزنند و از این فضا

استفاده بکنند. ولی ما معتقد هستیم اگر جمهوری اسلامی بخواهد در دنیای جدید ماندگار باشد، ضروری است که این فضا ادامه باید و به‌طور خاص در مطبوعات این وضعیت دوگانه را مثبت ارزیابی می‌کنیم. فکر می‌کنیم مطبوعات محل تلاقی افکار و نظریات مختلف است و مطبوعات، باعث پویایی جامعه شده‌اند. طبعاً ما منکر وجود مشکلات در این مسیر نیستیم. اما ما در حال تجربه‌ایم و این مسیر را می‌آزماییم می‌کنیم. خوشحالیم که امروز مطبوعات ما، به‌رغم محدودیت‌هایی که وجود دارد، بازتاب افکار فعالان سیاسی در کشور هستند.

آقای سحرخیز: من هم به‌نوبه خودم از میهمان‌نوازی وزیر محترم تشکر می‌کنم و خوشحالم که ایشان چشم‌انداز نزدیکی از مطبوعات ایران دارند. من هم ضمن توضیحی در این باره، سؤالی در خصوص مطبوعات لبنان دارم. من ۱۳ سال پیش به‌عنوان معاون خبرگزاری به لبنان سفر کردم. آن موقع، لبنان در جنگ بود و الان آن‌هایی که با یکدیگر می‌جنگیدند برادرانه کار می‌کنند. جای تعجب نیست که در ایران نیز علی‌رغم اختلاف‌های موجود، با یکدیگر به‌صورت همگرا کار کنند. من و مزروعی در روزنامه‌هایی بودیم که آن‌ها توقیف شدند و بابت کارهایی هم که کردیم به زندان هم رفتیم. ولی فضا الان دگرگون شده است و فکر می‌کنیم آن چیزی که پیش آمد بیش‌تر ناشی از یک سوءتفاهم بوده است و اگر آن ۱۲ روزنامه تعطیل شده است روزنامه‌های دیگری الان وجود دارد که کار آن‌ها را بکند. البته این نکته را یادآوری می‌کنم که در یک سال گذشته نه روزنامه‌نگاری را دستگیر کرده‌اند و نه روزنامه‌ای را بسته‌اند. اگر جرمی هم اتفاق افتاده براساس قانون اساسی برخورد شده است. ما می‌پذیریم در فعالیت مطبوعاتی به دلیل سرعت کار آن، اشتباه و تخلف وجود دارد ولی تأکید ما این است که دادگاه علنی و با حضور هیأت منصفه باشد و دولت خارج از قانون با مطبوعات برخورد نکند.

خوشحالیم که در فضای جدید این آزادی‌ها در حال نهادینه شدن است. در لبنان فضای آزادی مطبوعاتی را نیز تجربه کردیم و دیدیم که در همین فضای آزاد نیز مشکلاتی وجود دارد. برعکس ایران که برای نشریات سیاسی و غیرسیاسی محدودیت وجود ندارد در لبنان برای نشریات سیاسی محدودیت وجود دارد. فکر می‌کنیم برای جامعه‌ای که می‌خواهد در جهان امروزی دارای فعالیت باشد، نباید این محدودیت‌ها وجود داشته باشد چه از طریق دولت و یا از طریق روزنامه‌نگاران برای انحصار منافع خودشان. همچنین نبود هیأت منصفه نیز در محاکمات سیاسی و مطبوعات ضروری است چرا که دولت قدرت برتر است به هر حال امیدواریم با این تعاملات فضای آزادی، در جامعه اسلامی بیش‌تر شود.

آقای قمی: اول می‌خواستم از روزنامه‌نگاران لبنانی به‌خاطر ابراز همدردی آن‌ها درباره زلزله بم و همچنین از اقدامات دولت و مسئولان لبنان در این زمینه تشکر بکنم. همچنین سال جدید میلادی را به تمامی مسیحیان تبریک می‌گویم. سؤال کوتاهی داشتم که مطرح می‌کنم. ظاهراً براساس قانون لبنان روال انتشار روزنامه و مجله این‌طور است که درخواست مجوز نشریات به وزیر داده می‌شود و وزیر نیز با سندیکا مشورت و تصمیم‌گیری می‌کند. درست است که مشورت انجام می‌گیرد ولی تصمیم با وزیر اطلاع‌رسانی است. ولی در ایران وزیر ارشاد یک عضو هیأت تصمیم‌گیری برای صدور مجوز است و یک رأی بیش‌تر ندارد، درست همانند دیگر اعضا، مثل آقای سحرخیز (نماینده مدیران جراید کشور). به همین دلیل رد کردن درخواست صدور مجوز به‌سختی امکان دارد. مثلاً در شش ماه گذشته حدود ۵۰۰ مجوز صادر شده که حدود پنجاه مورد آن روزنامه بوده‌اند و دوسوم آن‌ها هم به بخش خصوصی ارتباط دارد. این غیر از نشریات دانشجویی است که حدوداً ۲۰۰۰ نشریه در دانشگاه‌ها انتشار می‌یابد. سؤال من این است که

به نظر شما آیا این تکرر و تعدد برای ما مشکلاتی ایجاد نمی‌کند با توجه به این‌که این آمار ظاهراً از شاخص‌های جهانی نیز بیش‌تر شده است؟

آقای میشل سماحه: اولاً تشکر می‌کنم از بیانات آقایان به خاطر این‌که می‌تواند برای ایجاد مطالب بعدی فضای تازه‌ای را ایجاد کند. با توجه به حرف‌هایی که زده شد و توضیحاتی که دوستان ارائه کردند به نظر می‌رسد مقایسه ایران و لبنان صحیح نباشد. همچنین که دموکراسی آمریکا را نمی‌توان با کشورهای دیگر ارتباط داد. مهم‌ترین مطلب این است که دموکراسی به شورایی مطابق عدالت و یا شفاف متکی باشد که منجر به ایجاد نظام قابل قبول مردم باشد و مردم بتوانند خواسته‌های خودشان را با توجه به فرهنگ خودشان ایجاد کنند. ما نمی‌توانیم مسیر پیشرفت ایران را در نظر بگیریم و از انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های روشن آقای خاتمی به راحتی بگذاریم.

اما درباره هیأت منصفه من هم تأیید می‌کنم که سیستم قضایی فعلی را که به ارث داریم باید تغییر دهیم و باید هیأت منصفه وجود داشته باشد. این موضوع، دو تأثیر در پی دارد: ۱. مردم در حکم دادن قاضی حضور و نقش دارند و ۲. دادگاه به صورت صریح و بدون تأخیر در رسیدگی، تشکیل می‌شود. اما درباره تجربیات هیأت نظارت در ایران، نه به خاطر اسم آن بلکه به دلیل حضور نماینده مجلس، نماینده دانشگاه‌ها، حوزه علمیه، قوه قضاییه، دولت و خود مطبوعات این هیأت بسیار مثبت است. اما تجربه مطبوعاتی در لبنان و اطلاع‌رسانی در این کشور باید برود به سمت آزادی بیش‌تر و تحکیم همبستگی بیش‌تر مردم با یکدیگر و با دستگاه‌های دولتی. همچنین معتقدم هیأت منصفه نیز در محاکمه سیاسی و مطبوعات ضروری است. چرا که دولت قدرت برتر است.

به هر حال امیدواریم با این تعاملات، فضای آزادی در جامعه اسلامی بیش‌تر شود. قاعدتاً اگر تجربه گذشته را در نظر بگیریم نمی‌توانیم جلو

برویم. به عکس چیزی که برخی غربی‌ها می‌گویند در اسلام، دموکراسی وجود دارد، شورا وجود دارد که این شوراها، مردم را به‌سوی ارزش‌های انسانی راهنمایی می‌کنند. وقتی از این منظر وارد مطبوعات می‌شویم، قرآن، انجیل، مطبوعات، تبلیغ روحانیون و عملکرد دموکراسی همه‌اش کلمه و سخن است. پایه دموکراسی سخن و چگونگی استفاده کردن از سخن است. لذا به‌نظر من هر درخواستی که به دست شما می‌رسد شما مجوز بدهید. شما تنها کشوری هستید که پرچم اسلام را به اهتزاز درآوردید. در کل تمدن‌هایی که در جهان وجود دارد این تجربه جدید دینی پیشرفت نمی‌کند مگر با ایجاد فضای بسیار گسترده رسانه‌های گروهی و این امر نمی‌شود مگر این‌که رسانه‌ها به فرهنگ بومی وطن ایران متکی باشند.

در عالم اسلامی تجارب بسیاری وجود دارد همانند تجربه مسیحیان. در قرون وسطی و بعد از آن بن‌لادن در زمان حاضر و حرکت بخشی از اسلام‌گرایان در افغانستان و الجزایر و... وقتی همه این‌ها را یادآوری می‌کنیم می‌بینیم وقتی جامعه اسلامی به اجتهاد انسانی نزدیک می‌شود عدالتی را بر مبنای شورای مردمی ایجاد می‌کند و این مسئله امکان‌پذیر نیست مگر این‌که اشتباه نکنیم و تصحیح نکنیم و اقرار به اشتباه خودمان نکنیم. در این فضا است که حق اطلاع‌رسانی را پیدا می‌کنیم. آدمیزاد دشمن آن چیزی است که نمی‌شناسد و آن کسی را که نمی‌شناسد. اگر ایران خودش را درست شناساند شاید آن‌هایی که می‌خواهند ایران را درگیر کنند احتمال پیروزی داشته باشند. من به‌عنوان یک دوست و یک شهروند لبنانی می‌گویم و تأکید می‌کنم و به یاد می‌آورم چند سال پیش آقای خاتمی (آن موقعی که وزیر ارشاد در ایران بودند) در سفری که به لبنان داشتند به ما توصیه کردند که ما آزادی را رعایت کنیم به‌خاطر این‌که سخن تأثیرش از بمب‌های بزرگ هم بیش‌تر است. جلوگیری کنیم از کارهایی که دیگران می‌خواهند از طریق تکنولوژی‌های جدید علیه ما اقدام نمایند. در لبنان نظام امتیاز دادن به

نشریات را از قبل به سنت گرفته‌ایم ولی معتقدیم که باید این قانون اصلاح شود. من بسیار علاقه‌مند هستم از تجربیات شما استفاده کنم و از نزدیک این تجربه را مشاهده کنم. ما تأکید می‌کنیم که موضوع سلاح‌های اتمی باید از تمام خاور برچیده شود.

در پایان سخن، بنده درودهای خودم را به رسانه‌های گروهی و ارگان‌هایی که من نماینده آن هستم ابلاغ می‌کنم. من تسلیت می‌گویم به خاطر زلزلهٔ بم که قلب‌های ما را غمگین کرد و ما متأسفیم که نتوانستیم کمک چندانی بکنیم. چشم‌هایمان اشک ریخت و دل‌هایمان شکست.

دیدار از روزنامه‌السفیر

روزنامه‌السفیر از جمله روزنامه‌های معتبر و معروف لبنان است که در کشورهای دیگر عربی نیز حضور مؤثری دارد. دیدار با سردبیر این روزنامه یعنی طلال سلمان، که هم شخصیت معتبر روزنامه‌نگاری لبنان است و هم چندین مرتبه به ایران سفر کرده نیز در برنامهٔ هیأت گنجانده شده بود. در این دیدار، پس از تعارفات معمول، این طلال سلمان بود که با شور و حال خاصی آغاز به سخن کرد.

آقای طلال سلمان: تسلیت می‌گویم به مناسبت زلزلهٔ بم و خیرمقدم می‌گویم به هیأت ایرانی. متأسفانه در حال حاضر اطلاعات به‌روزی از مطبوعات ایران ندارم و نمی‌دانم که آیا روزنامه‌ها در ایران سیاسی‌تر شده است یا نه. قبلاً چند سفر به ایران داشتم و همچنین دیدارهایی از مؤسسات مطبوعاتی ایران داشتم ولی الان ارتباطم با مطبوعات ایران قطع شده است. من به‌عنوان یک روزنامه‌نگار واقعاً نسبت به هرگونه نظارتی حساسیت دارم.

فکر می‌کنم ایرانیان علیه نظام پادشاهی قیام کردند و در این حد از رشد و بلوغ سیاسی رسیده‌اند که مطالب خوب و بد را تشخیص بدهند. برخوردهای نامناسبی با روزنامه‌ها در گذشته شده است مثلاً برای من

غیرقابل تصور بوده که آقای شمس که از دوستان من محسوب می‌شود، چندبار در ایران به خاطر فعالیت‌های روزنامه‌نگاری دستگیر شده باشد. آقای شمس، مسلمان، متعهد و نسبت به سرنوشت ایران بسیار علاقه‌مند و حساس است. امیدوارم که وضعیت روزنامه‌ها در ایران بهبود یابد به‌خصوص که ایران مورد تهاجم استعمار است و نیازمند به رسانه‌های آزادی است که بتواند با دشمن رویارویی بکند. فکر می‌کنم روزنامه‌ها و رسانه‌ها بتوانند نقش خوبی در این زمینه داشته باشند. مثلاً در عراق، وضعیتی که بود این بود که یک شخص با یک حکم می‌توانست تمام روزنامه‌های عراق را ببندد و یا این‌که مقالات و تیرها را مشخص کند ولی نهایت این قضیه به کجا انجامید؟ البته بسیار عذر می‌خواهم از این نکاتی که عرض کردم، من مرشد نیستم که نصیحت کنم ولی این نظراتم بود که گفتم.

آقای صفی: من قبلاً نیز از *السفیر* دیدار داشتم. جنابعالی روزنامه‌نگار دقیق و باتجربه‌ای هستید و تجربه تحولات اخیر را در ایران به‌طور دقیق درک می‌کنید. حقیقت قضیه در ایران این است که علی‌رغم چالش‌هایی که وجود داشته ولی در مجموع حرکت ما رو به جلو بوده است. آنچه که در حال حاضر اهمیت دارد این است که مطبوعات در ایران دارای قانونی است که به مقدار زیادی آزادی مطبوعات را تأمین کرده است. مشکل ما این است که گاهی اوقات همین قانون نادیده گرفته می‌شود و یا این‌که تفاسیر متعددی از آن ارائه می‌شود. البته همین مشکل فی‌مابین دستگاه‌های حکومتی قابل رفع است.

ما از موضوع حبس آقای شمس متأسف شدیم ولی الان خود ایشان از آن دوران تحلیل دیگری دارد. این هیأتی که سفر خود را از اردن شروع کرده و به کویت خواهد رفت، قصد دارد تجارب مؤسسات مطبوعاتی، روزنامه‌ها و قوانین مطبوعات را در کشورهای اسلامی منطقه ملاحظه کرده و ان‌شاءالله

شروعی برای ارتباط بیش‌تر فی‌مابین مطبوعات ایران و کشورهای اسلامی منطقه باشد.

آقای طلال سلمان: ما کشورهای عربی و اسلامی، در خصوص مسأله رسانه‌ای در مقابل کشورهای مدرن، عقب‌مانده هستیم. نکته بعدی این‌که، با رسانه برای خارج و رسانه برای داخل دوگانه برخورد می‌کنیم. رسانه‌های خارجی مطالبی را می‌گوید و رسانه‌های داخلی مطالب دیگری می‌گوید. مسأله مطرح امروز درخصوص رابطه با آمریکا است. این‌که در این حوزه ما در حالت دفاعی هستیم و نه حالت حمله، این، نقطه ضعف ما است در صورتی‌که شما دارای منطق هستید. پس باید قدرت رسانه‌ای خود را افزایش دهید.

آقای سحرخیز: من از دوستان آقای شمس هستم و با ایشان نیز همکاری مطبوعاتی داشته‌ام با توجه به این پیشینه می‌خواهم توضیحاتی درخصوص موضوع زندانی ایشان در سال‌های گذشته بدهم. ما در گذشته یک شرایط خاصی را در ایران داشتیم و فکر می‌کنیم آن فضا تمام شده و ان‌شاءالله فضا تغییر خواهد کرد و آزادی بیان بیش‌تر خواهد شد. ماه‌ها است که روزنامه‌ای تعطیل نشده است. جرمی هم اگر اتفاق بیفتد بعد از برگزاری دادگاه و رأی دادگاه، حکم اجرا می‌شود. بسیاری از روزنامه‌ها دوباره فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. بعضی از این روزنامه‌ها رفع توقیف شدند. دفاتری که پلمپ شده بود، رفع پلمپ شده است، روزنامه‌های بیش‌تری در حال انتشار هستند و مردم دوباره با روزنامه‌ها آشتی می‌کنند و امیدواریم که آقای شمس در آینده‌ای نزدیک شروع مجدد در صحنه مطبوعاتی داشته باشد.

شمس را البته به‌عنوان یک مثال عرض کردم. در سال جدید هیأت‌نظارت بر مطبوعات که مسؤول صدور مجوز انتشار نشریه در ایران است، حدود ۵۰۰ مجوز داده و حضور این جمع هیأت در کشورهای

اسلامی برای آشنایی با دیدگاه‌های روزنامه‌های معروف جهان اسلام است و هدف ما این است که قانون اجرا بشود. نهایتاً این که ما به رغم آن که روزنامه خودمان را نیز تعطیل کرده‌اند نسبت به آینده جامعه‌مان خوشبین هستیم.

آقای مزروعی: من، حدود ۱۳ سال است که روزنامه‌نگار هستم. در روزنامه سلام بودم و در سال‌های اخیر نیز در چند روزنامه دیگر هم فعالیت می‌کردم که تعطیل شده‌اند. آقای شمس نیز از دوستان نزدیک ما است و الان نایب‌رئیس انجمن صنفی مطبوعات است و من رئیس آن نهاد هستم. منتهی ما یک شوخی با ایشان و دیگر دوستان داریم. به آن‌ها می‌گوییم شما به عنوان روزنامه‌نگار باید بروید زندان تا ما برویم مجلس! این سخن من این معنا را دارد که ما داریم تجربه جدیدی را فرا می‌گیریم. فکرها و نظرهای مختلف را ما توأمان می‌توانیم داشته باشیم و به این ترتیب روش‌های موجود آزادی بیان در کشور را یاد بگیریم.

همان‌طور که شما می‌دانید صدا و سیما و خبرگزاری‌ها در ایران، دولتی و شبه‌دولتی است و تنها جایی که امکان فعالیت رسانه‌ای غیردولتی در آنجا وجود دارد، مطبوعات است. متفکرین جامعه ما در مطبوعات، سخنان و نظرات خود را مطرح می‌کنند و تحولات اخیر در ایران مرهون همین بحث‌هایی بوده است که در مطبوعات مطرح شده است. حتی می‌توانم بگویم که ظهور خاتمی به دلیل وجود مطبوعات مؤثر و ذی‌نفوذ در ایران بوده است. عمیق‌ترین مطالب در زمینه سیاست خارجی، مسائل داخلی، مردم‌سالاری و... در مطبوعات ایران مطرح می‌شود و مردم نیز به شدت این مسائل را پیگیری می‌کنند.

ما می‌توانیم ادعا بکنیم که در حال حاضر هیچ جریان فکری-سیاسی نیست که مطبوعه‌ای برای ارائه نظرات خودش نداشته باشد و طبیعی است

دیدارها و گفت‌وگوها ۱۵۱

که در این مسیری که داریم طی می‌کنیم دارای مشکلاتی نیز هستیم. فکر می‌کنیم در همه کشورهایی که قدم در راه توسعه گذاشته‌اند یکی از گروه‌هایی که در این راه هزینه پرداخت کرده‌اند، روزنامه‌نگاران بوده‌اند و ما نیز به همین موضوع اعتراف می‌کنیم. امیدواریم یکی، دو نفر از دوستان ما هم که در زندان هستند آزاد بشوند و این داستان دستگیری روزنامه‌نگاران و توقیف مطبوعات کلاً در ایران خاتمه پیدا کند.

روز پایانی اقامت هیأت در لبنان به بازدید از جنوب این کشور اختصاص داده شده بود. جمعه ۱۹ دی ماه ۱۳۸۲ بود و اعضای هیأت که دو روز فعالیت فشرده‌ای را برای دیدارها و ملاقات‌ها سپری کرده بود، با هماهنگی‌های به عمل آمده به سمت جنوب لبنان حرکت کردند. در این سفر کوتاه، اعضای هیأت از زندان صهیونیست‌ها در روستای الخیام که زمان اشغال جنوب لبنان، احداث شده بود، بازدید کردند و با تعدادی از فرماندهان حزب الله لبنان به گفت‌وگو نشستند و بازدید از مرزهای لبنان و فلسطین اشغالی بخش دیگری از سفر به جنوب بود که عملاً به معنای خاتمه سفر هیأت ایرانی نیز بود.

مشاهده کوه‌ها، تپه‌ها و زیتون‌زارهای جنوب لبنان که با ذکر خاطره مقاومت رزمندگان لبنانی همراه می‌شد، حسی از غرور و افتخار را در گوینده و شنونده ایجاد می‌کرد و تصویری جذاب در یادها باقی می‌گذاشت.

سفر هیأت به لبنان بعد از ظهر همان روز جمعه به پایان رسید و اعضای هیأت با مشایعت سفیر و رایزن فرهنگی ایران در لبنان، با پرواز هوایی، بیروت را به مقصد کویت ترک کرد تا مرحله سوم و آخر سفر آغاز شود.

کویت

از افق خلیج فارس

جمعه شب نوزدهم دی ماه ۱۳۸۲، هیأت نظارت بر مطبوعات ایران وارد کویت شد و مورد استقبال آقای شعشعی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در کویت و آقای حسن خاکرند، راین فرهنگی ایران قرار گرفتند. براساس برنامه تهیه شده سفارت، دیدارها و ملاقات‌هایی با مقامات دولتی و مسئولان مطبوعاتی لبنان هماهنگ شده بود که طی روزهای شنبه و یکشنبه باید صورت می‌گرفت.

براساس برنامه ارائه شده از سوی سفارتخانه، این دیدارها عبارت بودند از:

۱. دیدار از خبرگزاری کویت (کونا) و گفت‌وگو با آقای محمد العجیری مدیر خبرگزاری

۲. دیدار از روزنامه القبس و گفت‌وگو با سردبیر روزنامه

۳. ملاقات و گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای مهري نماينده ولی فقیه در کویت

۴. دیدار از روزنامه الانباء و گفت‌وگو با خانم بی بی المرزوق سردبیر روزنامه

۵. دیدار از مجله الوطن و گفت‌وگو با سردبیر مجله
۶. دیدار از روزنامه‌السیاسه
۷. ملاقات و گفت‌وگو با اعضای انجمن روزنامه‌نگاران کویت
۸. دیدار و گفت‌وگو با دو دیوانیه شیعی در کویت
۹. دیدار و ملاقات با جناب آقای ابوالحسن وزیر اطلاع‌رسانی کویت

دیدار از خبرگزاری کونا

در آغاز این دیدار، آقای محمد العجیری، رئیس خبرگزاری کونا ضمن خوشامدگویی اظهار داشت: همان‌طور که می‌دانید روابط ما با تهران گسترده و بسیار دوستانه است. ما در اکثر کنفرانس‌ها، با دوستان ایرانی خود تماس می‌گیریم و برای هماهنگی برخی از مواضع در قبال مسائل و رویدادهای جهانی، با یکدیگر شور و مشورت می‌کنیم. من البته وضعیت خبرگزاری را نمی‌خواهم تشریح کنم و بیش‌تر مایلم به سؤالات شما پاسخ دهم. فراموش کردم مراتب تسلیت خودم را درباره قربانیان زلزله بم بگویم. واقعاً این رویداد، فاجعه عظیمی بود که امیدوارم خداوند به تمامی ایرانیان صبر اعطا نماید.

سپس آقای صحفی به‌عنوان رئیس هیأت ایرانی ابراز داشت:

تشکر می‌کنیم از اظهارات محبت‌آمیز رئیس خبرگزاری کویت و نیز تشکر می‌کنم از اظهارات صمیمانه شما به‌خاطر فاجعه زلزله بم، و از کمک‌های قابل‌ملاحظه کویت به زلزله‌زدگان اخیر. همان‌طور که فرمودید، روابط ایران و کویت، بسیار دوستانه و برادرانه است و پیوندهای عمیق دینی و تاریخی بین دو کشور برقرار است. مناسبات خوبی به لحاظ اقتصادی و سیاسی بین ایران و کویت وجود دارد و قصد ما از این سفر، مبادله تجارت و اطلاعات در زمینه فعالیت‌های مطبوعات است. مفید می‌دانم اگر شرحی از نحوه فعالیت خبرگزاری

کویت و همچنین الزامات قانونی فعالیت‌های مطبوعاتی را برای ما ارائه فرماید.

آن‌گاه رئیس خبرگزاری کویت گفت: خبرگزاری کونا براساس قانون سال ۱۹۷۶ تأسیس شده و کارش را در سال ۱۹۷۸ شروع کرده است. مدیرکل خبرگزاری را امیر تعیین می‌کند و هیأت‌مدیره آن پنج عضو دارد. خبرگزاری از نظر اداری و مالی مستقل است. وزیر اطلاع‌رسانی یک نظارت معنوی و سیاسی دارد ولی قدرت مداخله ندارد. بودجه اصلی مؤسسه دولتی است و همچنین از طریق فروش خبرها و عکس‌ها نیز کسب درآمد دارد.

بودجه خبرگزاری کونا توسط مجلس به تصویب می‌رسد. باتوجه به این‌که خبرگزاری جواب‌گوی وزیر نیست از دخالت‌های شخصیت‌های دولتی و غیردولتی مصون است و باتوجه به این‌که مدیرکل خبرگزاری در مجلس حضور پیدا می‌کند باعث می‌شود که خبرگزاری فقط از مجلس و نمایندگان آن دفاع کند و حرمت ملت را نگه دارد.

اما مطبوعات کویت خصوصی است و دولت بودجه هیچ نشریه‌ای را تأمین نمی‌کند. صدور مجوز مطبوعات در کویت با یک مشکل مواجه هست و آن محدودیت اعطای مجوز به نشریات سیاسی است. جریان‌های سیاسی که مایل هستند نشریات سیاسی داشته باشند باتوجه به قانون مطبوعات مصوب هیأت وزیران نمی‌توانند مجوز انتشار نشریه سیاسی دریافت نمایند و این موضوع در حالی است که در قانون اساسی گفته شده که آزادی بیان برای همه باید باشد.

به همین دلیل، در حال حاضر یک بحث در کویت برای تعدیل قانون مطبوعات وجود دارد. دولت از یک طرف و جریان‌های سیاسی از طرف دیگر در این کشمکش حضور دارند. دولت در حاضر نمی‌خواهد از این قدرت خود چشم‌پوشی کند و از سوی دیگر اهالی مطبوعات ضمن درخواست افزایش

آزادی بیش تر نمی خواهند مجوزهای بیش تری برای انتشار روزنامه‌های جدید از سوی دولت داده شود. چرا که محدوده و گستره کشور وسیع نیست. دولت و مطبوعات در خصوص صدور مجوز و به تعبیر دیگر، عدم صدور مجوز جدید اتفاق نظر دارند ولی در خصوص لغو پروانه اختلاف نظر دارند. محل اختلاف هم، قدرت بیش از حد وزیر اطلاع رسانی است، زیرا در قانون آمده است که وزیر اطلاع رسانی می تواند نشریه‌ای را توقیف و یا تعطیل کند. البته برخی از مواد فعلی قانون مطبوعات به نظر می رسد که همگام با زمانه نیست. قانون مزبور با توجه به این که سال ۱۹۶۰ تدوین شده و الان ما در ۲۰۰۴ هستیم مخصوصاً در خصوص مجازات‌های تعیین شده در قانون برای روزنامه نگاران، بسیار سخت گیرانه است. پیشنهادی دارم برای برادران که اگر تمایل دارند از این موضوع، آگاهی بیش تری کسب کنند با مدیرمسئول نشریه الوطن دیدار داشته باشند.

پس از این اظهارات، سایر اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات نیز سؤالاتی از آقای محمد العجیری مطرح کردند که در زیر متن پرسش و پاسخ‌ها ارائه شده است.

آقای مهرپور: تشکر می کنم از این دیدار و توضیحات مفید جنابعالی، از آن جا که خودم استاد رشته حقوق هستم و مدتی هم در قوه قضاییه قاضی بوده‌ام تمایل دارم در این حوزه اطلاعاتم را بیش تر کنم. البته با قانون مدنی و احوال شخصیه کویت آشنا هستم و به نظرم قوانین موجود کویت هم نسبتاً مرفعی است. فکر می کنم عمده قوانین جدید کویت بعد از سال ۱۹۸۰ تهیه شده است. این قوانین بین شرع و موارد جامعه جدید تطبیق داده شده است. سؤال این است که با توجه به حضور رئیس خبرگزاری در مجلس آیا مجلس می تواند رئیس خبرگزاری و یا وزیر اطلاع رسانی را به خاطر عملکرد خبرگزاری احضار کند و از وی سؤال نماید؟

آقای محمد العجیری: مسئولیت سیاسی خبرگزاری به عهده وزیر است و مدیرکل خبرگزاری در مورد عملکرد خبرگزاری مسئولیت دارد. وزیر بیش‌تر هدایت کلی را برعهده دارد. در صورتی که تصمیم سیاسی باشد ممکن است وزیر اطلاع‌رسانی را استیضاح کنند، ولی اگر موضوع، غیرسیاسی باشد مدیرکل خبرگزاری مسئول است. وزیر این اختیار را ندارد که تصمیماتی در مسائل اداری - مالی بگیرد و فقط در مورد سیاست‌های کلی، امکان تصمیم‌گیری دارد. این موضوع باعث شده است رابطه حساسی بین وزیر و مدیرکل وجود داشته باشد. وزیر اگر موضوعی را بخواهد می‌تواند درخواست خودش را به شورای اداری بدهد و از آن طریق مسائل به وزیر می‌رسد. البته این نکته را هم بگویم که وزیر باید پاسخگو باشد ولی از سوی دیگر مسئولیت و اختیاراتی به وی نداده‌اند، که این موضوع، منجر به بروز مشکل شده است.

آقای مهرپور: ما در ایران قانون مطبوعات مصوب سال ۶۵ و اصلاحیه‌ای را که در سال ۷۹ بر آن شد، اجرا می‌کنیم. در ایران در صورت تخلف نشریات، جزای آن می‌تواند جریمه، حبس و یا حتی تعطیلی باشد. البته رسیدگی به تخلفات مطبوعات باید در دادگاه علنی و با حضور هیأت منصفه باشد. ولی طبق همین قانون، دادستان می‌تواند نشریه‌ای را برای مدتی توقیف نماید. همچنین این شورا یعنی همین هیأت نظارت که در این‌جا حضور دارند، می‌تواند در موارد خاص، نشریه را توقیف نماید، ولی باید ظرف یک هفته پرونده را برای رسیدگی به دادگاه ارسال نماید. ما در برهه‌ای از زمان مواجه بودیم با برخورد سخت‌تر قوه قضاییه با مطبوعات به نسبت برخوردی که قوه مجریه و یا همین شورا با مطبوعات داشت - البته الان وضعیت بهتر شده است. حال من می‌خواهم بدانم در کویت باتوجه به جدالی که وجود دارد آیا از نظر فعالان مطبوعاتی، ارسال پرونده‌های مطبوعاتی به قوه

قضایه چگونه است، یعنی روزنامه‌نگاران آیا احساس امنیت بیش‌تری می‌کنند که موضوع توسط قوه قضایه رسیدگی شود و یا نه؟

آقای محمدالعجیری: باتوجه به این‌که براساس قانون، هیأت وزیران می‌تواند نشریات را توقیف نماید و قوه قضایه نمی‌تواند، مدیران جرأید تمایل دارند این موضوع به دادگاه و نه دادستان و یا دولت ارجاع شود، چرا که فکر می‌کنند رسیدگی به این مسائل در دادگاه بیش‌تر براساس قانون باشد. البته می‌دانید که مسائلی که برای تعطیلی مطبوعات عنوان می‌شود مصالح کشور و... می‌باشد، ولی تاکنون مطبوعات و نشریه‌ای براساس مصوبه‌ای از هیأت وزیران تعطیل و توقیف نشده است. فقط در سال ۹۸ هیأت وزیران مصوبه‌ای داشت که بر آن اساس روزنامه‌های *السیاسه* و *الانباء* تعطیل شد ولی امیرکویت این مصوبه را در همان روز لغو کرد.

آقای قمی: با تشکر از صحبت‌های گرم شما سه سؤال دارم:

۱. آیا از نظر قانونی، تأسیس خبرگزاری از سوی متقاضیان خصوصی و یا عمومی و غیردولتی، ممنوعیتی دارد؟ چون ما در ایران غیر از خبرگزاری رسمی ایرنا، بعضی از مؤسسات عمومی هم خبرگزاری دارند. ممکن است از بودجه دولتی استفاده کنند ولی وابسته به دولت نیستند.
۲. در لبنان روزنامه‌های سیاسی محدود شده است ولی نشریات غیرسیاسی محدود نیست. در کویت آیا جریان همانند لبنان است یعنی مانع تعدد و افزایش نشریات جدید، آیا خود مطبوعات می‌هستند یا نه؟
۳. باتوجه به مسأله گسترش اطلاع‌رسانی در جهان امروز که دائماً آثار مثبت و منفی در حوزه‌های مختلف برجای می‌گذارد و همچنین باتوجه به این‌که صهیونیست‌ها در فرآیند اطلاع‌رسانی حضور زیادی دارند، قطعاً برای مواجهه با این هجمه، کشورهای اسلامی نیاز به همبستگی بیش‌تری دارند. آیا حضرتعالی همکاری بین خبرگزاری‌های کشورهای اسلامی را مثبت ارزیابی می‌کنید؟

دیدارها و گفت‌وگوها ۱۵۹

آقای محمد العجیری: در مورد صدور مجوز برای خبرگزاری و نشریه، این امر در انحصار هیأت وزیران است. در مورد مجلات و نشریات غیرسیاسی که از سوی انجمن‌ها و صنف‌ها منتشر می‌شود به‌طور بسیار آسان مجوز دریافت می‌کنند. در مورد مقابله با حملات تبلیغاتی صهیونیست‌ها ما معمولاً این حرف‌ها را بسیار زیاد تکرار می‌کنیم ولی عملاً کاری نمی‌کنیم. ما باید ابتدا گفتمان روشنی از اطلاع‌رسانی داشته باشیم و سپس اقدام به این کار نماییم. ما در داخل کشورها یمان گروه‌های تندرو و غیرتندرو داریم و نمی‌توانیم هیچ روش و سیاست روشن و مشخصی داشته باشیم.

در مورد مقابله با تهاجم صهیونیست‌ها مثالی را می‌زنم که چطور می‌توان مسائل از خط خودش منحرف می‌شود. ما اوایل سال ۱۹۸۰ در وین اجلاسی داشتیم. گفتیم که موضوعات به همان شکلی که هست باید منعکس شود. ما در زبان عربی به مبارزان، فدائیان می‌گوییم که در عربی یک معنای بسیار مثبتی دارد درحالی‌که آن‌ها از واژه تروریست استفاده می‌کنند و این استفاده واژگان متفاوت از یک موضوع، ما را وارد جدل بسیار وسیعی کرد. آن‌ها به ما می‌گفتند وقتی شما به سرباز اسرائیلی حمله می‌کنید توجیه‌پذیر است ولی حمله به غیرنظامیان توجیه‌پذیر نیست. البته ما هم به آن‌ها می‌گفتیم که وقتی آن‌ها به اردوگاه‌ها حمله می‌کنند توجیه‌پذیر نیست. مثال دیگری عرض می‌کنم. وقتی طالبان با شوروی در افغانستان می‌جنگیدند به آن‌ها مجاهد گفته می‌شد ولی وقتی آن‌ها علیه آمریکایی‌ها وارد جنگ شدند، آن‌ها تروریست شدند. ما بایستی گفتمان رسانه‌ای مشخصی داشته باشیم. جهان غرب نمی‌پذیرد که اتوبوسی در اسرائیل منفجر شود و یا آقای حکیم توسط گروه‌های رقیب ترور شود.

آقای سحرخیز: خبرگزاری در مقابل نمایندگان مجلس پاسخگو است. آیا در این درگیری‌های فوج‌بخش سیاسی! دادستان نیز برای برخورد با جریان اطلاع‌رسانی، وارد میدان می‌شود.

آقای محمد العجیری: اگر یک شخص متضرر شده باشد می‌تواند به دادستانی مراجعه نماید. همچنین دولت اگر ببیند که مسأله‌ای که مطرح شده مربوط به امنیت ملی است می‌تواند وارد صحنه شود و اقدام نماید.

یادآور می‌شوم ما دربارهٔ قانون مطبوعاتی داریم صحبت می‌کنیم که دولت و قوهٔ قضاییه نمی‌توانند از اختیارات خودشان به‌سادگی برای تعطیلی و توقیف نشریه استفاده کنند. ولی وزارت اطلاع‌رسانی در موارد عادی و طبیعی، می‌تواند در قوهٔ قضاییه پرونده تشکیل دهد و البته سعی می‌کند که چهرهٔ دولت و نظام را مخدوش ننماید.

آقای سحرخیز: فکر می‌کنم سؤال من درست منتقل نشد. سؤال من دربارهٔ خبرگزاری بود نه مطبوعات. در مباحث سیاسی و خبرهای سیاسی که خبرگزاری مخابره می‌کند آیا دادستان و یا مقام عالی قضایی برای درج این خبر، موضوعیتی را در نظر می‌گیرد که بخواهد با وی برخورد قضایی بکند؟ آقای محمد العجیری: به این شکل که فرمودید تاکنون چندین پرونده از سوی دستگاه‌های رسمی و غیررسمی تشکیل شده است. یکی از پرونده‌های مشهور دربارهٔ یکی از وزرای قدیم نفت بود، در دادگاه بدوی ۲۰۰ هزار دینار علیه خبرگزاری حکم داده شد، ولی در دادگاه تجدیدنظر حکم تغییر کرد.

آقای سحرخیز: قبل از تجاوز عراق به کویت خبرگزاری کونا جایگاه مهمی را داشت ولی الان که خبرها را پیگیری می‌کنم به ظاهر تأثیر این حمله و تجاوز به گونه‌ای بوده که هنوز خبرگزاری به جایگاه قبلی خود نرسیده است. دلیل این موضوع چیست؟ البته اگر اشتباه نکرده باشم.

آقای محمد العجیری: نمی‌دانیم این مقایسه‌ای که جنابعالی دارید از نظر سیاسی، و یا حجم کار خبرگزاری است. خبرگزاری کویت از لحاظ جهانی و منطقه‌ای در قیل از تجاوز در جایگاه مهمی بود. وقتی خبرگزاری تأسیس شد ما در آن زمان از برادران عرب و فلسطینی استفاده می‌کردیم که حدود ۶۰ درصد از

دیدارها و گفت‌وگوها ۱۶۱

کادر خبرگزاری را تشکیل می‌دادند. خبرهای ما نیز حدوداً ۸۰ درصد درباره فلسطین بود. بعد از آزادسازی کویت، بیش‌تر این افراد از کویت رفتند و ما با چالش بزرگی از نظر نیروی انسانی مواجه شدیم. با تلاش‌های بسیاری موفق شدیم این کادر را براساس علمی، فنی و حرفه‌ای تنظیم نماییم. کسی که اخبار کونا را دریافت می‌کند البته عمدتاً نظرش در خصوص کویت و منطقه است و ما نیز بر همین موضوعات تمرکز داریم.

آقای صادقی: به نظر می‌رسد شکل‌های جدیدی مثل کانال‌های تلویزیونی می‌تواند بر دامنه نفوذ فعالیت مطبوعاتی بیش‌تر تأثیر بگذارد. شما آیا امکان ارسال خبرهای صوتی و تصویری را هم بررسی کرده‌اید و آیا به ایجاد سایت اینترنتی هم اندیشیده‌اید؟

آقای محمد العجیری: این کار احتیاج به کادرهای آموزش‌دیده خوبی دارد. البته یک سایتی را در اینترنت باز کرده‌ایم که امیدواریم در آینده بتوانیم کارهای جدیدتری را ارائه دهیم.

آقای صادقی: طبق ماده ۱۴ قانون مطبوعات کویت، نشریات باید از شورای مطبوعات مجوز نشر بگیرند و نه از وزیر اطلاع‌رسانی ولی شما گفتید که مجوز را وزیر اطلاع‌رسانی می‌دهد.

آقای محمد العجیری: این قانون در حال تغییر است، ولی به‌رحال چیزی که در حال حاضر اجرا می‌شود همین قانون است که وزیر اطلاع‌رسانی مجوز صادر می‌کند.

دیدار از روزنامه القبس و گفت‌وگو با مدیرمسئول روزنامه

در دیدار از روزنامه کویتی القبس که با حضور ولید عبداللطیف التصف انجام شد، این‌بار آقای صحفی، آغازگر گفت‌وگوها بود. ایشان ضمن معرفی اعضای هیأت، وظایف هیأت و اهداف سفر، خاطرنشان کرد که روزنامه القبس روزنامه معروفی است و جایگاه ویژه‌ای در بین رسانه‌های عربی دارد.

آقای صحفی افزود: ارتباط ممتاز مسئولان و مردم ایران و کویت ایجاب می‌کند که باتوجه به فضای سیاسی حاکم بر منطقه روزنامه‌نگاران دو کشور نیز به گفت‌وگوی بیش‌تر با یکدیگر بپردازند.

سپس آقای عبداللطیف النصف با تأکید بر ضرورت استقلال مطبوعات از دولت‌ها، اظهار داشت: ما در کویت شاهد هستیم که مطبوعات تأثیر به‌سزایی بر جامعه دارد، زیرا مطبوعات سیاسی و آزاد است. به همین دلیل مطبوعات این کشور با کشورهای دیگر به‌خصوص کشورهای خلیج فارس متفاوت است. این آزادی برگرفته از آزادی مجلس کویت است. ما اعتقاد داریم هر چقدر مطبوعات از دولت بیش‌تر دوری‌گزینند، برای مطبوعات بهتر است. البته هر کشوری دارای ویژگی‌های خاص خودش است ولی ما فکر می‌کنیم هر چقدر آزادی در کشورهای همسایه قوت بگیرد این آزادی بر ما نیز تأثیر خواهد گذاشت. ما براساس تجربه‌ای که داشتیم فکر می‌کنیم برای حل مشکل آزادی مطبوعات بایستی به آن آزادی بیش‌تری داد نه این‌که از آزادی جلوگیری کرد. هیچ دولتی و حکومتی در جهان نیست که تمایل داشته باشد که به مطبوعات آزادی بدهد حتی آمریکا و حتی دولت خود ما. حتی مسئولان ما وقتی به خارج مسافرت می‌کنند نصیحت می‌کنند که به مطبوعات آزادی داده نشود. ولی ما اعتقاد داریم که همان‌طوری که مسئولان به کشور علاقه دارند ما هم علاقه‌مند به کشور هستیم و با وجود آزادی مطبوعات، هیچ ضرری به کشور وارد نمی‌شود. سرانجام ما اعتقاد داریم دستگاه قضایی می‌تواند مشکلات را حل کند و در این میان دولت نمی‌تواند داور و قاضی باشد. شما [خطاب به هیأت ایرانی] هر قدر آزادی بیش‌تری به‌دست بیاورید قدرت و آزادی ما نیز بیش‌تر خواهد شد. درعین‌حال که به‌عنوان خبرنگار به شرایط مطبوعات شما احترام می‌گذاریم، ولی معتقدیم آزادی در این حوزه در کشور شما تأثیر بسیاری بر آزادی مطبوعات ما خواهد داشت.

در ادامه این دیدار سایر اعضای هیأت نیز وارد گفت‌وگو شدند و با طرح سؤال، از وضعیت مطبوعات در کویت بیش‌تر جو‌یا شدند.

آقای صادقی: با تشکر از مطالب خوب روزنامه شما درباره زلزله بم، ظاهراً پنج روزنامه عربی و دو روزنامه انگلیسی در کویت وجود دارد. گمان می‌کنیم امکان و ظرفیت بیش‌تری برای انتشار روزنامه در کشور شما وجود داشته باشد. می‌خواستیم بدانیم چرا روزنامه‌های بیش‌تری مجوز نمی‌گیرند و منتشر نمی‌شوند. این منع از جانب دولت است و یا این‌که مطبوعات نیز نسبت به این موضوع راضی هستند. ما در ایران در حال حاضر ۱۶۰ مجوز روزنامه داریم که ۶۸ عنوان این‌ها منتشر می‌شوند و همین امسال در شش ماهه گذشته، ۴۸ مجوز روزنامه صادر شده است و حدود ۴۵۰ مجوز نشریه دیگر نیز در همین سال به خانواده مطبوعات افزوده شده است. با این حال تحت فشار هستیم که چرا بیش از این مجوز صادر نمی‌کنیم. البته معنی برای مجوز دادن نیست بلکه فرصت برای این کار کم است.

سرمدیور القیس: من وقتی در مطبوعات قلم می‌زنم در خصوص افزایش تعداد مطبوعات می‌گویم به مطبوعات جدید نیاز نداریم، ولی دروغ می‌گویم! نمی‌توانم چیزی غیر از این بنویسم: من در تأیید صحبت‌های شما می‌گویم: مطبوعات می‌توانند بیش‌تر شوند و این گنجایش وجود دارد. ولی دولت همین پنج عنوان را تحمل نمی‌کند. دولت می‌ترسد که تشیع، سلفی و گروه‌های فتنه‌گر این مجوزها را بگیرند. البته مشکل اصلی مطبوعات وقتی است که فروش نمی‌کند، در آن موقع وقتی سود نمی‌کند طبیعتاً به سمت سفارتخانه‌ها می‌رود، همان‌طور که در بیروت است، ولی ما این کار را نمی‌کنیم. دلیل قدرتمندی ما چاپ آگهی است و از این رو قدرت مالی روزنامه‌های کویت خوب است.

آقای مهرپور: شما به مسأله مهم آزادی مطبوعات و لزوم حفظ آن اشاره کردید.

در ایران قبل از انقلاب، اصطلاح معروفی بود، گفته می‌شد مطبوعات رکن چهارم انقلاب مشروطیت است و بعد از انقلاب گفته می‌شود مطبوعات رکن چهارم دموکراسی است. همین مفهوم را در جهان عرب نیز به کرات شنیده‌ام. به هر حال مطبوعات و آزادی آن نقش به‌سزایی در آزادی بیان دارد. در قانون اساسی ما اصل ۲۴ قانون اساسی تصریح می‌کند مطبوعات در بیان مطالب آزادند. فقط دو محدودیت ذکر شده است:

۱. حفظ حقوق و مصالح عمومی؛

۲. حفظ موازین اسلامی.

چون همان‌طور که آزادی مطبوعات مناسب است تخلف مطبوعاتی هم در بعضی از موارد، همانند خلاف اخلاق عمومی، تأثیر نامطلوبی دارد. جمع بین این موارد بسیار حساس و دقیق است. در بسیاری از این موارد، کسانی در پشت پرده، مانع انتشار نشریات می‌شوند و خوب از طرف دیگر بعضی‌ها نیز از آزادی مطبوعات سوءاستفاده می‌کنند. در خصوص آزادی مطبوعات به‌نظر شما کدام راه صحیح است؟ آیا شما با مشکلاتی برخورد داشته و مواجه بودید و آیا شما از کمک مالی دولت برخوردار بوده‌اید؟ و اگر بله، آیا دولت از این طریق یعنی کاهش کمک مالی بر شما فشار آورده است؟

سردیو القیس: ما هیچ کمکی از دولت دریافت نمی‌کنیم. مشکلات زیاد است، ولی بزرگ‌ترین مشکل، دیدگاه‌های شخصی است که بر درج مطالب اعمال می‌شود. یک پدیده جدیدی بر مطبوعات تحمیل شده است و آن فشار آگهی‌دهندگان در خصوص چگونگی محتوای مقالات و گزارش‌های روزنامه است. به تعبیر دیگر کنترل و سانسور تجاری بیش از سانسور سیاسی در این جا اعمال می‌شود. نمی‌دانم در مورد مضرات سیگار مطلب چاپ کنم. درآمد من از بابت درج آگهی‌های تجاری است. مشکلات من

بیش‌تر اقتصادی است و نه سیاسی. یک مشکل دیگرم بیش‌تر از ناحیهٔ آراء رجال دین است. من یک ارزیابی علمی می‌کنم آن‌ها می‌آیند نظرات دیگری می‌دهند. مثلاً عکس‌هایی را چاپ کردیم که گفتند این عکس‌ها تحریک‌آمیز است. همهٔ این مسائل وجود دارد ولی همهٔ این‌ها باید در قوهٔ قضاییه رسیدگی شود. من هر دو هفته، یک‌بار به قوهٔ قضاییه می‌روم، البته خوشحال هستم چرا که من می‌نویسم و آن‌ها نیز حق دارند شکایت کنند.

آقای سحرخیز: وقتی صحبت‌های شما را می‌شنوم می‌بینم که برای مطبوعات همیشه مشکلات یکی است و شبیه هم است. من هم مثل شما معتقدم که این آزادی‌هایی که در کشورهای همسایه است مثل ظروف مرتبط هستند و با یکدیگر ارتباط دارند. در واقع افزایش سطح آزادی‌ها در یک کشور به افزایش آزادی‌ها در کشورهای همسایه منتقل می‌شود. سؤال من این است که آیا در کویت نهادهای صنفی برای دفاع از آزادی‌های مطبوعاتی و صنفی وجود دارد و اگر بلی قدرت و اعمال نفوذش چقدر است؟

القیس: گرایش‌های مختلف سیاسی در کویت، همه معتقد به آزادی هستند. مهم‌ترین مدافع ما مجلس است. نهادهایی مثل انجمن مطبوعات و انجمن فارغ‌التحصیلان وجود دارد، اما تأثیر مجلس ملی بیش‌تر است. هرچه حکومت قوی شود ما ضعیف می‌شویم و هرچه حکومت ضعیف شود ما قوی می‌شویم. در بیست سال گذشته مطبوعات این شانس را داشته‌اند که اختلاف قدرت در حاکمیت وجود داشته است.

آقای سحرخیز: این نگرانی را ندارید که اگر مجلس و حکومت یکی شوند در نبود نهادهای صنفی، مطبوعات ضرر کنند؟

مدیر مسؤول القیس: اگر دولت و مجلس توافق کرد بنابراین مطبوعات از صحنه خارج خواهد شد. ما داریم تأثیر رویدادهای عراق را بر وضعیت منطقه بررسی می‌کنیم، یعنی ببینیم حذف یک قدرت و دولت مستبد و زورگو که

نسبت به آزادی‌های شهروندی چندان روی خوش از خود نشان نمی‌داد، چه تأثیری بر مناسبات شهروندان و حکام در سایر کشورهای منطقه خواهد داشت.

آقای مزروعی: درصد حجم آگهی‌ها در روزنامه شما چقدر است؟
القبس: ما نمی‌گوییم که بهترین آگهی‌ها را داریم ولی از ۳۰ تا ۳۵ درصد آگهی داریم.

آقای مزروعی: آگهی را مستقیم می‌گیرید یا از طریق شرکت‌های آگهی؟
القبس: از طریق شرکت‌ها آگهی می‌گیریم، ۳۰ درصد نشریه را به آن‌ها می‌دهیم.
آقای مزروعی: نکته مهمی که در حال حاضر وجود دارد این است که مطبوعات فقط از طریق دولت محدود نمی‌شوند بلکه از طریق تجار نیز محدود می‌شوند. وقتی تیراژ افزایش می‌یابد قیمت آگهی‌های شما نیز افزایش می‌یابد. برای این‌که این آگهی‌ها را جذب کنید مجبور می‌شوید که مطالبی را بنویسید. سؤالی که من داشتم، این است که چگونه مابین این آزادی بیان و جذب آگهی مشکل را مرتفع می‌کنید؟

القبس: این مشکل‌ترین کار است. مخصوصاً اگر صاحب آن شرکت، یکی از مالکان روزنامه باشد. ولی با تمام این مشکلات، آزادی مطبوعات بهتر است. اما خطرناک‌ترین چیز برای مطبوعات، آن است که مالک یک نشریه، تاجر باشد.

دیدار از روزنامه‌الانباء

از نکات جالب سفر به کویت، مواجه شدن با یک خانم مدیر مسئول در یک روزنامه معروف و معتبر بود. خانم بی‌بی خاله المرزوق، سردبیر روزنامه‌الانباء برای هیأت ایرانی، حرف‌های جالبی داشت. وی ابتدا، تفاوت زبان را به‌عنوان مانعی برای برقراری ارتباط مستقیم‌تر و بیش‌تر این دو کشور ارزیابی کرده و

معتقد بود: «در کویت ما، شاید به خاطر تفاوت زبان نسبت به ایران کوتاهی کرده‌ایم. روابط ما با ایران در حال حاضر و بلکه برای آینده اهمیت دارد.» خانم المرزوق، سپس زلزلهٔ بم را به هیأت ایران تسلیت گفت و سفر هیأت را به کویت، به عنوان اقدامی مثبت، ستود. سخنان بعدی وی در پاسخ به اعضای هیأت ایرانی بر تعجب افراد افزود.

در پاسخ به خانم المرزوق، آقای صحفی از عملکرد بسیار خوب مطبوعات کویت در خصوص زلزلهٔ بم تشکر کرد و افزود: «در این فرصت از مردم مهربان کویت، از دولت و همچنین از مطبوعات کویت تشکر و قدردانی می‌کنیم.» آقای صحفی در ادامه به موضوع عراق اشاره کرد و گفت: «خبر دستگیری صدام خبر مسرت‌بخشی بود ولی خروج نظامیان آمریکا از آن‌جا خبر بسیار مسرت‌بخش‌تری خواهد بود و ما امیدواریم این امر هرچه زودتر، تحقق پیدا کند.»

در این‌جا خانم المرزوق که نفرت خود را از صدام و حزب بعث پنهان نمی‌کرد، خطاب به آقای صحفی گفت: «این درست است ولی چه کسی این نیروها را وارد منطقه کرد جز صدام؟ یکی از دلایل ترک منطقه نیروهای آمریکایی، دستگیری صدام است. بنابراین با دستگیری صدام به‌نظر می‌رسد که دیگر حضور نیروهای آمریکایی ضروری نیست. کویت و ایران فقط از صدام ضرر ندیده است بلکه از حزب بعث ضرر دیده است. امیدواریم که به زودی مردم عراق سرنوشت خودشان را به‌دست بگیرند.» وی در ادامهٔ صحبت‌های خود به موضوع مطبوعات پرداخت: دولت کویت در واقع به‌طور طبیعی به مطبوعات آزادی داده است و قانون مطبوعات همین امر را تجربه کرده است. قبل از انتخابات مجلس شورای ملی در آن سال ما بر این باور بودیم که یک جریان امنیتی، سیاسی وجود دارد که بایستی مسئولیت اعمال خودشان را خودشان بر دوش کشیده و مطالبشان را آزادانه بگویند. این جریان‌ها خواه، سیاسی و یا دینی، از برادران سُنی باشد یا شیعه باشد، وقتی دیدگاه‌های آنان

ظاهر شد ناگهان مواجه با توقیف دو روزنامه به مدت پنج روز شدیم. ما در قبال این واقعه، بهای سنگینی پرداختیم و این باور شخص بنده بود. پدرم هم این باور را داشت که مصلحت کویت بیش از مصلحت دولت و حکومت است.

بعد از این قضیه دولت چاره‌ای ندید جز این که برای توقیف نشریه پرونده را به قوه قضائیه ارجاع دهد. شما الان راجع به قانون مطبوعات گفتید در حال حاضر این موضوع در مجلس برای تصویب قانون جدید مطبوعات مطرح است. بنده در این جا در خصوص مجوز دادن به نشریات جدید اختلافی ندارم. زیرا معتقدم همیشه پایداری یک پدیده با بهترین‌ها است نه قوی‌ترین‌ها. البته در چند مورد با مجلس مخالفم:

اولاً: منع مجازات زندان برای روزنامه‌نگاران مگر موردی باشد که اهانتی به پیامبر و دین باشد.

ثانیاً: دخالت دادستان در کار مطبوعات موجب اختلال در جریان کار است. ثالثاً: آیا اساساً ما نیازی به قانون مطبوعات داریم؟ ما امروز در زمانی زندگی می‌کنیم که با حتی پنج سال پیش متفاوت است. آنچه که برای انسان واجب است احترام به دگراندیشان است و براساس این احترام برخوردهایی به وجود می‌آید که براساس آن موضوعات جدیدی مطرح می‌شود. فکر می‌کنم شما در برهه‌ای از کویت دیدن می‌کنید که برای مطبوعات بسیار حساس است.

آقای مهرپور: شما به عنوان یک خانم تحصیلکرده مسئولیت یک نشریه را برعهده دارید لذا به نظرم رسید که چند نکته یا سؤال را بیان کنم:

۱. مطبوعات اصولاً در زمینه ارتقای زنان در جامعه کویت چه نقشی را ایفای می‌کنند. مخصوصاً این که زن‌ها حق رأی دادن و انتخاب شدن ندارند، حتی پس از فرمان امیر، مجلس این موضوع را رد کرده است. با این که کویت عضو برخی از معاهدات بین‌المللی است و عضو معاهده منع تبعیض علیه زنان نیز هست، شما چگونه این واقعیت را ارزیابی می‌کنید؟

۲. در کویت اساساً خانم‌ها چقدر در مسئولیت انتشار نشریه نقش دارند؟

خانم المرزوق: اولین تظاهراتی که علیه عراق راه افتاد توسط زنان بود. همان طور که فرموده‌اید امیر کویت قانون حق فعالیت سیاسی زنان را پیشنهاد کرد و پارلمان رد کرد. بنابراین عیب کار از چه کسی است؟ زن قبل از این که کویتی و ایرانی باشد خداوند حقوق وی را در قرآن حفظ و بیان کرده است. این شریعت بنیادین که در درون ما جای گرفته بسیار بزرگ‌تر از معاهدات است. ولی واقعاً این چه کسی است که دستورات الهی را عمل نکرده است. بنابراین به نظر می‌رسد که ما در کشمکش داخلی هستیم نه در کشمکش قانونی. زیرا خداوند زن را از مرد متمایز کرد، ولی اساس کار ما این است که چقدر به لحاظ اساسی به این باور داریم و این احترام درونی بر ما ایجاب می‌کند که نسبت به دگراندیشان احترام بگذاریم.

اما در خصوص سؤال دوم: ما در دهه ۴۰ مقالاتی را در مطبوعات به چاپ رساندیم، مضافاً این که اولین امتیاز برای هفته‌نامه در خلیج فارس و کشورهای عربی به غیر از مصر مربوط به یک زن کویتی است و چند زن دیگر در مطبوعات کویت فعال بوده‌اند. بنابراین مسأله، مسأله زن و مرد نیست. کار مطبوعات یک کار فکری است. ولی آن چیزی که باعث پیشبرد فعالیت زنان در مطبوعات کویت شد تغییرات اخیر است.

آقای صادقی: در ابتدای سخنانتان گفتید که کویت نسبت به ایران کوتاهی کرده است شاید این به کویت بسته نشود، و شامل دیگر کشورهای عربی هم بشود. شاید ناسیونالیسم عرب این رویداد را تشریح می‌کرده است در حالی که کشورهایی در منطقه خاورمیانه هستند که دشمن آنان اسرائیل است. بنابراین جهان اسلام که کشورهای عربی جز آن است بسیار بیش‌تر نیاز به همبستگی و اتحاد دارد. اگر این همگرایی صورت نگیرد فرهنگی که به اسم جهانی‌سازی در حال پیشرفت است بر ما حاکم خواهد شد. در واقع آمریکاسازی و نه جهانی‌سازی.

خانم المرزوق: ما البته همان‌طور که گفتیم مقصریم. ولی ایران نیز مقصر است. ما به ایران به‌عنوان یک کشور باستانی با جمعیت زیاد نگاه می‌کنیم. بنابراین ایجاب می‌کند که ایران خود این عمل را به‌صورت ابتکاری انجام بدهد. ولی درباره قومیت عربی، قومیت عربی برای ما می‌تواند موضوعیت اساسی داشته باشد ولی برای رسیدن به یک هدف، منافع را در نظر می‌گیریم. همان‌طور که در ایران قومیت‌های مختلف موجب نشده که مشکلی پیش بیاید. البته این نکته را باید عرض کنم همان‌طوری که استحضار دارید موضع کویت محدود به بم نیست و یک موضع انسانی است. کمک‌های کشورهای عربی یک وظیفه دینی نسبت به برادران دینی خود است. در اتحادیه اروپا ملیت‌ها و زبان‌های مختلفی وجود دارد ولی در یک چارچوب توانستند به وحدت برسند. اقتصاد باید پلی بین ما و شما باشد ولی ما یلیم به حضرتعالی عرض کنم هر ویژگی تاریخی و فرهنگی یک کشور تأثیری در حال و آینده آن کشور دارد. همگی ما به‌عنوان یک مسلمان می‌توانیم افتخار بکنیم که قرآن به زبان عربی است. البته روزنامه‌الانباء یک روزنامه قومی - عربی نیست. در مورد طرح‌هایی که الانباء به مقصد رسانده از جمله وقتی که در انتخابات توانست سران اقوام را به زیر بکشانند، کار بزرگی کرده است، لکن باید به تمامی جوانب موضوع دقت نمایم.

معاون سردبیر روزنامه: چه زیباست که به ملی‌گرایی پایبند می‌شویم بدون تأکید و تعصب. ایران با رژیم عراق وارد جنگ شد، با رژیمی که مبانی‌اش براساس قومیت است، ولی هم‌پیمان استراتژیک ایران در جنگ مزبور حزب بعث سوریه بود که آن هم براساس قومیت ایجاد شده بود!

آقای سحرخیز: بحث قانون مطبوعات، بحث جدی کویت است. این فقط خاص کویت نیست. ما در اردن و بیروت هم که بودیم همین بحث بود. در خود ایران نیز همین بحث است و دلیلش هم این است که قدرت‌ها آزادی‌ها را

محدود می‌کنند و در مقابل، محدودیت‌هایشان را زیاد می‌کنند. در نتیجه همیشه این درگیری‌ها وجود دارد. امیدواریم شما هم به جایی برسید که دیگر نیازی به مجوز نداشته باشید. ولی اگر نمی‌رسید حداقل شورایی آن مجوزها را بدهد. ولی حداقل در یک‌جا مطبوعات نقطه مشترک دارند و آن محاکمات علنی و با حضور هیأت منصفه است. ولی شما وقتی می‌گویید قانون مطبوعات نباشد چگونه می‌خواهید در دادگاه‌ها از خودتان دفاع کنید؟

خانم المرزوق: در اروپا مجوز را از طریق پست می‌گیرند. حقوق شما در این‌جا چیست؟ فقط مالیات می‌دهید. نیویورک تایمز آگهی می‌دهد که هرچه که پسندیده است ما منتشر می‌کنیم. در مورد پیشنهاد شما، همه معتقدیم که مادامی‌که اندیشه‌ای باشد که جلوی کار نوشتن را بگیرد ما نمی‌توانیم به جلو برویم و پیشرفت نکنیم. اندیشه امام خمینی بود که موجب طرح ایران شد. من به‌رغم آن‌که می‌توانم در این روزنامه با انتشار یک مطلب مخالفت بکنم و بگویم روزنامه مال پدرم است، ولی چنین کاری نمی‌کنم و مطالب مخالف را می‌پذیرم، علی‌رغم آن‌که با آن مطلب مخالفم. چرا که معتقدم فقط با طرح مطالب جدید است که کشور می‌تواند پیشرفت نماید.

دیدار از روزنامه الوطن

محمد عبدالقادر جاسم، سردبیر روزنامه الوطن که درعین حال، نماینده مجلس کویت نیز بود، میزبان بعدی در ادامه دیدارها از روزنامه‌های کویت بود. وی به خاطر همین نقش دوگانه‌ای که برعهده داشت، پیگیر قانون مطبوعات و اصلاح آن نیز بود: «من فکر کردم به‌جای این‌که دولت لایحه قانون مطبوعات را به مجلس ارسال کند، یعنی همان روش مرسوم و قانونی گذشته، ما خودمان یعنی سردبیران مطبوعات، این کار را بکنیم. به همین منظور با تعدادی از نمایندگان مجلس نیز صحبت کرده‌ایم و از وزیر اطلاع‌رسانی کویت نیز خواسته‌ایم که از مشاور حقوقی خودشان بخواهد به مطالعه و بررسی پیش‌نویس قانون

مطبوعات بپردازد. ولی فکر می‌کنم دولت با این پیش‌نویس موافق نباشد. در هر حال، اگر مشکلی پیش نیاید فکر می‌کنم تا پایان همین سال میلادی یعنی سال ۲۰۰۴، قانون مطبوعات جدید کویت به تصویب برسد.»

سپس آقای صحفی از وی سؤال کرد: «مواردی که ممکن است بین دولت و مطبوعات مورد مناقشه قرار گیرد کدام مورد است؟»

عبدالقادر جاسم، سردبیر الوطن که رئیس خبرگزاری کونا نیز سفارش به انجام گفت‌وگو با وی کرده بود، پاسخ داد: مهم‌ترین موضوع، موضوع مجوز مطبوعات است. حکومت کویت اعتقاد دارد که کشور کوچک است و پنج مجوز روزنامه بیش از وسعت کویت است و بیم این را دارد که افزایش مطبوعات باعث افزایش کشمکش‌های سیاسی بشود، خصوصاً این‌که مردم وضعیت مالی خوبی دارند. دولت و تعداد زیادی از مردم نیز از این بیم دارند که شیعیان، تعدادی از سنیان و حتی تعدادی از تجار نشریه منتشر کنند و این باعث عدم ثبات کشور شود. البته در پیش‌نویس این‌طور در نظر گرفته شده که اولاً به راحتی، امکان رد درخواست‌ها وجود نداشته باشد و ثانیاً متقاضی بتواند در دادگاه پیگیری نماید.

مورد دوم لغو مجازات زندان است. چون معتقدیم جرم‌های مطبوعاتی نیاز به زندان ندارند، و با جرائم مطبوعاتی باید به جریمه نقدی اکتفا شود. ظاهراً دولت به استثنای دو مورد، تمایل به پذیرش این مطلب دارد.

۱. تعرض به شخص امیر، چون امیر به صورت مستقیم کار حکومتی انجام نمی‌دهد، بر همین اساس تعرض به ایشان ممنوع است. البته می‌شود به تصمیمات ایشان اعتراض و انتقاد کرد ولی تعرض به ایشان ممنوع است.

۲. تعرض به خداوند و دین مبین اسلام.

معمولاً براساس عرف، سردبیر و نویسنده، جریمه تخلف را پرداخت می‌کند و روال بر این است که خود روزنامه مسئولیت نویسنده را می‌پذیرد. پس از این، سایر افراد نیز به طرح پرسش‌هایی پرداختند:

آقای مهرپور: راجع به دو مورد استثنا گفته شده، حبس برای سردبیر و نویسنده است و یا مدیرمسئول را هم شامل می‌شود و یا همه را شامل می‌شود؟
عبدالقادر جاسم: هم نویسنده و هم سردبیر را شامل می‌شود. به موجب پیش‌نویس قانون مطبوعات، نمی‌توان مطبوعات را از نظر اداری تعطیل کرد مگر با حکم نهایی دادگاه، آن هم در دو مورد اشاره شده. حکم تعطیلی برای روزنامه‌ها از یک ماه تجاوز نمی‌کند و برای فصلنامه‌ها از شش ماه تجاوز نمی‌کند.

آقای مزروعی: آیا پیش‌نویس را می‌توانیم ببینیم؟
عبدالقادر جاسم: هنوز آماده نشده است. هفته آینده آماده می‌شود و در روزنامه چاپ خواهد شد. در این پیش‌نویس همچنین پیش‌بینی شده زندانی کردن سردبیر و نویسنده به عنوان قرار بازداشت موقت حداکثر چهار روز امکان‌پذیر است. در قوانین عادی، بازداشت موقت از یک روز تا چهار روز و بازداشت نهایی ۲۱ روز در نظر گرفته شده است. در پیش‌نویس آمده است که این موضوع مربوط به قوانین عمومی است لذا برای مطبوعاتی‌ها دیگر این بند از قانون وجود نداشته باشد. در این پیش‌نویس پیشنهاد شده که مطبوعات از معرفی مراکز درمانی بدون کسب مجوز از وزارت بهداشت خودداری کنند. توضیح این‌که، در کویت بسیار زیاد از این نوع آگهی‌ها چاپ می‌شود که گواهی از وزارت بهداشت ندارند.

مهم‌ترین نکته در قانون در خصوص چاپ کتاب، که الان هم هست و در پیش‌نویس قانون جدید هم خواهد بود، این است که بدون اجازه و نظارت حکومت و وزارت اطلاعات رسانی کتاب را می‌توان چاپ کرد.

آقای مهرپور: با تشکر از جناب عبدالقادر جاسم، چند سؤال دارم که مطرح می‌کنم.

به هر حال شما در کویت در حال برداشتن گام مهمی در حوزه مطبوعات

هستید که جای امیدواری بسیار است و امیدواریم که در مجلس تصویب شود. در این پیش‌نویس پیش‌بینی هیأت‌منصفه را هم کرده‌اید یا نه؟ چون دادگاه مطبوعات در ایران با حضور سه قاضی و هیأت‌منصفه انجام می‌پذیرد.

عبدالقادر جاسم: در کویت دادگاه دارای سه قاضی است ولی هیأت‌منصفه وجود ندارد. شخصاً معتقدم وجود هیأت‌منصفه، دخالت کار سیاسی بر دستگاه قضایی است. البته در دستگاه قضایی کویت اساساً هیأت‌منصفه وجود نداشته است.

آقای مهرپور: آیا دادگاه می‌تواند اساساً پروانه یک نشریه‌ای را برای همیشه تعطیل نماید.

عبدالقادر جاسم: در قانون فعلی بله ولی در پیش‌نویس نه، به هیچ وجه.

آقای مزروعی: آیا سابقه تعطیلی نشریه در کویت بوده است؟

عبدالقادر جاسم: سه سال پیش خبری بود که تنها در *السیاسه* منتشر شد در مورد افزایش حقوق ارتش و پلیس و در آن خبر نوشته شده بود که امیر، فرمانی در این خصوص صادر کرده است. تمام مطبوعات در روز بعد نسبت به *السیاسه* که این خبر را به دست آورده بود حسودی کردند. *الوطن* پیگیری کرد و از طریق دورنگار، خبری دریافت کردیم مبنی بر نامه کتبی امیر. ما این موضوع را در روزنامه خودمان چاپ کردیم. بعد از جلسه هفتگی شورای وزیران، وزیر اطلاع‌رسانی به ما زنگ زدند و گفتند که هیأت‌وزیران تصمیم گرفته است مجوز *السیاسه* را لغو و *الوطن* را به مدت دو سال تعطیل کند چرا که خبر کذب و ساختگی بوده است. دولت ناراحت شده بود نه به خاطر این که خبر اساساً درست نبوده بلکه به خاطر این که روزنامه‌ها گفته بودند که امیر تأیید کرده است و اگر امیر موافق نبود، این خبر را تکذیب می‌کرد. در واقع این موضوع، امیر را در تنگنا قرار می‌داد. ما تحقیق کردیم که آیا خبر صحت

دارد یا نه؟ متوجه شدیم که این متن را تعدادی از ارتشیان جعل کرده بودند که دولت مجبور به افزایش حقوق بشود. وزیر اطلاع‌رسانی تلفنی به من اطلاع داد که ایشان از آزادی مطبوعات دفاع کرده و از تصمیم لغو روزنامه و تعطیلی روزنامه جلوگیری کرده است. من بعداً با یکی از اعضای هیأت دولت تماس گرفتم، وی به بنده اطلاع داد که وزیر اطلاع‌رسانی تأیید می‌کرد که روزنامه دیگر باید تعطیل شود.

وقتی وزیر اطلاع‌رسانی با من تماس گرفت، ترسیده بود که موضوع برملا شود و روزنامه‌ها از موضع وی بنویسند. به‌هرحال خبر منتشر شد و ما با تماس‌هایی که با رئیس مجلس برقرار کردیم نهایتاً معلوم شد که تصمیم گرفته شده است. فضا در کویت متشنج شد چون این اولین بار بود که چنین تصمیم گرفته شده بود که نشریه‌ای تعطیل شود. مردم بسیار ناراحت بودند. خبرگزاری‌ها و رادیوهای خارجی شروع به پخش خبر کردند، چون این موضوع در تاریخ کویت بی‌سابقه بود. در جلسه فوری و فوق‌العاده هیأت وزیران که همان شب برگزار شد، هیأت وزیران مجدداً موضع خودش را تأیید کرد، ولی وزیر اطلاع‌رسانی از ترسش امضا نکرد. روز بعد، چیزی در *الوطن* نوشتیم. ما مطبوعات توافق کردیم که با توجه به تلاش‌های مجلس شورای ملی موضوع تا صبح روز سه‌شنبه، به تعویق بیفتد. در صبح روز دوشنبه، هیأت وزیران جلسه دوم فوق‌العاده در فرودگاه برگزار کرد. بعد از آن یک ضیافت شامی برگزار شد و در آن ضیافت تمامی وزرا، نمایندگان و سردبیران همگی سخن از این موضوع می‌گفتند و در جلسه سوم فوق‌العاده هیأت وزیران در همان‌جا گفته شد که قرار است مدت توقیف موقت کم‌تر شود. در روز سه‌شنبه که قرار بود جلسه پارلمان تشکیل شود دولت متوجه این شد که پارلمان بابت این موضوع تشکیل می‌شود. رئیس مجلس نزد امیر رفته و خواستند که امیر این مصوبه دولت را لغو کند. سرانجام رئیس مجلس

موفق شد دستورالعملی از امیر بگیرد که دولت این مصوبه را اجرا نکند. نمایندگان فهمیدند که امیر مصوبه را لغو کرده است. در جلسه همان روز مجلس، نمایندگان علیه دولت حرف زدند. دولت ناچار شد که یک جلسه فوق‌العاده دیگر تشکیل دهد. نهایتاً دولت مجبور به استعفا شد و دولت جدید تشکیل شد.

آقای مزروعی: از دولت مستعفی چند نفر وزیر به دولت جدید راه یافتند؟ عبدالقادر جاسم: وزیر اطلاع‌رسانی را طی اطلاعیه‌ای تحریم کردیم. اولین وزیری که تغییر کرد وی بود ولی در مجموع تغییرات محدود بود. در ماه ششم میلادی سال گذشته در یک جلسه عمومی صحبت کردم. در آنجا به من تهمت زده شد که به امنیت کشور لطمه وارد کردم. همه مردم کویت در کنار بنده ایستادند و دو هفته پیش حکم برائت بنده صادر شد.

آقای سحرخیز: در رابطه با پیش‌نویس قانون چه جایگاهی برای نهادهای صنفی در نظر گرفته شده است و اگر امیر این کار را نمی‌کرد آیا مطبوعات می‌توانستند اعتصاب و یا کار دیگری بکنند؟

عبدالقادر جاسم: در مورد نهادهای صنفی، به جز انجمن مطبوعات نهاد دیگری وجود ندارد. من، هم نمایندگی انجمن را دارم و هم سردبیر الوطن هستم. روزنامه‌ها از انجمن مزبور قوی‌تر هستند. اما درباره ادامه سؤال، اگر امیر دخالت نمی‌کردند، باتوجه به تشکیل جلسه پارلمان، دولت می‌دانست باید کنار برود والا مجلس دولت را استیضاح می‌کرد.

از تمام این داستان‌هایی که تعریف کردم، بگذریم. من الان در مورد پیش‌نویس قانون مطبوعات دارم کار می‌کنم و معتقدم که آزادی جزء مؤلفه‌های اصلی مردم کویت است. کویتی‌ها با سعودی‌ها و ایرانی‌ها تفاوت دارند چرا که در این کشور، دولت با مردم به‌زور برخورد نکرده و خونی تاکنون ریخته نشده است. وقتی من این حرف‌ها را می‌زنم، نه این که نمی‌ترسم بلکه مطمئن هستم که دولت با من و امثال من برخورد نمی‌کند.

دیدار از روزنامه‌السیاسه

برای دیدار از روزنامه‌السیاسه کویت، فقط بعضی از اعضای هیأت نظارت، اعلام آمادگی کردند. آقایان مزروعی و سحرخیز با این دلیل که روزنامه‌السیاسه نیز جزو روزنامه‌های مهم کویت محسوب می‌شود و حیث است که از آن بازدید نشود، به دیدار این روزنامه رفتند. البته، در این دیدار، سردبیر روزنامه‌السیاسه نیز به دلیل مسافرت، حضور نداشت. میزبان دوتن از اعضای هیأت ایرانی در دیدار از السیاسه، آقای سلیمان جارالله، معاون سردبیر روزنامه بود. مرور گفت‌وگوهایی که در این دیدار، بین آقایان سحرخیز و مزروعی از ایران و آقای جارالله از کویت ردوبدل شد، تصویری از نوع نگرش و تفکر حاکم بر این روزنامه را نیز بازتاب می‌دهد. در زیر این گفت‌وگوها را می‌خوانیم.

آقای سحرخیز: از دولت و مطبوعات کویت به خاطر اعلام همدردی و کمک‌های بی‌شائبه به مردم زلزله‌زده بم تشکر می‌کنم. این اتفاق‌ها از یک‌سو تأسف‌آور است ولی از سوی دیگر باعث می‌شود تا مردم یک کشور، دوستان خود را بیش‌تر بشناسند.

سلیمان جارالله: به نظرم این اتفاق برای ایران می‌تواند درسی باشد که دیدگاهش را تغییر دهد. تمایل به کمک و اقدام به ارسال کمک‌های مالی و انسانی از جانب کشورهای مختلف نشان داد که همه ملت‌ها به دنبال کشتار و جنگ نیستند، البته طبیعی است که اختلاف‌نظر وجود دارد ولی این اختلاف به عنوان یک رکن باید پذیرفته شود.

آقای سحرخیز: دوستی و رابطه با همه ملت‌ها، شعار اصلی دولت خاتمی است. این، همان شعار و نظریه گفت‌وگوی تمدن‌هاست. به نظر می‌رسد دیدگاه شما، در واقع همان نظریه‌ای است که در جهان به دیپلماسی زلزله معروف شده است. جهان به انسانیت و معنویت بیش‌تر از هر چیزی احتیاج دارد.

سلیمان جارالله: انسانیت و معنویت البته مهم است ولی همین دیدگاه احترام‌آمیز به انسانیت باید ثبات داشته باشد. سیاست‌های خاتمی در منطقه

و جهان پذیرفتنی است ولی درعین حال جهان احساس می‌کند در اجرای این سیاست‌ها دچار موانع است، زیرا ایران دارای ثقل مهمی است. وقتی جنگ آزادسازی عراق آغاز شد. این دغدغه برای ما بسیار مهم بود که این موضوع به خارج از عراق و به سمت ایران نرود. بنابراین برای ما اهمیت دارد که در ایران نسبت به جهان، گشودگی ایجاد شود. وقتی در ایران شکوفایی اقتصادی باشد برای ما هم تأثیرگذار است. وقتی آمریکایی‌ها وارد عراق شدند، تهدیداتی را علیه ایران مطرح کردند. ولی سیاست عقلایی ایرانیان باعث شد این تهدیدات اجرایی نشود. ولی در کل، سیاست‌های اصلاحی خاتمی ظاهراً با موانعی مواجه است که امیدواریم این موانع برطرف شود. اخیراً ما نوعی نزدیکی میان آمریکا و ایران می‌بینیم. آیا ایران آمادگی این را دارد که به آمریکا نزدیک شود و از اصول خودش عدول نماید؟ با آمریکایی که شیطان بزرگ است؟!

آقای مزروعی: ضمن تشکر از پذیرایی خوب شما. در بحث‌های شما موارد متعددی مطرح شد. تاریخ ارتباط ایران و آمریکا با تاریخ ارتباط کویت متفاوت است. تاریخ روابط ایران و آمریکا توهینی را در ذهنیت مردم ایران به جای گذاشته و تغییر این تاریخ و ذهنیت نیاز به گذشت زمان دارد. در ایران، مردم تأثیرگذار اصلی هستند. ما هیچ‌وقت این‌طور فکر نمی‌کنیم که بین اصول انقلاب و ایجاد رابطه با کشورها همبستگی و رابطه ثابت و لایتغیری وجود دارد. اصول ما، سه چیز بوده است استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی و ما همیشه به این شعار توجه داشته‌ایم. رابطه با کشورها موضوعی عقلایی است و تابع مصالح عمومی کشورها است. بنابراین ممکن است در شرایطی رابطه داشتن و در شرایطی رابطه نداشتن مصلحت باشد. به‌طور مثال با آفریقای جنوبی در زمان قدیم ارتباط نداشتیم، اما الان داریم و جزء اولین کشورها بودیم که پس از برکناری رژیم نژادپرستی با آن دولت ارتباط برقرار کردیم.

الان هم در ارتباط با آمریکا این بحث را داریم که آیا منافع ما در صورت ایجاد ارتباط تأمین می‌شود یا نه؟ اختلاف اصلاح طلب‌ها و محافظه‌کاران در ایران همین است. ما به عنوان اصلاح طلب‌ها معتقدیم که می‌شود در این زمان همانند مصر، با آمریکا ارتباط برقرار کنیم. اصلاح طلب‌ها تنها کشوری را که تمایل به ارتباط با آن ندارند اسرائیل است. البته معتقدیم برای ایجاد ارتباط با آمریکا به هر حال باید اجماع سیاسی وجود داشته باشد. این موضوع، البته به صورت بسیار کوچک‌تر درخصوص مصر در حال اجرا است، چرا که در قدیم اکثریت موافق نبودند ولی الان اکثریت موافق هستند. در خصوص مشکلات خاتمی، بله، آنچه شما گفتید، درست است، ولی چیزی که مهم است روند اجرای سیاست‌ها در کشور است که رو به جلو است.

سلیمان جاراالله: من اطلاع دارم که یک میراث سیاسی میان آمریکا و ایران از زمان شاه باقی مانده است. ولی باتوجه به این که انقلاب اسلامی در ۲۵ سال گذشته ذهن مردم را پر کرده که آمریکا شیطان بزرگ است و چیز بدی است و باتوجه به این که، ذهنیت نسل جدید از این قضیه اشباع شده، ما باید توازن داشته باشیم که وقتی ارتباط بخواهد برقرار شود مردم و به خصوص نسل جوان، دچار مشکل نشوند، باتوجه به این که شعارها و تبلیغات زیادی علیه آمریکا در ایران وجود داشته و دارد.

آقای مزروعی: به نظر من تحلیل شما درست نیست چرا که خود ما که در به وجود آوردن انقلاب سهم داشتیم و همچنین نسل جوان ما، خواسته‌شان تغییرات است به همین دلیل با خاتمی موافق بودند و به ایشان رأی دادند. یعنی شعارهایی که می‌گویید وجود نداشته است، بلکه فضای موجود در بین اکثریت جامعه، ایجاد تغییرات است.

سلیمان جاراالله: البته از بدو انقلاب، سعی می‌شد تا در ذهن و خاطره مردم جا

بیندازند که آمریکا به مردم ایران خیانت کرده است. قبول دارم که خاتمی وضعیت را متوازن کرد و اگر همان شرایط قبلی ادامه پیدا می‌کرد، البته وضعیت به گونه دیگری بود. در زمان حاضر شرایط تغییر کرده است و نیاز به گشودگی بیش‌تری وجود دارد. الان آمریکا در کنار ما است و باید واقعیت‌ها را درک کنیم.

آقای سحرخیز: درست است که ما و همچنین شما روزنامه‌نگاریم، ولی نباید گول خبرهای خودمان را بخوریم. شاه، تمامی دستگاه‌های تبلیغی را داشت ولی نسل ما از جای دیگری تغذیه می‌کرد و کار خودش را هم کرد. قبل از اصلاحات نیز، تلویزیون و دستگاه‌های تبلیغی در ایران در دست محافظه‌کاران بود، ولی مردم به خاتمی رأی دادند. پس شما نگران مطالب منتشره در نماز جمعه‌ها نباشید. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد گروهی از مردم تمایل به آغاز گفت‌وگو با آمریکا دارند، ولی همین تعداد از مردم، می‌گویند باید با شرایطی این گفت‌وگو شروع شود و نکته دوم، پذیرفتن واقعیت‌های داخلی آمریکا است. تحلیل ما این است که حضور آمریکا و حفظ منافع آمریکا با وجود و حضور محافظه‌کاران ممکن است چون که آمریکا نیاز به دشمن دارد تا بتواند بماند. اگر بحث منافع و عقل بود آمریکا گونه دیگری باید عمل می‌کرد. اگر صحبت از دموکراسی، آزادی و احترام به رأی مردم بود باید با مردم ایران خوب رفتار می‌شد. آمریکا نباید دولت و مجلس ایران که نماینده اکثریت مردم بودند به عنوان محور شرارت معرفی می‌کرد. اما نکته اساسی‌تر این است که آمریکایی‌ها آن چیزی را که حق مردم ایران است حاضر نیستند بدهند. جلوی تدریس بسیاری از اساتید ایرانی را در آمریکا گرفته‌اند. حتی به کسانی که با ایرانی‌ها ازدواج کرده‌اند برای ادامه زندگی اجازه ورود به آمریکا نمی‌دهند و نمی‌گذارند ارتباطات اقتصادی ادامه یابد. اگر کسی نیت‌اش درست بود با رفع همین بهانه‌ها ارتباطش را بیش‌تر می‌کرد،

همان‌طور که دولت کلیتون در آخرین سال ریاست جمهوری‌اش، این کار را کرد. در صورتی که دولت بوش، یک دولت ایدئولوژیک و سیاسی است. **سلیمان جاراالله:** درست است که در دوران شاه، رسانه‌ها در دست رژیم شاه بود اما امام خمینی افکار عمومی را بهتر فهمید و درک کرد و بر آن اساس اقدام کرد. بنابراین نظام‌های کنونی باید افکار عمومی را بفهمند و براساس آن اقدام نمایند.

آقای مزروعی: با بسیاری از مواضع و صحبت‌های شما موافق هستیم. شما را دعوت می‌کنیم با محافظه‌کاران در ایران مصاحبه کنید! واقعیت این است که آن‌ها وجود دارند و ما نمی‌توانیم آن‌ها را نادیده بگیریم. آن‌ها قدرت دارند. ما با توجه به فعالیت‌های مطبوعاتی خودمان پیروز شدیم: پیروزی رسانه‌های کوچک بر رسانه‌های بزرگ، البته اگر این اصل را قبول داشته باشیم. در ایران مطبوعات تأثیرگذار هستند و اکثراً هم اصلاح‌طلب هستند. الحمدالله در این یک سال اخیر، نشریه‌ای تعطیل نشده و این روند در حال بهبود بیشتر است و این نشان می‌دهد اصلاحات در حال موفقیت است. در سیاست خارجی هم اوضاع در حال گشودگی بیشتر است. ما هم با شما موافقیم که حکومت، افکار عمومی را باید بفهمد و عمل کند، ولی به‌هرحال، این امر به زمان نیاز دارد و در نهایت شما را دعوت می‌کنیم به تهران بیایید و با محافظه‌کاران صحبت کنید!

سلیمان جاراالله: بنده عرض کردم در سیاست‌ها تغییرات را می‌بینم ولی افکار عمومی برای آمریکاییان نیست برای رهبران است. امام خمینی (ره) افکار عمومی را فهمید و با تمام قوا اقدام کرد. امام حسین (ع) از یک مرد پرسید که نظر مردم درباره‌ی ما چیست؟ آن مرد گفت: قلبشان با شماست ولی شمشیرشان علیه تو است.

دیدار با وزیر اطلاع‌رسانی کویت

آقای محمد ابوالحسن، وزیر اطلاع‌رسانی کویت که می‌گفت مادرش ایرانی و اهل بهبهان است و فارسی را به گفته خودش با لهجه جنوبی ایران صحبت می‌کرد، از دیگر میزبانان هیأت ایرانی بود. آقای ابوالحسن که سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ را در ایران گذرانده بود علاقه و گرایش خود را به ایران، زبان و فرهنگ ایرانی، پنهان نمی‌کرد: «زبان فارسی در کویت، بسیار کاربرد دارد و بخش‌های زیادی از مردم، زبان فارسی می‌دانند.» وزیر اطلاع‌رسانی کویت پس از شنیدن اظهارات آقای صفحی که به ذکر دلایل انجام سفر به کشورهای عربی منطقه پرداخت، از ایشان پرسید: «چه شرایطی برای متقاضی نشریه در ایران وجود دارد و صاحبان نشریات چه موازینی را باید در عمل رعایت کنند؟»

آقای صفحی: شرایط دریافت امتیاز نشریه در ایران بسیار آسان است و فرقی برای روزنامه، هفته‌نامه و ماهنامه وجود ندارد. متقاضی پروانه بایستی این شرایط را داشته باشد:

۱. سن بیش از ۲۵ سال

۲. مدرک تحصیلی لیسانس

۳. تابعیت ایران

۴. دارای سوءپیشینه کیفری نباشد

سرمایه اصلاً شرط نیست و البته سرمایه باید ایرانی باشد. فروش امتیاز قانونی نیست و در حال حاضر، بیش از ۲۰۰۰ مجوز وجود دارد و بیش از ۱۳۰۰ عنوان نشریه در کشور منتشر می‌شود.

وزیر اطلاع‌رسانی کویت: روابط کویت و ایران عمیق‌تر و گسترده‌تر از روابط رسمی است. مهم‌ترین موضوع فعلی ایران و کویت همان موضوع انتقال آب به کویت است که حتی اگر مشکل سیاسی به وجود بیاید، این موضوع نمی‌تواند تأثیری بر سطح روابط دو کشور بگذارد. مثلاً مسأله چاه‌الدوره،

اگر روابط در این سطح نبود ما نمی‌توانستیم به سادگی این موضوع را حل کنیم. کمک‌های کشورهای عربی در خصوص زلزله به این خاطر بود که سطح روابط دو کشور ایران و کویت و کشورهای عربی با ایران بسیار خوب است. در مورد حقوق زنان نیز ما به عنوان قوه مجریه قبول داریم که باید اصلاحاتی صورت گیرد ولی تصویب آن در قوه مقننه با مشکل مواجه شده است.

آقای صفی: روابط ایران و کویت همان‌طور که جناب وزیر گفتند بسیار دیرپا و دیرینه است. روابط به گونه‌ای است که در عرف بین‌الملل، استراتژیک گفته می‌شود. تلاش‌هایی که به تازگی در حال اجرا است از جمله خط لوله آب و گاز می‌تواند آغاز افزایش سطح روابط دو کشور باشد. من با اجازه ایشان می‌خواهم وارد بحث اصلی خودمان یعنی مطبوعات بشویم. در ملاقات‌هایی که با اصحاب مطبوعات داشتیم متوجه شدیم که پیش‌نویس قانون مطبوعات در کویت، توسط اصحاب مطبوعات تهیه شده است. از طرف دیگر می‌دانیم که آزادی‌های مطبوعات در کویت به اندازه قابل قبولی موجود است و مطبوعات در آزادی‌گذران امور می‌کنند. چه ضرورت‌هایی سبب شده است که مدیران مطبوعات خودشان دست به کار این شوند آیا از طرف دولت محدودیت‌هایی برایشان ایجاد شده بود یا مسئولان مطبوعات فکر می‌کردند باید آزادی‌ها وسعت بیش‌تری پیدا کنند؟

وزیر اطلاع‌رسانی: تشکر می‌کنم از آقای صفی به خاطر توجه‌شان نسبت به موضوع آزادی مطبوعات. الحمدلله شما این موضوع را مطرح کردید تا من به صورت دقیق بگویم. ما یک قانون قدیمی مطبوعات داریم که مربوط به سال ۱۹۸۱ می‌شود. همه شما استحضار دارید که جهان شاهد انقلابی در رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی است و این انقلابی اساسی است که تمام مرزهای سیاسی، اقتصادی و تمدنی کشورها را درنوردیده است و فضا در حال حاضر باز و فراهم است. در حال حاضر هیچ مانعی در برابر افراد وجود ندارد که

اطلاعات خودش را نتواند از طرق مختلف دریافت نماید. همچنین وسایل و مواد رسانه‌ای در دسترس همگان قرار گرفته و دیگر از رسوم سنتی مطبوعات، تلویزیون فراتر رفته است، مثلاً الان شما می‌توانید هر نوع آوازی را از طریق اینترنت ضبط کنید. همچنین درخصوص چاپخانه، دیگر نیازی به آن ساختمان‌های پیچیده ندارد. شما می‌توانید با داشتن یک کامپیوتر و پرینتر در سطح جهانی کار کنید. همچنین تهیه کتاب، جلد کتاب و انتشار کتاب، دیگر به چیزی بیش از یک دستگاه و آدم وارد به آن دستگاه نیاز ندارد، تا تیراژ ۱۰۰۰۰۰ نسخه‌ای منتشر شود. این در مورد امکانات و اما در مورد آزادی‌ها، در منطقه ما تجربیاتی از سر گذرانده شد. در آن زمان، آزادی وجود داشت ولی بدون ضابطه. شاید لبنان قبل از جنگ داخلی، یکی از نمونه‌های این وضع بوده است. موضوع این آزادی‌ها موجب تفکیک جامعه و تغییر ساختار جامعه شد. در پرتو این امور دولت کویت مبادرت کرد به ایجاد تحول و در یک سال گذشته لایحه جدید مطبوعات را ارائه کرد. اما انجمن مطبوعات و مدیران مطبوعات در مورد قانون جدید، تعدیلاتی را در نظر دارند که این تعدیل‌ها متفاوت با نظر مجلس است. از سوی دیگر، برخی دیگر از تعدیل‌ها با قانون تنظیم شده از سوی دولت تفاوت دارد و ما از یک سال و نیم پیش درصدد ایجاد یک توافق سه‌جانبه هستیم. اگر خداوند وزیر اطلاع‌رسانی را دوست بدارد ان شاء الله این قانون به تصویب نهایی خواهد رسید.

آقای مهرپور: بسیار خوشحالیم که از کویت دیدار داریم و با شما نیز دیدار داشته‌ایم. ما در این ملاقات‌هایی که طی این دو روز با برخی از مطبوعات داشتیم اجمالاً این‌طور متوجه شدیم که مطبوعات کویت، آزاد و فعال هستند. از بعضی از مسئولان مطبوعات شنیدیم که در این خصوص دولت چندان کمک نمی‌کند، به همین دلیل مطبوعاتیان خودشان همت کرده‌اند و

دارند رأساً کار می‌کنند. دولت چگونه می‌خواهد با این نظرات متفاوت کنار بیاید و یا این‌که دولت قصد دارد رأساً این پیش‌نویس را ارائه نماید؟

وزیر اطلاع‌رسانی: تشکر می‌کنم از توجه شما، من آن نشریه‌ای را که مدنظر شما است می‌شناسم. آنچه که شما شنیده‌اید که هفته آینده منتشر شود، از چندین ماه قبل قرار بود که منتشر شود ولی تاکنون ما چیزی مشاهده نکردیم. دولت جلسه‌ای را با پارلمان و کمیسیون فرهنگ و آموزش برگزار کرد. مشکلات بر سر چهار ماده است و داریم این مشکلات را برطرف می‌کنیم. از میان ۸۲ ماده، فقط روی چهار ماده اختلاف داریم. دولت به مطبوعات کمک زیادی می‌کند، تسهیلات بسیار می‌دهد، زمین به روزنامه‌ها می‌دهد، در واقع به نشریات سوبسید داده می‌شود و به‌صورت مساوی از روزنامه‌ها اشتراک داریم.

آقای سحرخیز: آخرین باری که در کویت، نشریه تعطیل و توقیف شده یا اقدام برای تعطیل و توقیف شده چه زمانی بوده است؟

وزیر اطلاع‌رسانی: سه سال قبل، یک روزنامه، یک روز یا دو روز به‌خاطر نشر مطالب سرّی حکومت توقیف شده است. گزارش محرمانه‌ای از وزارت دفاع چاپ کردند که برای دو یا یک روز توقیف شد. بیش‌تر از ده سال پیش (یک سال قبل از اشغال کویت توسط عراق) هم برای مدت یک ماه روزنامه الوطن تعطیل شده است. اما این روزنامه بلافاصله بعد از اشغال، دوباره منتشر شد که همین‌طور انتشار آن ادامه دارد. ولی اصلاً تاکنون هیچ روزنامه‌نگاری را دستگیر و یا محاکمه نکرده‌ایم.

آقای سحرخیز: در قانون جدید، نظر دولت درباره دستگیری و زندانی کردن روزنامه‌نگار چیست؟

وزیر اطلاع‌رسانی: در پیش‌نویس قانون، حق توقیف نشریه برای چند روز به دادستان داده شده و دادگاه باید در همان روزها تشکیل شود. اختلافی که

میان ما و پارلمان وجود دارد در خصوص اختیارات دادستان کل است. وقتی دادستان حق این را داشته باشد که وارد منزل شود، چگونه در موضوع بااهمیتی مانند اخلال در جامعه، حق ندارد؟ البته حداکثر توقیف توسط دادستان دو روز پیش‌بینی شده است.

آقای قمی: ضمن تشکر از وزیر محترم، به نظر شما آزادی مطبوعات می‌تواند ضرر هم داشته باشد؟ مثلاً در لبنان حدود پنجاه سال است که دیگر مجوز به نشریات سیاسی نمی‌دهند. دو دیدگاه وجود دارد. بعضی‌ها می‌گویند جهان به سمت جهان واحد می‌رود و ما چاره‌ای جز همراهی نداریم. بعضی‌ها هم معتقد هستند علی‌رغم وضع موجود، کشورهایی که دارای فرهنگ هستند، می‌توانند رقابت کنند و فرهنگ خود را حفظ نمایند، فقط شرطش این است که آزادی‌ها را محدود شده داشته باشیم تا ضرر آزادی‌ها بیش از حد به جامعه و هویت جامعه نرسد.

وزیر اطلاع‌رسانی: آیا آزادی مطلق است یا نسبی؟ آیا آزادی که در غرب وجود دارد برای هر جا می‌تواند باشد و آیا مفاهیم شرق با غرب یکی است؟ قطعاً در هر کجا مفاهیم خاص خودش وجود دارد. بعد از ۱۱ سپتامبر من به این نکته پی بردم که حتی در دژ آزادی یعنی آمریکا وقتی موضوع مربوط می‌شود به امنیت، مفهوم آزادی تغییر می‌کند. ما ناگهان بعد از دو هفته از رویداد ۱۱ سپتامبر دیدیم که کاخ سفید به صورت مستقیم به تمام رسانه‌های آمریکایی دستوری صادر کرد که از انتشار اخبار کامل درخصوص ساختمان‌های مرکز تجارت جهانی منع شدند، زیرا فهمیدند که تأثیر روانی بسیار بدی بر مردم دارد. مخصوصاً ذوب شدن این دو ساختمان بسیار تأثیر منفی داشت و تقریباً حالت یک کابوس را برای نسل آینده و سالخوردگان پیدا کرده بود. برای همین تصاویر متعدد نیز چاپ نشد. دستور بعدی نیز این بود که اظهارات بن لادن و سران القاعده منتشر نشود. بنابراین نتیجه

می‌گیریم در کشوری نیز که مهد آزادی‌ها است، مفهوم آزادی تغییر می‌یابد. ما و شما دشمنان فراوانی داریم که در کمین نشسته‌اند تا در وقت مناسب، ضربه خود را بر کشورهای ما وارد کنند. خرید روزنامه‌ها و قلم به‌دستان نیز برای آن‌ها کار سختی نیست. مطلب دیگر این است که اسرائیل وجود دارد و آن کشور به‌هرحال به‌خاطر سلطه تبلیغاتی خود، چشم تیزی‌نی دارد و اگر فکر و اندیشه اساسی نکنیم حتماً اسرائیل حرکت خود را افزایش خواهد داد. پس به راحتی می‌توانیم درک کنیم که آزادی به‌هیچ‌وجه مطلق نیست.

آقای قمی: چه تعداد مطبوعات دارید؟

وزیر اطلاع‌رسانی: در حال حاضر ما ۵۲۰ عنوان نشریه در کویت داریم. براساس مصوبه هیأت وزیران فعلاً تا پایان تصویب قانون جدید مطبوعات، مجوز نشریه داده نمی‌شود.

هیأت نظارت بر مطبوعات، در کویت دیدارهای کوتاه و پراکنده دیگری هم را داشت.

در دیدار با حجت‌الاسلام والمسلمین آقای مہری، نماینده مقام معظم رهبری در کویت، ایشان اطلاعاتی را درباره وضعیت شیعیان و رسانه‌های آن‌ها در اختیار هیأت قرار داد. آقای مہری اظهار داشت که گروه‌های شیعی در کویت دو نشریه به نام‌های *الحياة* و *العصر* دارند که به‌صورت ماهنامه منتشر می‌شوند. ایشان همچنین گفت: «در روزنامه‌ها تعداد زیادی نویسندگان شیعه فعالیت می‌کنند. بین سلفی‌ها و شیعیان در کویت اختلافاتی وجود دارد. سابقاً در تلویزیون هیچ سهمی به شیعیان نمی‌دادند ولی الان وضع بهتر شده است. تحصیل‌کرده‌های شیعه به نسبت جمعیت‌شان بیش‌تر اهل تسنن هستند. در جایی در بازار قدیم کویت، ناشرانی وجود دارند که کتاب‌های روشنفکری منتشر می‌کنند. اغلب این ناشران شیعه هستند. قبل از تجاوز عراق به کویت شیعیان در وضعیت خوبی نبودند ولی پس از تجاوز مذکور – به دلیل رشادت‌های شیعیان

در مقابله با تجاوز سربازان عراقی - نگرش دولت کویت نسبت به شیعیان تغییر کرد و الان وضع بهتر شده است. در حال حاضر ما دیوانیه بسیار فعالی داریم و حتی از این دیوانیه شیعیان، نماینده‌ای به مجلس کویت فرستاده‌ایم.»

همچنین چند تن از اعضای هیأت در هتل شرایتون با هیأت‌رئیس انجمن مطبوعات کویت دیدار کردند در این دیدار، احمد یوسف بهبهانی، رئیس انجمن روزنامه‌نگاران کویتی خواستار گسترش دامنه همکاری بین دو کشور شد و موضوع گسترش روابط رسانه‌ای و تبادل تجارب در سفر هیأت‌های مختلف، مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت. هیأت‌نظارت بر مطبوعات در دیوانیه دکتر جعفر عباس، با جمعی از دانشگاهیان و فرهیختگان کویتی دیدار و گفت‌وگو کردند و اعضای هیأت به پرسش‌های آنان درباره قانون و آزادی مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران پاسخ دادند.

اعضای هیأت روز دوشنبه ۲۲ دی ماه و در آخرین روز اقامت در کویت از برج بلند پایتخت کویت، معروف به ابراج نیز بازدید کردند و شب همان روز، از طریق دبی به تهران بازگشتند.

فصل سوم

پیوست‌ها

- ره‌آورد سفر
- گفت‌وگوی با روزنامه‌الانباء
- تصاویر بازدیدها در لبنان
- تصاویر برخی از روزنامه‌های لبنان

ره‌آورد سفر

براساس گفت‌وگوهای به‌عمل آمده در دیدارهای رسمی و غیررسمی هیأت با مسؤولان دولتی و فعالان عرصه مطبوعاتی کشورهای اردن، لبنان و کویت نکات و مطالب زیر قابل تأکید است:

۱. به لحاظ نظام مقررات تأسیس مطبوعات، هر سه کشور اردن، لبنان و کویت دارای نظام تنبیهی بوده و برای انتشارنشریه در این کشورها نیاز به کسب مجوز است. مسؤول اعطای امتیاز در هر سه کشور یادشده وزارت اعلام و شخص وزیر اعلام است.

۲. هر سه کشور در صدد تغییر قانون مطبوعات هستند. این تغییرات در جهت افزایش آزادی و فعالیت مطبوعاتی و رسانه‌های جمعی است. نکته حائز اهمیت وفاق جمعی مسؤولان دولتی و فعالان مطبوعاتی در خصوص کلیات تغییرات یادشده است. البته در مواردی جزئی، اختلاف‌نظرهایی نیز وجود دارد.

۳. در کشور اردن حدود ۳۰۰ نشریه منتشر می‌شود که سهم روزنامه‌ها در این مجموعه، پنج عنوان است. با توجه به انحلال وزارت اعلام و ایجاد شورای عالی اطلاع‌رسانی، در حال حاضر مجوز انتشار نشریه در اردن صادر نمی‌شود. به گفته مسؤولان دولتی اردن، قرار است پس از مراحل قانونی ثبت تشکیلات شورای مزبور، مجوز نشریات با تساهل و سرعت بیش‌تری صادر شود.

۴. در لبنان و اردن سندیکاها و نهادهای صنفی مطبوعاتی وجود دارد. این نهادها به خصوص در لبنان دارای قدرت هستند ولی در کویت، انجمن مطبوعات کویت چندان دارای جایگاه و قدرت قانونی نیست و تنها پشتیبان عرصه آزادی‌ها و حقوق مدنی و شهروندی که دارای قدرت نیز می‌باشد، مجلس کویت است.

۵. در تغییرات پیشنهادی در قانون جدید مطبوعات کویت سه نکته مورد تأکید قرار گرفته شده است:

اول. عدم تعطیلی نشریه قبل از محاکمه مسئولان نشریه یا ممنوعیت توقیف موقت و همچنین، این که پس از برگزاری جلسه دادگاه، زمان محدودی برای تعطیلی نشریه در نظر گرفته شد.

دوم. عدم زندانی شدن روزنامه‌نگار.

سوم. تأکید بر ارجاع پرونده تخلفات نشریات به دادگاه و عدم دخالت قوه مجریه در این خصوص.

۶. باتوجه به این که در سه کشور مزبور تنها مرجع صدور مجوز نشریات، شخص وزیر اعلام بوده، برای آن‌ها تجربه هیأت ایران (که به صورت شورایی پرونده متقاضی، بررسی و مجوز صادر می‌شود) تجربه بسیار خوبی بوده است.

۷. در هر سه کشور یادشده یکی از شروط فعالیت روزنامه‌نگاری، گذراندن آموزش‌های روزنامه‌نگاری است. در واقع در کشورهای مزبور به افراد حرفه‌ای در عرصه مطبوعات و همچنین به مطبوعات حرفه‌ای بهای بسیار زیادی داده می‌شود.

۸. در حوزه نظارت نیز این‌طور به نظر می‌رسد که به دلیل حرفه‌ای بودن روزنامه‌نگاران، اساساً به صورت خودکار موارد خط قرمزها از سوی روزنامه‌نگاران رعایت می‌شود. در واقع، بیش‌تر شکایت‌های ارائه شده به دادگاه، مربوط به اشخاص حقیقی است که در خصوص مطلب مندرج در نشریه شکایت کرده‌اند.

۹. در لبنان بیش از ۱۲۰۰ نشریه منتشر می‌شود که از این تعداد ۲۵ عنوان به روزنامه‌ها تعلق دارد. براساس قانون مطبوعات لبنان، تعداد روزنامه‌های سیاسی نباید از ۲۵ عنوان افزایش یابد. در واقع محدودیتی برای افزایش تعداد روزنامه‌های سیاسی در نظر گرفته شده است. یکی از تغییرات پیشنهادی در قوانین مطبوعاتی لبنان همین موضوع است که بین مسؤولان دولتی و فعالان عرصه مطبوعاتی موافق و مخالف وجود دارد.

البته چنانچه شخصی یا گروهی بخواهد روزنامه داشته باشد می‌تواند امتیاز یکی از روزنامه‌های موجود را خریداری نماید. به سخن دیگر، انتقال امتیاز روزنامه در لبنان ممنوعیتی ندارد.

۱۰. در کویت بیش از ۵۰۰ نشریه منتشر می‌شود. از این تعداد هفت عنوان به صورت روزنامه منتشر می‌شود. طبق نظرات مسؤولان کویت، با توجه به جغرافیای محدود سرزمین و همچنین تعداد جمعیت کویت (حدود دو میلیون نفر) نیازی به افزایش تعداد نشریات احساس نمی‌شود. البته در تغییرات پیشنهادی یکی از موارد ارائه شده، آزادی انتشار نشریه بدون اعمال محدودیت به لحاظ تعداد عناوین نشریات منتشره است.

گفت‌وگو با روزنامه‌الانباء ۸۲/۱۰/۲۱

خبرنگار: از سفر شما به چند کشور عربی شروع می‌کنیم، مهم‌ترین کشورهای که به آن سفر کرده‌اید و هدف از سفر چیست؟
معاون وزیر: ما از اردن و لبنان دیدن کرده‌ایم و اکنون در آخرین مرحله از کویت دیدار می‌کنیم. هدف از این دیدارها آشنایی اعضای شورای عالی نظارت بر مطبوعات ایران با رسانه‌ها، شخصیت‌ها و نخبگان در این کشورهاست.
خبرنگار: بارزترین شخصیت‌هایی که قرار است در کویت با آنان ملاقات کنید، کدام‌اند؟

معاون وزیر: طبق برنامه‌ای که از سوی رایزنی فرهنگی ایران در کویت تهیه شده ما دیدارهایی با مدیران مطبوعات و سردبیران روزنامه‌های اصلی کشور کویت خواهیم داشت. همچنین با اعضای انجمن خبرنگاران کویت به تبادل نظر در زمینه‌های مختلف خواهیم پرداخت.

خبرنگار: ارزیابی شما نسبت به مطبوعات کویت چیست؟
معاون وزیر: فضای کار مطبوعاتی در کشور کویت به طور سنتی باز و پویاست و در پرتو شرایط جدید در منطقه همواره نوعی نوآوری در کار مطبوعات کویت دیده می‌شود. در این خصوص مایلیم تأکید کنم که تلاش‌های گسترده‌ای در کشور کویت برای اصلاح و تعدیل قانون مطبوعات در جریان است و طبق آنچه شنیده‌ایم، موضوع زندانی کردن خبرنگار - طبق قانون

جدید مطبوعات - لغو خواهد شد و شرایط سختی در مورد تعطیل یا توقیف مطبوعات اعمال خواهد گردید. همچنین طبق آنچه شنیده‌ایم در نظر است از دخالت قوه مجریه در کار مطبوعات کاسته شود و به جای آن دادگاه‌ها این نقش را از طریق قضاوت درباره کار مطبوعات و مسائل متعلق به آن ایفا کنند.

خبرنگار: به نظر شما به قدرت رسیدن آقای خاتمی، رئیس‌جمهوری اصلاح‌طلب، در تحول و گسترش مطبوعات و رسانه‌ها در ایران چه تأثیری داشته است؟

معاون وزیر: طبیعی است که در این زمینه تغییرات عمیقی از نظر کمی و کیفی ایجاد شده و ما بسیار امیدواریم که این تغییرات استمرار یابد. اگر بخواهیم آماری ارائه کنیم می‌توان گفت که از ابتدای ریاست‌جمهوری آقای خاتمی تاکنون تعداد نشریات در ایران بیش از دو برابر افزایش یافته است.

خبرنگار: در حال حاضر به چه تعداد رسیده است؟

معاون وزیر: تعداد این مطبوعات شامل روزنامه‌ها، مجلات و نشریات از ۵۰۰ عنوان به ۱۳۰۰ عنوان افزایش یافت که از میان آن‌ها ۱۴۰ روزنامه یومیه است. تعداد مجوزهای صادر شده به ۲۰۰۰ مطبوعه رسید که پاره‌ای از آن‌ها در آستانه انتشار قرار داد.

خبرنگار: مایل‌ایم درباره اعطای آزادی‌های مطبوعاتی بیش‌تر در ایران مخصوصاً پس از کشته شدن زهرا کاظمی خبرنگار کانادایی ایرانی تبار سخن بگویید؟

معاون وزیر: لطفاً اجازه دهید میان موضوع زهرا کاظمی و آزادی‌های مطبوعاتی در ایران خلط مبحث نکنیم. موضوع خانم کاظمی، اتفاق دردناکی بود که موجب تأسف همه ایرانیان شد. در مورد آزادی نشریات و مطبوعات در ایران شاید برای شما جالب باشد که بگویم طی یک سال و نیم

گذشته تاکنون هیچ نشریه‌ای توقیف نشده و هیچ خبرنگاری به خاطر فعالیت مطبوعاتی زندانی نشده است.

خبرنگار: به محور مهم دیگری می‌پردازیم یعنی جنگ آزادسازی عراق، به این جنگ چگونه نگاه می‌کنید؟ و از مدت زمان شروع آن تاکنون چه ارزیابی دارید؟

معاون وزیر: جامعه بین‌المللی انتظار دارد پس از فروپاشی رژیم صدام تلاش‌هایی در جهت برپایی دولت ملی در عراق صورت گیرد. اگرچه سرنگون‌سازی دیکتاتوری چون صدام - به خودی خود - بسیار ارزشمند است ولی باید توجه کرد که دیکتاتوری جدیدی در عراق جایگزین رژیم دیکتاتوری سابق نشود.

خبرنگار: بعضی‌ها حضور گسترده نیروی آمریکایی در عراق را به عنوان دلیل اصلی اعمال فشار علیه ایران جهت پذیرش بازرسی تأسیسات هسته‌ای آن می‌دانند، در این مورد چه توضیحی دارید؟

معاون وزیر: فعالیت‌های هسته‌ای ایران به تحولات اخیر ربطی ندارد. ایران از زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی موافقتنامه NPT را امضا کرد. در این موافقتنامه به نوعی انجام بازرسی از تأسیسات هسته‌ای ایران پذیرفته شده است و این امر در هشت سال پیش اتفاق افتاد.

خبرنگار: آیا پیش‌بینی می‌کنید سناریوی عراق در ایران یا سوریه تکرار شود؟

معاون وزیر: اظهارات بوش مبنی بر قرار دادن ایران در محور شرارت نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها می‌خواهند علیه جمهوری اسلامی ایران فشار وارد کنند. اما به وسیله اقدامات شفاف‌ی که مسئولان ایرانی در مورد مسالمت‌آمیز بودن این طرح‌ها انجام داده‌اند به نظر می‌رسد این توطئه‌ها تا حدود زیادی خنثی شده است. البته انجام هر اقدامی که از سوی آمریکا صورت گیرد توجیه قابل‌قبولی نزد افکار عمومی جهان نخواهد داشت و آمریکایی‌ها نمی‌توانند رودرروی افکار عمومی جهان قرار بگیرند.

خبرنگار: بعضی ها کاهش حدت گفتار آمریکا در قبال ایران را نشانه‌ای از تغییر موضع آمریکا می‌دانند به‌ویژه پس از مساعدت‌های ایران در امر مبارزه با تروریسم و پس از دستگیری شماری از سران "القاعده" که از افغانستان و پاکستان نفوذ کرده‌اند و تحویل برخی از آنان به کشورهای متبوع‌شان و به خود آمریکا، پاسخ شما در این مورد چیست؟

معاون وزیر: اظهاراتی که مسئولان ایرانی به‌ویژه مسئولان وزارت امور خارجه دربارهٔ گفت‌وگوی انجام‌شده میان دو کشور پیرامون مسائل افغانستان و عراق عنوان کرده‌اند شفاف و روشن بوده است و بنده در این خصوص مطلب جدیدی ندارم.

خبرنگار: مسألهٔ عادی‌سازی روابط با مصر به کجا رسیده؟ و آیا واقعاً برای بازگشایی سفارتخانه‌های دو کشور، تدارکاتی شده است؟

معاون وزیر: می‌توانم تأکید کنم که ارادهٔ رهبران دو کشور بر حذف تمام موانع موجود بر سر راه از سرگیری مناسبات فی مابین استوار است.

تصاویر

- تصاویر دیدارها
- تصاویر برخی از روزنامه‌ها



ملاقات هیئت نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی ایران
با آقای جبران توینی سردبیر روزنامه النهار





ملاقات هیئت نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی ایران
با آقای طلال سلمان مدیر مسئول روزنامه السفير





آقای مزرعی و آقای قمی در حال بیان نقطه نظرات در نشست
«چهارچوبهای قانونی مطبوعات در ایران و لبنان»





آقای محسنی اژه ای در حال سخنرانی در نشست





ملاقات هیئت نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی ایران
با آقای غازی العریضی وزیر فرهنگ لبنان



ملاقات هیئت نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی ایران
با آقای سمحه وزیر اطلاع رسانی لبنان



ملاقات هیئت نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی با علامه سید محمد حسین فضل الله





ملاقات هیئت نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی ایران
با آقای محمد بعلبکی رئیس سندیکای روزنامه نگاران لبنان





ملاقات هیئت نظارت بر مطبوعات جمهوری اسلامی ایران
با آقای ملحم کرم رئیس سندیکای نویسندگان لبنان



وفد إيراني بحث والعريضي وقبلان وبعلبكي في العلاقات الاعلامية بين طهران وببيروت



وفي نقابة الصحافة.

النهائي، افتخر كوني صحافيًا واعتبر
أن المجلس هو المكان الموقر
لعملي".

ومد أربعة
في الانتخابات الماضية، كان
هناك 36 صحافيًا دخلوا المجلس



(اللائي ونهر)

الوفد الإيراني عند العريضي.

وفي نقابة الصحافة، التي
بعينها كلمة رجب فيها بالحضور،
وقال: "لقد وجدت وجود الهيئة العليا
للصحافة في الجمهورية الإسلامية
الiranية، وهذا يمكن أن نستفيد منه
لأنه ليس لدينا هيئة مماثلة في
لبنان، بل عددًا اتحد الصحافة
التي يجمع بين لجانتي الصحافة
والصحفيين، إضافة إلى المجلس
الوطني للإعلام الذي يختص
بالإعلام المرئي والمسموع وليس له
علاقة بالإعلام المكتوب. والهيئة في
إيران تتمثل فيها كل الجهات
المسؤولة وكل القطاعات".
أضاف: "جميعنا يعرف، وخصوصاً
في هذا القطاع، الصورة المشوهة
عن العرب والمسلمين، والاسم عن
الجمهورية الإسلامية الإيرانية، ومدى
ظلم الإعلام المعادي في العالم.
لذلك علينا واجب التعاون معاً في
سبيل جلاء المشقة وتبديل
الاضاليل الصهيونية خصوصاً،
والغربية المضللة والمضللة عموماً.
وأمل في تفعيل التعاون مع وكالة
الانباء الإيرانية، وأن يكون هناك
طبعة عربية توزع على كل الصحف،
مع العلم أن هناك مجلة تصدر في
لبنان تعنى بالعلاقات الإيرانية -
الليبية".

ورد صحفي بكلمة قال فيها:
"نحن في إيران نعمل على نشر
الصحف، وارتفاع مستوى العمل
الصحفي، ونعتبر أن من واجبنا
تعبئة الطاقات وزيادة التعاون في
هذا المجال، رغم المشاكل التي
تواجه المنطقة والتي تسعى إلى
حلها من خلال التعاون الوثيق في
ما بيننا". وألقى عضو المجلس
الأعلى للصحافة النائب في البرلمان
الإيراني علي مزروعكي كلمة معاً فيها:
"قبل أن نكون نائباً في البرلمان
كنت صحافيًا، لذلك أنشطت
في إيران كان لها دور أساسي في

زار نائب وزير الثقافة والإرشاد
الإيراني محمد صوفي مترشاً وفداً
من المجلس الأعلى للصحافة، وزير
الثقافة غازي العريضي ونائب رئيس
المجلس الإسلامي الشيعي الأعلى
الشيخ عبد الأمير قبلان ونقابة
الصحافة، على أن يزور اليوم نقابة
الصحفيين. وبعد لقاء العريضي صرح
صحفي: "أطلعنا معالي الوزير
العريضي على أجواء الزيارة التي
يقوم بها المجلس الأعلى للصحافة
الإيرانية إلى لبنان واللقاءات
المتوقعة التي سيجريها مع أصحاب
النشأ والاختصاص في الجمهورية
الليبية، وهذا من شأنه أن يطور
أوجه التعاون الأخوي البناء بين
الجسم الصحافي الإيراني ومثيله
الليبي. وتحدثنا عن أفضل السبل
لوضع بنود البروتوكول الثقافي
الموقع بين البلدين موضع التنفيذ،
لأنه يتيح المجال واسعاً أمام إقامة
أسابيع ثقافية إيرانية في لبنان
وطهران".

وتم البحث أيضاً في مخاطر ما
نسميه الامبريالية الإعلامية التي
تحاول دائماً أن تشوه القضايا
الحقة والعدالة للعالمين العربي
والإسلامي".

والتقى الوفد قبلان الذي تحدث
عن "دور الإعلام الفاعل في المجتمع
بوصفه وسيلة فعالة لتصحيح
المسار وكشف الشوائب وإصلاح
مسيرة المجتمع. فالإعلام يصحح
الخلل في المجتمع ويعكس أوضاع
الفاصل وحاجاتهم ويكشف تجويفهم
ومهمومهم". وشدد على "ضرورة
تفعيل التعاون بين وسائل الإعلام
العربية والإسلامية والعالمية لتتأهل
قضايانا الحقة والاعتماد الإعلامي
العالمي، فالمطلوب تركيز الأنوار
الإعلامية على معاناة شعب فلسطين
واستمرار الاحتلال الأمريكي في
العراق (...)".



الجمعة 8 كانون الثاني 2004 - السنة 71 - العدد 21837

28 صفحة / 2000 ليرة

السفير

يومية سياسية عربية

جريدة لبنان - الوطن العربي وجريدة الوطن العربي في لبنان

الطبعة ٨ كانون الثاني ٢٠٠٤ - الموافق ١٦ ذي القعدة ١٤٢٤ هـ - العدد ٩٦٩١ - السنة الثلاثون

وفد إعلامي إيراني يزور العريضي وقلبان وبعلبكي

تشوهد القضايا المحقة والعدالة للعالمين العربي والإسلامي، وكييفية التصدي لبشّل اوجه التشويهاات.

وزار الوفد نائب رئيس المجلس الإسلامي الشيعي الأعلى الشيخ عبد الأمير قبلان في مقر المجلس، بحضور مستشار شؤون الرئاسة في المجلس الشيعي المحامي نزيه جمول والمسؤول الإعلامي محمد رزق، وقدم الوفد التعازي الى الشيخ قبلان بضحايا طائفة كوتونو وتم البحث في مختلف التطورات في المنطقة فضلاً عن دور الإعلام في التعاطي مع التطورات والأحداث.

وشدد قبلان على ضرورة تفعيل التعاون بين وسائل الإعلام العربية والإسلامية والعالمية «لتنال قضايانا المحقة الاهتمام الإعلامي العالمي، فالملطوب تسليط الأضواء الإعلامية على معاناة شعب فلسطين واستمرار الاحتلال الأميركي في العراق».

كما زار صحفي والوفد المرافق، نقيب الصحافة محمد البعلبكي في مكتبه في النقابة، بحضور عدد من أعضاء مجلس نقابة الصحافة. وألقى النقيب البعلبكي كلمة رحب فيها بالحضور، وأمل تفعيل التعاون مع وكالة الأنباء الإيرانية، وأن تكون هناك طبعة عربية توزع، أن لم يكن يومية، فأسبوعياً على كل الصحف.

جال أمس نائب وزير الإعلام الإيراني محمد صحفي على رأس وفد من المجلس الأعلى للصحافة في إيران على وزير الثقافة غازي العريضي وعدد من المسؤولين اللبنانيين. وقد ضم الوفد عدداً من النواب في البرلمان الإيراني وأعضاء المجلس الأعلى للصحافة، السفير الإيراني في لبنان مسعود ادريسي، المستشار الثقافي الإيراني محمد حسين شاشمي، عضواً المجلس الأعلى للصحافة الشيخ القمي والدكتور بهريور، المستشار الإعلامي لوزير الثقافة عباس خاميار، المستشار الإعلامي والسياسي في السفارة الإيرانية توفيق حمدي خوشخو، المسؤول الإعلامي في المستشارية الثقافية الإيرانية علي قصير.

بحث الوفد مع العريضي في العلاقات الثنائية ولا سيما منها الثقافية وكيفية تفعيلها. وأثر اللقاء، قال صحفي: «تحدثنا عن أفضل الطرق الآيلة الى وضع بنود البروتوكول الثقافي الموقع بين البلدين موضع التنفيذ، لأن هذا البروتوكول من شأنه أن يفتح المجال واسعا امام إقامة اسابيع ثقافية إيرانية في لبنان وإيضاً اسابيع مماثلة للبنان في العاصمة الإيرانية». وأشار الى «أنه جرى البحث مع وزير الثقافة في المخاطر التي تحملها ما نسميه الإمبريالية الإعلامية التي تحاول دائماً أن

المستقبل

AL-MUSTAQBAL

المستقبل - الخميس ٨ كانون الثاني (يناير) ٢٠٠٤ م - ١٦ ذو القعدة ١٤٢٤ هـ - العدد ١٤٩٢

نائب وزير الإعلام الإيراني يزور العريضي وقبلان ونقابة الصحافة

أساس التعاون الأخوي البناء بين الجسم الصحفي الإيراني ومثيله اللبناني، والطرق الآيلة الى وضع بنود البروتوكول الثقافي الموقع بين البلدين موضع التنفيذ، مشيراً الى أنه «تم البحث في المخاطر التي تحملها «الإمبريالية الإعلامية» التي تحاول دائماً أن تشوه القضايا المحقة والعدالة للعمالين العربى والإسلامي وكيفية التصدي لمثل هذه التشويهات».

وختم: «وجهنا دعوة الى الوزير العريضي لزيارة ايران حيث نأمل أن تتاح الفرصة مرة أخرى لاستضافته وأن نتمكن من الاستمرار في المناقشة حول كل الأمور المفيدة والبناءة للبلدين الشقيقين».

وشدد قبلان خلال اللقاء مع الوفد الإيراني على دور الإعلام الفاعل في المجتمع «يوصفه وسيلة فعالة لتصحيح المسار وكشف الشوائب وإصلاح مسيرة المجتمع، فالإعلام يصحح الخلل في المجتمع ويعكس أوضاع الناس واحتياجاتهم ويكشف عن شجونهم وهمومهم».

وشكر صحفي النقيب محمد البعلبكي على ترحيبه بالوفد في مقر نقابة الصحافة، وقال: «إن الصحافة في الجمهورية الإسلامية الإيرانية تسعى الى توسيع علاقاتها مع الدول الإسلامية خصوصاً مع لبنان، لرفع مستوى هذه المهنة في كلا البلدين، وخصوصاً أن العالم الثاني يتعرض لهجوم شديد من أميركا والصهيونية، ووسائل الإعلام في لبنان وإيران لهما علاقة وثيقة بمواجهة هذا العدوان».

نبّه نائب وزير الإعلام الإيراني محمد صحفي على «محاولة الإمبريالية الإعلامية تشويه القضايا المحقة والعدالة للعمالين العربى والإسلامي»، ودعا الى «التصدي لمثل هذه التشويهات، وتعزيز التعاون الإعلامي بين لبنان والجمهورية الإسلامية الإيرانية».

زار صحفي أمس على رأس وفد من «المجلس الأعلى للصحافة» في إيران، يرافقه السفير في لبنان مسعود ادريسبي، والمستشار الثقافي محمد حسين هاشمي والمسؤول الإعلامي في المستشارية الثقافية علي قصير، كلا من وزير الثقافة غازي العريضي ونائب رئيس المجلس الإسلامي الشيعي الأعلى الشيخ عبد الأمير قبلان ونقابة الصحافة، وتم البحث في مختلف التطورات في المنطقة فضلاً عن دور الإعلام في التعاطي مع التطورات والأحداث.

وقال صحفي بعد اللقاء مع العريضي: «وجهنا اسمى آيات الشكر والتقدير الى الوزير ومن خلاله الى لبنان حكومة وشعباً بسبب وقوف هذا البلد، العزيز على قلوبنا، الى جانب الجمهورية الإسلامية الإيرانية في كارثة الزلزال للمواساة التي أبداها اللبنانيون ومن مساعدة أخوية أرسلتها الحكومة اللبنانية الى إيران. ونحن بدورنا نتقدم بالمواساة والعزاء بالنسبة الى سقوط الضحايا اللبنانيين الأبرياء الذين كانوا على متن الطائرة اللبنانية في كوتونو».

وأوضح أنه تم التطرق الى «أجواء الزيارة التي يقوم بها المجلس الأعلى للصحافة الإيرانية الى لبنان، على

الاعلام

يومية سياسية عربية

الخميس ٨ كانون الثاني ٢٠٠٤ م □ ١٦ ذو القعدة ١٤٢٤ هـ □ السنة ٤١ □ العدد ١٠٩٨١

الوفد الإيراني جال على العريضي وقلبان والبلعبيكي صحفي: نود تعميق العلاقة الإعلامية

وشدد قبالان على ضرورة تفعيل التعاون بين وسائل الاعلام العربية والاسلامية والعالية للثلاث قضائيات المحقة الاهتمام الاعلامي العالمي، لما المطلوب تسليط الضوء الاعلامية على معاناة شعب فلسطين واستمرار الاحتلال الاميركي في العراق.

بعد ذلك، زار الوفد الإيراني نقابة الصحافة حيث استقبلهم النقيب محمد البلعبيكي الذي لفته عدم وجود هيئة عليا للصحافة في لبنان. كما هو الحال في ايران، ولذلك علينا واجب التعاون معا في سبيل جلاء الحقيقة وتشديد الاضائات الصهيونية خصوصا، والحربية المضلة والمضللة عموما. وأمل بتفعيل التعاون مع وكالة الانباء الإيرانية، وأن يكون هناك طبعة عربية.

بدوره، ألقى صحفيي كلمة هنا فيها ببدابة السنة الجديدة، شاكرا النقيب البلعبيكي على ترحيبه. وقال: «نود أن يكون هناك علاقة عميقة بين اتحاد الصحفيين في ايران والصحافة في لبنان لرفع مستوى هذه المهنة في كلا البلدين، خصوصا أن العالم الثاني يتعرض لهجوم شديد من قبل اميركا والصهيونية، ووسائل الاعلام في لبنان وايران لها علاقة وثيقة بمواجهة هذا العدوان».

ومساء، عقد لقاء في المستشارية الإيرانية في بيروت، حول «الأثر القانونية للاعلام المكتوب في لبنان وايران»، حضره عدد من المختصين بالجوانب القانونية والاعلامية في لبنان وايران.



□ الوفد الإعلامي الإيراني في نقابة الصحافة □ (تصوير: طلال سلمان)

لوضع بنود البروتوكول الثقافي الموقع بين البلدين موضع التنفيذ، مما يتيح إقامة أسابيع ثقافية إيرانية في لبنان ومثلها في ايران. وختم: «وفي نهاية اللقاء، وجهنا دعوة الى الوزير العريضي لزيارة ايران حيث نأمل أن نتاح الفرصة مرة أخرى لاستضافته، وأن نتمكن من الاستمرار في المنافسة حول كل الاسور الجديدة والبناءة للبلدين الشقيقين».

وكان صحفيي الوفد المرافق زار مقر المجلس الشيعي حيث التقى الشيخ قبالان في حضور مستشار شؤون رئاسة المجلس المحامي نزيه جمول والمسؤول الاعلامي محمد زريق.

ورحب الشيخ قبالان بالوفد مقدماً التعازي بضحاي الزلزال في ايران الى قيادة الجمهورية الاسلامية الإيرانية، معتبراً أن هذه الكارثة أصابت اللبنانيين كما الايرانيين.

جال نائب وزير الاعلام الإيراني محمد صحفيي على رأس وفد من المجلس الاعلى للصحافة في ايران على كل من وزير الثقافة غازي العريضي، ونائب رئيس المجلس الاسلامي الشيعي الاعلى الشيخ عبد الامير قبالان ونقيب الصحافة محمد البلعبيكي ورافق السفير الإيراني في لبنان مسعود الإدريسي الوفد خلال الجولة.

فبعد الظهر، زار صحفيي والوفد المرافق الوزير العريضي في مكتبه في الوزارة وتم بحث العلاقات الثنائية وقدم الوفد التعازي لوزير الثقافة بضحاي طائرة كوتونو. وقال صحفيي: «وضعنا التوازي العريضي باجاء الزيارة التي نقوم بها واللقاءات المندمجة التي سنجرها مع اصحاب الاختصاص مما يتيح اجاء التعاون الاخوي البناء بين الجسم الصحفي الإيراني ونظيره اللبناني».

اضاف: بحثنا الفصل الطرق

وفد اعلامي ايراني زار العريضي وقبلان والبلعبي : البحث في العلاقات الثقافية وسبل تطويرها



الوفد الإيراني في نقابة الصحافة

صحفي والوفد المرافق، نقيب الصحافة محمد البلعبي في مكتبه في النقابة، في حضور عدد من أعضاء مجلس نقابة الصحافة، والقي النقيب البلعبي كلمة، رحب فيها بالحضور.

وقال علينا واجب التعاون معاً في سبيل جلاء الحقيقة ولتبدل الاضاليل الصهيونية خصوصاً، والغربية المضلة والمضللة عموماً. وأمل بتفعيل التعاون مع وكالة الأنباء الإيرانية، وأن يكون هناك طيبة عربية تُوَزَّع بالوفد محمد البلعبي التعازي للوفد بضحايا زلزال بام، بدوره، ألقى صحفي كلمة أشار فيها إلى الرغبة في أن يكون هناك علاقة عميقة بين اتحاد الصحفيين في إيران والصحافة في لبنان لرفع مستوى هذه المهنة في كلا البلدين، وخصوصاً أن العالم الثاني يتعرض لهجوم شديد من قبل أميركا والصهيونية، ووسائل الإعلام في لبنان وإيران لها علاقة وثيقة بمواجهة هذا العدوان.

أضاف: نحن في إيران نعمل على نشر الحريات وارتقاء مستوى العمل الصحفي، ونحسب أنه من واجبتنا تعبئة الطاقات وزيادة التعاون في هذا المجال.

المجلس الإسلامي الشيعي الأعلى الشيخ عبد الأمير قبلان في مقر المجلس، في حضور مستشار شؤون الرئاسة في المجلس الشيعي المحامي نزيه جسيمول المسؤول الاعلامي محمد رزق، وقدم الوفد التعازي إلى الشيخ قبلان بضحايا طائفة كوتونو وتم البحث في مختلف التطورات في المنطقة فضلاً عن دور الإعلام في التعاطي مع التطورات والإحداث.

ورحب الشيخ قبلان بالوفد مقدماً التعازي بضحايا الزلزال في إيران التي قيادة الجمهورية الإسلامية الإيرانية، معتبراً أن هذه الكارثة أصابت اللبنانيين كما الإيرانيين. وتحدث عن دور الإعلام الفاعل في صرح الخلل في المجتمع ويعكس أوضاع الناس واحتياجاتهم ويكشف عن شجونهم ومهمهم.

وشدد قبلان على ضرورة تفعيل التعاون بين وسائل الإعلام العربية والإسلامية والعالمية «لتتال قضايانا المحقة الاهتمام الإعلامي العالمي، فالطوبى لتسلط الاضواء الاعلامية على معاناة شعب فلسطين واستمرار الاحتلال الأميركي في العراق».

وعند العاشرة والنصف، زار

جمال امس نائب وزير الاعلام الإيراني محمد صفحي على رأس وفد من المجلس الأعلى للصحافة في إيران على عدد من المسؤولين اللبنانيين. وقد ضم الوفد النواب في البرلمان الإيراني وأعضاء المجلس الأعلى للصحافة: علي مزروعى، الشيخ محسن، الشيخ صادق، السيد خطي، عيسى سرخيز، سفير الجمهورية الإسلامية الإيرانية سعود اندريسي، المستشار الثقافي الإيراني محمد حسين هاشمي، عضو المجلس الأعلى للصحافة الشيخ آقاي والدكتور بهريور، المستشار الاعلامي لوزير الثقافة عباس شاميار، المستشار الاعلامي واد... سي في السفارة الإيرانية توفيق حدي خوشخو، المسؤول الاعلامي في المستشارية الثقافية الإيرانية علي قصير.

الوزير العريضي

وفجر امس، زار نائب وزير الاعلام الإيراني والوفد المرافق وزير الثقافة غازي العريضي في مكتبه في الوزارة في مبنى حطب حيث تم البحث في العلاقات الثنائية ولا سيما منها الثقافية وكيفية تفعيلها. وائر اللقاء، قال رئيس الوفد محمد صفحي: «وجهنا الشكر والتقدير إلى الوزير ومن خلاله إلى لبنان حكومة شعباً اثر وقوف هذا البلد في كارثة زلزال بام والزلزال الذي ضرب منطقة كرمان للمواساة التي ابدتها اللبنانيون».

وأشار إلى «أنه تم البحث مع وزير الثقافة في المخاطر التي تحملها ما تسببه الامبريالية الاعلامية التي تحاول دائماً ان تشوه القضايا المحقة العادلة للعالمين العربي والإسلامي وكيفية التصدي مثل أوجه التشوهات».

وكان صحفي والوفد المرافق قد زاروا صباح امس نائب رئيس



العريضي ونائب وزير الاعلام الايراني والوفد المرافق (من اليمين واليسار)

نائب وزير الاعلام الايراني جال على المسؤولين؛ نعمل على نشر الحريات ورفع مستوى العمل الصحفي

جال امس نائب وزير الاعلام الايراني السيد محمد صبحي على رأس وفد من المجلس الأعلى للصحافة في إيران على عدد من المسؤولين اللبنانيين. وقد ضم الوفد النواب في البرلمان الإيراني وأعضاء المجلس الأعلى للصحافة، السيد علي مزروعى، الشيخ محسن، الشيخ صادق، السيد خطير، السيد عيسى سرخيز، سفير الجمهورية الإسلامية الإيرانية مسعود ادريسي، المستشار الثقافي الإيراني محمد حسين هاشمي، عضوي المجلس الأعلى للصحافة الشيخ القمي والدكتور بهروز، المستشار الاعلامي لوزير الثقافة السيد عباس خاميار، المستشار الاعلامي والسياسي في السفارة الإيرانية السيد توفيق حمدي خورشو، المسؤول الاعلامي في المستشارية الثقافية الإيرانية السيد علي قصير.

عند العريضي وقيبلان

وقد زار الوفد ظهر امس، وزير الثقافة شازي العريضي في مكتبته في الوزارة في مبنى خطاب حيث تم البحث في العلاقات الثنائية ولا سيما منها الثقافية وكيفية تفعيلها. ووضع بنود البروتوكول الثقافي الموقع بين البلدين موضع التنفيذ. ووجه الوفد دعوة الى الوزير العريضي لزيارة إيران. وكان نائب وزير الاعلام الإيراني والوفد المرافق زاروا صباح امس نائب رئيس المجلس الاسلامي الشيعي الاعلى الشيخ عبد الامير قيبان في مقر المجلس، في حضور مستشار شؤون الرئاسة في المجلس الشيعي الحامي نزيه جمول والمسؤول الاعلامي محمد زرق، وقدم الوفد التمازي الى الشيخ قيبان بضيافا طائفة كوتونو وتم البحث في مختلف التطورات في المنطقة فضلا عن دور الاعلام في التعاطي مع التطورات والاحداث. ورحب الشيخ قيبان بالوفد مقدما التمازي بضيافا الزئزالي في إيران الى قيادة الجمهورية الإسلامية الإيرانية، معتبرا ان هذه تذكارة أصابت اللبنانيين كما الإيرانيين. وتحدث عن دور الإعلام الفاعل في المجتمع بوصفه وسيلة فعالة لتصحيح المسار وكشف التواءات وإصلاح مسيرة المجتمع. هالاعلام يصصح الخلل في المجتمع ويعكس اوضاع الناس واحتياجاتهم ويكشف عن شجونهم ومهمومهم.

وشدد على ضرورة تفعيل التعاون بين وسائل الاعلام العربية والاسلامية والعالمية، لئلا تضل هضباننا المحقة الاهتمام الاعلامي العالمي، هالاطلوب تسليم الاضواء الاعلامية على معاناة

وتضمن للوفد الاعلامي التوفيق في جولته العربية وتعميق اواصر التعاون مع المؤسسات الاعلامية لما فيه مصلحة الامة وشعوبها.

في نقابة الصحافة

وزار صحفي والوفد المرافق، نقيب الصحافة محمد البعلبكي في مكتبته في النقابة، في حضور عدد من أعضاء مجلس نقابة الصحافة. والى التقبيل البعلبكي كلمة، رحب فيها بالحضور. بدوره ألقى صحفي كلمة هنا فيها ببدء السنة الجديدة، شاكرًا النقيب البعلبكي على ترحيبه وقال: «العام الماضي كان لنا لقاء مماثل معكم هنا. أشرنا في خلاله الى أن الصحافة في الجمهورية الإسلامية الإيرانية تسعى الى توسيع علاقاتها مع الدول الإسلامية خصوصاً مع لبنان، حيث تم تنظيم زيارة للمجلس الأعلى للصحافة للاطلاع على البرامج والأعمال التي تقومون بها، وذلك من خلال لقاء الشخصيات البارزة في هذا المجال هذا المجلس الذي شكلناه هو تجربة جديدة في إيران، ذلك ان تجربة الاتحادات هي جديدة مع العلم ان عمر الصحافة في إيران هو ١٧٠ عاماً، ونود أن يكون هناك علاقة صعبة بين اتحاد الصحفيين في إيران والصحافة في لبنان لرفع مستوى المهنة في كلا البلدين، وخصوصاً ان العالم الثاني يتعرض لهجوم شديد من قبل أميركا والصهيونية، ووسائل الاعلام في لبنان وإيران لها علاقة وثيقة بمواجهة هذا العدوان».

أضاف: نحن في إيران نعمل على نشر الحريات وارتقاء مستوى العمل الصحفي، ونعتبر انه من واجبتنا تهيئة الطاقات وزيادة التعاون في هذا المجال. رغم المشاكل التي تواجه المنطقة والتي نسعى الى حلها من خلال التعاون الوثيق في ما بيننا».



١٠ صفحة

مدير عام: السيد محمد علي العريضي
AL ANWAR
1000 شارع النخلة، بيروت ١٠٠٠٠

١٠٠٠

بيروت - الخميس ٨ كانون الثاني ٢٠٠١ السنة ١١ العدد ١٨٩٨

نائب وزير الاعلام الايراني زار العريضي وقبلان وبعليكي: ودعا الى علاقة عميقة بين الصحفيين في طهران وببيروت

المجتمع ويتكسب أوضاع الناس وحاجاتهم ويكشف عن شجونهم وهمومهم. وشدد قبلان على ضرورة تفعيل التعاون بين وسائل الاعلام العربية والإسلامية والعالمية «لنقل قضايانا الحقوقية الاهتمام الاعلامي العالمي، فالملطوب تسليط الضوء الاعلامية على معاناة شعب فلسطين واستمرار الاحتلال الاسرائيلي في العراق».

وشدّد بمؤادف الجمهورية الاسلامية الإيرانية التي تواجه مخططات وسؤاير أميركا بحسبة وشجاعة، فايران محاصرة من قبل الاستعمار الأجنبي ذلك إبان على الدول والشعوب الإسلامية التنبية إلى مخاطر المخططات التي تحوّلها أميركا ضد شعوب المنطقة ودولها فلا يجوز أن يتلخى الحكام بالأسور الجزئية ويغفلون عن مطامح أميركا التي تريد تغتصت العراق إلى دويلات وتسمى الى الاستيلاء على خيراته ولرواثة.

وتتمنى قبلان للوفد الاعلامي التوفيق في جولته العربية وتمييز أواصر التعاون مع المؤسسات الاعلامية لما فيه مصلحة الأمة وشعوبها.

... ومع العريضي

وزار الوفد الإيراني أيضاً وزير الثقافة غازي العريضي جري البحث في تفعيل العلاقات الثقافية. وشكر صحفي لبنان حكومة وشعباً بسبب وقوف هذا البلد العزيز إلى جانب اسران في كسارلة الزلزال بام وزلزال كسر سبان للسواسة التي أبداها اللبنانيون ومن مساهمة أخوية أرسلتها الحكومة اللبنانية إلى ايران. وأضاف: كما تحدثنا عن أوضاع الطريق الأسلة التي وضع بسنود البروتوكول الثقافي الموقع بين البلدين موضع التنفيذ، لأن هذا البروتوكول من شأنه أن يفتح المجال واسعاً لإقامة أسابيع ثقافية إيرانية في لبنان وأيضاً أسابيع مماثلة للبنان في العاصمة الإيرانية. ووجه صحفي دعوة الى العريضي لزيارة ايران.

تقومون بها، وذلك من خلال لقاء الشخصيات البارزة في هذا المجال. هذا المجلس الذي شكلناه هو تجربة جديدة في ايران، فذلك أن تجربة الاتصالات هي جديدة مع العلم أن عصر الصحافة في ايران هو ١٧٠ عاماً.

أضاف: «نحن في ايران نعمل على نشر الحريات وار تفاع مستوى العمل الصحفي، ونعتبر انه من واجبت تعبئة الطاقات وزيادة التعاون في هذا المجال، رغم المشاكل التي تواجه المنطقة والتي تسعى إلى حلها من خلال التعاون الوثيق فيما بيننا».

مشيراً الى أن «الاتحاد الصحفي في ايران تأسس عسعام ١٩٩٧، وأن الجالس المحلية والشعبية هي التي قامت بهذه الخطوة، ويضم الاتحاد جميع العاملين في الصحافة المكتوبة وغير الحكومية فقط، ويقوم بالدفاع عن الحقوق المادية والمعنوية للعاملين في هذا القطاع، في المجال المادي يعمل على تحسين ظر وفهم المعيشية، وسنؤويا يتابع وأوضاعهم الحقوقية والقانونية وغيرها».

عند قبلان

وزار صحفي الوفد المرافق نائب رئيس المجلس الاسلامي الشيعي الأعلى الشيخ عبد الأمير قبلان في مقر المجلس في حضور مستشار شؤون الرئاسة في المجلس المحاسي نزيه جمول والمسؤول الاعلامي محمد رزق، وقدم الوفد التعازي الى الشيخ قبلان بضحايا طائفة كوثونو وتم البحث في مختلف التطورات في المنطقة فضلا عن دور الاعلام في التعاطي مع التطورات والأحداث. ورحب الشيخ قبلان بالوفد فهدا التعازي بضحايا الزلزال في ايران إلى قسيه عاده الجمهورية الإسلامية الإيرانية. سعتبر أن هذه الكارثة سببت أليبتانيين كما الإيرانيين. وتحدث عن دور الاعلام الفاعل في المجتمع بوصفه وسيلة فاعلة لتصحيح المسار وكشف الشوائب وإصلاح مسيرة المجتمع فالإعلام يصبح الخلل في

قال نائب وزير الاعلام الإيراني محمد صحفي نود أن يكون هناك علاقة عميقة بين اتحاد الصحفيين في ايران واتحاد الصحفيين في لبنان لرفع مستوى المهنة في البلدين خصوصاً أن العالم الثالث يتعرض لهجوم شديد من قبل اميركا والصهيونية ووسائل الاعلام في لبنان وايران لها علاقة وثيقة في مواجهة هذا العدوان.

وكان صحفي زار على رأس وفد من المجلس الأعلى للصحافة في ايران في العاشرة والنصف من قبل ظهر امس، لتقريب الصحافة محمد البعلبكي في مكتبته في النقاية في حضور عدد من اعضاء مجلس نقابة الصحافة.

وألقى البعلبكي كلمة، قال فيها «لغت نظري وجود الهيئة العليا للصحافة في الجمهورية الإسلامية الإيرانية، وهذا الأمر يمكن أن تستفيد منه لأنه ليس لدينا هيئة مماثلة في لبنان، بل يوجد عدداً اتحاد الصحافة الذي يجمع بين نقابتي الصحافة والمحربين، إضافة إلى المجلس الوطني للأعلام الذي يختص بالأعلام المرئي والمسموع وليس له علاقة بالأعلام المكتوب، ويضم ١٠ أشخاص، تعين الحكومة خمسة منهم، والخمسة الباقون يعينهم المجلس النيابي، لكن الهيئة العليا للصحافة في ايران تشمل فيها كل الجهات المسؤولة وكل القطاعات. نحن في لبنان نؤمن بحرية الصحافة ودورها في الحياة الوطنية والانسانية، كما انتهر الفرصة لتشيد صداقة الجمهورية الإسلامية الإيرانية للبنان ولبنانيين، وما قدمته الجمهورية إلى لبنان من عون فاعلي في مقاومة لعدو الاسرائيلي المشترك. هذه المقابلة التي انتهت بتسجيل، ربما الانتصار الوحيد خلال تاريخ الصراع العربي - الاسرائيلي على العدو المحتل».

أضاف: «جميعنا يعرف، لا سيما في هذا القطاع، الصورة المشوهة عن العرب والمسلمين، خصوصاً عن الجمهورية الإسلامية الإيرانية، ومدى طغنان الاعلام المعادي في العالم، لذلك علينا واجب التعاون معاً في سبيل جلاء الحقيقة وتبديل الاضاليل الصهيونية خصوصاً والفريسة المضللة والمضللة عموماً. وأمل بتفعيل التعاون مع وكالة الأنباء الإيرانية، وأن يكون هناك طبعة عربية توزع، إن لم يكن يومية، اسبوعياً على كل الصحف، مع العلم أن هناك مجلة تصدر في لبنان تسمى بالعلاقات الإيرانية - اللبنانية، كما انتهر الفرصة لأؤكد للوفد الكريم مشاعير الأسى والألم لدى جميع اللبنانيين لما حل في ايران العزيزة خلال كارثة الزلزال الأخيرة التي ذهبت بعشرات الوف الضحايا، وتعتبر هذا المناب مصاباً للبنانيين».

وألقى صحفي بدوره كلمة هنا فيها ببدأية السنة الجديدة، شاكرًا البعلبكي على ترحيبه وقال: «العام الماضي كان لنا لقاء، مثالي معكم هنا، اشربنا في خلاله إلى أن الصحافة في الجمهورية الإسلامية الإيرانية تسمى الى توسيع علاقاتها مع الدول الإسلامية خصوصاً مع لبنان، حيث تم تنظيم زيارة للمجلس الأعلى للصحافة للاطلاع على البرامج والاعمال التي

الكفاح العربي

يومية سياسية مستقلة

الخميس ٨ - كانون الثاني - يناير - ٢٠٠٤ - رقم العدد ٣٦٧٣ - السنة ٤٥



1990
Chad Goss